

## قطعنامه تظاهرات و اعتصاب

### دانشجویان دانشگاه تهران

ما دانشجویان دانشگاه تهران، شرکت کنندگان در اعتصاب و تظاهرات دو روزه ۱۱ و ۱۲ بهمن ماه که بدعوت کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته بجبهه ملی بر قرار گردید اعلام میداریم. مبارزه ما که بخاطر کسب حقوق و آزادیهای قانونی ملت ایران خصوصا در امر انتخابات بود باشدت و قدرت هر چه بیشتر ادامه داشته و در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

اقدامات ضد آزادی دستگاه حاکمه در بزندان کشیدن و حتی دزدیدن رفقای ما کمترین تاثیری در اراده استوارمان نداشته و نخواهد داشت.

### پیام به خواهران و

#### برادران دانشجوی

به شما دانشجویان عزیز که در سایه پرچمهای پرشکوه سرافراشته نهضت ملی ایران به پیش گام بسر میدارید شما خواهران و برادرانیکه پسا خواسته اید تالکهای ننگ را از دامن وطن بزدا کنید و حلقه های عبودیت را از دست و پای ملت کهنسال ایران بردارید و شما که بفرمان محتوم تاریخ گردن نهاده اید و رستاخیز عظیم نهضت ملی ایران راپاری میکنید شما که مسئولیت اجتماعی و وظایفی خطیر در برابر نهضت ملی ایران که مخلوق و محصول سیر تکاملی اجتماع است بعهده دارید. شما که باید هم چنان استوار و خلل ناپذیر نبرد ملی خود را دنبال کنید و جنبش مقدس خود را دوشادوش فرامین تاریخ و نیاز ملی رهبری نمائید.

بقیه در صفحه ۲

## پیام دانشجویان

بها ۲ ریال

یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۴۹

### دانشگاه پیرو زاست

#### گزارش تظاهرات و تحصن عظیم و بیسابقه هزار

#### نفری دانشجویان دانشگاه تهران در دانشگاه

بفرمان جبهه ملی ایران و بدعوت کمیته دانشجویان وابسته به جبهه ملی دانشگاه تهران روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۱ و ۱۲ بهمن ماه دانشجویان دانشگاه یکبار دیگر نقش مؤثر خود را در پیشاپیش سربازان جبهه ملی ایفا کردند و پایه های لرزان و متزلزل هیئت حاکمه فاسد و پوسیده را هر چه بیشتر لرزاندند. دستگاه آزادی کش هیئت حاکمه پس از اعتراض روز پنجشنبه ۶ بهمن ماه دانشجویان بگریان مفتضح انتخابات عده زیادی از دانشجویان را دزدیده و بانواع حیل بزنجیر کشیده و احمقانه خیال می کرد که باخفه کردن و زندانی نمودن این افراد فریاد اعتراض دانشجویان به خود مختاری و دیکتاتوری دستگاه منفور خاموش میشود.

دانشجویان در تظاهرات شور انگیز و بی سابقه خود تحت رهبری کمیته دانشگاه وابسته به جبهه ملی بدنمای آزاد نشان دادند که تحت چه رژیم فاسد و قانون شکنی بسر میبرند و تا چه حد از اولین حقوق بشری محرومند.

بقیه در صفحه ۳

### اعلامیه تحصن

#### شورای مرکزی جبهه ملی

هم میهنان عزیز

باسپاسگزاری فراوان از استقبال پرشوری که صادقانه برای استماع سخنرانی های انتخاباتی و تائید نظریات جبهه ملی از طرف شما مردم شرافتمند بظهور پیوست چون بتقاضای کتبی و شفاهی مکرر شورای ملی آقایان نخست وزیر و رئیس انجمن نظارت انتخابات دایر بلزوم ایجاد و اوضاع و احوال برای اجرای صحیح انتخابات آزاد در سراسر کشور تا کنون

بقیه در صفحه ۴

ما راه شرف و افتخار را بزندگی اسارت آمیز ترجیح داده ایم، مامرك را بر تحمیل این همه تجاوز آشکار به منافع و حقوق ملی خود ترجیح میدهیم.

ما آماده ایم که تا پای جان در راه تحقق آرمانهای ملی و انسانی خود ایستادگی کنیم، ما اعلام میکنیم که عصر استبداد بسر رسیده، ملل استعمار بقیه در صفحه ۲

### پیام دانشجویان دانشگاه تهران

### بدانشجویان دانشگاههای جهان

#### برادران دانشجو

دانشجویان دانشگاه تهران از شما برادران دانشجو که در کناف جهان بمنظور تائید اعتصاب و تحصن ۲۸ ساعت ما اظهار همدردی نموده اید تشکر می نمایند.

همچنانکه شیوه دانشجویان جهان بوده است دانشجویان ایران نیز برای بدست آوردن آزادی های اساسی و انتخابات آزاد بمنظور تشکیل مجلس ملی از نمایندگان واقعی ملت که نخستین و بدیهی ترین حقوق يك ملت است قیام نموده و بهمراهی سایر طبقات ملت برای تامین حقوق قانونی مردم که در قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح کرده است اقدام کرده اند.

دانشجویان دانشگاه تهران قصد دارند که با پشتیبانی ملت ایران که از روش مستبدانه حکومت فاسد بجان آمده اند تا پیروزی نهائی یعنی تا روز تحصیل و تامین آزادی ملت در حدود مقررات قانون اساسی کوشش نمایند و در این راه تا سر حد جان بازی بروند. در همه حال به پشتیبانی و تائید برادران خود منتظر هستیم و امید کافی داریم وظیفه ای را که تاریخ و ملت بر عهده ما گذاشته است با پیروزی انجام خواهیم داد. پیامهای ما ادامه خواهد داشت.

#### کمیته دانشجویان دانشگاه تهران

وابسته بجبهه ملی

سلام گرم و آتشین ما به زندانیان دانشگاه و سربازان فداکار و جانباز جبهه ملی ایران

### قطعهنامه تظاهرات و اعتصاب دانشجویان دانشگاه تهران

زده و اسیر جهان بسرعت راه آزادی و استقلال را می پیمایند و در همان حال ما از کوچکترین و کمترین حقوق و آزادیهای طبیعی محروم هستیم.

ما که روزی پیشقراول و پایه گذار نهضت های ضد استعماری و آزادیخواهی شرق بوده ایم اینک تحت یک رژیم وحشت و ترور و حاکمیت دشمنان منافع و آزادی ملت قرار داریم.

دانشجویان دانشگاه این نسل برگزیده تصمیم دارند باین دوران اسارت و ذلت خاتمه دهد، ما مطمئن هستیم که در این راه از پشتیبانی همه محرومین اجتماع برخوردار خواهیم بود.

انتخاباتی که دستگاه حاکمه با وقاحت و بیشرمی تمام و با پایمال کردن آشکار حقوق ملت ایران انجام میدهد خود داغ باطله ای است بر پیشانی دستگاه و تیشه ای است بر ریشه حکومت استبدادی

ما ضمن تایید خواست های خود مندرج در قطعهنامه تظاهرات پنجشنبه ۶ بهمن می خواهیم که:

۱- دولت شریف امامی که ناتوان از اجرای یک انتخابات آزاد و قانونی است بلا درنگ استفاده کند.

۲- انتخابات فعلی باطل اعلام و شرایط لازم جهت شرکت آزادانه طبقات مردم و نیروهای ملی در مبارزات انتخاباتی تامین گردد.

۳- دانشجویانی را که بعد از تظاهرات پنجشنبه ۶ بهمن و طی تظاهرات دوازده دستگیر یا دزدیده شده اند (آنچنانکه شب گذشته کرده اند) و بالاخره همه زندانیان سیاسی جبهه ملی ایران آزاد شوند.

### پیام ما به خواهران و برادران دانشجو

بنابر فرمان تاریخ، در شرایط فعلی دنیا، میهن و ملت ما احتیاج مبرم به یک جنبش عظیم ملی دارد، جنبشی که تار و پود هیئت حاکمه را درهم بکوبد.

بله، امروز بیش از هر زمان ضرورت تاریخی ایجاب میکند که نسل جوان ایران، بیاری ملت ستم کشیده و محروم ایران که از ابتدائی ترین شرایط زیست یعنی آزادی محروم است پیا خیزد.

پیاخیزد و رهبری مبارزات عظیم ملی را بعهده بگیرد.

دانشگاه ما که مظهر کامل نسل جوان ایران و طبقه روشنفکر و آرمانخواه ملت ایران است همواره در مبارزات ملی و آزادیخواهی سهم بسزایی داشته و اصولاً پیشقراول پیشتاز جریانهای بزرگ تاریخی و ملی مملکت ما بوده است، این بار نیز برای انجام مقدس ترین وظیفه خود قصور نخواهد کرد بلکه دلیرانه تر پیا خواسته و از همه خواهران و برادران که سرشار از عشق وطن و سرافرازی هم وطنان خود میباشند یاری میجوید که فشرده تر و مصمم تر گام بمیدان مبارزه گذارند.

وحدت و هم آهنگی بی نظیر شما رزمندگان دلیر دانشگاه برای مبارزه و اعتراض با انتخابات قلابی در روز پنجشنبه ۶ دیماه نشان داد که دانشگاه پایگاهی عظیم و متحد بر علیه توطئه های ضد ملی و توطئه گران و دسیسه سازان میباشد و تصور این

یکبار دیگر تصمیم خلل ناپذیر جوانان دانشگاه را برای تحقق بخشیدن به هدفهای فوق ب همه دستگاه های حاکمه اعلام میداریم.

کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته بجبهه ملی

حقیقت هیئت حاکمه جبار را بر آن داشت که با وحشت و نگرانی زاید الوصف برای مبارزه و سیه تر با دانشگاه خود را آماده کند و بهمین علت حکومت وحشتناک و خون آشام ایران دست به ننگین ترین اعمال ضد انسانی خود زد و با دستگیری و ربودن چندین ده نفر از رزمندگان دلیر و باارزش و پر شجاعت دانشگاهی راه آزادی وطن، باردیگر ظلم و بیدادگری خود را نشان داد و ثابت کرد که برای طولانی تر کردن حکومت پوسیده و فرتوت و منززل خود هم چنان به تجاوز به قانون اساسی و پایمال کردن حقوق اساسی ملت ایران با سلب هر گونه آزادی مطبوعات فکر، بیان، قلم، اجتماعات و بالاخره آزادی انتخاب ادامه خواهد داد.

حکومت ایران عده ای از هم رزمان و هم سنگران دلیر ما را بزندان های سازمان امنیت و به سیاه چالهای تاریک و مرطوب قزل قلعه کشید و بدست دژ خیمان و جلادان سفاک بست و فرومایه سپرد ولی غافل از اینکه دستگیری عده ای از هم رزمان ما آتش وسیعی را که در درون دانشگاه شعله ور است خاموش نخواهد ساخت، هم چنانکه نتوانست خاموش سازد و دانشجویان عدالتخواه و مبارز و شرافتمند، راه بزنجیر کشیدگان را سخت تر و مصمم تر و باخشم بیشتر ادامه دادند و بدون هیچگونه بیم هر اس از حيله های دستگاه موجود و با اراده ای خلل ناپذیر و با میلی خدشه ناپذیر تظاهرات و اعتصاب و تحصن دوازده و ۱۱ و ۱۲ بهمن را بوجود آوردند و مدت ۱۲ ساعت در زیر برف و سرمای شدید و علیرغم گرسنگی و تهدیدها و عملیات ضد انسانی و خجالت آور پلیس در محوطه دانشگاه به دمو نستر اسیون خود

ادامه دادند و مدت ۱۲ ساعت نیز در دانشکده ادبیات تحصن اختیار کردند و گرسنگی و سرما را تحمل کردند و نبرد خود را بر علیه منفورترین حکومت موجود در دنیا ادامه دادند و سرانجام بفرمان دستگاه رهبری جبهه ملی ایران به اعتصاب و تحصن خود پایان دادند اگرچه میخواستند تا آغاز ظفر آنرا ادامه دهند ولی هیئت حاکمه محکوم بزوال ایران بداند که این اقدام تنها ذره ای از آنچه که در آینده نزدیک باید انجام شود و حتماً انجام خواهد شد، بود و بیکار عظیم پی گیر و همه جانبه دانشگاه و مات ایران ادامه خواهد یافت.

اکنون که دوران سیاه و تاریک حکومت های پو شالی و آلت دست بیایسان رسیده و حکومت های فاسد و دست نشانده روز بروز و یکی پس از دیگری متلاشی میشوند و بگور خود فرو میروند، امروز که طوفان خشم ملت ها بنیاد ظلم و فساد دولت های ضد ملی را در سرتاسر جهان درهم نوردیده است، حکومت ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و اکنون که در سراسر ایلی هولناک نیستی خود افتاده است برای استوار نگه داشتن پایه های لرزان حکومت خود به تلاش های مذبوحانه دست زده و میخواهد با دستان بی رمق خود حلقوم ملت ستم دیده ایران را هم چنان بفشارد!

اینان (هیئت حاکمه) که چون سودا گران سود جوی وجدان فروش بر سر این خوان یغما نشسته و آخرین شیرهای جان این ملت را نچ دیده را می کنند و از آن بر حجم ذخائر خود در بانکهای خارجی میافزایند و برای خود و فرزندان خویش تسامین آتیه میکنند و بساط عیش و نوش بقیه در صفحه ۳

## پیام ما بخوان

خود را باید بخت کردن میلیونها فرد ایرانی برپا می کنند، اینان برای انجام مقاصد پلید و غیر انسانی خود مملکت را تبدیل به گورستان تاریک و ظلمانی کرده اند که در آن انواع بیعدالتیها، حقیقت گشایها، بیدادگریها نابسامانیها ادامه دارد.

شاید اینان نمیدانند که سیر تاریخ در جهت آرمانهای بزرگ ملی و بشری و تمایلات و هدفهای مترقی میهنی است و چرخ زمانه متوقف نمیشود. شاید اینان نمیدانند و نمیخواهند بدانند که آینده و پیروزی از آن نیروهای ملی است و یا در اثر حکومت قوانین تاریخ بر سر نوشت ملتها سرانجام لیانت و شایستگی پیروز میشود و به دوران فرمانروایی صاحبان زر و زور پایان داده میشود و نیروها یزدانی بر قوای اهریمنی چیره میشود و شاید اینان از محاکمات جزیره یاسی آدا که عبرت انگیزترین درس تاریخ می تواند برایشان باشد پند نگرفته اند!!

هیئت حاکمه ایران باید بدانند که ابتدائی ترین اصل مسلم و مشروع حقوق ملت ایران یعنی حق حاکمیت بر سر نوشت خود، اصلی نیست که بتواند مورد مسخره دولت قرار گیرد و نیز آگاه باشد، دانشگاهی که در طی هفت سال گذشته در اثر فشار هیئت حاکمه با سکوت در دناک رو بر روبرو بوده و امروز در مقابل یک آزمایش بزرگ ملی قرار گرفته است، با تمام قوا خود را مجهز ساخته و خواهد کوشید تا توطئه را نقش بر آب سازد و بندها را بگسلد و دانشجویان دانشگاه که بین خون خود و خاک میهن بیمان بسته اند با نقش رهبری کننده خود علیه غم کلیه مشکلات و در عین برخورد با مخوفترین و وحشتناکترین زشتیهای موجود، پیکار و ستیز همه

جانبه و بیگیر خود را که چندی است بر علیه اسارت و فقر و جهل و بیماری شروع کرده اند تا پای جان ادامه خواهند داد و سرانجام ضربه جانکاه و خورد کننده خود را بر پیکر هیئت حاکمه و جابر ایران وارد خواهند ساخت و دماغ این حکومت فرتوت رو به اضمحلال را بخاک خواهند مالید و این ملت حرمان دیده اسیر و استعمار شده را از زیر زنجیر گران بندگی و بدبختیهای طاقت فرسارها خواهند ساخت. ما بهیئت حاکمه هشدار میدهم که دانشگاه سرانجام به خود سربهای او پایان خواهد داد و عنان اختیار این ملت را بدست همین ملت خواهد سپرد و او را بر سر نوشتش مسلط خواهد ساخت. ما بنام شما دانشجویان و خواهران و برادران ارزنده خود به هیئت حاکمه و رئیس دولت اعلام میکنیم:

که علیه غم توطئه ها و اقدامات خلاف قانون آنان بمبارزه خود ادامه خواهیم داد و اگر بجای دهها و بلکه صدها نفر، هزاران نفر را بزنند بیفکنند تا آخرین نفر سنگر را ترک نخواهد کرد و همچنان بر علیه اهریمنان میهن و وطن فروشان و مزدوران چاپلوس آنها تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون بمبارزه ادامه خواهد داد.

ما اعلام میکنیم که یا دانشگاه را بزنند رسمی دانشجویان تبدیل کنند و بر سر در آن تالموی «زندان آزادی» خواهند نصب کنند یا دانشگاه بناچار الهام بخش آزادی ملت ایران خواهد بود.

دانشجویان ارزنده، خواهران و برادران مبارز و دلیر و آزادی خواه با کوشش و تلاش مشترک

## دانشگاه پیروز است

صبح روز سه شنبه در جلوی هر دانشکده عموم دانشجویان همان دانشکده با شور و شوقی زاید الوصف اجتماع کردند و سپس حرکت آنها در صفوف منظم ۸ نفری از ساعت هشت و نیم از جلوی دانشکده ادبیات آغاز گردید و در مسیر خیابانهای دانشگاه دسته های مختلف بصوف منظم آنها پیوستند و همگی در محوطه جلوی ساختمان دانشکده حقوق اجتماع نمودند.

در این هنگام که تعداد دانشجویان پر شور و قهرمان به متجاوز از ۹۵۰۰ نفر رسیده بود با خود شعارهای پارچه ای حمل میکردند که روی آنها شعارهایی از قبیل « زندانیان دلیر دانشگاه باید آزاد شوند » و « انتخابات در شرایط کنونی غیر قانونی است » و « دولت شریف امامی باید استعفا دهد » نوشته شده بود. در جلوی دانشکده حقوق یکی از دانشجویان از روی نوشته مطالبی دایر بر اعتراض نسبت به عدم آزادی انتخابات و اعتراض بایجاد محیط ارباب و تهدید و عدم تامین اجتماعی و همچنین دستگیری عده کثیری از دانشجویان دانشگاه قرائت کرد (گوینده این خطابه روز روز بعد یعنی چهارشنبه توسط ماموران پلیس حکومت زور و قلدری دستگیر و بزنندگان کشیده شد) و مجدداً صفوف فشرده دانشجویان در حالی که بانهایت نظم و متانت شعارها را بدنبال خود هر چه زود تر این نظام پوسیده را فرو ریزید و نشان دهید که « علت » حوادث تاریخی کشور خود هستند معلول آن. و ثابت کنید که باید و میتوانید « خالق » سر نوشت خود باشید و مخلوق آن نیستید! همه با هم بفرمان جبهه ملی ایران برای استقرار آزادی و رزی ملت ایران بکوشیم.

شعار دهندگان تکرار می کردند یکدیگر و دیگر خیابانهای دانشگاه را بیموده و مجدداً در مقابل دانشکده حقوق اجتماع کردند در این دموکراسیون فریادخشم و نفرت دانشجویان از انتصاب نوکرانی بنام نماینده ملت و زندانی کردن عده ای از فداکاران سرین فرزندان وطن بجرم آزادیخواهی و انسان بودن محیط تهران را تکان داد در اجتماع دوم نامه عده ای از رهبران جبهه ملی که برای عملی شدن تقاضاهای ملت ایران در مجلس سنا متحصن شده اند قرائت گردید (متن این نامه در همین شماره چاپ شده است) و سپس برنامه ای بشرح زیر اعلام شد که: « بدستور کمیته وابسته به جبهه ملی دانشگاه کلیه دانشجویان تصمیم گرفته اند با کسب اجازه از مامورین انتظامی با انضباط کامل و با منتهای سکوت و نظم و آرامش بوزارت کشور بروند و در آنجا فریاد اعتراض خود را به قانون شکنی ها و بیدادگریهای هیئت حاکمه و عدم آزادی انتخابات بسمع ملت ایران و تمام جهانیان برسانند و در صورتی که پلیس از دموکراسیون سیون ممانعت بعمل بیاورد در خانه خود (دانشگاه) ۲۴ ساعت متحصن خواهند شد.

دانشجویان بطرف در خروجی دانشگاه حرکت کردند ولی در ابتدا در روبروی آنها بسته بودند و پس از مدتی از طرف دانشگاه در باز شد اما مرزی از پلیس آماده و مجهز و همراه با ماشین آتش نشانی برای درهم کوبیدن دانشجویان تشکیل داده و بدین ترتیب راه را بر تظاهر کنندگان بستند و دانشجویان بر طبق دستور کمیته دانشگاه وابسته به جبهه ملی به پشت میله های خیابان جنوبی دانشگاه رفتند و خشمگین و بقیه در صفحه ۴

## دانشگاه پیروز است

عصبانی از مقاصد پلیس هیئت حاکمه و نیرنگها و حیلها و رباهای دستگاه حاکمه، شعارهایی را که کمیته دانشگاه تعیین کرده بود بی دریغ و با صدای هر چه بلند تر و با شدت و شور و شوق هر چه بیشتر تکرار میکردند و بدین ترتیب ندای مظلومیت و حقانیت خود را بگوش مردم بیرون دانشگاه میرسانیدند.

در این هنگام یکی از استادان محترم دانشگاه برای دانشجویان و در تائید آنها سخنرانی کوتاهی کردند.

هنگام ظهر مردم از وسط میله های دانشگاه علیسرغم مخالفت و آزار پلیس نمان و میوه بزندانیان دانشگاه میرسانند و اکثرا تسویف میشدند و منظره ای بوجود آمده بود که ایکاش آزادیکشها و عاملین این رسوائیهامیتوانستند عظمت و ابهت آنرا درک کنند.

دانشجویان دانشگاه های کشاورزی و دامپزشکی و معقول و منقول و پلی تکنیک و دانشسرای عالی نیز برای پیوستن بپیرادران و خواهران خود آمده بودند که پلیس ممانع دخول آنها به دانشگاه شد.

بعد از ظهر نمایندگان دانشجویان از پیش وزیر کشور و رئیس پلیس تهران بازگشته و در گزارش آنها این نکته از گفته وزیر کشور قابل توجه بود که: اگر بجای ۹۵۰۰ دانشجو صد هزار نفر هم اجتماع کنند ذره ای بحال ما و کار ما تاثیری ندارد! (زهی تاسف)

ساعت ۴ بعد از ظهر نطق پر شور یکی از دانشجویان در بر نامه های جالب تظاهرات بود و علاوه بر این سخنرانی های مختلفی نیز انجام شد، پلیس شدت اجتماعات بیرون را که بندای دانشجویان پاسخ می گفتند متفرق میکرد و ثابت مینمود که انتخابات و همه چیز در این

## مملکت آزاد است!

از ساعت ۸ دانشجویان با نظم کامل بکری دورهای دانشکده ادبیات رفتند و تحصن با عظمت و تاریخی خود را بشب رساندند در این ساعت صندوقهای ساندویچ از خارج مرتب میرسید و توزیع میشد ولی ماسفانه عده ای از دانشجویان که اضطراب از جهت تلفن کردن بمنازل خود بیرون میرفتند، اکثرا بوسیله پلیس دزدیده و باز نمیکشتند!

جای دوشیره و خانم های دانشجو و مبارز طبقه بالای دانشکده ادبیات تعیین شده بود و دانشجویان در تمام راهروها از تاریخی ترین و عزیز ترین شب عمر خود صحبت میداشتند، در حدود ساعت یازده و لوله شکننده ای ز بر سقف دانشکده پیچید، آقای دکتر بختیار بمیان دانشجویان آمده بودند این موقع شور و کف زدن دانشجویان ساختمان با عظمت ادبیات را به معنی واقعی میلرزاند آقای دکتر بختیار پس از تشکر از پایداری و مردانگی دانشجویان قرار گذاشتند صبح فردا باتفاق آقای دکتر سنجابی بدانشگاه بیایند و به تحصن دانشجویان هر چه بر شکوه تر خاتمه دهند، عضو محبوب شورای مرکزی جبهه ملی در میان هورا و فریادهای دانشجویان بدرقه شد...

اول صبح چهارشنبه ۱۲ بهمن ماه با خواندن دسته جمعی سرود جبهه ملی ایران آغاز گردید و اثر بی جوابی و کوفتگی همه را بکلی از بین برد... پس از شروع برنامه امروز و اسرار سخنرانیهای مختلف قطعنامه تظاهرات خوانده شد، که در این شماره بنظر خوانندگان میرسد. در ساعت ۹ خبر رسیده بود که اجتماع عظیمی از طبقات مختلف در میدان ۲۴ اسفند تشکیل شده و دانشجویان را تایید و تقویت میکنند و بازار در شرف اعتصاب عمومی است و تمام

طبقات همدردی خود را اعلام داشته اند.

کمیته جبهه ملی دانشگاه پس از ۲۶ ساعت تحصن تصمیم گرفت دانشجویان با آرامش و متانت کامل در صف های ۶ نفری از دانشگاه خارج شد و بطرف میدان ارك بروند، بخصوص که خبر رسیده بود که پلیس دستگاه منفور حاکم مانع از آمدن آقایان دکتر سنجابی و دکتر بختیار بدانشگاه شده اند.

دانشجویان که در صف مقدم شان خواهران دانشجو باشعارها حرکت میکردند دانشگاه را ترک گفتند خیابانها و اطراف دانشگاه را پلیس بی شماری اشغال کرده بود، و همان نزدیک میله ها جلو دانشجویان را گرفتند و آنان فوری با سکوت کامل بر زمین نشستند، کمی بعد دستگاه ریاکار و دروغگو و حقه باز نیرنگ خود را بکار برد و راه باز کرد، پس از پیوستن دانشجویان خارج بصف های متشکل حمله دژ خیمانه اول با ماشین های آتش نشانی و

بعد با باطوم های کشنده شروع شد و سروسینه افراد بیگناه و بسی دفاع را شکست نقطه اوج تظاهرات دو روزه دانشجویان از همینجا شروع شد، جمعیت انبوه و بی حساب که بهیچوجه نمیخواستند با پلیس بمقابله پر دازند باشعارهای دسته جمعی

## « یامرک یا آزادی »

«دانشگاه پیروز است» انتخابات قلابی است « بطرف میدان ارك بحال دو در آمدند سه پرچم بزرگ در پیشاپش و جمعیت کثیری در پشت سر، طول خیابانهای شاهرضا، بهلوی شاه و فردوسی را پیمودند و پلیس مأمور نیز بدنبال شان راه افتاد دانشجویان بافداکاری و از جان گذشتگی تمام توانستند چهره کسریه و وحشتناک هیئت حاکمه را بفرد فرد مردم برای يك بار دیگر نشان دهند، جلو مسجد ارك

## اولیه «تحصنین»

عملی که متضمن تامین آزادی انتخابات باشد صورت نگرفته و برخلاف وعده های صریح رئیس دولت انتخابات کشور بوسایل غیر قانونی در محیط ارباب و تهدید و اختناق انجام میگردد و بانوجه بعلم و اسباب مصرح در قطعنامه مورخ دهم بهمن ماه ۱۳۳۹ - شورای جبهه ملی ایران که تاکنون بجمع طرق قانونی متوسل شده و ماسفانه نتیجه مطلوب بدست نیاورده ناگزیر در مجلس سنا تحصن جسته و بوسیله ریاست محترم مجلس سنا عملی شدن تقاضاهای زیر را خواسته است:

اولا - انتخابات قطعی مجلس شورایی بعلم و اسبابی که در انتخابات سابق غیر قانونی و باطل شناخته شده و فعلا نیز همان اسباب و علل موجود است باطل اعلام شود و بلافاصله انتخابات جدید بروفق اصول قوانین اساسی و قانون انتخابات و اعلامیه جهانی حقوق بشر آغاز گردد.

ثانیا - بهمان علل و جهاتی که حکومت سابق استعفا داد حکومت فعلی نیز که با انتخابات آزاد بنفع کشور توفیق نیافته است استعفا کند و حکومت بی طرفی جانشین آن شود.

ثالثا - کلیه دختران و پسران دانشجو و کسانی که در جریانات غیر قانونی فعلی توقیف شده اند آزاد گردند و به تظییقات گوناگون نسبت بازادیهها و حقوق ملت خاتمه داده شود:

شورای مرکزی جبهه ملی

همان وحشیگریها را در خانه خدا نیز با باطوم زدن و آزار بی اندازه آیتاله طالقانی و سایر روحانیون ارجمند تکرار کرده اند این بود خلاصه ای از تظاهرات واعتصاب تاریخی و بخار آمیز دانشجویان قهرمان و آزادیخواه دانشگاه تهران.

عامل اقتصاد و سیاست استعماری، یعنی هیئت حاکمه دشمن سرسخت ترقی هنر و علم و فرهنگ است. چرا که باطلوع آفتاب فرهنگ، باید خفاش وار از میهن ما بگریزند. ملی کردن دبیرستانها، افزایش شهریه. امتحان ورودی برای سال اول دبیرستانها و بستن درهای دانشگاه بروی انبوهی عظیم از فارغ التحصیلان و نگشودن مدارس و مؤسسات حرفه‌ای برای آنان، حقوق کمتر از مستخدم معلمین، آلودن ساحت مقام مدارس و دانشگاه ها با قدم های پلیس مخفی، بزندان کشیدن و شکنجه دادن دانش آموزان و دانشجویان و معلمین و بالاخره همه روشنفکران، جلو گیری از چاپ کتب مفید علمی و نشر روزافزون نشریات و کتب فاسد و روزی نامه‌ها، و رنگین نامه‌ها، همه دلایل روشن و قاطعی است بر اینکه فقط و فقط دیو ظلم و جهل پاسدار کاخ متزلزل هیئت حاکمه ضد ملی و ضد آزادی است.

همرزمان عزیز، مبارزات پرشور و قاطع شما، از یکسوهیچون ضرباتی سهمگین بر یکر محضر هیئت حاکمه و فرهنگ استعماریش فرود می آید و ادا به مرگ ابدی نزدیک می سازد و از سوی دیگر شوق مبارزه را در دل ما دانشجویان و دگر رزمندگان جبهه ملی دودند چندان می کند.

پیوسته باد مبارزات پرشور و بی گریز و دلیرانه شما رزمندگان راه آزادی و وطن و سنگر جبهه ملی. درود آتشین بشما دلاوران آزاده که گلیانک پاکتان، نوید و امید فردای روشن را در دل ملت ستمکش ایران حیات می بخشد.

اعتصاب معلمان تهران!

روز چهارشنبه ۱۷ اسفند ماه، معلمین تهران با اعتصاب بی نظیر و پر جلالشان فریاد اعتراض خود را بخاطر عدم توجه به خواست های منطقی و قانونیشان، بگوش جهانیان رسانیدند. پیام دانشجو - همبستگی معلمان تهران را صمیمانه تهنیت می گوئیم و پشتیبانی خود را از خواسته های آنان اعلام می داریم.

اخبار نمونه انتخابات آزاد

مردم قهرمان بروجن (چهارمجال بختیاری) هفته ها و ماههاست که علیه کاندیداهای تحمیلی دولت استقامت کرده و می کنند. چند روز قبل فرماندار برخلاف قانون انتخابات از اشخاصی که واجد صلاحیت نبودند و ساکن محل نیستند، دعوت کرد تا انجمنی طبق دلخواه خود، مطیع و فرمانبردار بسازد. مردم علیه این اقدام فرماندار که متأسفانه در تمام کشور بوده با کمال متانت نمایشات اعتراض آمیز دست زدند ولی گلوله ژاندارمها تنها پاسخی بود که دولت شریف امامی بتقاضاهای قانونی مردم بروجن داد. در این جریان شش نفر کشته و عده زیادی مجروح شدند. هم اکنون يك گردان سرباز اعزامی از اصفهان بروجن را محاصره و کلیه ارتباطات این شهرستان را با سایر نقاط مملکت قطع کردند. اینست يك نمونه دیگر از اعمال آزادیخواهانه !!

و بسیار شرافتمندانه !! دولت در اجرای انتخاباتی که کوس رسوائی آن بر سر بازارهای جهان کوفته شده و ملت ایران هرگز برای آن اعتباری قائل نیست. خبری از تبریز

تبریز - تهران ۲۱۰۵ ك ۱۰۵ ت ۱۶ ۳۹۱۲۰۱۶ جناب آقای صدر الاشراف رئیس مجلس سنا - رونوشت روزنامه کیهان - رونوشت خواندنیا - بکشنه ۳۹۱۲۰۱۴ دانشگاه تبریز نیز بدنبال دانشگاه تهران بسته شد. دانشجویان با اجتماع در خیابان ها نسبت باین عمل غیر قانونی و بدون دلیل، اعتراض کردند. دانشجویان تبریز گشایش بدون قید و شرط دانشگاه های تبریز و تهران و آزادی دانشجویان زندانی و رسیدگی به درخواستهای ملی و قانونی آنها را از اولیاء مربوطه خواستارند.

از طرف دانشجویان دانشگاه تبریز - فریدون بابائی - خامنه ای عبدالرحیم عزیزی بابائی - محمد باقر بارفروش خبری از مشهد

دانشجویان دانشگاه مشهد ضمن اعتراض به تعطیل دانشگاه تهران و بازداشت دانشجویان، با تظاهراتی پرشکوه از خواسته های قانونی دانشجویان دانشگاه تهران حمایت کردند و با اعتراض قانونی دانشجویان، دانشگاه مشهد نیز بدنبال تعطیل دانشگاه تهران و تبریز، تعطیل شد.

اعلامیه دانش آموزان قزوین وابسته بجبهه ملی

پیام دانشجو

نشریه

سنگین نمی شد این همه خواب ستمگران می شد گر از شکستن دل ها صدا بلند صائب تبریزی

کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته بجبهه ملی بها ۵ ریال ۱۴۰۱۴۰۱۴

بخش آموزشی «سائتر الیزم دمکراتیک» «۱»

درلین چند هفته که بخاطر حساسیت تاریخی آن هیئت اجراییه مرکزی جبهه ملی و کمیته مرکزی آن در دانشگاه در برابر حوادث فراوان و احیاناً ساکبانی، ناگزیر به اخذ تصمیمات فوری و غیره ترقه ای بوده است، گاهی برخی از این تصمیمات بانظر بهضی از همزمان ما، هماهنگ نیامد. خوشبختانه در این گونه موارد دوستان آبدیده و همسنگران رسمی ما جملگی در حل این مشکل که چگونه باید این اختلافات کوچک نظری را آتش زد کرد و به وحدت رسانید، پیروزر آمدند. اختلافی که وجودش دهر سازمان - خواه سیاسی - خواه غیر سیاسی - علی الخصوص جبهه ملی که جبهه آزادگانت اجتناب ناپذیر می باشد؛ ولی مهم، شناخت و رفع و استفاده از آنست. اما گروه معدودی از دوستان هواخواه (سمپاتیزان) و پرورش نیافته ما از گشایش این مشکل عاجز آمدند.

اینان را می توان بدو گروه تقسیم کرد:

اول، جمعی که بیپایه حفظ سائترالیزم (مرکزیت)، ولی در واقع ایمان به دسپوتیسم (استبداد و مطلق العنانی)، معتقد بودند، باید بدون کمترین اندیشه و تردید، فرمان مسئولین را بخاطر ایمانی که بآنها داریم، بیدرنگ گردن نهاد.

دوم، عده ای که بدستاورز لیزوم دمکراسی ولی در حقیقت اعتقاد به آنارشیزم (هرج و مرج طلبی) نظر هر کس و منجمه مسئولین و رهبران را بدون تأمل در مقابل «عقل کل» خویش بجیزی نمی گرفتند و می خواستند همچنان به خود کامگی خود باقی مانند. گروه اول این نکات اساسی را نادیده می گرفتند:

۱- جبهه ملی که یکی از خواسته های اساسیش، آزاد و آزادگی است و می خواهد و باید خود نمونه عالی اجتماعی مرکب از انسانهای آزاد و آزاده و آگاه و واقعی باشد، با تعبد فاشیستی و اطاعت کور کورانه سخت مخالف است. اطاعت کور کورانه روح و اندیشه خلاق و برابر انسانی را پژمرده و نازا می کند و او را بماشینی بدل می سازد و از کوچکترین گلابه و سوء تفاهم و اختلاف نظر، چون از تظاهر و بیان آن جلو گیری شده است، عقده های کور روحی و اختلافات عمیق عاطفی و نظری را بیازمی آورد.

۲- هر عضو سازمان آزادیخواهی، بخصر ص دانشجوی و روشنفکر، اولاً نیازمند روابط سازمانی دمکراتیک است تا با پیشنهادات و انتقادات اصلاحی - که حق و وظیفه اوست - برای برانه و نقشه صحیح تر، مددکاری کند ثانیاً برای او ایمان قلبی بعد از ابقان عقلی حاصل می شود و باید حاصل شود. از اینرو، او را با فیدئیسیم (مقدم داشتن ایمان بر علم) سر و کاری نیست.

۳- اگر رهبری در انتخاب تا کتیک ها، بخاطر رفت و با تذکر صمیمانه اعضا ساده راه درست را دریافت، نباید بداشت رهبری زبون و اسیر سر کشی های جسارت آمیز اعضا معمولی شده است. زیرا اولاً تاریخ بیاد ندارد که هیچ انسانی حتی در عالیترین قله کمال، از خطا مصون باشد. ثانیاً با اعتراف و اصلاح خطا، رهبری نه تنها از ارج خود نمی کاهد بلکه شایستگی، واقع بینی و وارستگی خود را از غرور و تعصب نشان میدهد. اصولاً خطا که از برجسته ترین رهبران سیاسی و غیر سیاسی نیز سر زده است و سر میزند، عیب نیست، عیب در عتراف نکردن و مهمتر از آن نشناختن علل خطا، برای پیش گیری از تکرار آنست. رهبری و وظیفه دارد برای استحکام و تکامل سازمان، میکرب های خطا را بشناسد و بشناساند و از اعتراف بموقع، بیپایه سوء استفاده دشمن نگریزد. زیرا هیچگاه ضرر سوء استفاده دشمن از زبان میکرب هائی که هر لحظه سازمان را به تکی و احیاناً نامرک میکشاند، بیشتر نخواهد بود. از سوی دیگر اساساً خطا با حقیقت تلازم دارند. تا خطائی نباشد حقیقتی نخواهد بود. خطا زائیده حقیقت است.

انعکاس جنبش ملی مردم ایران

مجله برتیراژ و مشهور و متفرد امریکائی تایمز چنین مینویسد:

تظاهرات دانشجویان

دوازده هزار دانشجوی دانشگاه تهران در خیابانها تظاهرات برداخته و برای تامین آزادی انتخابات فریاد اعتراضشان بلند بود ولی تظاهر کنندگان با پلیس و ماشین های آتش نشانی که با فشار قوی آب سرد میباشید، مواجه شدند. این مجله آنگاه به بحثی در زمینه دورنمای سیاسی ایران پرداخته و مینویسد: «هفته گذشته کاملاً روشن شد که انتخابات فعلی به مراتب سنگین تر و کثیف تر از انتخابات هفت ماه پیش است. در این مبارزه (انتخاباتی) فقط یک حزب بدون اینکه کرسی بدست آورد قدرت شکر ف خود را نشان داد و این حزب همان حزب اتلافی جبهه ملی است که از پیروان محمد مصدق تشکیل شده است. محمد مصدق نخست وزیر سابق ایران همان

دانشجویان دانشگاه تهران فندان تأثر انگیز مرحوم سید محمود فریمان فرزندان دلیر و باتقوای وطن و عضو شورای مرکزی جبهه ملی را بموم هموطنان عزیز تسلیت میگویند

۴ - اساساً در هر «کل» خواه سازمان سیاسی یا ارگانیک انسان، خواه یک ماشین یا یک بنای سیمانی؛ یک «جزء» هر قدر صاحب ارزش و نقش عظیم باشد (مثلاً دستگاه رهبری) نتواند ارزش و نقش آن «کل» را دارا باشد. «اجزاء» معمولی هر چند بسیار ناچیز هم باشند، نقش و وظیفه‌ای دارند و عضو ساده یک سازمان سیاسی با اطاعت ماشینی، خود را تقریباً تا به پایه «هیچ» تنزل میدهد. گروه دوم به ارزش این مطالب اصولی می‌تواند توجه کند.

۱ - کار سیاسی از آشپزی و پالان دوزی ساده تر نیست. در حالی که برای مداوای جسمانی یک فرد لااقل شش سال تجربه نظری و عملی - آنهم بر اهنامی دهها استاد - لازم است، برای ممالجه بیماریهای پیچیده ترین پدیده‌ها، که مرکب از میلیونها فرد انسانی است یعنی جامعه، نباید فقط به «علم لدونی» و تجربیات اندک «شخصی» اکتفا نمود و احیاناً بدون داشتن تجربیات قابل ذکر در زمینه نظری و عمل و عدم اطلاع از علل تصدیهات و دستورات، بجای اطاعت از مسئولین، فرمان شخصی صادر کرد. زیرا این، جز خودکامگی و مرج طلبی تکروی، و نطفه پدیده خطرناک فراکیونیسیم (دسته بندی) و نشانه عدم قابلیت برای کار جمعی چیز دیگری نیست. اولین شرط انتقاد شعور و آگاهی کافی است و یک سازمان برای ایجاد روابط دمکراتیک قبل از هر چیز باید شعور اعضا خود را بالا ببرد.

۲ - در مقتضیاتی که تجربیات تلخ گذشته، ما را بساله وحدت هر چه استوارتر دستجات و عناصر ملی، بسیار حساس کرده است، و هیئت حاکمه وطن فروش و مستبد، مثل دیگر کشور های مشابه، شدت دربی تفرقه اندازی و لکه دار کردن مبارزات مقدس ماست، در همه وقت و در همه جا، نزد دوست و دشمن، هباهوی مخالف بپا کردن و قصد تحمیل عقاید خام خود را داشتن، نشانه استقلال فکری و آزادی دانشجوئی و روشنفکری نیست. قبل از هر چیز، معرف عدم شناسائی حساسیت فراوان وحدت نیروهای ملی است با توجه بآنچه مذکور افتاد میتوان نتیجه گرفت:

- ۱ - اگر دسیوتیم دسته اول و یا آنارشسیم گروه دوم را منبای روابط سازمانی دهیم سازمان خود را که تار و عریوب عمیق و اساسی فوق الذکر کرده ایم
- ۲ - ساترالیسم ادعایی است اول، چیزی جز دسیوتیم نیست، زیرا یکسره از دمکراسی و انتقاد خلاق بیگانه است.
- ۳ - دمکراسی لفظی گروه دوم در عمل همان آنارشسیم است، زیرا مانند اکثر بدون رهبر در آن نشانی از ساترالیسم واقعی و نیرو بخش نمیتوان سراغ گرفت.
- ۴ - بنا بر این، ساترالیسم و دمکراسی - که بظاهر مانع العجم اند - بدون یکدیگر، ماهیت خود را از دست میدهند. از اینرو، برای دفع عیوب تفرق آنها و کسب محاسن تجمع آنها، باید دمکراسی را مانند وحی در بدن ساترالیسم دمید و بر منبای ترکیب آندو یعنی «ساترالیسم دمکراتیک» سازمانی بنیان گذارد زنده و نیرو مند؛ سازمانی با اطاعت آگاهانه و اقتاد صمیمانه، سازمانی در خور و مقوم و مقوی بر نامه و وظایف جبهه بنا بدلائیل فوق است که ساترالیسم دمکراتیک را جبهه ملی بعنوان شاهره ای برای وحدت عمیق و پایدار - وحدت نظری، عاطفی، عملی، برگزیده است.

ما دانشجویان دانشگاه تبریز نفرت عمیق خود را از اعمال غیر قانونی دولت ابراز میداریم. ماراه خواهران و برادران خود را با پیگیری تمام دنبال میکنیم و اجازه نمیدهیم که یش از این بطبقه دانشجویان ایران توهین شود ما مصر امیخو اهیم

۱ - دانشگاه تهران هر چه زودتر باز شود

۲ - دانشجویان زندانی دانشگاه تهران آزاد شوند

۳ - مجلسی قلابی دوره بیستم هر چه زودتر منحل شود

۴ - آزادی اجتماعات و مطبوعات به مردم ایران داده شود

پیروزباد همبسته ای دانشجویان ایران - درود فراوان بدانشجویان قهرمان دانشگاه تهران - موفق باد مبارزه ملت ایران در سنگر جبهه ملی

دانشجویان دانشگاه تبریز

دانشجویان دانشگاه تهران سال نورا با این امید که سال پیروزی مبارزات ملی و رهائی ملت از قید و بند حکومت استبداد است به هموم هموطنان ارجمند تبریک میگویند

افتخار به علمدین شریف و دانش آموزان دلیر سراسر کشور

دانشجویان دانشگاه تهران هنوز هم به بازداشت کلیه دانشجویان زندانیان جبهه ملی شدیداً اعتراض میکنند

کمیکه برای حفظ جان از آزادی صرف نظر کند استحقاق آزادی را ندارد

فرانکلین

مردن در حالیکه انسان بر پای ایستاده است بهتر از زنده ماندن و بر وی زانو خیزیدن است

همینگوی

کسی است که چند سال پیش بزندان افتاد و از سال ۱۹۵۶ که از زندان خلاص شد تا کنون در خانه خویش تحت نظر میباشد. هفته گذشته که آرا را قرائت کردند موقعیت جبهه ملی در تحریم انتخابات روشن گردید. زیرا در پایتخت ایران که ۶۰ هزار فرمیتوانند رای بدهند فقط شصت و پنجاه رای گرفته شده است. یازده نفر از سیاستمداران مشهور جبهه ملی در عمارت سنا که ۷۲ میلیون تومان خرج بنای آن شده است، متحصن شدند ولی در تحصن گاه بصورت زندانی درآمدند و ارتباط آنها با خارج قطع شد. بطوریکه یک نفر چلو کبابی مشهور ایرانی که برای آنها چلو کباب آورده بود، پس از خروج از عمارت سنا، وسیله مأمورین انتظامی توقیف و زندانی گردید.

از روزنامه آلمانی تا کس اسینگل چهاردهم فوریه ۱۹۶۱:

تهران - یونایتد پرس - در آخر هفته تهران صحنه زد و خورد بود - پس از یک اعلامیه رسمی معلوم شد که شش پاسبان - دو مأمور آتش نشانی و ده نفر از اعتصاب کنندگان مجروح و هشتاد نفر دانشجو به زندان کشیده شدند. اعتصاب کنندگان دانشجویان وابسته بجبهه ملی بودند و درخواست میکردند که از آزادی بیشتری برخوردار شوند و دولت شریف امامی برکنار شود.

از نیویورک تایمز چهاردهم فوریه

تهران - ایران چهاردهم فوریه - هزاران نفر دانشجویان دانشگاه تهران روز سه شنبه اعتصاب خود را از سر گرفتند و درخواست داشتند که دانشجویان زندانی بیدرنگ آزاد شوند و انتخابات در جریان باطل شود و دولت استعفا کند

پایان

درود گرم و پر شور مادانش آموزان قزوین به دانشجویان دلیر و مبارز دانشگاه تهران که سرسختانه در راه کسب آزادی و احیای حقوق از دست رفته ملت ایران و همچنین برای تحقق بخشیدن به آرمانهای مقدس و انجام رسالت تاریخی خود، در دنیا کترین شکنجه های قرون وسطائی و وطن فروشان را با آغوش باز تحمل کرده و در مقابل هر گونه تهدید و تطمیع هیئت حاکمه مردانه به مبارزه حق طلبانه خود ادامه میدهند مادامیکه راه پایگاه استقلال و نگر شکست ناپذیر مبارزات ملی میشناسیم مانیز همراه خواهران و برادران دانشجوی خود که پرچمدار آزادی و استقلال ایران عزیزند ز جوار و تنفر خود را از دولت شریف امامی که سرسپرده بیگانگان است اعلام داشته و انتخابات قلابی دوره بیستم را که در محیط وحشت و اختناق صورت گرفته قانونی نمیدانیم و همگام، همصدار و شادوش و روشنفکران کشور علیه هر گونه تجاوزات استعمار گرانه که بحقوق ملت مامیشود مبارزه میکنیم و تا پیروزی نهائی به پیمان مقدس خود وفادار خواهیم ماند.

درود به در بند کشیدگان دانشگاه سلام گرم و آتشین بر هبران جبهه ملی ایران دانش آموزان قزوین طرفد و جبهه ملی

اعلامیه دانشجویان دانشگاه تبریز

دانشگاه و دانشسرای عالی تهران باردیگر تعطیل شد و اولیاء دانشگاه بعلت اهانت بیک اوستاد (!) درهای آهنین دانشگاه را بروی جوانان بستند و اعلام داشتند که دیگر دانشجویی نمیشناسند. هیئت حاکمه و اولیاء دانشگاه بخیال اینکه بایستن دانشگاه مبارزه جوانان را درهم خواهد شکست، باین اقدام غیر قانونی دست زدند و بدین ترتیب خود را نگهبانان جهل و غلم به مردم سراسر گیتی معرفی کردند. اگر توهین بیک اوستاد (!) چنین رگ غیرت اولیاء دانشگاه را برانگیخته چرا اساتید شرانتند دیگری را که بجرم حق گزینی به بند یکشند و بزندانشان میبرند، اولیاء دانشگاه لب از لب نمیکشایند؟ توهینی، که دانشگاه بخاطر آن بسته شده عکس العمل طبیعی رفتار غیر انسانی و وحشیانه دولت و هیئت حاکمه است - و عدم توجه بدخواستهای ملی و قانونی طبقه روشنفکر کشور عکس العمل های شدیدتری را نیز بدنبال خواهد داشت. هیئت حاکمه با همه کوششی که بخاطر دورنگهداشتن دانشجویان میکرد ایندفعه قادر نشد که طبقه جوان را ساکت کند و سعی و تلاش پاک به دررفت دانشجویان بعد از هفت سال خفقان یکباره زنجیرها را پاره کردند و بخاطر دفاع از آزادی و حقوق انسانی بیاخواستند دانشجویان نمیکشایند مجلسی که خونهای اجاد و پدرانشان است محل جلوس نوکران حلقه بگوش و اربابان و مالکین بزرگ باشد و جای ملک المتکلمین هارا؛ افراد پست و بی عرضه ای که لیاقت هیچ کاری را ندارند بگیرند هیئت حاکمه با ماشینهای آتش نشانی و سر نیزه برای سرکوبی افکار آزادی طلبانه ملت ایران و فرزندان دلیرش یورش آورد اما مگر با تهدید و تهمت و شلاق میشود مبارزان راه آزادی را سرکوب کرد؟ هیئت حاکمه ایران بهتر است سر نوشت افرادی چون سبنگمانری ها، نوری سعیدها و مندرس هارا که برای سرکوبی دانشجویان حق از نقل نیز ابا نکردند و در نظر بگیرند تعطیل دانشگاه تهران تنگ بزرگی است بر جبین دولت و هیئت حاکمه مبارزه ملت با این کارشکنی ها متوقف نخواهد شد

# ایران دانشجو

نشریه  
کمیته دانشجویان دانشگاه تهران  
وابسته به جبهه ملی

بهار ۳۱ ریال شماره ۸  
۲۹ خرداد ۴۰

۲۹ خرداد روز خلع ید و روز  
بشمور رسیدن مبارزه مردم ایران را  
بپرده پارزنی و وطن تبریک میگوییم

در صفوف متحد  
(جبهه ملی ایران)  
هتاشکل شوید

## نظام همکاری و یقین

پس از هفت سال پرده ها دریده شد، صحنه آرائی های مسخره پایان یافت و هیئت حاکمه فاسد ایران از ثنا خوانیها و مداهای احمقانه خود در باره «ایران خرابیخت!» و «ترقیات شگرف!» دست برداشت و عاجزانه دم فرو بست.

بحکم ضروریات عناصری از خود هیئت حاکمه مجبور شدند از کتداب متعفن که در مدت ۷ سال حکومت چایرانه خود کوشش کرده بودند با ربا و تزویر و سر نیزه و شلاق بهشت برین جلوه گریزانند پرده بردارند چه دروغها که نگفتند و چه لاف و کزاف ها که نزدند و پس از آنکه همه این خیمه شب بازیها و پرده های ربا و تزویر از پوشاندن این کتداب متعفن عاجز آمد بر سر کوی و ببرزن بانگ برداشتند که «ای وای مملکت در کنار برنگام نیستی فرار دارد»

ولی از همان ابتدا معلوم بود که نه آن ظاهر سازیها و تبلیغات مسخره قادر است ملت ایران را فریب دهد و مجذوب کند و نه این حبس و شلاق و شکنجه ترانائی آنها دارد که ملت ما را مرعوب سازد و او را از مبارزه باز دارد.

امروز نیز بخوبی هویدا است که هیئت حاکمه در آنچه که میگوید صادق نیست و نمیتواند مشکلات کشور ما را از زمین ببرد و ما را از این چنبره ورگردد فزون وسطائی نجات دهد. زیرا فساد در ریشه خود این درخت تناور! کرم خورده است و با قطع چند شاخ و برگ کاری از ریش نمیرود.

امروز نیز معلوم است که آن فریبها و تیرنگها، آن دروغها و تزویرها با بنحود پگری - چه عیب و بیبوده - برای گمراه کردن مردم تکرار میشود و همه اینها نشان میدهد که این «فریق» هنوز بنجات خود امیدوار است و هنوز راه رهایی میجوید و بسوی هر تخته پاره ای که میرود چنگ می اندازد تا شاید از این «غرقاب مخوف و وحشتناک» نجات دهد.



با آقایان محترم عزیزم دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی اهداء میشود  
احمد آباد ۲۲ خرداد ۱۳۴۰  
دکتر محمد مصدق

## لائوس

### سرزمین جنگ و صلح

بحث آموزشی

۳

این مقاله بر اساس سلسله مقالات اکسپرس چاپ پاریس که قسمتی از آن در کیهان ترجمه شده است نوشته شده

لائوس را بحق سرزمین جنگ و صلح میتوان نامید. جنگ مداوم و صلح غیر مداوم. زیرا سالهاست که با جریان جنگهای آنرا در روزنامه ها میخوانیم و از رادیوها میشنویم و با چگونگی «کنفرانسهای صلح» و پیشنهادات «آتش بس» آنها، در حال نه رادیوها و نه روزنامه ها خالی از جریان جنگ یا صلح لائوس نیستند.

اما در این هفته علاوه بر اینکه کمیونیتی جنگ و مبارزه در کوهستانها و جنگلهای آن جریان داشت. در چند نقطه دیگر جهان نیز عده ای گرد هم آمده اند و داعیه آن دارند که راجع به صلح و آشتی در لائوس صحبت میکنند و برای پایان دادن باین جنگ و صلح راه چاره میجویند.

بقیه در صفحه ۳



نمونه ای از تظاهرات عظیم و پرشور دانشجویان در سه ماه اخیر برهبری جبهه ملی ایران

## درواه میهن

در راه میهن  
چه ها که نکرده ایم  
گروهی کشته شدیم  
و گروهی سخن رانندیم

اورهان ولی - شاعر ترک

اشخاصی که میگویند اگر بمردم آزادی بدهیم از آن سوء استفاده میکنند، حکم کسانی را دارند که معتمدند بلیل درخت های انگور را از ریشه کند، چون پاره ای میخواران مست میشوند و بد مستی میکنند

والتور

## سردار پیر

تا روشنی بر آید و نیکی مدد کند  
مزدای پیر خمله بر دیو و دد کند  
تا شب فرو ببرد بر آستان صبح  
خورشید عدل و داد ره ظلم سد کند  
تا دست ملت بدر آید ز آستین  
منشور شوم فتنه فرعون رد کند  
تا قرنها اسارت ایران بسر رسد  
تا شیر پیر یار دیگر «خلع ید» کند  
فریاد شوق از دل هر مرد و زن بیاست  
سردار پیر ساحل شهر طلا کجاست  
«بابک»

## ۲۹ خرداد سالروز خلع ید

روزهای درخشان، در تاریخ مبارزات ملت ما پس گرانقدر و ارزنده است، که از زندگی آن با شکوه و جلال بزرگ اعصار و قرون میدرخشد و چنین روز های بزرگی است که به قیام تاریخی مبارزه ملت ما تبدیل میشود

در تاریخ ملت کهنسال ورنجدیده ما از این روز ها کم نیست، روز هایی که یاد دلاوریها، قهرمانیها و جانفشانیهای ملت ما را برای آزادی و استقلال در خاطر ما زنده میکند

روز ۲۹ خرداد یکی از این روزهای درخشان اختصار آمیزی است که در تاریخ مبارزات شد استعماری ملت ایران میدرخشد. در روز ۲۹ خرداد سال ۱۳۳۰ مبارزات ملت ایران بخاطر ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور منتهی باین شد که از شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس بطور کامل خلع ید شود و منابع طلای سیاه که سالها بود استعمار گران انگلیسی از آن بهره برداری میکردند در اختیار ملت ایران قرار داده شد و در آنروز های پرهیجان و شور انگیز که ملت ایران بر رهبری دکتر محمد مصدق سرشار از شوق و امید بخاطر استیفاء منافع ملی و قطع نفوذ اجانب و تأمین استقلال و آزادی واقعی مبارزه میکرد واقعه ۲۹ خرداد پیروزی کم اهمیتی نبود بلکه برعکس، با

بقیه در صفحه ۴

## خبرها

داستان «آزادی» در ایران داستان عجیبی است و عجیبتر از آن داستان «آزادی» در حکومت فعلی ایران

هنوز هم دستکاهای نظامی دولت و سازمان امنیت چون دزدان نیمه شب در نیمه شب و در بون ازادیخواهان ایران خصوصاً دانشجویان قصد سرکوت زدن از هم را دارند دولت میگوید: «من اجازه دستگیری ندادم» اما دستکاهای نظامی و سازمان امنیت میگوید: «دولت منم» چند روز قبل دانشجویی را بعزت توزیع اعلامیه های جبهه ملی بازداشت میکنند بازداشت دانشجویان عجیب نیست چون بطور مداوم ادامه دارد اما جالب تر آنکه در سازمان امنیت بدانجوری بازداشتی پیشنهاد میشود که «پول فرتوانی بترتعلق خواهد گرفت اگر با همکاری کنی و اعلامیه های جبهه ملی را تحویل ما دهی و حتی تدارک سفر با آمریکا را نیز برای تو فراهم خواهیم کرد» اما جز نیشخند مسخره آمیز چنین پیشنهادی را چه پاسخ مناسبتر خواهد بود؟ دانشجویی بازداشتی نیز همین پاسخ را داد

\* آمریکا - مبارزه جوانان وطن ما در سراسر دنیا علاقه و صمیمیت آنان را بمبارزه ای که مردم ایران آغاز کرده اند نشان میدهد فعالیت دانشجویان ایرانی در خارج از کشور علاوه بر تشکیل اجتماعات عمومی و سخنرانی های جالب و تظاهرات و میتینگ در موقع لزوم، در مورد انتشار نشریات سردند و آموزشنده نیز قابل ستایش است.

**نشریات: دانشجو - پندار - ایران نامه** نمونه تلاشی مداوم دانشجویان آگاه ایرانی مابین امریکاست که در خلال آن بوضوح از مبارزات ملت ایران حمایت میشود مبارزه همه جوانان وطن مادر خارج از کشور تقویت و شناسائی صحیح جبهه ملی را بیشتر و همبستگی شدید همه نیروهای ملی را افزون تر خواهد کرد خصوصاً سراسر مقاله شماره اخیر مجله دانشجو شامل نکات برجسته ای در زمینه مبارزات ملت های آسیا و آفریقا و پیروزیهای درخشان نهضت های ملی است. موفقیت دوستان ارزنده خود را صمیمانه آرزو مندیم

## اقتضای از اللهیار صالح در اصفهان

دولت امنیتی و سازمان امنیت و پاسبی دست بدست هم داده از سفر آقای اللهیار صالح باصفهان ممانعت کردند با وجود این مردم اصفهان صبح زود برای استقبال از صالح با دسته های گل بسوی فرودگاه اصفهان رهپار شدند پاسبی تمام پل های زاینده رود را

بقیه در صفحه ۴

از خریدن و سخن آندن نشریات اطلاعات ارگان میهنهای استعماری در ایران خود داری گنبد

صنعت خانگی است ، راه آهن وجود ندارد ، راههای شوسه نیز غیر از چند شاهرانی که که در زمان تسلط ژاپنی ها ساخته شده و پایتخت را به خارج کشور وصل میکند ، قابل استفاده نیست ، و وسیله ارتباطی کشور فقط رود « مکونگ » است که در غرب کشور از شمال بجنوب جاری است ؛ کوهستانهای بلند ، جنگلهای انبوهی که بلا استفاده مانده ، اقتصاد فرسوده فئودالیزم و عوامل دیگری که نتیجه فرنها ملوک انطاویلی و بخصوص استعمار نیم قرن فرانسه باعث شده که لائوس حتی از کشورهای مجاور خود هم خیلی کمتر رشد بکند .

تاریخ این کشور کوچک پر است از حملات طوایف مختلف و جنگ و ستیز آنها ، و در هر حال تسلط یکی از این قبایل بیگانه بر کشور لائوس .

از ۲ قرن پیش از میلاد تا حدود سالهای ۱۹۰۰ میلادی ، بترتیب لائوس در تسلط سلطین « نان - شانگ » که چینی بودند « کمرها » که کامبوجی بودند « نائی ها » که سیامی بودند برمه ایها و آنامییا بوده است و در فاصله ۱۹۴۰-۱۸۹۳ میلادی هم بتصرف فرانسویها در آمده است

از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ ( در فاصله جنگ بین الملل دوم ) ژاپنی ها بر لائوس مسلط شدند ،

بعد از جنگ نهضت های استقلال طلبانه در لائوس ( همانند سایر کشور های مستعمره ) بوجود آمد و جنگهای شدیدی بین استقلال طلبان انقلابی و سربازان فرانسوی بوجود پیوست که بالاخره منجر باستقلال این کشور گردید ، لائوس ، آخرین قسمت هندوچین نیز ، استقلال یافت ، استقلال بعد از فرنها مستعمره بودن ،

ولی بعد از استقلال نیز ، چون نیروهای استعمار حاضر به آزاد کردن کامل لائوس نبودند ، جنگهای انقلابی ادامه یافت و در این جنگها انقلابیون دست چپ لائوس « پانت لائو » پیشرفت های درخشانی کردند و ناحیه وسیعی را در شمال کشور مسخر شدند و این جنگها تا سال ۱۹۵۴ ادامه داشت ، در این سال کنفرانس صلحی برای پایان دادن بجنگهای چندین ساله لائوس منعقد شد « در این کنفرانس ایالات متحده آمریکا شرکت نکرد و کنفرانس تصویب کرد که آتش بس اعلام شود و انتخابات عمومی برای تعیین اعضای مجلس ملی در سراسر کشور انجام گیرد ، در زمستان سال ۱۹۵۴ انتخابات عمومی انجام شد و با وجود تلاشهای شدید استعمار و طرفدارانش ، مجلسی بوجود آمد که مرد ملی لائوس شاهزاده سووانا فوما را برپاست

سوفت برکتیزه

ژانویه ۱۹۵۵

فوما فوراً شروع به کار کرد ، با رهبران دستجات مختلف مذاکره نمود و کوشش بسیاری کرد تا بیرون عقاید مختلف را با هم آشتی دهد و نیروهای پانت لائو و استانی های را که در دست آنان بود جزء کشور کند و از اینرو با « پرنس سوفانو ونگ » رهبر پانت لائو که نابرابری سووانا فوماست وارد گفتگو شد این مذاکرات ۲۲ ماه بطول انجامید و سرانجام در نوامبر سال ۱۹۵۷ علیه کارشکنی های آقای « پارسون » سفير آمریکا به نتیجه رسید

بنا بر رای مجلس ملی ، کلیه نیروهای نظامی پانت لائو که از ۱۵۰۰ نفر تجاوز نمی کرد ، با کلیه سازو برگ خود در زمزمه ارتش محسوب شد و نیروهای غیر نظامی پانت لائو جزو ادارات پادشاهی پذیرفته شدند ، بنابر این پیمان ، شاهزاده سوفانو ونگ قرار بود بوزارت بر نامه و یکی دیگر از سران پانت لائو بوزارت فرهنگ منصوب شوند . شش ماه بعد انتخابات نظامی به حزب سیاسی « فئولائوها کسات » میدل شده بود از ۲۱ کرسی ۱۳ کرسی را بدست آورد . این پیروزی سیاسی جبهه چپ در چشم آقای پارسون سفير آمریکا بمثابة آن بود که عاقبت دموکراسی به کمونیزم میانجامد و تنها چاره نگه داری لائوس در حلقه « دنیای آزاد » آنستکه « یک دولت قوی و مقتدر » در آنجا روی کاد بیاید که از لحاظ نظامی وابسته به آمریکا باشد .

واقعیت آنستکه قوای پانت لائو اصلا کمونیست نبودند ، منتها علاوه بر اعتقاد به بیطرفی با آمریکا هم مخالف بودند و این دودلیل داشت :

اول اینکه آمریکا با بیطرفی لائوس « همانند سایر کشورها » مخالفت میکرد و دوم اینکه آمریکا با دلار های خود کروهی را رشوه گیر میکرد و مملکت را فساد و بدبختی میکشاند از طرف دیگر پانت لائوها در صحنه سیاسی مظهر آرمانهای فداکاری و ریاضت کشی بودائی بودند و سهولت نتوانستند روحانیون را قانع کنند که وزیران شکمخواره و خوشگذران و بازرگانان پایتخت ، دشمنان ملت و خصم دین هستند

اما دولت آیزنهاور اینطور نتیجه گیری کرد که پانت لائو ها ضد آمریکائی اند و بنابر این کمونیست هستند .

پس شاهزاده سووانا فوما هم که با آنها سازش میکرد ، باید عامل مکتوباشد و بناچار بایستی او را از میان برداشت ! کار ساده بود ؛ آمریکا کمک خود را به لائوس قطع کرد ، بیدرنک افسران و وزیرانی که از این کمک بهره مند میشدند بصدرا آمدند و بدولت سووانا فوما فشار آوردند . ارتش هم برای نشان دادن آنکه شایستگی کمک آمریکا را دارد ، یک گروهان پانت لائو را تحت محاصره در آورد و دولتی روی کار آمد که مرد نیرومندی « سرهنگ فومی نوساوان » بود

و فومی دوباره لائوس را بخون کشید ، پس در پی از آمریکا دلار و اسلحه گرفت ، دلارها در بانک های خارجی بحساب های شخصی واریز شد و اسلحه ها هم بر روی مردم آزمایش گردید!

« فئولائوها کسات » ها هم بچنگل ها و دشت های شمالی پناه برد و دو باره پیشروی را آغاز کردند و سام نوا بزرگترین شهر منطقه شمالی « را مسخر شدند . و این دفعه در جنوب هم سرعت به پیشروی پرداختند و آنوقت فومی مرتب بزرگ دستاوی دستور میداد که پانت لائوها را از میان بردارند و مرتب جیب های خود را پر میکرد ، و کشور را به سرایش سقوط میکشاند . و روز بروز بر عده ناراضی ها میافزود تا اینکه در شب ۹ ماه اوت ۱۹۶۰ که تمام اعضای دولت بحضور « ساوانگ واتانا » پادشاه لائوس به لوآننگ پرا بانگ رفته بودند « سروان کنگ له » فرمانده تیپ چتر باز افسری که در دین بین فوج نگیده و لقب برجسته ترین افسر ارتش را دریافت کرده و با این وجود تنها افسری بود که بر ارتش جنگ نروتمند نشده و پولی نپندوخته بود . با تیپ چتر باز خود پایتخت را گرفت و مجلس ملی دوباره شاهزاده سووانا فوما را بانفاق آرا به نخست وزیری انتخاب کرد ، و از نو بیطرفی در لائوس حکمروائی یافت .

کنگ له در این ایام « چنین اعلام داشت ، « دولت ما را به جنگ پانت لائو می فرستاد و مکتوباشد ؛ « اینها کمونیست هستند . ولی این دروغ بود من بچشم خود دیدم آنکه بروی مردم شلیک میکند و دهات را به آتش میکشد ، ارتش مرکزی است نه نیروهای پانت لائو حتی دهکده زادگاه خود من را قوای ما آتش زدند ، وقتی از مردم می پرسیدم ؛ چرا با ما مخالفتید ؟ همه جواب میدادند ؛ « برای اینکه از این رژیم مفتضح بکنک آمده ایم » من آماده ام در راه لائوس کشته شوم ، منتها حاضر نیستم در راه فساد و برای یک مشت آدم خائن و نالایق بجنگم ، هر چه همدیگر را کشتیم بس است « -

بلافاصله مذاکره با پانت لائو دوباره شروع شد و آنها قبول کردند که باز با دولت همطری کنند . دولت جدید را آمریکا هم برسمیت شناخت ، ژنرال فومی نوساوان به ساوانا تاخت تا کمیته ضد انقلابی خود را علم کند ، دولت سووانا فوما به مذاکره پرداخت تا هر دو جناح را بطور متساوی در امور شرکت دهد .

زمان هم بکمک رسید و چیزی نمانده بود که سرسختی دو طرف افراطی از میان برداشته شود ، ولی یکمرتبه دولت آمریکا با آنکه حکومت سووانا فوما را برسمیت شناخته بود ژنرال فومی را تحریک به استقامت نمود . در ۱۳ سپتامبر ۱۹۶۰ فومی با « پرنس بن اوم » دولتی تشکیل داد و حکومت نظامی اعلام کرد باز جنگ در گرفت ، آمریکا آنچه توانست به یسایان فومی کمک رساند و بوسیله یک پل هوایی پی در پی اسلحه و پول و خواربار برایشان فرستاد در ۱۸ سپتامبر ، هیئت مستشاران آمریکائی به ژنرال فومی پیوستند ، وین تیان پایتخت لائوس بوسیله هوایماهایی که از خاک سیام بلند شده بودند بمباران شد .

بدین ترتیب شرکت یافتن دو جناح در دولت لائوس دوبار بوسیله دولت آمریکا خنثی شد آنها درست در لحظه ای که کارها نزدیک تر بر راه شدن بوده است .

در ۲۰ نوامبر ، دولت قانونی لائوس با پانت لائو متحد شد تا بطور مشترک شورش آمریکائی ژنرال فومی را درهم بشکنند ، آمریکا در جواب آنها با چتر برای یسایان اسلحه سنگین فروریخت وین تیان به فحطی و ترسیدن بزمین تهدید شد

و آنوقت دولت لائوس اعلام داشت که « دیگر حاضر است هر نوع کمکی را خواه اقتصادی یا نظامی ، از شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و بیطرف بپذیرد »

در چهار دسامبر اولین محوله بزمین و خواربار شوروی به لائوس رسید و بعد از آن وسایل نظامی .

ولی این سلاحها هم از حیث کمیت و هم از حیث کیفیت از آنچه آمریکا بدارودسته فومی نوساوان فرستاد بمراتب عقب تر بود شوروی میخواست بفهماند که این آمریکا است که کار را شروع کرده و مرتباً هم نرخ حراج را بالا می برد

نیروهای ژنرال فومی اگر چه پنج بار بیش از نیروهای سروان کنگ له بود جرات نمی کرد بقوای کنگ له و پانت لائو که با هم متحد شده بودند حمله کند ، آنها از خاک سیام بسوی وین تیان پیش رفتند و پس از حمله توپخانه که بیش از صد ها نفر غیر نظامی را بهلاکت رساند شهر را اشغال کردند .

و در این باره گراهام گرین نویسنده بزرگ آمریکا نوشت که : آمریکا در لائوس همان نقشی را بازی میکند که آلمان هیتلری و ایتالایای موسولینی در آسیایا بازی کردند .

با این وصف پیروزی دارودسته فومی - بن اوم دیری نپایید . دوهفته پس از اشغال وین تیان و فرار پرنس فوما به کامبرج ، سروان کنگ له بدنیالیک مانور درخشان شهر کینگ چیانگ را گرفت و بردشت ژار نظارت پیدا کرد و بقوای ژنرال فومی پی در پی شکست وارد آورد و دامنه تسلط خود را بسوی جنوب و مغرب وسعت داد ، هر چه بیشتر پیش عبرفت از هانوی برایش تجهیزات و داوطلبان بیشتری می رسید ، در ایالت فونگ سالی لشکریان ژنرال فومی بقوای سروان کنگ له پیوستند .

در ۲۲ ماه مارس قوای ضد فومی - بن اوم بدروازه های وین تیان و لوآننگ پرا بانگ رسیدند . و تنها ملاحظاتی سیاست بین المللی بود که آنها را از اشغال این دوشهر باز داشت . همانطوریکه تا کنون با وجود پیشرفتهای سریع و تصرف چهار پنجم خاک کشور هنوز این دوشهر را اشغال نکرده اند

و آنوقت بود که پرنس فوما در یک مصاحبه با خبرنگار اکسپرس اظهار داشت ؛

ما کمونیست نیستیم ، پانت لایو هم کمونیست نیست ؛ کنگ له هم کمونیست نیست ، درست است که مذهب بودایی ما ، ما را خود بخود سوسیالیست بار آورده است ، ولی این سیاست غلط حکومت آیزنهاور بود که بیطرفی لایوس را بسوی شوروی کشاند

همانطور که قبل از آن هم ، در گوانتالو در ایران ، در مصر در اندونزی و در کوبا چنین اتفاقی افتاده بود ، ادارات و سازمان های آمریکا در لایوس مانند وینام جنوبی و سیام و کره می خواستند جنگ ضد کمونیستی را به پشتیبانی فئودالهای فاسد و فاجاق چی ها از پیش ببرند و از اینرو ملیون و سوسیالیستها را بسمت کمونیستها سوق دادند ، آنوقت جنگ طلبان آمریکایی فریاد بر آوردند که ؛ ببینید

شوروی در زیر سرپوش بیطرفی مشغول توسعه فتوحات خود میباشد بعضی از مشاوران کندی که هوادار سیاست لبه بر تگاه هستند طرفدار دادن اولتیماتوم بشوروی و مداخله نظامی مستقیم بودند تا پیروزی های سیاسی و نظامی نیروهای سروان کنگ له و پانت لایو را از میان ببرند .

ولی بالاخره اوبه پیروی مکملان و شارل دو گول قبول کرد که لایوس بی طرف شود

عملا اکنون در لایوس آتش بس داده شده است ، شوروی باتشکیل کنفرانس ۱۴ گانه موافقت کرده و این چیزیکه قبل از فتوحات پانت لایو نیز با آن موافقت داشت و بدین ترتیب مداخله آمریکا آشکارا بضرر خودش تمام شده است ( همانطوریکه در کوبا چنین شد «

# اتحاد و هماهنگی صمیمیت مبارزه مارافزون تر خواهد کرد

## ملت ایران خود را برای يك مبارزه بزرگ جهت شرکت در انتخابات آزاد آماده میکند

توضیح

در شعر دختر خورشید بجای نهفت نهضت چاپ شده که بدینوسیله تصحیح میشود



## عوامل ترقی قیمتها و راه تثبیت وضع اقتصادی

دولتهای ضد ملی کودتا با حفظ منافع انحصارات خارجی و بانکها اقتصاد کشور ما را به بدترین وجهی وورشکستگی کشانده اند. سیاست دروازه های باز، کمکهای اسارت آور خارجی، وامهای بی حساب برای مصرف انتشار اسکناس بدون تولید موجب عدم رشد صنایع ملی و ترفی سرسام آور قیمتها گردید. کمکهای بلاعوض آمریکا و وامهای خارجی بحساب عناصر هیئت حاکمه در بانکهای خارجی گذاشته شد یا وسیله ساختمانهای غول آسا یا صرف عیش و نوش دشمنان ملت گردید.

دولت آقای دکتر مصدق در زمان حکومت خود بدون درآمد نفت و علی رغم محدودیت های اقتصادی و کارشکنیهای عوامل بیگانه وضع اقتصادی را تثبیت کرد. برای اولین مرتبه بعد از شهریور ۲۰ صادرات بر واردات فزونی داشت و رفاه نسبی عمومی تأمین گردید.

دولتهای کودتا با در آمد نفت، کمکهای آمریکا، وامهای خارجی اقتصاد کشور را با آنجائی رسانده اند که بیکاری و فقر حالت عمومی شده است.

سیاست تجارت آزاد و مبدل کردن ایران به بازار کالا های خارجی از یکطرف صنایع نوزاد ایران را در مقابل رقابت کالاهای مشابه تعطیل کرد و از طرف دیگر کمکها و وامها و اسکناسهای بدون تولید موجب ترفی درآمد ها گردید.

بموازات تعطیل تولیدات ایران و افزونی درآمد ها، قیمت ها نیز ترفی کرد ترفی قیمتها و ثابت ماندن حقوق ها زندگی را بر طبقات زحمتکشی بویژه حقوق بگیران (کارمندان، کارگران) سخت و شاق نمود تا آنجا که صدای اعتراض عمومی بلند است و مرتب کارگران و کارمندان درخواست اضافه حقوق دارند.

دولتهای اقبال و شریف امامی برای جلوگیری از ترفی قیمتها و اضافه حقوق به حیلہ گری پرداخته با تبلیغات وسیع علت ترفی قیمت ها را متوجه بازار و پیشه وران و کاسب کار های ایران نمودند.

بوسیله نرخ گذاری، بطرز وحشیانه ای مردم را مورد ناسزا گوئی و جریحه زدن و شلاق نمودند. بی نظیر های نامرد، غارتگری و دزدیهای خود را پشت مشتق الفاظ رکبک که ب مردم ما نسبت دادند پوشاندند.

دولت های کودتا بنام جلوگیری از ترفی قیمتها و تثبیت وضع اقتصادی غر مستقیم بغارت اموال عمومی پرداخته و به ترفی بیشتر قیمتها کمک کردند.

### زبان ها و اشتباهات و خیانت های دولت های ضد ملی در نرخ بندی :

۱ - بعثت غارت اموال مردم و ورشکستگی تولیدات و عدم وصول مالیات های مستقیم دولتها هر ساله نرخ اجناس انحصاری ( قند و شکر - دخانیات - نان - برقی - آب ) را ترفی دادند.

۲ - با ترفی اجناس انحصارات غیر دولتی و انحصارات خارجی غارت مردم شریک شدند مانند ترفی نرخ اتوبوس - کوشک - کالا های انحصاری خارجی.

۳ - با نرخ بندی اجناس و کالا ها بدون توجه باختلاف طبقاتی، سرفللی مغازه ها، ساختمانها و محارج فروشگاهها مستقیما وسیله ترفی بیشتر قیمتها را فراهم کردند ترفی اجناس انحصاری دولتی و غیر دولتی که از ضرورتترین احتیاجات مردم ماست موجب ترفی سایر کالاها و اجناس گردید.

بدین طریق دولتهای کودتا بمنظور غارت بیشتر مردم و ظاهرا بنام بهتر کردن زندگی و جلوگیری از ترفی قیمتها بوسیله نرخ بندی موجبات گرانی بیشتر را فراهم کردند نرخ بندی دولت های کودتا مانند سایر اقدامات ضد ملی آنها خیانت مستقیم بزندگی و منافع مردم ایران است.

### برای تثبیت قیمتها و وضع اقتصادی ایران به اجرای اصول زیر معتقدیم :

- ۱ - حفظ و حمایت صنایع ملی و رشد بیشتر تولیدات
- ۲ - ترجیح صنایع کلید به صنایع مصرفی و استفاده از منابع بکر ایران
- ۳ - حل مساله ارضی بمنظور توسعه و ازدیاد تولیدات

### کشاورزی

۴ - مصرف کمکهای خارجی و وامها فقط در امور تولیدی

۵ - مصرف در آمد نفت و انحصارات دولتی و حقوق

۶ - بستن بازار ایران بروی کالا های لوکس و غیر ضروری

۷ - استفاده از سرمایه های خارجی طبق نقشه و برنامه دولت ایران در مناطق و رشته های که دولت ملی تعیین میکند

۸ - کوتاه کردن دست غارتگران اموال عمومی

۹ - بجای نرخ بندی شرکت دادن مردم در ساختمان کشور و همکاری آنان در برنامه های دولت

### بقیه پیام

## دومین کنگره کشف اسبون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا

در حقیقت در جوامعی مانند جامعه ما نیروی محرک جوانان میتوانند عامل مهمی در تسریع تحول جامعه شمرده شود.

بپاری این نیروست که میتواند پیروزی بر ناپساامانی های اجتماعی را آسان تر و ساده تر نمود. از این رو بود که ما نمایندگان سازمانهای دانشجویی ایرانی در اروپا در دومین کنگره خود بحث و گفتگو در باره مسائل دانشجویی و حقوق و وظائف صنفی و اجتماعی ایشان را دستور کار خود قرار دادیم و با تهیه (منشور دانشجوی) حقوق و وظائف هر دانشجوی در شرائط کنونی معلوم و معین داشتیم.

بوجود شرایط زندگی و کار دانشجویان امری نیست که در پرتو طبع خواهی و صلاح اندیشی کارگزاران دستخواه های فرهنگی تحقق پذیرد بلکه معالول مستقیم کوشش ها و تکاپوهای متشکل خود دانشجویان از طریق اتحادیه ها و سازمانهای صنفی است.

بدین سبب ما فئدان اتحادیه های صنفی را در ایران واقفیتی بارز و یکی از عوامل مشمول مشکلات و محرومیت های کنونی دانشجویان ایران بر میشماریم.

ما با علاقه فراوان همه کوشش های شما را برای احیای مبارزات صنفی و ایجاد اتحادیه های دانشجویی در ایران دنبال میکنیم و مفتخریم که نسل جوان ایران در همه شرایط از کوشش خود باز نمی ایستد.

بدین سبب بود که کنگره ما در قطعنامه خود از دولت خواست تا هر چه زودتر موانع راه ایجاد تشکیلات صنفی در دانشگاههای ایران را از میان بردارد.

### پیروزیاد جنبش دانشجویان ایرانی!

همبسته باد رشته همکاری و همراهی در میان قشر ! روشنفکر ایران

لندن ژانویه ۱۹۶۱

### بقیه

## لائوس

### سرزمین جنگ و صلح

#### بحث آموزشی

۲

از ساعت ۴ صبح روز چهارشنبه ۳ ماه مه (۱۳ اردیبهشت) بفرمان «سروان کنگله» فرمانده مشترک نیروهای ملی (پانت لائو) در سراسر کشور آتش بس اعلام شد و از «پرنس بنام» نخست وزیر دولت «وین»

تیبان» خواسته شد تا نمایندگان خود را به فریه «بان نامون» واقع در ۷ میلی جنوب «فرانک وینک» در منطقه بیطرف اعزام دارند تا مذاکرات آتش بس آغاز گردد و بعد از گفتگوهای بسیار بالاخره دولت «وین تیبان» شرایط نیروهای ملی را پذیرفته، نمایندگان خود را به «بان نامون» اعزام داشت و مذاکرات آغاز گردید.

عصر دوشنبه ۸ ماه مه هم ۲۳ نفر از اعضای کنترل صلح لائوس از طریق «سایکون» وارد وین تیبان شدند تا بر جریان آتش بس نظارت کنند.

( این کمیسیون از نمایندگان سه کشور: لهستان - هند و کانادا تشکیل شده و ریاست آن با «ساماری» رئیس هیئت نمایندگی هند است.)

و مهمتر از همه اینکه کنفرانس بین المللی ۱۴ جانبه صلح و آتش لائوس که با شرکت نمایندگان ۱۴ کشور: شوروی، آمریکا، انگلستان - فرانسه - چین توده ای، ویتنام شمالی و جنوبی - سیام - برمه - کامبوج، هند، لهستان، کانادا و لائوس تشکیل میشود، فرار است.

این روزها در ژنو افتتاح شود و بدین منظور تمام نمایندگان کشور های شرکت کننده در کنفرانس (با استثنای لائوس) در آن شهر گرد آمده اند.

والیته علت عدم حضور نمایندگان کشور لائوس هم اینست که ظاهرا بر سر تعیین نمایندگان این کشور بین شرکت کنندگان در کنفرانس اختلاف است: دولت شوروی طرفدار این اصل است که هر يك از سه دسته: نیروهای بیطرف، پانت لائو و دار و دسته قومی - بناموم،

نمایندگان خود را جداگانه بکنفرانس بفرستند، و در این مورد اکثر کشورهای شرکت کننده در کنفرانس از جمله، انگلستان، فرانسه، چین، ویتنام، هند و کامبوج هم (که تشکیل کنفرانس بین المللی صلح لائوس برای اولین مرتبه از طرف «پرنس نور دوم سیپانوک» نخست وزیر آن کشور پیشنهاد شده) با اصل پیشنهادی شوروی موافقت و لی دولت آمریکا با شرکت نمایندگان پانت لائو در کنفرانس پشت مخالفت می کند.

و بدین سبب تشکیل کنفرانس روز بروز بتمویق می افتد!

ولی البته اصل قضیه غیر از اینها است. واقفیت امر اینست که دولت آمریکا با روی کار آمدن يك دولت ائتلافی بریاست «پرنس سووانا فوما» و تشکیل يك حکومت بیطرف در لائوس، مخالف است و بیطرفی را مساوی کمونیزم میدانند و چون نمی تواند وجود يك حکومت کمونیست را در لائوس تحمل کند!

بدین جهت معتقد است که: بهتر است لائوس را هم مانند کره و ویتنام به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم نماید تا اقلا يك قسمت از آن را، هر چه قدر هم کوچک باشد، از دست کمونیست ها نجات بدهد!

و ظاهرا در این راه حاضر است که جنگ منطقه ای بی سرانجامی را هم شروع کند.

پدید دانست که: لائوس کشور کوچکی است در جنوب شرقی آسیا و فقط برای اینکه در میان کشورهای چین، ویتنام شمالی و جنوبی، کامبوج، سیام و برمه واقع است دارای اهمیت زیاد استراتژیکی میباشد، کشوری است کوهستانی با دره های ژرف و جنگل های انبوه و آب و هوای متغیر. مساحت آن ۸۹۳۴۳ میل مربع و جمعیت آن در حدود سه میلیون نفر است که نود درصد آن را دهقانان تشکیل میدهند.

(در سرشماری سال ۱۹۳۶ جمعیت لائوس فقط یک میلیون و دوازده هزار نفر بوده است)

شهرهای بزرگ آن: وین تیبان (پایتخت رسمی) لوانگ پرابانگ (پایتخت سلطنتی) سام نوا (واقع در دشت شمالی) و ساواناخت (شهر بزرگ جنوبی واقع در مرکز کشور سیام) میباشد.

اقتصاد آن در مرحله قودالیسم است فلاحت هنوز هم بشیوه صد هاسال پیش انجام میشود.

## درون به مبارزین راه آزادی

بقیه نظام محکوم بنفا

هنوز تقلا میکند دست و پا میزند و نمیخواهد علامت برسد... خود را که در افق طوفان زمان مانمودار گشته است ببیند... در این بخت برکشندگان مصداق سخن نبرو هستند که میگوید: «نظمی که محکوم بنفاست بندرت میتواند علامت زمان را تشخیص دهد، بندرت درک میکند که دوران و کارش پایان رسیده است و باید پیش از اینکه حوادث نبرومند و شدید او را بشکل شدید و ناشایسته ای از زمین ببرد، خودش با ملایمت عقب نشینی کند» اما باید گفت که زمان به پیش میرود و نظامهای کهنه و قدیمی را که ضرورت تاریخی خود را از دست داده اند پشت سر می اندازد آنهاست که امروز نمیخواهند ضروریات زمان با آنطوریکه نبرو میگوید «علامت زمان» را درک کنند و هنوز شلاقها را در هوا میچکانند و برق سرتیژه ها را نشان میدهند و چهار دیوار زندان را بر رخ میکنند و از «اقدامات شدید!» خود دم میزنند باید بدانند که قبل از آنان دردنیای بزرگ ما بسیاری بودند که با «غریب یک ببر» آمدند اما بیچاره و زیبون و با «نرمش یک مار» ناپدید شدند و شما نیز سرنوشت و سرانجامی غیر از آنان نخواهید داشت

بقیه ۲۹ خرداد سالروز خلع ید

توجه بوضع بین المللی آن سالها یک حادثه مهم و بزرگ جهانی محسوب میشود و انعکاس وسیعی در آسیا و آفریقا و سرتاسر جهان داشت زیرا در آن زمان دول استعماری تا این حد ضعیف نشده بودند و هنوز زنجیرهای کهن بردگی بردست و پای بسیاری از ملل آسیا و آفریقا پیچیده بود و بار ظلم و ستم استعمار بر کرده آنان سنگینی میکرد و هنوز امپراتوری انگلستان بسیاری از پایگاههای استعماری خود را بردست داشت

پیروزی مبارزه ضد استعماری ملت ایران بر رهبری دکتر محمد مصدق ملل آسیا و آفریقا را بسختی تکان داد و بحق میتوان گفت که نهضت ملی ما عامل مؤثری در بیداری مردم استعمارزده این نواحی بوده و در رشته نهضت های ملی و ضد استعماری آسیا و آفریقا تأثیری انکار نکردنی باقی گذاشته است

پیروزی نهضت ملی ما فقط پیروزی ملت ایران نبود و فقط ملت ایران نبود که از آن بوجد و سرور در آمده بود و تحت تأثیر آن جنبش و حرکات جدیدی بیفتد و بپوشد که این جنبش بیفتخ الهام بخش برای تمام ملل شیفته آزادی و استقلال بود

هنوز آوای شورانگیز شعار «مصدق پیروز است» که از ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ روز خلع ید در فضای وطن ما بلند شد طنین افکن است! همراه این شعار بود که نام مصدق بعنوان رهبر و مظهر نهضت ملی ایران از مرزهای میهن ما گذشت و پهنه آسیا و آفریقا را با سرعت در نور دید و در تمام جهان پیچید

هنوز انعکاسی بر طنین این آوای پر قدرت و شوق انگیز که تجسم اراده ملت ما برای آزاد زیستن است در فضای وطن رنج دیده ما بگوش میرسد

...

اگرچه ملت ایران به پیروزی بزرگی رسیده بود و استعمار انگلستان مجبور شده بود در یک صحنه از نبرد میدان خالی کند و تسلیم شود ولی هرگز دست از توطئه چینی و دسیسه بازی بر ضد حکومت ملی دکتر مصدق برنداشت. واضحست دولت پنهانی نظیر دولت دکتر مصدق که در سر لویه کارشان قطع نفوذ استعماری بیگانگان و قطع ایادی داخلی شان فرار دارد خوشایند آقایان استعمار گران نیست و طبیعی است که چنین دولت پنهانی که از پشتیبانی مردم برخوردارند خواب از چشم «آقایان» می ربایند

بالاخره استعمار بکمک ارتجاع و ایادی پلید و سرسپرده داخلی خود و دخالت مستقیم سازمانهای جاسوسی کشور های استعماری (که اکنون دسیسه های خود را بر ضد مصدق جزء اختطارات و خدمات خود در گزارشات رسمی سر بجا ذکر میکنند) و خرج هزاران دلار کودتای ۲۸ مرداد را سر هم بندی کردند و حکومت ملی دکتر مصدق را ساقط نمودند که تا از آن شب آقای آیدن با خیالی آسوده و راحت سر بیابان گذارد

پس از آن زندانبانها را انباشتند و بزور سرتیژه صدا های حقگو را خاموش کردند و با حبس و شکنجه و اعدام میهن ما را بگورستان خاموشی میدل نمودند و در چنین شرایطی قرارداد ضد ملی امینی-بیج منعقد شد که ثمرات مبارزات ملت ایران را در راه ملی شدن نفت بکلی بیاد داد و نفت ما را بدست کنسرسیوم بین المللی سپرد و بدین ترتیب علاوه بر امپریالیزم انگلستان استعمار گران امریکائی و هلندی و فرانسوی را هم در این خوان یغما شرکت داد

دانشجویان ایران در آستانه ۲۹ خرداد روز خلع ید از استعمار گران انگلیسی بدکتر محمد مصدق درود میفرستند

ملت ایران با الهام و تجربه اندوژی از گذشته نهضت ملی ایران به مبارزه فیرمانانه خود ادامه خواهد داد و حوادث نشان میدهد که روز ظفر و پیروزی بسیار نزدیک است

گرامی بداریم خاطره این روز را و گرامی بداریم یان مردانی را که برای این روز بزرگ جنگیده اند

بقیه استقبال مردم اصفهان از صالح

بسته و راه های عبور بسوی فرودگاه را محدود کرده بود هزاران نفر از مردم با خشم فراوان در مقابل پلها اجتماع کرده به پلیس قانون شکن اعتراض میکردند

با این همه پس از ساعتی بیش از سه هزار نفر با پیچیدن چند کیلومتر از بیراهه خود را بفرودگاه رساندند متأسفانه وقتی هوا بیما در فرودگاه بزمین نشست روشن شد که دولت امینی آزاد گان را بمنتشپ رسانده و نقاب درویشی و سالیس را دریده و چهره واقعی خود را آشکار ساخته است و تصور کرده است با جلو گیری از سفر صالح میتواند تجلی احساسات ملی را مانع شود

جریان واقعه را آقای دکتر دبیری و نیز آقای قیصری با اطلاع مردم رسانیدند و طبقات مختلف مردم اصفهان از فرودگاه بازگشتند در این میان چند تن از دانشجویان دستگیر و پس از ساعتی آزاد شدند

شیراز

متأسفانه متن قطعنامه دانشجویان فیرمان دانشگاه شیراز فدوی دبیر بدست ما رسید با وجود این نظر بابهیتی که اقدام دبیران فیرمان ما در برداشته است بدرج آن میادرت میوزیم داریم و ابریم سربازان شجاع جبهه ملی ایران در شیراز درود گرم دانشجویان دانشگاه تهران را پذیرند و آگاه باشند که ماهیستدر کنارشان و همراهشان خواهیم بود و تا پیروزی نهائی ملت ایران علیه استبداد و استعمار بر جری نخواهیم نشست

قطعنامه دانشجویان دانشگاه شیراز پس از تظاهرات روزهای سی و یکم ارد بهشت و اول خرداد ماه ۱۳۴۰ علیه تشکیل کنفرانس سنتو

آقایان شرکت کنندگان در کنفرانس بهداشتی سنتو مخالفت ما دانشجویان دانشگاه شیراز با تشکیل یا تشکیل جلسات شما مخالف با علم و دانش نیست ما با اینکه بمقام علمی فرد فرد شما احترام میگذاریم و استقبال شایانی که از اساتید خارجی همیشه میکردیم نمونه باورزی از احترام و علاقه ما بعلم و فرهنگ است ولی با تشکیل این جلسات در محیط علمی دانشگاه مخالفیم ما مخالف پیمان سنتو که باعث نفوذ سیاستهای خارجی است هستیم ما نمیخواهیم در محاسبات بین المللی وارد شویم و در پلوهای نظامی شرکت کنیم مردم این مملکت احتیاج بعقل و احساس و بهداشت دارند ما میخواهیم دور از غوغای شرق و غرب بعنوان یک کشور بیطرف بساختمان سازمان اجتماع خود به برداریم و رشد و ترقی لازم را بدست آوریم مردم از ما دانشجویان دانشگاه انتظار دارند که باید جوابگیری خواسته های آنها باشیم ما نمیتوانیم ناظرو شاهد اعمال شما که صحیح یا غلط وابسته پیمان نظامی سنتو است باشیم کلمه سنتو بهر شکل و بوی قافه ای باشد مورد نفرت عموم مردم ایران است پیمان سنتو و مخارجی که بگردن ملت فیر کند داشته علاج فقر و فاقه مردم ایران را نمیکند شکم گرسنه و بدن برهنه احتیاجی بتیوب و تانک ندارد برای اینکه اساسات جاسوسی مملکت که مخالف سر سخت پیمان نظامی سنتو هستند باعث نشود که بشمال طعمه ای بزنند معتقدیم هر چه زود تر کنفرانس خود را تعطیل کنید پر جمیاتی که علامت سنتو است از بام دانشگاه پائین آورید - کنفرانس شما اگر راستی فقط جنبه علمی دارد میتواند بدون تظاهر و نسب پر جم در محل دیگری غیر از دانشگاه تشکیل شود

دانشجویان دانشگاه شیراز

تهران - چهلمین روز در گذشت دکتر خانعلی با شکوه فراوان برگزار شد در مراسم ختم شهید راه آزادی دانشجویان دانشگاه تهران شرکت فعالانه داشتند دسته کل کمیته دانشگاه تهران بوسیله دانشجویان بر مزار دکتر خانعلی نهاده شد و یکی از دانشجویان بنمایندگی دانشگاه سخنرانی جالبی ایراد کرد دانشجویان در خواست میکردند تا قطعنامه فرهنگیان انجام شود و قائل معلم شهید خانعلی هر چه زود تر همراه مسیون و تمامی اعضای دولت آدمکش شریف امامی به جازات برسد دانشجویان گفتند کسانی را که بخواهند خونهای خانعلی را وزارت و کالت فرار دهند نخواهند بخشید پس از مراسم ختم دانشجویان بزار موقت شهید گرامی دکتر حسین قاضی رفتند و از آن ولد مرد آزاده یاد کردند

درد بدانشجویان دلبر دانشگاه های شیراز تبریز اصفهان مشهد و دانشجویران قهرمان ایرانی مقیم امریکا و اروپا که صمیمانه جبهه ملی ایران را یاری میکنند

اگر شاعری از دولت میخواست که پولداری را در اصطبل خود نگاهدازد همه بسیار متعجب میشدند در حالیکه اگر یک پولدار کبابی از گوشت شاعر میخواست کابل طبعی بود شارل بوریس

روزی کنفرانس یوس از حوالی کوهستانی میگذاشت زنی را گریبان مشاهده کرد پرسید: چرا گریه میکنی زن؟ بدیم، شوهرم و فرزندم را ببر درینم پس چرا این سرزمین نا امن را ترک نمیکنی! برای اینکه در اینجا آزاد هستم کنفوسیرس سر رویش بمریدان خود نمود گفت شاگردان بخاطر داشته باشید: یک حکومت تبادل از بیر درنده تراست

از نهضت پرده شب، دختر خورشید نرم می بافت، دامن رقاصه صبح طلایی را و زنها نگاه سیاه خویش میسراید مرغ مرگ اندیش: «چهره پرواز سحر مرده است چشم خورشید افسرده است» و ز نهضت پرده شب - دختر خورشید همچنان آهسته می بافت، دامن رقاصه صبح طلایی

پیام دومین کنگره اسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا

درودهای گرم و فراوان ما به خواهران و برادران و رفقای دانشجوی خود در ایران! ما نمایندگان دانشجویان ایرانی در اروپا در دومین کنگره خود پیوندهای عمیق و ناگسستی خود را با شما محصلین و دانشجویان دانشگاههای ایران تجدید میکنیم ما هیاترزان دانشجویان دانشگاه شهید داده و بخون کشیده شده تهران و سایر دانشگاههای ایران را در راه احقاق حقوق سنتی و اجتماعی خویش می ستائیم و آنرا الهام بخش و راهنمای مبارزات خود در آینده قرار میدهیم ما که خود گوشه ای از اجتماع دانشجویی خود ایران هستیم سرسختانه مبارزه خواهیم نمود چه در ایران و چه در خارج را جامعه عمل ببوشانیم نقش تاریخی و رسالت بزرگی که در جهان کنونی بر عهده نسل جوان و بخصوص فخر و روشنفکر و مترقی آن واگذار شده است ما را بر آن میدارد که در انجام رساندن این بار بزرگ هم بسته و یار و یاور یکدیگر باشیم

تاریخ نشان نداده است که ملتی بدون تحمل شدائد در تأمین آزادی و استقلال خود توفیق حاصل کند  
دکتر محمد مصدق

# ایران دانشجو

در صورت متحد  
(جبهه ملی ایران)  
دانشکده شریک

نشریه  
کمیته دانشجویان دانشگاه تهران  
وابسته به جبهه ملی  
پیاپی شماره ۹  
۳۰ تیرماه ۱۳۴۰

## مردم ایران خود را برای شرکت در مراسم سی ام تیر روز بزرگ نهضت ملی ایران آماده میکنند

وزن اشخاص در جامعه بقدر شادانی است که در راه مردم تحمل میکنند  
از نطق دکتر مصدق در مجلس شورای ملی  
۲۳ فروردین ۱۳۳۱

عظمت و بزرگی در آن نیست که هرگز شکست نخوریم بلکه در آنست که هر بار شکست خوردیم دوباره بپاخیزیم  
اندره زید



دختران دبیر دانشگاه همیشه برادران خود را در مبارزات اخیر یاری میکردند



نمونه‌ای از تظاهر پرشکوه دانشجویان در روز چهارشنبه ۱۴ تیرماه برای همدردی با دانشجویان ایرانی متحضر در سازمان ملل متحد

## هیاهوی بسیار

### برای هیچ

حوادث گاه چنان نقشی را در حیات اجتماعی یک ملت بعهده دارند که باید عمیق تر بررسی شوند. گاه حقیقت را در کفون می‌کند و گاه خود سازنده حقیقت است. نه چندان که مستقر باشد بلکه گذرنده است. حقیقت همیشه در راه است.

از روزیکه دکتر امینی به قدرت رسید همه جا از یک تحول اجتماعی صحبت میکنند و حتی بعضی نام حوادث اخیر را «انقلاب سفید» میدانند و بنظر میرسد که اسرار دارند چند صحنه‌ای را که از یادداشت چند امیر موقتی ارتش بوجود آورده اند بنام آغاز یک انقلاب اجتماعی و مبارزه واقعی علیه فساد و تباهی و تحول در رشته اجتماعی و اقتصادی ایران بجهانیان معرفی نمایند.

دستگاههای تبلیغاتی و گروه روزنامه‌های اجیرناچند هفته پیش بهشتی همراه با آسودگی ساکنان آن ساخته بودند که به بهشت عدن دباغ ارم پهلومیزد. پیشرفت در حه شئون اجتماعی حاصل شده بود. هر روز کارخانه جدیدی افتتاح یاسدی مستحکم روی رودخانه‌ای عمیق و پر آب استوار میشد. خدمتگذاران صدیق به فرم و اصلاح همه دستگاههای دولتی مشغول بودند.

وزرا و مسئولین امور نقشه‌ای جز ترقی ملک و ملت در سر نداشتند و لامحاله در اجرای این نقشه آسودگی خیال هم.

اما بفاصله چند روز که اگر بچند ساعت تقلیلش دهیم مهتر بقیه در صفحه ۲

«...جبهه ملی برای وفاداری به تعهداتی که در برابر مردم ایران دارد به منظور ایفای سوگندی که نمایندگان ما بکتاب مقدس آسمانی یاد کرده‌اند و از نظر حفظ حق که با افراد یک ملت تعلق می‌گیرد بجهانیان اعلام میدارد که بپیچوجو زیر بار تحمل حکومتی که با تشبیه با جانب با تحمیل و اسباب چینی بیگانگان و برغم تمایلات عمومی روی کار آمده است موافقت نخواهد کرد و افتخار خواهد داشت که هر راه خرابست شعاعی را در راه راستی جهان افراد خود را فدا کند.»

از اعلامیه جبهه ملی که بوسیله دکتر محمد مصدق به پیشگاه ملت تقدیم شده است  
مجلس شانزدهم - ۱۱ تیرماه ۳۹

از اعلامیه جبهه ملی که بوسیله دکتر محمد مصدق به پیشگاه ملت تقدیم شده است  
مجلس شانزدهم - ۱۱ تیرماه ۳۹



از آقای ادیب برومند عضو شورای مرکزی جبهه ملی

### «مقام دانشجو»

با افتخار قرین باد نام دانشجو  
بهر کجا سزد افتخار آزادی  
قیام دانش و تقوی برغم جهل فساد  
که هست پاس فضیلت، مرام دانشجو  
مسجل است بفرخنده نام دانشجو  
هماره هست نهان در قیام دانشجو

بقیه در صفحه ۴

## اخیر

• دانشگاه تهران در این دو هفته دوباره شاهد دو تظاهر پرشکوه بود؛ با تظاهر اول خاطره روز ۲۹ خرداد، روز خلق پید را زنده کرد. و در تظاهر دوم که به خاطر همدردی با دانشجویان ایرانی متحضر در سازمان ملل متحد تشکیل شده بود شدیداً به عمل غیر قانونی دولت اعتراض شد.

نمایندگان دانشجویان نیز در ملاقات خود با دکتر امینی که دو ساعت طول کشید ضمن انتقاد شدید از عمل دولت در مورد سلب همه آزادیهای قانونی و دستگیری مداوم دانشجویان از طرف قوای انتظامی و ضمن پشتیبانی شدید از مبارزه دانشجویان ایران در سراسر دنیا اعتراض دانشجویان را نیز نسبت به لغو ورقه اقامت دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا بیان کردند.

• هنگامیکه دانشگاه تهران روز ۱۴ تیرماه با تظاهر خود به عدل دولت اعتراض می‌کورد و استان ارزنده مادر دانشگاه کشتاورزی کرج نیز که همیشه با اتحاد و یکپارچگی خود اتحاد دانشجویان ایران را مستحکم تر کرده‌اند، تظاهرات پرشکوهی ترتیب دادند و ضمن آن قطعنامه دانشگاه تهران را تأیید کرده و با دوستان دانشجوی خود در سراسر جهان ابراز همدردی کردند.

• بدنبال شدت تندیقات ضد آزادی که چند روز است از طرف بقیه در صفحه ۳

« اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایران بر اساس حفظ مصالح کشور، بانوجه باصول و هدف‌های منشور ملل متحد و درستی با همه ملل جهان و پشتیبانی از ملت‌های آسیای و آفریقای و مبارزه با هر گونه سیاست استعماری و حمایت از ملل که برای آزادی و استقلال خود میکوشند.  
اصل سوم اساسنامه جبهه ملی ایران

### بخش آموزشی

## پیرامون بی طرفی

تعیین ملت ایران با اتخاذ سیاست بیطرفی هر روز با مشکلات فزاینده و نیروی بیشتری تجار منامند و در حقیقت این تعادل مبین علاقه ملت ماست که میخواهد مستقل باشد بدون داشتن «آر باب» آزادانه راه متعصب و منحصر بخود را انتخاب کند. ولی ظاهر آ «اولیاء امور» کوششان باین حرفها بدهکار نیست. شاید هم حق با آنها باشد، زیرا بنظر ما بین سیاست داخلی و خارجی یک حکومت رابطه مستقیم است و هر دو ناش از ماهیت آنست. بنابراین حکومتی که سیاست داخلی بی طرفی و بیطرفی بر محور حقوق و منافع اساس مردم باشد در سیاست خارجی هم آن میشود که دستگاه حکومتی ایران دارد و نیز حکومتی که منتخب ملت و مورد قبول و تأیید مردم نباشد البته جهت سیاست عمومی یک چنین دستگاهی را باید خداوند کاران خارجی تعیین نمایند و تکیه گاه چنین حکومتی هم باید در ماوراء مرزها باشد.

در هفته‌های اخیر که مسأله بیطرفی در روزنامه‌ها و مجلات و محافل مختلف مطرح بود آقای امینی چندین بار درباره مسئله بیطرفی اظهار نظر فرمودند و بطور نشان دادند که مثل سایر «مفسرین» دولتی اصولاً بقیه در صفحه ۲

## درباره مسئله ارضی

در مورد اصلاحات ارضی برای روشن شدن اذهان دولت یک صفحه از کتاب ۸۰۰ صفحه‌ای را نقل میکنیم. امیدواریم باز هم بتوانیم برای خوانندگان عزیز قسطنطنیه را بیآوریم یا فرصتی بشود که به بحث پیرامون کتاب و مسأله ارضی بپردازیم.

••••• هر اقدامی که موجب رهائی از فقر و تنگدستی نشود و عدم اطمینان موجود را از میان نبرد و اهمیت استقرار امنیت را برای عامه مردم بیچ انگارد متحمل کامیابی نیست از این گذشته فرض اینکه با گذراندن قانونی میتوان نهضتی برای اصلاحات بوجود آورد تصویرست باطل. لازمه چنین جنبش تغییراتی آنچنان عظیم است که بیک انقلاب اجتماعی منجر خواهد شد و لازمه این امر نیز وجود عنصر رهبر است.

اما بیچ روی معلوم نیست که چنین عنصری از کجا ظاهر خواهد شد امکان اینکه مالکان در این راه بعنوان پرچم‌داران نهضت پیش قدم شوند سخت بعیدست آنهم نهضتی که نتایج فوری آن باعث تقلیل احتمالی امتیازات آنان خواهد شد.

تجارب گذشته و حال که در جای امین‌داری باقی می‌گذارد که حتی آنان برای حفظ و نگهداری پایه و بنیاد وضع ممتاز خود در صدد سازی و مصالحه با دهقانان برآیند.

بقیه در صفحه ۴

آقای امینی: ملت ایران بیش از این تعطیل عمدی مشروطیت را تحمل نخواهد کرد

مصوب و ژوئن مجمع عمومی اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه

پس از هشت سال خفقان و فساد انتخابات دوره بیستم قانونگذاری مبارزه سرسختانه ملت ایران در راه بازگرفتن حاکمیت و شرافت ملی روبرو گردید.

در مدتی کمتر از یکسال این مبارزه مقدس، انتخابات دوره بیستم قانونگذاری را دوباره باطل گشاید بار اول امر انتخابات در اوضاع و احوالی بر گزار شد که هیئت حاکمه علیرغم میل باطنی خود باطل آن تن در داد.

این بار هم که میخواست انتخاباتی را که در شرایط غیر قانونی تر و خفقان آورتری انجام گرفته بود تحویل کند مبارزه پیگیر مردم ایران چنین نقشه شوم و خانناه ایرا نقش بر آب کرد و محفل آنس که بدست لوزان هیئت حاکمه با جلال و تشریفات باز شد بر اثر فشار مردم و ازیم خشم ملت بسته شد. در نبرد میان حق و باطل سرانجام حق بر باطل پیروز گردید و وابسته شدن این قانون فساد که میخواست چهار سال دیگر مقدرات ما را باز بجه خود کامی تبهکاران نماید تنگی از دامان مشروطیت ایران زده و شد.

اکنون ورشکستگان هیئت حاکمه که در آگاه ملت و ارقامه ورشکستگی سیاسی و اقتصادی آنرا صادر کرده است نغمه دیگری ساز کرده اند و میخواهند بیپانه اصلاحات، حکومت غیر قانونی و ضد ملی خود را زنده کنند.

نیروی شکست آور ملت ایران در دژ مستحکم جبهه ملی به پیروی از سنت رزمندگی دیرینه خود در برابر این طوطیه قد علم کرده و صد هزار نماینده بیدان جلالیه فرستاد تا بجهانیان بنمایانند که با هشت سال حکومت خون ریز و وحشت کوچکترین نژاد را در راه آورده نیافته و مصمتر و آگاه تر بمیدان آمده است.

به پیروی و پشتیبانی از همین سنت و در برابر همین طوطیه ما دانشجویان ایرانی مقیم کشور فرانسه با استناد بقانون اساسی و متمم آن و اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور دانشجویان اعلام میداریم: ۱- نظر باینکه بنا بر اصل ۲۶ متمم قانون اساسی قوای مملکت ناشی از ملت است و بنا بر اصل هفتم متمم قانون اساسی مشروطیت کلاً و جزئاً تعطیل بر دار نیست، و نظر باینکه طبق اصل ۴۸ قانون اساسی در فرمان انحلال باید هم علت انحلال و هم تاریخ تجدید انتخابات ذکر شود و طبق همین ماده از انتخابات جدید باید حداکثر در ظرف یکماه از تاریخ انحلال آغاز گردد و مجلس جدید پس از سه ماه از تاریخ مزبور رسماً شروع بکار نماید و چون تاریخ انحلال ۱۹ اردیبهشت ماه ذکر شده است و دوره فترت مقرر در قانون اساسی بیش از یکماه کتشی پذیر نیست با توجه باینکه تاکنون کمترین اقدام و کمترین اشاره ای از طرف مسئولین درباره تجدید انتخابات نشده است از نیمه شب جمعه خرداد ماه ۱۳۴۰ آقای دکتر علی امینی و همکاران ایشان طوطیه کرانی علیه حقوق مسلم ملت ایران و ناقضین بی پروای اصول نامیرده در فوق بدسوس اصل چهارم و هشتم قانون اساسی بشمار می آیند.

۲- نظر باینکه طبق مواد ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان از او هر ملت فقط بوسیله نمایندگان حقیقی این ملت صحیح و معتبر است بمردم کشور ما حق میدهد که افکار جهان بشریت و سازمانهای بین المللی و دولت های دیگر را متوجه این طوطیه بسازد.

۳- نظر باینکه طبق اصل ۱۶ قانون اساسی کلیه قوانین باید بتصویب نمایندگان ملت برسد تفریق قانون انتخابات جز با تصویب نمایندگان ملت آنها هم نمایندگان که در محیطی آزاد و بدست مردم برگزیده شوند بفرشک دیگر خود نقض قانون اساسی است، و نظر باینکه انتخابات آزاد در حدود قانون فعلی امکان پذیر است عنوان کردن توافق قانون انتخابات بجهت دیگری جز بیپانه در ادامه فترت بفتح طوطیه کران قابل تفسیر نیست.

۴- آنچه تاکنون مانع انجام انتخابات آزاد بوده است همان فساد درونی و تبهکاری آشکار هیئت حاکمه است نه نقض قانون انتخابات.

۵- نظر باینکه منشور دانشجویان آزادی و دانشجویان را شرط اول جستجوی حقیقت که هدف کسب دانش و فضیلت است قلمداد کرده و از طرفی دفاع از آزادی ملی هرگونه بیدارگری را مقدس ترین وظیفه دانشجویان دانسته است: اوامه مبارزه دیرین در راه نیل به آزادی و دفاع از آن همان انجام رسالت بزرگ تاریخی است که در این راه هرگز از برای نخواهیم نشست.

اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه اعلامیه کمیته جبهه ملی وین دوستان عزیز - ایرانیان مقیم اطریش

پس از هشت سال خفقان، ملت در بند شده ایران در کادر جبهه ملی یاد میدان مبارزه گذارده کوشش میکند تا صدای ملتی زنجیر شده را بگوش جهانیان برساند.

متینک و دوستان سوسیونهای چندین ده هزار نفری دانشجویان معاصرین، اصناف و بالاخره همه طبقات کشور ما برهبری جبهه ملی علیرغم محدودیتها و فشارهای غیر قانونی دستکاه حاکمه روز بروز عظیم تر شده و افکار جهانیان را بار دیگر بسوی این سرزمین کهنسال می کشاند.

کمیته موقت جبهه ملی وین وابسته بسازمان مرکزی جبهه ملی انجمن دانشجویان ایرانی گراتس اطریش ۲۴ و ۲۳ و ۲۲ ۱۳۴۰

مقام محترم نخست وزیری - جناب آقای دکتر علی امینی در نوشت روزنامه کیهان - رونوشت هیئت اجرایی جبهه ملی ایران انجمن دانشجویان ایرانی « پرسپولیس » مقیم گراتس اطریش وابسته بفسد سوسیون اطریش و کفدراسیون دانشجویان اروپا انجام انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی را طبق قانون اساسی ایران و ترتیبات شرکت در این وظیفه ملی را خواهی استاز است. انجمن پرسپولیس

بقیه سرمقاله

است. همان دستگاههای تبلیغاتی صدیق و وفادار و همان جرایدهای و قانونی! دم از ورشکستگی و حشمتک انتقادی کشور زدند و اعلام داشتند که که هاشم کرسنه و هاشم شایانهای حیاتی مملکت را بدنشان گرفته و خون ملت را آنجا میکده اند که از آن جز لاشه بیجانی بر جای نمانده است گردانند گان این صحنه های پر جوئی تبلیغاتی آنقدر طبیعی نقش خود را ایفا میکنند که توانسته اند ساده لوحانی را فریب داده بعنوان یک فهران واقعی جلوه کنند. برای حل این معما و توجیه حوادث اخیر باید به تحلیلی از علل داخلی (اجتماعی و اقتصادی) و علل خارجی (دگرگونیهای دنیا) بپردازیم. همان اوضاع و احوالی که از تابستان گذشته با شروع اولین انتخابات مجلس بیستم تأثیر خود را در وضع سیاسی ایران باقی گذاشت و امروز با شدت بیشتری وجود دارد.

از نظر داخلی - در همان موقع بحث میشد که با ورشکستگی اقتصادی کشور که نتیجه فساد روز افزون دستگاه حاکمه، دزدی و سرقت اموال عمومی و انتقال موجودی کشور بحساب بانکهای خارجی اقتصاد بی بند و بار سرمایه داری - اعمال نفوذ و تسلط دول استعماری در همه شئون اقتصادی - تنزل تولید و افزایش سرمایه و واردات بدسوس نالاعالی تجملی و لوکس - خرابی و انهدام دهات، فشار مالکین، اخلاص در امور تجاری، فقر و فشار طاقت فرسانی را که بگرفته ملت ایران تحمیل کرده، چنین وضعی قابل دوام نیست.

و انگیز فشار ناامانه حکومت های فاسد. سلب همه آزادی های قانونی و ایجاد محیطی مدام بارعب و هراس. ناراضی عمیق عمومی خصماً روشنفکران کشور را آشکار کرد.

از نظر خارجی - از سوی دیگر، تحولات سریع جهانی و آزادی ملت ها، پیروزی مبارزان آزادیخواه علیه استعمار با انقلابات داخلی برای تحول در سیستم های کهنه اقتصادی و اجتماعی، باره کردن زنجیرهای استعمار و بالاخره پیروزیهای درخشان ملت ها، علیه فقر و اسارت، راه آینه را برای سایر ملل سیر و ببند کشیده روشن ساخت دول استعماری منافع خود را در خطر دید.

منافع اقتصادی با آزادی ملت ها و سرنگونی حکومت های دست نشانده و انتخاب یک سیاست اقتصادی مستقل بر مبنای منافع ملی نبود گشت و تهدید هدف های نظامی نیز از طرفی بعلمت تحول در تکتیک های جنگی و ایجاد سلاحهای مدرن موشکی و اتمی که تقویت ارتش های کوچک همسایه شوروی را بی اثر می گذاشت و با این علت که پایگاه های نظامی امکان ادامه حیات نیافتند روز بروز بیشتر میشد.

تسایل روز افزون ملل با انتخاب سیاست بی طرفی در صحنه سیاست های جهانی در مقابل درخواست آمریکا با ایجاد پایگاههای نظامی مقاومتی ایجاد کرد و به علاوه موشکهای قاره پیما، افکار مصنوعی ایستگاه های فضائی از ارزش نظامی آنها کم نمود.

این دو واقعیت چشمان تار گردانندگان صحنه های سیاست ایران را اخیراً ساخت و در نتیجه ادامه چنان وضع را غیر ممکن میشود با این تغییرات و با توجه با اثرات گوناگون نیروهای سیاسی داخل و خارج در ایران نیز تجدید نظری لازم بود. زیرا فشار به نقطه انفجار رسیده بود و اوضاع بی ثباتی خطرناکی را نشان میداد.

برای رهائی از این انفجار بدنبال هر تغییر خارجی و بدنبال کسستن هر یک از زنجیرهای اسارت ملت ها در داخل ایران نیز تغییراتی صورت میگرفت. تبلیغات پر جنجال بکار می افتاد. مصاحبه ها تشکیل میشد که « ما چنین انقلاب و تحولی را از سالها پیش بدون خونریزی و اغتشاش و آشوب انجام دادیم و اینک کشور ما فرین سعادت و خوشبختی است » و در بر آن لایح اصلاحاتی تصویب میشد.

اما هر اقدام جدید دروغ و فریب بودن اقدام قبلی را که در زمان خود واقعی جلوه میداد آشکار ساخت. اما فریب و ریاضت زاده شده داشت تغییرات عمده و سیاست جهانی ورشد و بیشتر رسیدن نهضت های ملی و شدت ناراضی با آنجا رسید که سیاست های خارجی آشکارا از دادن هرگونه کمک خود داری کرده و صغیر فوق العاده این دولت تشخیص خود را بوزارت خارجه اعلام داشت و حتی پیمان سنتو تهدید مینمودی کردید. چگونگی کنفرانس اخیر آنکارا و اظهار سریع وزیر امور خارجه آمریکا که «... نمی تواند در مورد کمک آمریکا قریب بدهد چون هنوز اعتباری که دولت کندی به سنای آمریکا پیشنهاد کرده تصویب نشده. بنابراین در حال حاضر نمی توان اظهار نظر سریعی در باره کمکهای آمریکا، بایران و پاکستان و ترکیه کرد»

بقریه حواصک آزادی

نه جای شکوه دروغین، بل منان غرشهای کوبنده، بشوق پیروزی آکنده. صمیم، صادق، استوار. چهره ها گرفته از خشم دیرین، جاندار. رنگ گرفته، باخته. چیدنه، خمیده، افراخته. بدرقه شان خاک و کرد. کوه، دشت، نشیب و فراز. درمراستان، شورعیان. با دستپائی بسته و در پیچه های قلبها بر روی فردای می غروب باز. صفا و وفا با قلبهایشان همراه بی شکیب، ملتعب، بی آرام

\* سینه فراع آسمان را شکافته. برق جلال و شکوه فراهم شده از کوهها، دشت ها - معدن ها آرزین بسته از خون ها، رگ ها، استخوانها گره در گره، پیچ در پیچ مرواریدها. ستونهای بر نقش و کنکره های مفرس طلا کوب، نقره قام. و شکلهائی آهتین، بر روی بام ها، در پیچه ها، دیوارها. رزم آور، بر کین. سر بر هاسی قل زده، شمشیر ها جلاداده، آبدیده

\* شبیورها آماده، طبلها فراهم شده صف ها سلاحها، بیرقها هیاهوی سرداران، سپاهیان و ناکبان خاموش کشفده، هراسان، پرسنده، بر هودجی گران آراسته از مروارید تراشیده، بر برق بازنگوله هائی بر هیاهو نیب خروشان، نیزه داران با بھاگ افتادن آدمک ها جبه پوشان، کلاه داران. از یافتن حمایتی چنین بر جلال بر خود بیابند. درون هودج - خوابیده بر روی شانه چهار کس چون بستری آرام - هیبتی فرورفته در انماس و زبرجد لمبیده بر روی بالشی از دیبا و پرنیان مست از اشربه مخمور از مخدر با حمایتی بخود بخشیده هراسان. در جستجوی تخیلی تازه و بکر چشمها خیره از برق شمشیرها، جلای سپهرها، ولوله توپها، نشانده بر باها و بدینسان مفرور، بر کینه، اندیشناک.

\* و هیاهوی گران که برخاسته بود - بدانسان که باید - باغریو خروشنده فرا رسید بر آستان پر شکوه و بیکرهای مردان، زنان، کودکان با نگاه چوینده، پرسنده. هودج گران را که زروسیم گران آرماسه بود حایل شد و غریب بر خاست گران تر که: « زنجیر از دست و پامان بکشا، نانمان ده تا نه میریم آزادمان بگذار تا زندگی کنیم و تکرار میشد: شکنده نر، کوبنده ش از گروه بی آرام که زندگی میخواستند: با آزادی، با آبادی

\* سرداران آماده، سپاهیان چالاک چشم دوخته بر هودج گران - خوابیده بر روی شانه چهار کس چون بستری آرام که دستی از آن بدر آمد. باشلاقی سیمین که هوار میشکافت با هر چرخش که نشان فرمانی بود، آتش غریب بر خاست از دهانه توپها - نشانده بر باها - و بھرکت در آمد دریائی از ذوبین، پر کین. و آستان پر شکوه رنگ گرفت چون سرخی فلقی و زینت یافت درباره، سنگفرشها و شلاق سیمین همچنان هوا را میشکافت « سیروس »

\* سر داران آماده، سپاهیان چالاک چشم دوخته بر هودج گران - خوابیده بر روی شانه چهار کس چون بستری آرام که دستی از آن بدر آمد. باشلاقی سیمین که هوار میشکافت با هر چرخش که نشان فرمانی بود، آتش غریب بر خاست از دهانه توپها - نشانده بر باها - و بھرکت در آمد دریائی از ذوبین، پر کین. و آستان پر شکوه رنگ گرفت چون سرخی فلقی و زینت یافت درباره، سنگفرشها و شلاق سیمین همچنان هوا را میشکافت « سیروس »

\* سر داران آماده، سپاهیان چالاک چشم دوخته بر هودج گران - خوابیده بر روی شانه چهار کس چون بستری آرام که دستی از آن بدر آمد. باشلاقی سیمین که هوار میشکافت با هر چرخش که نشان فرمانی بود، آتش غریب بر خاست از دهانه توپها - نشانده بر باها - و بھرکت در آمد دریائی از ذوبین، پر کین. و آستان پر شکوه رنگ گرفت چون سرخی فلقی و زینت یافت درباره، سنگفرشها و شلاق سیمین همچنان هوا را میشکافت « سیروس »

بقیه پیرامون بی طرفی از صفحه اول

هنوز درک درستی از مفهوم بی طرفی ندارند. چند هفته قبل آقای امتین طس معاصبه ای بابی منطقی عجیبی اظهار داشتند: «مگر با خروج ما از پیمان سنتوپول بایران سرازیر میشود».

مردم کشور ما از زمان مشیرالدوله و مستوفی انصالح خواستار آن بودند که سیاست بی طرفی واقعی پیش گرفته شود و این سیاست در زمان آقای دکتر مصدق تازه شکل می گرفت که کودتای ۲۸ مرداد مانع از ادامه آن باشد.

الف - تعریف بی طرفی - همانطوریکه گفته شد بی طرفی ما میرسد که عده ای دوگ درستی از مفهوم بی طرفی ندارند و بایاید حد اقل گفت که خوراک کوچک علی چپ» میزند و با عناوین غلطو تعاریف نادرست می خواهند از اهمیت اتخاذ سیاست بی طرفی بکاهدند.

بی طرفی برای ما فقط مفهوم خروج از پیمان سنتو و پیمان نظامی دو جانبه با آمریکا نیست ، خروج از این پیمانها یک قسمت فنی است و قسمت عمده و مهمش عبارت از اینست که ما از وابستگی به

بقیه اخبار

دولت شروع شده، تابلوی باشکاه جبهه ملی از طرف مأمورین دولت در نیمه شب، زدوده شد. و این عمل دو بار تکرار گردید - و نیز بطور مداوم دانشجویان آزادیخواه دانشگاه تهران از طرف مأمورین دستگیر میشوند و همه این نمونه ها، نشانه هماهنگی و اتحاد هیأت حاکمه علیه مبارزین وطن ماست.

سلب آزادی در شهرستانها به نحو بسیار شدیدی ادامه دارد نمونه ای از این اقدام ضد آزادی دولت در کاشان، شهر آزادگان اتفاق افتاد. طرفداران جبهه ملی در کاشان در روزهاشورا قصد چاپ بیانیه ای در زمینه تجلیل از مبارزه آزادیخواهان داشتند که از طرف مأمورین دولت ممانعت شد، در باره ادامه این تشییقات وسیله نامه به دکتر امینی و جراید پایتخت اعتراض شده که ضمن آن نوشته شده بود: «وجود یک چنین نمونه های روشن از موانعی که مأمورین دولت در راه فعالیت های منطقی و آرام هواداران جبهه ملی در شهرستانها فراهم میسازند ، با ادعاهای دولت آنجناب مبنی بر عدم هرگونه تبعیضات سیاسی در میان مردم، متناقض و متضاد است».

کمیته دانشجویان ایرانی مقیم مونته‌پلیه فرانسه وابسته به جبهه ملی ایران ضمن بیانیه ای به روش دولت در مورد شروع انتخابات شدیداً اعتراض کرده اند. ضمن این بیانیه متذکر شده اند «امینی نمی تواند بپذیرد که این نقض قانون انتخابات فعلی نیست بلکه دخالت های غیرقانونی دولت های نالایق و فاسد، رجاله های چون کاتم مسعودی را برعهده کشی در مجلس منصوب می نماید . متن تلگراف اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه به دکتر امینی

رونوشت آقای کاظمی رئیس شورای مرکزی جبهه ملی - رونوشت اتحادیه روزنامه نگاران

آقای نخست وزیر - تهران

نظر باصل ۴۸ قانون اساسی دولت موقت است پس از انجمن مجلسین بنامه یکماه انتخابات را آغاز کند تا تعطیلی در مشروطیت روی نهد. نظر بمنشور دانشجو که اتحادیه صنفی را موظف بدفاع از منافع ملی میدارد اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه : تاخیر انتخابات را تجاوز بقانون اساسی کشور میداند

به تعطیل مشروطیت بهر صورت شدیداً اعتراض مینمایند و عمراً خواستار است که دولت با رعایت آزادیهای فردی و اجتماعی انتخابات را در تاریخ مقرر در قانون آغاز کند.

بدنبال مزاحمتی که در همه شهرستانها جهت مبارزین جبهه ملی ایران از طرف دستکاه دولت فراهم شده چند روز قبلش تن از دوستان مبارز ما آقایان: حجاززاده، باستانی، وادگر، کورکی سامانی پور، سلطانی، دراهواز وسیله سازمان امنیت دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفتند.

رئیس سازمان امنیت اهواز سرهنگ سلیمی است که گویا در تهران اقامت دارد و دو تن دیگر: فلک فرساوشیروانی مأمور دستگیری و شکنجه طرفداران جبهه ملی در اهواز بودند.

مأعلام می گویند که این مأمورین نمیتوانند بعد ها به فرمول مسطره مأمور معذور است استناد کنند.

مدت یکماه است که عده ای از کارگران نفت خوزستان را جهت مذاکره برای تعیین حداقل مزد آنان به تهران آورده اند اما بعد از یکماه با آنان اطلاع میدهند مذاکره بجائی نرسیده است هر یک از کارگران نفت خوزستان که در تهران هستند توسط مأمور سازمان امنیت تعقیب میشوند که مبادا کارگران با اعدای جبهه ملی ایران تماس بگیرند.

دوستانی که قصد همکاری با ما دارند نظرات و مقالات خود را بوسیله صندوق باشکاه جبهه ملی برای ما بفرستند پشت پاکت جمله «پیام دانشجو» حتماً قید شود.

بلو که ایجاد شویم و بتوانیم آنطوریکه دکتر بختیار در میتینگ عظیم اردیبهشت گفت: «یک سیاست مستقل ایرانی اتخاذ کنیم».

اینکه آقای امینی استدلال می فرمایند که ما با وجود بی طرفی در جنگ اول نتوانستیم در کنفرانس ورسای راه یابیم ناشی از این اشتباه است که بی طرفی را فقط به نداشتن پیمان نظامی با فلان یا بهمان کشور تعبیر می کنند. در حالیکه در جنگ اول درست است که ما ناهراً بی طرف بودیم و پیمان و قراردادای با کسی و بر ضد کسی نداشتیم ولی ما عملاً به بعضی از دول امپریالیستی و استعماری وابسته بودیم و بدلیل همین وابستگی دول جهان ما را بعنوان یک واحد مستقل سیاسی نمی شناختند.

بنابراین بی طرفی در معنی واقعی خود و آنطوریکه ملت ایران می خواهد و می تواند برای ما مفید باشد عبارت از «عدم هرگونه وابستگی» است.

این سیاست بما امکان میدهد که بتوانیم بصورت یک واحد مستقل سیاسی عرض وجود کنیم . از کمکهای هر دو بلوک طبق مصالح ملی خود استفاده کنیم بدون آنکه تبدیل بیک زائده سیاسی و اقتصادی و نظامی شویم بدیهی است که بقول نهر و « هر موقع که بخواهیم تمایلی داشته باشیم بیکی از طرفین متمایل میشویم زیرا سیاست ما سیاست مستقلی است ، سیاست منفی نیست بلکه سیاستی مثبت است »

(سخنرانی نپرو ۱۷ اوت ۱۹۶۰ در مجلس سنای هند پیرامون سیاست خارجی هند)

ب - ببینیم دلایل آنهاییکه اتخاذ سیاست بی طرفی و عدم وابستگی

را بهیچوجه من الوجوه صحیح نمیدانند و برای آن مفهوم نمی شناسند چیست ؟ دلیل ظاهر پسندی که ارائه میدهند و اغلب چه در موقع بستن قراردادها و چه بعد از آن هنگام دفاع از این قراردادها با بیان والفاظ مختلف تکرار کرده و میکنند همانست که آقای امینی در مساحبه های خود چندین بار متذکر شدند ولی مطلب اینست که : «ما در دو جنگ بی طرف بودیم و نتیجه ای از آن ندیدیم » در پاسخ باید گفت :

اولاً - ما در هر دو جنگ گذشته بمعنی واقعی بی طرف نبودیم . در جنگ اول همانطوریکه گفته شد سیاست ما آشکارا وابسته به بعضی از سیاستهای استعماری بود و در جنگ دوم نیز میرفتیم که از پای بوسی این آستان قدرت یعنی انگلستان بپای بوسی آستان قدرت نوظهور و متحرک و متجاوز دیگر یعنی آلمان هیتلری که برای زمانداران آنوقت جذب و شوکت خاصی داشت نائل آئیم .

ثانیاً - شرایط بین المللی عصر حاضر مسائل جدیدی را مطرح کرده است که ابتدا قابل مقایسه با شرایط بین المللی هنگام جنگ اول و جنگ دوم نیست و جای تاسف است که آقای امینی که بعنوان نخست وزیر فعلاً بر کرسی صدارت تکیه زده اند باین تغییر شرایط بین المللی که روابط بین المللی را بتکلی تغییر داده توجه ندارند .

و بنا بر این استناد باینکه ما در جنگ بی طرف بودیم و نفعی نبردیم بدون توجه به عوامل و شرایط جدید بین المللی است و اگر اصرار دارند که دلیلی برای سیاست وابستگی ما برآشاندیم تر است که قدری بیشتر فکر کنند .

ثالثاً - موقعیت خاص جغرافیائی کشور ما بحوری است که در یک « جنگ عمومی » چه ما با طرفی باشیم چه بی طرف کشور ما بیکی از میدانهای حتمی و اولیه جنگ تبدیل خواهد شد و حد اقل ضرورت وابستگی ما اینست که در یک جنگ عمومی

تجاوز بسارا تسریع خواهد کرد و جلوتر خواهد انداخت و این مطلب نه تنها در مورد کشور ما بلکه در تمام مورد کشورهای که موقعیتی نظیر ایران دارند صادق است و بدین ترتیب پیمانهای نظامی و وابستگی کنونی دردی را دوا نخواهد کرد و تصمیمی برای جلوگیری از خطر تجاوز و حمله بسا در یک جنگ عمومی بهمانر می آید .

و اما ما بجای اینکه عمداً خود را وارد در ماجراهای نظامی کنیم باید در تحقیق بحرانهای بین المللی بکوشیم و مطابق مقدمات و امکانات خود مانع از ایجاد فاجعه جدید جنگ جهانی شویم .

رابعاً - اگر بر فرض این استدلال را قبول کنیم که ما از بی طرفی طرفی نبسته ایم و در گذشته با وجود بی طرفی بسا تجاوز کرده اند و بنا بر این سیاست بی طرفی درست نیست خیلی مسخره است وقتی که می بینیم فی المثل پیمان سنتو (که گویا باید ما را از تجاوز بقیه در صفحه ۴

بقیه سرمقاله از صفحه ۴

مهربانست که سالهاست میداننداری میکند: با هر دو پاشی کار کرده و بهر گوشه ای هم چسبیده اند. و بارها رندانه از آزادی و آزادیگی سخن گفته و بیانیه صادر کرده اند. اعضای قرارداد کنسرسیوم را بانجام رسانده اند. سواً این سالهاست مردم ایران را ناخوشایند است و داغ فنگی است بر چهره ایشان. گاه نیز فتق مملکت را در خارج رتق کرده و سرود صدائی نیز برای انداخته اند. در انتخابات تابستانی امسال علمی برآه انداخته اند و عده ای نیز بزرگوار ایشان سینه هازده اند و امروز بنواها رسیده اند. و درباره اعضای کابینه ایشان حرفی نمی زنیم چون عده ای را می شناسیم و در باره دیگران نیز همه مردم چندان آگاهی دارند که بگویند «باید از خناری خمیازه دیگری بکشیم» این است که میتوان گفت چنانچه از هیأت حاکمه جناح دیگری را برای مدتی با صحنه سازیهائی چند کنار میزنند و هبائوئیس عظیم برآه میاندازد و در نتیجه بزرگترین قتلوال ایران می خواهد اصلاحات ارضی نماید.

ای فردا ...

میخوانم و میستایم پر شور، ای پرده دلفریب رؤیا رنگ! می بوسم، ای سپیده کلگون! ای فردا، ای امید بی نیرنگ! دیر است که من پی تو می پویم.

هر سو که نگاه میکنم، - آوخ! غرقست در اشک و خون، نگاه من. هر گام که پیش میروم، بر پاست سر نیزه خونفشان بسراه من. وین راه یگانه: راه بی برگشت!

ره می سپریم همراهِ امید، آگاہ زرنج و آشنا با درد یک مرد اگر بخاک میافتد بر می خیزد بجای او صد مرد، اینست که کاروان نمیماند.

آری، ز درون این شب تاریک ای فردا، من سوی تو میروم! رنج است و دردنگ نیست، می تازم مرگ است و شکست نیست، میدانم آبستن فتح ماست این پیکار.

میدانم ای سپیده نزدیک، - ای چشمه تابناک جان افروز! - کز این شب شوم بخت بد فرجام بر می آئی شکفته و پیروز - و ز آمدن تو: زندگی خندان -

می آئی و بر لب تو صد لبخند می آئی و در دل تو صد امید - می آئی و از فروغ شادی ها تابنده بدامن تو صد خورشید. و ز بهر تو باز گشته صد آغوش

در سینه گرم تست، ای فردا! درمان امیدهای غم فرسود - در دامن پاک تست، ای فردا پایان شکنجه های خون آلود ای فردا، ای امید بی نیرنگ! ... پایان

مقاله ای بعنوان تشکیل سازمان دانش آموزان و رهبری نسل جوان کشور ما رسیده بود که بعلت تراکم مطالب . بدرج آن در شماره های آینده اقدام خواهیم کرد

زنان و دختران ایران از خواندن (اطلاعات بانوان) نشریه دستگاه ارتجاعی خودداری میکنند

بدانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و اروپا درود میفرستیم و مبارزه منطقی آنان را نشانه اتحاد نسل جوان کشور خود میدانیم

بقیه پیرامون بی طرفی

حفظ کند) با تکیه بر دولتی نظریه دولت استعماری افغانستان تشکیل شده که در حدود ۱۵۰ سال مستقیم و غیرمستقیم بحاکمیت ملی و قلمرو ما تجاوز کرده است و بنا بر این یک چنین دولت استعماری را «شامین» خود فرار دادن خیلی حرافت میخواند. بنظر میرسد که شرکت ما در پیمان سنتو که عملاً در تحت رهبری دولت انگلستان است این مطلب را بخوبی ثابت میکند که نظر هیئت حاکمه از شرکت در این پیمانها بخاطر بدست آوردن تضمینی برای حفظ تمامیت ارضی وطن ما نیست بلکه بخاطر یافتن تکیه گاه در خارج از مرزهای کشور است زیرا در داخل کشور و در بین مردم تکیه گاه ندارد

خامساً - اگر عده ای خیال میکنند که پیمانهای نظامی و وابستگی ما بغرب تضمینی است برای اینکه در مواقع عادی و در بحرانیهای محلی ( بدون اینکه یک جنگ عمومی درگیر شود ) کسی خیال تجاوز با ما را در سر نپیوراند ، در این مورد نیز باید گفت بدلیل موفقیت جغرافیائی کشور ما که قسمتی از «مرزهای جهانی» را تشکیل میدهد تجاوز با ما نمیتواند صورت گیرد و تجاوز با ما بمنزله آغاز یک کشمکش بزرگ بین المللی است و وضعیت بین المللی بوضوح نشان میدهد که هیچیک از دو طرف شرق و غرب حاضر نیستند مسئولیت جنگ را بعهده بگیرند .

از طرف دیگر ، امروزه عامل مهمی که جلوی بسیاری از تجاوزات را بگیرد عکس العمل افکار عمومی جهانست و حتی در گذشته بسیار نزدیک دیدیم که دولتهای متجاوز تحت تاثیر قدرت افکار عمومی جهان مجبور شدند دست از تجاوز بردارند . در حالیکه ما بخوبی میدانیم اگر دولتی که باین یا آن بزرگ وابسته است تجاوزی شد عکس العمل مخالفت آمیز افکار عمومی در مقابل این تجاوز بسیار کوبانند است زیرا در حقیقت یک چنین دولتی با اعلام وابستگی خود را آماده برای قبول چنین تجاوزی کرده است ولی برعکس اگر بدولتهائی که بیطرف هستند تجاوزی شود افکار عمومی جهان بشدت برانگیخته میشود و چه بسا که همین عکس العمل شدید مخالفت آمیز ، دولتهای متجاوز را بر سر جای شان می نشاند . این مطلب را حتی آقای ایزنهاور هم خوب می فهمد و در سخنرانی خود که در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۶۰ در انجمن روزنامه نگاران آمریکا در واشنگتن ایراد کرد تقریباً با همان عبارات بالا این مفهوم را بیان داشت که خطر تجاوز بیک کشور وابسته بیشتر از خطر تجاوز بیک کشور بیطرف است .

ج - نتایج سیاست وابستگی بغرب  
سیاست وابستگی ما بغرب چه نتایجی داشت و شامل چه «منافع»! برای ملت ما بوده است ؟ به پیش ما از این وابستگی و با طرفی چه طرفی بسته ایم ؟ بطور خلاصه وبدون شرح و بسط زیاد نتایج عمده ای را که سیاست وابستگی بغرب برای ملت ما ببار آورده میتوان بترتیب زیر بیان داشت

۱ - تخریب ارزش ۲۰۰ هزار تفری ، ساختن سربازخانه ها و فرودگاه های نظامی احداث پایگاههای مختلف نظامی که ما را در صفاول خطر قرار میدهد و هیچ بعید نیست که حتی روزی «طوفان ناشی از پروازهای جاسوسی ( نظیر واقعه یو-۲ ) بمباری آورد در حالیکه هیچ مصلحت نیست که خاک کشور ما برای چنین مقاصدی بکار رود .

و اما بهتر است که تشریح علت وجودی ارزش ۲۰۰ هزار تفری ایران را که آمریکا اینپسه در تخریب ارزش می کوشد و بیش از ۴۰ درصد بودجه ما را می بلعد از آقای سنا توره فری بشنوید: « آیا می دانید که فرمانده ارتش آمریکا بیکی از ما چه گفت ، او گفت: در سایه کمکهای آمریکا وضع ارتش ایران خوب است یعنی اکنون توانائی آنرا دارد که به مردم شوروی مبارزه کند ، و سی این ارتش مقصد جدیدین یا روسها را ندارد ، بلکه نقشه اش این است که با مردم ایران بجنگد »

« روزنامه کیهان ۴ شنبه ۱۰ خرداد ترجمه از نیوزویک »  
بآنچه که گفته شد رقم ۶۴۰۰۰ دلار طرح سالانه ما را در پیمان سنتو باید اضافه کرد که خود آقای امینی در زمان سفارت خود در آمریکا این رقم را بدست داده اند .

۲ - میلیاردها دلار وام باشد با شرایط سنگین کم رکن بدون اینکه با این وامها حتی یک مؤسسه تولیدی و صنعتی دایر شده باشد و مطابق یک حساب سال اقتصادی آزادی عمل مادر گرویی او بدهندگان فرار دارد .

۳ - وجود عده زیادی مستشار نظامی و غیره .

نتیجه فرعی وجود این عده اینست : چون این مستشاران حقوقهای گزافی دریافت میدارند و قدرت خرید زیاد و نامتناسبی در اختیارشان قرار دارد که این خود عامل بسیار مهمی در بالا رفتن سطح قیمتهاست و تاثیر این حقوقهای گزاف در بالا رفتن کرایه خانه ها بخوبی چشم میخورد و علت اینست که در سالهای اخیر مرتب خانه های لوکس میسازند در روزنامه ها آگهی میکنند که « ساختمان لوکس و مدرن برای

بقیه مسئله ارضی

چه تجارب گذشته وجه خط مشی وقایع جاری دلالت ندارد بر اینکه تصور کنیم دولت عملاً چنین اصلاحاتی را رهبری خواهد کرد پیوسته سخن از اصلاحات و عدالت اجتماعی در میان بوده اما برای تحقیق این امور اقدامی نشده است روزگاری دراز پیش از این یعنی در ( ۱۲۵۹-۶۰ ) سیدجمال الدین اسدآبادی گفته است « رجال ایران در سیاست و صفت کلام مهارت دارند ولی علم آنها بی عمل است اگر یک قسمت از صد قسمت فوایدی که در گفتار صرف میکردند در کردار بدل مینمودند ایران از حیث ترقی و ثروت و عظمت و قوت در مصاف دولت عظیمه قرار داشت » این سخن را امروز هم میتوان تکرار کرد و نوشت .

نقل از صفحه ۶۸۳ کتاب مالک وزارت معارف نوشته دکتر ملتون ترجمه منوچهر امیری

اجاره بخارجیان « آماده داریم همین است ۴ - محروم ماندن از کمکها و وامهای دیگر کشورهای جمله شوروی که حتی اگر بخاطر رقابت با دول غربی هم که باشد حاضر بدادن کمک با شرایط سهلتر و آسان تری میباشد . گویا حاجت بقدر این نکته نداشته باشیم که برای کشورهای عقب مانده ای نظیر ایران استفاده از کمکهای بدون فید و شرط از جانب هر که باشد بسیار مفید و لازمست در حالیکه سیاست وابستگی هیئت حاکمه باعث شده است که مافط از دول غربی انتظار کمک داشته باشیم و آنها نیز بدینخواه شرایط سخت خود را بما تحمیل میکنند ، در حالیکه همین دول غربی وقتی که پای کشورهای نظیر هندوستان و افغانستان میان می آید با شرایط بسیار سبلی بآنها کمک میکنند و دلایل نیز بسیار ساده است آن کشورها قید بند و وابستگی را بدست و پای خود نیستند و مثل هیئت حاکمه ایران دست و پای کشور خود را در پرست گردوندند و آنها از هر کجا که دلشان بخواهد میتوانند احتیاجات لازم را بر آورده سازند از طرف دیگر ماهیت کمک دول غربی بکشورهای نظیر ایران تا کنون این بوده است که با ریب سنگینی بما فرض بدهند بدون اینکه این فرضها دردی را دوا کند ، در حالیکه کشورهای بی طرف با استفاده از تضاد ها و موقعیت ها اعتبارات زیادی از هر دو طرف برای ایجاد صنایع و موسسات تولیدی دریافت داشته اند و هر وقت که دول غربی حاضر بقبول کمکهای مورد درخواست آنان نشدند از شوروی قبول کمک کردند

برای مثال ، مسئله احداث کارخانه ذوب آهن را در نظر بگیرید . ما سابقاًست که با دول غربی در این مورد مذاکره میکنیم و شاید بیش از ملیونها ریال بچیب کارشناسان آنها ریخته ایم تا در باره این مسئله با اصطلاح « مطالعه » کنند ، در حالیکه آنها بدلیل خصیصیت رژیم سرمایه داری بسادگی حاضر نخواهند بود کارخانه ذوب آهن و فولاد ریزی و مؤسسات صنایع سنگین در ایران ( و یا در کشورهای دیگر ) تأسیس کنند و یک بازار عمده کالاهای خود را از دست بدهند . در حالیکه دول دیگری مثل هندوستان و افغانستان و بتازگی عراق از برکت سیاست بیطرفی خود توانستند مستقلاً تصمیم بگیرند و با کمک شوروی و امریکای صنایع سنگین خود را پایه گذاری کنند و حتی کارخانه ذوب فلز هند مدتیست که بپیره برداری پرداخته و در کشورهای دیگر نیز سرعت ساختمان کارخانه در جریان است .

۵ - وابستگی ما بدول استعماری غرب باعث شده است که اتخاذ سیاست اقتصاد ملی مستقل عملاً برای ما غیر ممکن باشد و بهین دلیل کشور ما بانبار اجناس بنجل و انواع اقسام کالاهای خارجی مبدل شده است که اقتصاد ما را بورشکستگی کشانده است و باعث شده که کارخانه ها پشت سر هم بسته شود و هزاران نفر کارگر و خانوادهاشان بی پناه و گرسنه آواره شوند

۶ - در مسائل بین المللی هیئت حاکمه کور کورانه از سیاست دول غربی پیروی میکند و کوچکترین استقلال رای و نظری از خود ندارد و این مسئله بخوبی از روش هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد هویداست . همین امر باعث شده است که روابط ملل با کشورهای مستقل آسیائی و آفریقائی سرد و سست باشد و در خانواده کشور های مستقل آسیائی و آفریقائی محلی از اعراب نداشته باشیم .

۷ - ما در اینجا از اثرات اجتماعی این وابستگی و از نتایج گوناگون و مختلفه آن صحبت نمیکنیم ، از این بحث نمیکنیم آنچه را که بقول آندره فیلیپ میتوان روش زندگی آمریکا نامید ( منظور طرز زندگی آمریکائی است ) چگونه فساد و تباهی را با خود بارمغان آورده و چگونه نسل جوان ما را با انحطاط و پستی و تباهی کشانده است و چگونه روحیه لوکس و تجمل پرستی را که متناسب با سطح درآمد کشور ما نیست گسترش داده و از این راه نیز برای کالاهای لوکس آنها مشتری دست و پا میشود .

۸ - مجموعه آنچه که تا کنون بیان کردیم مارا باین نتیجه میرساند که سیاست حکومتهای کودتائی

اولاً نادرست - غیر عقلانی خائفانه و ضد ملی است ثانیاً - چنین سیاست ضد ملی ناشی از علت وجودی خود حکومت کودتاست ، ناشی از اینست که حکومت کودتائی فاقد استقلال میباشد .

و بوسیله سیاستهای خارجی ساخته و پرداخته شده و بعلمت ما تحمیل گشته است و امروز از آقای ایدن و آیزنهاور گرفته تا آن دلس رئیس اداره جاسوسی آمریکا عربده میکشند که ما در ۲۸ مرداد ایران را نجات دادیم یعنی ما « قیام ملی ۲۸ مرداد (!) آفریده ایم و بدین ترتیب تکلیف « قیام ملی ۲۸ مرداد » را هم یکسره می کنند و اما مفهوم نجات دادن را هم لاید می دانند که فعلاً دولت حتی برای تأمین حقوق کارمندان خود عاجز مانده و کاسه گدائی بدست گرفته است و البته وقت نشه ایجاد چنین حکومتی را در ادارات جاسوسی کشورهای استعماری طرح ریزی کنند بدون شک جهت سیاستش را نیز آنان تعیین خواهند کرد .

\*\*\*

بدیهیست که مردم از دولت امینی ویا دولتهای نظیر او انتظار ندارند که بتوانند مارا از این وابستگی اسارت آور نجات دهند و جهت سیاست مملکت را تغییر دهند و « سیاست مستقل ایرانی » در پیش گیرند زیرا موجودیت دولت آقای دکتر امینی نیز از همانجائی آب میخورد که دیگر دولتهای کودتائی از آن الهام می گرفتند در حالیکه ما عمیقاً معتقدیم فقط دولت ملی که با تکیه بر نیروی مردم و تأیید دیشیبائی ملت بر سر کار بیاید قادر خواهد بود مارا از وابستگی های اسارت آور کنونی نجات داده و با تکیه بر قدرت ملی سیاستی مستقل با توجه به شرایط و مقتضیات وطن ما در پیش گیرد . حوادث بغوی نشان میدهد که ما بدینسو در حرکتیم .

پایان

بقیه مقام دانشجو

سپاه جهل سلاح افکند به پیکارش که هست تیغ هنر در نیام دانشجو  
هم از ریاضت فکر و مجاهدت باشد هماره توسن اقبال رام دانشجو  
فضیلت است نهان در نهاد دانشمند صراحت است عیان در کلام دانشجو  
هر آنکه منزلت فضل محترم دارد فضیلتی شمره احترام دانشجو  
جو هست « بیشه شیران » و فضای دانشگاه سزد که نام کنیهش کنام دانشجو  
بگوش خلق رساند نوید پیروزی طنین گوش نواز « پیام دانشجو »  
که ستیزه مریزادان همایون دست که کوس فتح بکوبد پیام دانشجو  
قوام مملکت اندر دوام آزادی است چنانکه هست بدانش قوام دانشجو  
بود نهانگه کنجینه های عشق و امید خجسته خاک وطن زیر گام دانشجو  
کنونکه دوره دانشوری و دانائیت سزد که دور بگردد ، بکام دانشجو  
سلام هموطنان جمله سوی او ستکه هست سلامت وطن اندر سلام دانشجو  
بدین نطفه که بلند است صیت شعر ( ادیب ) بلند باد بکیتی مقام دانشجو

نگته

وزیر فرهنگ گفت : رئیس دانشگاه شیراز را برکنار کردم ایشان ( دکتر قربان ) علاوه بر تخلفاتی که در مدت هشت سال کرده است علاوه بر ریاست دانشگاه دوازده شغل دیگر نیز داشته است . مطب ریاست دانشگاه ریاست دانشکده پزشکی ریاست آموزشگاه معامائی ریاست بهداری استان ریاست سازمانهای همکاری فنی ایران و آمریکا ریاست پزشکی قانونی معاونت نیابت عالیه شیروخورشید سرخ مدیریت عامل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ریاست بهداری کارخانجات نساجی پزشکی زایشگاه تدریس در آموزشگاهها و دانشکده ریاست هیأت مدیره رادیو لژی .

آیا باین ترتیب از عهده اداره دانشگاه میتواند استقند بر بیایند ( روزنامه کیهان )

آقای دکتر قربان که برای ملاقات و مذاکره با آقای نخست وزیر به طهران مسافرت کرده بودند روز پنجشنبه اول تیر ماه بشیراز مراجعت کردند و مورد استقبال گرم رؤسا و معاونین دانشگاهها و تعداد زیادی از دانشکاهیان واقع شدند .

دکتر قربان در این مسافرت دومرتبه با آقای نخست وزیر ملاقات و راجع بحریانات نامطلوب اخیر مذاکره نموده اند آقای نخست وزیر از پیش آمد و سوء تفاهم اظهار تأسف نمود و وعده جبران و ترمیم داده اند

آقای دکتر قربان روز چهارشنبه ۳۱ خرداد ماه ساعت ۱۰ صبح در جلسه امنای دانشگاه پهلوی که با حضور آقای نخست وزیر تحت ریاست آقای علاء وزیر دربار تشکیل شد شرکت نمودند آقای فولادوند استا ندار فارس نیز در این جلسه شرکت داشتند . ( روز نامه پارس شیراز ۳ شنبه ششم تیر ماه ۴۰ شماره ۲۵۱۲ )

آقای دکتر مجتهدی که بعنوان سر پرست دانشگاه شیراز تعیین شده بود اینک از شیراز بر گشته است و دیگر حاضر نیست بکاری که از طرف وزیر فرهنگ از وی خواسته شده بود اوامه دهد .

با امتناع دکتر مجتهدی از مراجعت بشیراز معلوم میشود در مبارزه ای که میان دکتر قربان و وزارت فرهنگ در گرفته بود دکتر قربان رئیس سابق دانشگاه فاتح شده و باز سر رشته کار دانشگاه پهلوی در شیراز بدست دکتر قربان افتاده است .

و اگر هم باز خود او بسر کار بر تکررد هر که بیاید در دست او خواهد بود و با نظر او کار خواهد کرد .

( روز نامه باامشار چهارشنبه ۱۴ تیرماه ۴۰ شماره ۹۶۴۸ )

حساسه آزادی

••••• و هیاهوی گران برخاست - بدانسان که باید .  
گوشی خشم است که زخمدیده فریاد میکند  
و یا هوجی است که میفرود  
توفنده ، بی باک .  
رایت ها برافراشته ،  
پیکرها چالاکه با قباهای چاک چاک

بقیه در صفحه ۶

از خواندن ( اطلاعات ) خدمتگذار کهن استعمار خود داری کنید

# افتخار سربازان شهید نهضت ملی که در سربزرگ سی ام تیر جان باختند

## لوح افتخار

رضا ایوبی ارغند (دوره گرد) - حسن نیکوسخن (آهنگر) - عباس لؤلؤ (زرگر) - محمود عموتی (آجیل فروشی) - نوروز کفائی (بیخ فروشی) - مرتضی دستخوی نیکو (شاگرد دوچرخه ساز) - صفر حنیفه رحمانی (ریخته گر) - قدرت سلیمی - اسمعیل عینک چی - هوشنگ

رضیان (عطارد) - غلامحسین صادقی (بلور فروشی) - محرم رستمی (خیاط) - اسمعیل وزیری (توتون فروشی) - امیر بیجار (محل کلاسی پنجم) - چهار رشیدی (کارگر جورابفای حبیب شو فی رضوانی (ر اننده) - سعدی اسکندری (پرویز رجائی (آرایشگر) - ۴ نفر کتنام - که این

مده در این بابویه مدفون اند و دهها نفر دلاور کتنام دیگر که در راه پیروزی نهضت ملی ایران در روز پر افتخار ۳۰ تیر در تهران و شهرتاماها جان باختند.

# پیکر حاکم

نشریه دانشجویان دانشگاه تهران وابسته

شماره ۱۰ به جبهه ملی بها ۴ ریال ۴۰۴۳۰



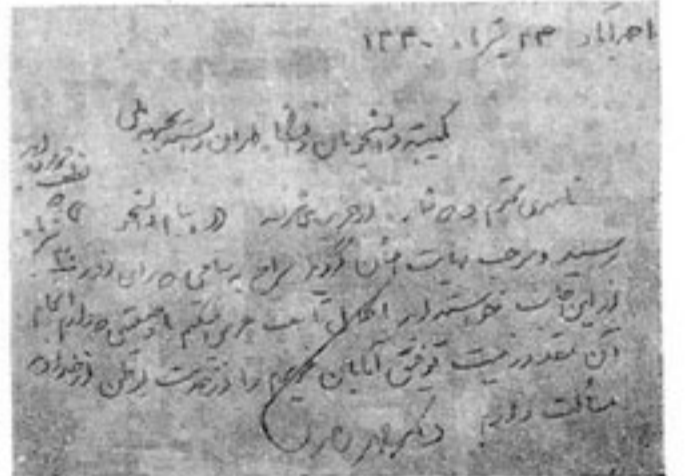
## مصدق، پیشوای نهضت ملی ایران

در احمدآباد زندانی است

فوج سربازان حکومت ایران، همراه با هیاهوی تفنگ ها و برق سرنیزه ها احمدآباد را در حصار گرفته اند تا مصدق نتواند فضای آزاد را نیز تنفس کند.

مصدق، پیشوای ملت خود میگوید. مقدورم نیست. مسائلی را با مردم ایران در میان بگذارم. حصار سرنیزه و تفنگ جلویم را سد کرده است.

معلوم نیست از کدام مرجع صلاحیتدار باید پرسید، اگر مصدق زندانی است با چه رأی و از کدام دادگاه، و اگر آزاد است تدارک یک پادگان مجهز نظامی در احمدآباد برای چیست؟ ملت ایران ترس و بیم دستگاه لرزان حاکمه را از نام مصدق ویران مصدق بچیان میبندد و این پدیده تازه ای نیست. همیشه قوای اهریمن از سپاه یزدان در هراس بوده است.



پیام دکتر مصدق

## مصاحبه با آقای دکتر سنجابی

### پیروزی در لاهه

از خاطرات آقای دکتر سنجابی رئیس هیأت اجراییه جبهه ملی بطوریکه اطلاع دارید در تیر ماه ۱۳۳۱ اختلاف ایران و انگلیس راجع به دعوی نفت در دیوان بین المللی لاهه مطرح بود اینجانب که سمت عضویت هیأت نمایندگان ایران و نمایندگان مجلس شورای ملی را داشتم همراه جناب آقای دکتر محمد مصدق بودم و با سایر دوستان سمت مشاور حقوقی معظم له را داشتیم. بر حسب نظر ایشان و اکثریت هیأت نمایندگان سمت قاضی اختیاری ایران در دادگاه لاهه انتخاب شدیم و طبق مقررات دادگاه از تاریخ انتصاب رابطه رسمی من با هیأت نمایندگان ایران بکلی قطع شد این نکته گام موجب مزاح و اعتراض جناب آقای دکتر مصدق هم قرار می گرفت.

بعد از پایان مدافعات و محاکمات طولانی و کلیل دعوی ایران جناب آقای دکتر مصدق و هیأت نمایندگان ایران بوظن مراجعت کردند از آن پس جلسات دادگاه بطور خصوصی برای بحث و شور در طرز رسیدگی و ترتیب صدور رأی آغاز گردید بنا بر مقررات دادگاه همیشه تازه ترین قاضی باید نسبت به مسائل و مباحث مطرحه اظهار نظر ورای کند و ناچار همواره نخستین کسی که در دادگاه اظهار نظر و رأی میکرد من بودم خوشبختانه در دومین جلسه دادگاه آشکار بود که ایران برنده

بقیه در صفحه ۴

تجزیه و تحلیل مختصری از

## قیام ملی ۳۰ تیر

اوضاع سیاسی کشور در اوایل تیر ماه ۱۳۳۱ - موقع حساس نهضت ملی و توطئه های پرمخنه هیأت حاکمه - استعفای دکتر مصدق عمق خطر را بملت نشان میدهد و تمام نیروهای ملی را بیدار می کشید. اعلام اعتصاب عمومی در سراسر کشور - از ۳ روز قبل از ۳۰ تیر تا صبح ۳۰ تیر مشخصات قیام ملی - فقدان تجهیزات و برنامه قبلی - تا کنیک قیام کنندگان - عصر سی تیر و عقب نشینی هیأت حاکمه - پیروزی قیام.

در میان قیامهای آزاد بخانه ها که در ایران و خارج در زمانهای دور و نزدیک صورت گرفته، قیام سی تیر وضع خاص دارد و از بسیاری بقیه در صفحه ۳

## بادی از روزهای نارنجی تیر ۳۱

\* تیرماه آقای دکتر مصدق که برای احقاق حق مردم ایران به لاهه رفته بودند، عازم ایران شدند، ولی اینکار بعلت آرامش خندان نماینده انگلیس بتعویق افتاد و آقای نخست وزیر در مصاحبه با ۶۰ خبرنگار در لاهه در مورد توقیف «وزماری» از طرف انگلیس اظهار داشتند: «بیش از یکسال است که بریتانیا بامید سقوط نزدیک دولت من از هر گونه مذاکره عادلانه ای برای حل مسأله نفت ۰ سر باز زده است، حادثه «وزماری» کواهی صادق بر کارشکنی های انگلیس در ایران است.

\* تیرماه آقای دکتر مصدق از سفر لاهه به فرودگاه مهرآباد رسیدند و مورد استقبال ۷۰۰۰۰ نفر (بنا بر گزارش خبرنگار گزاریها) از مردم واقع شدند.

\* تیرماه اولین پارتنی نفت ایران به آرژانتین وارد شد. ایند بخبرداران نفت ایران اعلام خطر کرد و عمال او در مجلس شروع به کارشکنی کردند. آقای دکتر مصدق ۱۳۳ شماره عکس و اسناد مربوط به مداخلات انگلیس را با مقامات دارستان کل کشور، مبروم کرده و در صندوق بانک ملی با امانت گذاشتند.

\* ۱۲ تیر بدنیال خلعید و اخراج مهندسین و کارمندان انگلیسی، بر اثر کشش مهندسین جوان و وطنخواه ایرانی، چاه شماره ۳ قم به نفت رسید.

\* تیرماه آقای دکتر مصدق استعفاء کردند و گفتند > بقیه در صفحه ۲

(مصاحبه)

## چند خاطره از

### آقای داریوش فروهر

گفتگو از آنچه در روز نارنجی سیام تیر و روزهای قبل از آن بر مردم تهران و چند شهرستان دیگر گذشت کار ساده ای نیست یا دست کم برای من در این روزها دشوار است بنابراین این تنها بذکر چند خاطره پراکنده اکتفا میکنم.

بقیه در صفحه ۲



## ای جان بفدای آنکه پیش دشمن

### تسلیم نمود جان و تسایم نشا

پیکار کنید و بگذارید بجای آنکه زندان کفنان آغشته بخون باشد پیکار کنید که مرکز را تصندانه هزار روز زندگم فلنگین ستوده تر است.   
 نامی: نلیه السلام



درون بشه‌های سی ام تیر

این فسیده در پنجم مردادماه ۱۳۳۱ بیاد بودشدهای س-ام تیر سروده شده است
بخاک پاک شهیدان درود باد درود
که روحشان همه اندر جوار حق آسود
بوزه خاک شهیدان بوزه سی میسر
که تیر نطق از آنان بقهر خود پالود
بسرك قامت دلجویشان که شد در خاک
روا بود که من از دیده بر کشایم درود
روان شدند ز هتسرای خلد برین
جماعتی که خداشان بر رخ در بچه کشود
که در عشق و وطنشان روان تون فرسود
بداع مرگ عزیزان و زادگان دلیر
فسرده مام وطن اشک غم بخون آلود
بحفظ رایت فرخنده فسر آزادی
پسا جوان که علم کرد فدو جد فرمود
جه سینه ها که هدف شد گلوله باران را
به تیر آنکه دلش هجو او بر قیر اندود
پسا کسا که رآن گیر دار هول انگیز
ز بیم کاست ولی بر مقاومت افزود
چه مغزها که فرور یخت تیر خون نیالی
چه زخمها که عیان کرد تیغ خون آلود
چه جامه ها که کفن شد بقامت احرار
چه چنه ها نگون شد گسته تار از بود
بدمت دسته ای از خود سران هم پیروند
شدند کشته گروهي و دشمنان خوشنود
بدین خیال که آزادگی شود در بند
بدین امید که مردانگی شود ناهود
ولیک غافل از آن کز قیام خلق رشید
رقیب غائله پرور ز یا در آید زود
بر آید از صف ملت خروش فتح و سپس
نوی شوق بر آید ز ناله دف و درود
دلوران وطن خوشی بخون خود غلطند
که روسیه نرود از جهان که بدرود
درود بساد بروح شهید آزادی
که تابش در آغوش افتخار غنود
درود باد بر آن یک تاز هر سه حق
که گوی فخر و میاهات از میانه بود
بخون سرخ هر آن کونکاشت نام وطن
پنامه تبت کند نام وی سپهر کبود
درین دیار «ادبیا» هماره تا باید
بقلب پیرو جوان به خلاص و گفت شنود
خجسته آتش حب الوطن فروزان باد
وزو بدیده دشمن فلک ربانود

صحنی گند
\* بیارب یارب شب زنده داران
به امید دل امید واران
بفریاد شکسته در گلوها
به می خون گشته از هم در سبواها
به پیشانی پاک صبحگاهان
بفریاد و فغان بی پناهان
به معیبه های کرد آلوده مهر
به چشم بی فروغ وزردی چهر
به اشک مادران داغ دیده
بگل های خزان زانیده چیده
ناتمام

مهندس حسینی با صدای بلند فریاد کشید «قوم تسلیم و ملت پیروز شده ما نخستین دسته ای بودیم که بمنزل آقای دکتر مصدق رفیقم و خبر پیروزی را بایشان دادیم در حالیکه پیش از هزاران نفر کنار خانه ایشان اجتماع کرده بودند آقای دکتر مصدق بیالکن آمدند و گفتند مردم شرافتمند تهران استقلال ایران رفته بود شما آنرا بازگردانید» پس از آن آقای دکتر مصدق با وجود اهانتهائی که بایشان شده بود و صدعائی که بر مردم وارد آمده وسیله آقای دکتر غلامحسین مصدق بمن که تظاهرات را اداره میکردم پیام دارند تا نظم و آرامش را حفظ کنیم و مردم خشکین بخاطر دستور ایشان از هدفهای انتقام جویانه خود دست برداشتند و باینصورت قیام بزرگ سی تیر پیروز شد.

بیانیه مشترک شماره يك کمیته های جبهه ملی وین . گراس اطریش

در مقابل وعده های یوج و عوام فریب هیئت حاکمه ایران که ایده ها و نقشه های دولت های سابق و در قالب فسیج تر و فریبنده تری بمردم ایران تحمیل میکنند کمیته های جبهه ملی اروپا و آمریکا کوشش میکنند با استفاده و الهام از نیروی پرارزشی دانشجویان مبارز خارج از کشور افکار عمومی ملت ایران را در کشورهای خارج منعکس کنند و مردم جهان را بواقعیات تلخی که در کشور ما میگذرد آشنا سازند . دولت غیرقانونی حاضر برای خفه کردن ندای دانشجویان مبارز که با همبستگی و اتحاد خود نمونه ای از قدرت ملی را نشان داده اند دست بحربه های جدید زده و بوسیله دست نشانده گان خود مانع از تمدید گذرنامه های عده ای از دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا می شود دانشجویان ایرانی وابسته به جبهه ملی مقیم اتریش تشرف عمیق خود را باین عمل غیر انسانی دولت ابراز میدارند و میخواهند . ۱- هرچه زودتر باین عمل ضد فرهنگی خاتمه دهند و خاطره جانسوز و نفرت بار فرهنگ کشی دولت شریف امامی را تشدید نکنند . ۲- نظر باینکه طبق اصل چهار و هشت قانون اساسی در فرمان انحلال مجلسین باید هم علت انحلال و هم تاریخ تجدید انتخابات ذکر شود و طبق همین ماده انتخابات جدید باید حداکثر در ظرف یکماه از تاریخ انحلال آغاز گردد . چون تاریخ انحلال ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ذکر شده است لذا باستناد همین ماده هرچه زود تر بانجام انتخابات آزاد اقدام گردد دانشجویان ایرانی مقیم اتریش بدوستانی که بانحسن در سازمان ملل متحد مبارزه برادران خود را تائید کرده اند درود میفرستند سلام ما به سپاه گذار و پیشوای نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و سایر رهبران جبهه ملی کمیته جبهه ملی ایرانیان مقیم اتریش وابسته بجبهه ملی ایران

بقیه خاطرات فروهر

مردم تهران بعد از استعفای جناب آقای دکتر مصدق به تظاهرات اعتراض آمیزی دست زدند و میخواستند به مبارزه خویش باحکومت قوام بهمان صورت ادامه دهند. اما دولت قوام ناگهان تهران را بصورت اردوئی نظامی پاشهری اشغالی در آورد و نظامیان مسلح شهر را یکسر در بر گرفتند تا از هر گونه اظهار وجود اهالی جلوگیری کنند. مردم بهیچروی از تصمیم خود بادامه تظاهرات آرام دست نکشیدند و از صبح روز سی تیر بصورت دستجات پراکنده از قسمتهای مختلف شهر بحرکت در آمدند. دسته ای از خیابان ناصر خسرو گروهی از خیابان خیام و دانشجویان از دانشگاه تهران آغاز تظاهر کردند خوب بیاد دارم در پیشاپیش صفوف دانشجویان آقای انصاری دانشجوی حقوق که بواسطه فلج پا با صندلی چرخدار حرکت میکرد قراردادش وقتی باران گلوله بر صفوف دانشجویان باریدن گرفت تنها کسی بود که در خیابان خالی برصندلی خود باقی مانده بود تیراندازی ابتدا در بهارستان آغاز شد و دامنهائی به ناصر خسرو و خیابان خیام کشید در محل روزنامه اطلاعات نظامیان کمین گرفته و تیر اندازی میکردند با اینهمه مردم بمقاومت ادامه داده بچنگ و گریز برداشتند و اتوبیلهای دولتی را آتش زده و از گون میکردند و راه نانگها را می بستند. متظاهرين مبارز حتی از سلاحهای سرد هم استفاده نمیکردند ارتشیان آنروز از مأموریت خود بشدت سر خورده و ناراحت بودند چنانکه گاه احساسات درونیشان بصورت سخنرانی افسری در میدان توپخانه تجلی کرد که بر نانگی ایستاد و سخن گفت و هیچکس ویرا آنساعت نشناخت و پس از سی تیر هم شناخته نشد در خیابان اکباتان کنارسر در وزارت فرهنگ امیر بیچاره دانش آموز بهارستان نظام بفریب گلوله از پا در آمد و خود را بزحمت تا کنار دیوار کشید و بر دیوار جمله معروف این خون زحمتکش ایرانست زنده باد کتر مصدق مرگ بر قوامها را نوشت دو برادر در ابتدای خیابان شاه بنام اسکندری از پا در آمدند ابتدا برادری کشته شد دیگری که بسوی او آمده بود باشلیک تیر مجروح شد و دو روز بعد در بیمارستان بدرود زندگی گفت خانم دیگر آمدن آقای دکتر معظمی بمیدان بهارستان بود ایشان بر رئیس مجلس شورای ملی تلفن کرده تقاضای وسیله برای حضور در مجلس را نمودند جیب پلیس بدستور رئیس مجلس برای دکتر معظمی فرستاده شد و همراه ایشان چند تن در جیب و بالای آن قرار گرفتند و هنگامی بهارستان رسیدند که میدان پس از گلوله باران خاموشی و خالی بود ناگهان فریاد مصدق پیروز است برخاست و چه آیت بسوی میدان سرازیر شد دکتر معظمی و سر نشینان جیب بودند که فریاد می کشیدند مصدق پیروز است. آنروز برای دیدار از مجروحین به بیمارستان سینا رفتم از آقای میرعبد الباقی یکی از مجروحین پرسیدم بزیر زمین بیمارستان اشاره کردند وقتی بانجا رسیدم میرعبدالباقی را دیدم در حالیکه گلوله بشکمش اصابت کرده و پانسمان شده بود جیبمستی بیگدست و دست دیگر بمحل زخم گلوله داشت و از اجساد شهدا پاسداری میکرد تا آنها را نندزدند. هنگام ظهر قوای مسلح شروع بعقب نشینی کردند و مردم بسوی بهارستان هجوم آوردند بلافاصله کلوبهای اشغالی احزاب باز شد پرچمها را بیرون آوردیم و در مقابل مجلس شورای ملی

این کاره جویی نه از لحاظ عجز در انجام وظیفه و خشکی از کار بلکه برای توجه دادن افکار بموقعیت باریک و لزوم تصمیمات فوری است. تا بودجه کشور از عایدات نفت مستغنی نشود ملت ایران نخواهد توانست پیشنهادهائی را که برخلاف مصالح کشور است رد کند . نخست وزیر در نطق رادیوئی خود خطاب بمردم گفتند : « ۵۰۰۰ همه میدانند در آغاز کار حتی عوامل و ایادی شناخته شده شرکت سابق نیز چاره ای جز آن ندیدند که به پیروی از افکار عمومی خود را با نهضت ملی هماهنگ نشان دهند. اما یقین بود که این عده یعنی کسانی که همه چیز خود را از برکت اوضاع سابق بدست آورده بودند از پای نخواهند نشست. شما ملت ایران اکنون بچشم خود میبینید که انحفاظ اخلاقی در این گروه بعدی رسیده است که حاضرند اعمال ملی ایرانیان را فدای چند روز بیشتر برمسند اهریمنی خویش تکیه زدن نمایند و مبارزات مردم ایران را منکوب کنند . » \* ۱۵ تیرماه پس از نطق رادیوئی نخست وزیر هیجان مردم اوج گرفت و مجلس ناگزیر با ۵۲ رأی بانخست وزیر آقای دکتر مصدق موافقت کرد. آقای دکتر سجایی قاضی اختصاصی ایران در لاهه، لایحه خود را تقدیم کرد. \* ۱۹ تیرماه دولت رسماً اعلام کرد که بانگ انگلیس باید تا ۲۰ روز دیگر تعطیل شود \* ۲۰ تیرماه استخراج نفت قم شروع شد. \* ۲۶ تیرماه آقای دکتر مصدق بعلت کارشکنی مجلس و عدم قبول درخواست ملت دایره تصدی وزارت جنگ ایشان استعفا کردند و ساعت ۸ بعد از ظهر قوام با ۴۱ رأی مجلس به نخست وزیر منصوب شد . باخبر استعفا بازار تعطیل شد. سخنگوی سفارت انگلیس در تهران اعلام کرد انگلیس از روی کار آمدن دولت جدید ایران خوشحال است. قوام در اعلامیه خود گفت : « به مناسبات حسنه ایران با عموم ممالک خاصه بادول بزرگ اهمیت میدهم. لکن باتباع ایران اجازه نخواهم داد که بانگه اجانب افرامش خود را بر دولت من تحمیل کنند. وای بحال کسانی که در اقدامات من انحلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند یا نظم عمومی را بهم بزنند ۵۰۰۰ دست بتشکیل محاکم انقلابی زده روزی صدها تبهکار را از هر طبقه بموجب حکم خشک و بی شفقت قانون فرین تیره روزی میسازم. بمعموم اخطار میکنم دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از او امر فرارسیده است . کشتیبان را بسایر دیگر آمده . » ۲۸ نفر از نمایندگان جبهه ملی اعلامیه ای صادر کردند : در تائید سرگندی که برای حفظ مبانی مشروطیت در مجلس یاد کرده ایم و بعلت اینکه معتقدیم در شرایط فعلی ادامه نهضت ملی جز بازمآمداری آقای دکتر مصدق میسر نیست. متعهد میشویم تا با تمام قوای خود و کلیه وسائل از آقای دکتر مصدق پشتیبانی نمائیم. در اعلامیه شماره ۲۰ اعلام کردند که قوام در موقعی که اکثریت تشکیل نشده از مجلس رای گرفته و بر اساس مشروطیت لطمه وارد آورده است. بنابر این چون قانون اساسی و نهضت ملی ایران در خطر است بانوسل بخدای منعال، بمبارزه و ادای وظیفه نمایندگان مشغول هستیم و امیدواریم شاهم در اینموقع باریک و خطیر مراقب جریان باشید . رویش گزارتی داد که عمال حکومت قوام ۸ نفر را کشته و مخفیانه بخاک سپردند . \* ۳۰ تیرماه خیابان ها از انواع اسلحه آکنده بود بعضی میداین وجویها از خون گلگون شده بود. بر طبق آمارهای دولتی ۳۰ نفر کشته و ۱۰۰۰ نفر مجروح شده بودند صدها هزار نفر زن و مرد در تظاهرات و جنبش خود بخودی آن روز ، شرکت داشتند . دامنه تظاهرات به شهرستانها نیز رسیده بود، حتی در شهرستانهای درجه ۲ و ۳ تعطیل عمومی بود. ساعت چهار بعد از ظهر ملت پیروز شد. سرهنگ قربانی فرمانده قوای بهارستان از طرف حکومت ملی دستگیر شد. قوام معفی شد. قوای حکومت ملی از آتش زدن خانه قوام بدست مردم ، جلوگیری کرد. مجلس همان مجلس فرمایشی، مجبور شد تحت فشار افکار عمومی به اکثریت ۶۱ رأی آقای دکتر مصدق را تائید کند . روزنامه های لندن خبر برکناری قوام را بانودوه فراوان تلقی کردند مردم باصفوف منظم - که قریب ۲۰۰ هزار نفر بودند بسوی خانه دکتر مصدق رهسپار شدند. \* ۳۰ تیرماه ساعت چهار آقای مهندس حسینی استعفای قوام را از رادیو با اطلاع مردم رسانید. متینک باشکوهی در میدان سپه تشکیل شد و اجساد ۳۵ تن از شهیدان که بدست آمده بود پس احترام حمل گردید. اهالی کرمانشاه و قزوین کفن پوشیده پیاده راه تهران را پیش گرفتند. آقای دکتر مصدق در پیام خود فرمودند « هموطنان عزیزم ، مردم شرافتمند و غیور ایران از احساسات بی شائبه شما بینهایت سپاس گزارم و بروح شهیدای وطن درود میفرستم... امیدوارم نظم و امنیت را چنانچه شایسته است حفظ کنید... » هنگامیکه آقای دکتر مصدق از کاخ سلطنتی خارج میشدند ، مواجه بانوبه عظیمی از مردم شدند که بدیدارشان آمده بودند. ایشان بیجان مردم رفتند و مردم دست و رویشان را بوسیدند . ملت ما فهرمانی های دلورانی را که در روز بزرگ ۳۰ تیر بخاطر نهضت ملی ما پیکار کردند هرگز از خاطر نخواهد برد

دانشجویان بازار ایران - کارگران و دیگر زندانیان جبهه ملی را آزاد کنید



نام	قومیت	وضعیت
Sir Arnold Duncan McNair	بریتانیایی	غایب
M. GUERREIRO	پرتغالی	غایب
M. ALVAREZ	اسپانیایی	غایب
M. BANDEVANT	هندی	غایب
M. HACKWORTH	انگلیسی	غایب
M. WINIARSKI	لهستانی	غایب
M. ZORICIC	کرواتی	غایب
M. KLAISTAD	نروژی	غایب
BADAWI PACHA	عربی	غایب
M. READ	انگلیسی	غایب
M. Hsu Mo	چینی	غایب
M. CAPEIRO	پرتغالی	غایب
Sir BRUCE G. PAU	بریتانیایی	غایب
M. ARMAND UGON	فرانسوی	غایب
M. GOLUNSKY	روسی	غایب
M. SANDJARI	ایرانی	غایب

در جلسه شب ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱  
بهرت فوق علم صلوات

نمونه رای قضات دیوان دادگستری لاهه در مورد نفت ایران که بامضای آقای دکتر سنجابی قاضی ایرانی دادگاه رسیده

## یک پیروزی جهانی در ۳۱ تیر

چنانکه در خاطرات جناب آقای دکتر سنجابی در همین شماره مطالعه کرده‌اید ملت ایران پیروزی بزرگ دیگری در کنار موفقیت عظیم ۳۰ تیر بدست آورد که اسباب سر بلندی ملت ما را فراهم ساخت کلیشه بالا نام قضاتی است که باین موضوع رای داده‌اند و عبارتند از: ۱- قاضی انگلیسی (که چنانکه ملاحظه میشود باشجاعت و بی نظری بحقانیت ایران رای داد). ۲- رئیس دادگاه ۳- قاضی یکی از کشورهای لاتین ۴- قاضی فرانسوی ۵- قاضی آمریکایی ۶- قاضی لهستانی ۷- قاضی یوگسلاوی ۸- قاضی نروژی ۹- قاضی مصری ۱۰- قاضی کانادایی ۱۱- قاضی چینی ۱۲- قاضی برزیلی ۱۳- قاضی هندی (این قاضی چون در شورای امنیت بحقانیت ملت ایران رای داده بود مطابق قانون نمیتوانست مجدداً در این دادگاه رای دهد) ۱۳- قاضی یکی از کشورهای آمریکای جنوبی ۱۴- قاضی شوروی (از شرکت در جلسه به‌توان کسالت تعدد امتناع کرده و در رای شرکت نکرد و توضیح آنکه در شورای امنیت نیز به‌بیمین منوال عمل نموده بود) ۱۶- دکتر سنجابی قاضی ایرانی  
ایکای هیئت حا که ایران درس شرافت و انسانیت را از قاضی انگلیسی دادگاه لاهه می‌آموختند.

## ندا

ره نکشایدت ای اسیر، بمیدان	تا پسر آبی و راه بسته کشانی
ره نکشایدت ای امید من وما	تا پامید زمانه جلوه فزانی
راه توای شیربیر بسته بزنجیر	دیر زمانیت بسته اندر رفیقان
دیر زمانیت ای سخنور دانا	مردی و آزادیگه نسته بنندان
دیر زمانیت هر که در وطن داشت	کوشه زندان نسته سینۀ دیوار
دیر زمانیت دوسراسر ایران	مرد سردار و دزد، قافله سالار
ای بس جانها که در نسیم سحر گاه	دولت ما مورحس و غارت کشتار
چشم بخورشید هم جو عاشق صادق	خون دلیران خلق، مردم بیدار
آری، ایسن دردها بندت دوران	بر تو نهان نیست آشکار و هویداست
فصه این غصه‌های خلق پریشان	دیر زمانیت پیش چشم تو پیداست
بیر من ای هر روز گار! «مصدق»!	مشعل ثمرت بدست کیرو بر افروز
اینک نوبت از آن تست، سرافراز	معدن آوره، نظام کهنه فرسوز
میدان میدان تست خیزد در جانا	کوشی بر همان تست ملت هشیار
خامش منشین، بگو تو جان سطرنا	«ملت» من آدمم به‌سخته پیکار» «بابک»

ولی در بارزیر بار نمی‌رفت.  
این اختلاف نظر بین دولت و دربار منتسب به استعفیای دکتر مصدق گردید و این واقعه صبح پنجشنبه ۲۶ تیرماه بوسیله علاه وزیر دربار با اطلاع مجلس رسید و نقشه این بود که مجلس به قوام السلطنه رای اعتماد دهد و رای چهل نفر از نمایندگان آن دوره که اکثریت لازم را تین آمده بود در عفا خرداری و تأمین شده بود...

نمایندگان نهضت ملی مخالفت خود را با قوام که تا ندیده نهضت وزیر بود اعلام داشته و پیرو نامه‌ای موافقت خود را با مصدق اعلام داشتند...

ظهور گذشته بود که رئیس مجلس اعلام جلسه خصوصی در محوطه جلسه علنی مجلس نمود و حال آنکه منظور واقعی غافلگیر نمودن نمایندگان و اعلام سری بودن جلسه در گرفتن رای اعتماد نسبت به دولت قوام بود.

تیرنگی که عکس العمل آن حضور پیدا نکردن سی نفر نمایندگان طرفدار دکتر مصدق (براهمنانی دکتر معظمی) در جلسه بود و در نتیجه جلسه نتوانست رسمیت یابد ولی این پیش آمد مانع نشد که با ۴۲ نفر نمایندگان حاضر نسبت به دولت قوام رای اعتماد بگیرند و چهل نفر آنها با قوام رای اعتماد دادند.

نمایندگان طرفدار دکتر مصدق مخالفت کردند. از احزاب ملی نیز درخواست مقاومت نسبت به این عمل غیر قانونی شده بود و اظهارات علیه حکومت قوام شروع شده بود. به مجلس رفتن با آقای دکتر مصدق تمامی گرفت. و یادآوری کردم که موقع مناسبی برای استعفا پیش نیامده است زیرا آمدن دولت دیگر موجب توقف در اعلام رای دیوان لاهه خواهد شد. عصر آن روز بعزت نگرانی زیاد، عاقبت جریانات از قرآن پرش شد و آیه «ولا یفقههم شفاعة الشافعیین» موجب تسکین خاطر گردید.

روزشنبه ۲۸ تیرماه به مجلس رفتیم و ضمن اعلامیه‌ای از همه مردم ایران خواسته شد با حفظ نظم و آرامش روز دوشنبه ۳۰ تیرماه با تعطیل عمومی عدم رضایت خود را از استعفا قاضی دکتر مصدق و حکومت قوام ابراز دارند.

روزیکشنبه ۲۹ تیرماه ساعت ۷ بمنزل دکتر مصدق رفتم و خواست کردم که هر قدر ممکن است نسبت به نظریه خویش گذشت نمایندگان ایشان فرمودند فعلاً موافق طبق نظر شاه معاون وزارت جنگ باشد و امورا بدون بودن وزیر جنگ اداره نماید ولی قبول این نظریه موقتی خواهد بود و بایستی بعد از آن وزارتخانه را تحت نظر بگیریم زیرا بدون وزارت جنگ نوازحیت امنیت داخلی و نه از حیت بودجه و نه به ملت کارکنانی نمی‌توان اصلاحاتی انجام داد.

از مجلس خبر رسید که تا ساعت ۹ صبح امروز در بازار و جلوشمس انعامه چندین نفر شهید و عده‌ای زخمی شده‌اند.

روز دوشنبه ۳۰ تیرماه بمنزل آقایان زیرک زاده و سرتیپ ریاحی و مهندس حق شناس رفتم و پس از مذاکره کوتاهی بشهر آمدیم و برای اطلاع از وضع شهر در میدان قزوین پیاده شدم و هر چه بیشتر بطرف توپخانه می‌رفتم دیدم اطاعت مردم از دستور نمایندگان طرفدار مصدق کاملتر است و در شاه آباد و اسلامبول همه مغازه‌ها تعطیل است. جلوی مجلس ناظر رفتار و حیثیت‌های نسبت به مردم محترم شدم به محض اعتراض آفری که کلت خود را برمیگرد مرا تهدید بقتل کرد. من به مجلس رفتم و تیر اندازی شروع شد. با طاق امام جمعه رئیس مجلس رفتیم و خواستیم که شاه تلفن و وضع را گزارش دهد. رئیس مجلس و مهندس رضوی با شاه صحبت کردند و قرار شد امام جمعه شرفیاب شود ولی چند دقیقه پس از خروج امام از مجلس اتومبیل او که از پشت آسیب دیده بود بارنگ پریده امام به مجلس برگشت زیرا مردم با دادن شعار «امام جمعه لندنی» مانع رفتن او شده بودند...

کشتار ادامه داشت. در این میان زنی که کودک خردسالش روی بازویش کشته شده بود شیون کنان و اذان گویان به مجلس آمد و بر قوام نفرین کرد و فریاد زد که مردم را میکشند و بچه‌ها را کشتند. این جریان منظره رفت باری را بوجود آورده بود.

ساعت ۳ بعد از ظهر مجدداً نمایندگان شاه صحبت کردند و از ۴ بعد از ظهر پس از قطع تیر اندازی قوای نظامی رفته رفته از میدان بهارستان جمع شدند و مردم بمیدان بهارستان آمدند. جمع آوری قوایان شرط انجام شده بود که مسئولیت حفظ شهر بعهده نمایندگان طرفدار دکتر مصدق باشد و نمایندگان نیز در اثر اعتمادی که به محبت و اطاعت مردم داشتند این شرط عجیب را پذیرفته بودند.

ساعت ۶ خبر استعفا قوام به مجلس داده شد و من با خوشحالی این خبر را به مردم دادم و اعلامیه‌ای برای ابلاغ استعفا قوام به تمام مردم ایران تهیه شد که من و مهندس زیرک زاده و پاراساعیده در رساندن آن بهر کز را در قفسر شدیم. در راه شاید نظم و انضباط مردم ترتیب آمد و در وقت و راهمنانی توسط آنها بودیم. در راه بواقتخار فرسالت آن اعلامیه نسیم من شد.

روز سه شنبه ۳۱ تیرماه روز اعلام رای دادگاه به حقانیت ملت ایران بود که علی‌رغم زمینه سازی‌های ماهرانه‌ای که برای استعفا قوام مصدق و آمدن قوام و استرداد دعوی مطرحه در دادگاه شده بود صورت پذیرفت.

اعلام خبر محکومیت انگلیس اشک تاثر ملت را از واقعه خونین ۳۰ تیر با شک شادی تبدیل کرد و دل‌های محزون آنها عالیترین تسلیمت ها را دریافت نمود و در چشم همه غم نی پایان

جهت در نوع خود بی‌نظیر است. با همه اهمیتی که قیامی تیر از نظر علم لاجتماع و سیاست حائز است هنوز در باره آن بقدر کافی بحث و تجزیه تحلیل بعمل نیامده و جنبه‌های مختلف آن از نظر علمی مورد بررسی واقع نشده است. جادارد که متفکرین و نویسندگان ملی بتدریج این تقیسه را بر طرف سازند و هر یک در باره یکی از جنبه‌های گوناگون آن به تحقیق و بررسی بپردازند. در اینجا ماسمی میکسیم بار عایت اختصار بعضی نکات جالب اجتماعی را یاد آور شویم و برخی درسهای ساده را فراگیریم.

**نظری با وضاع سیاسی ایران در اوایل تیرماه ۱۳۳۱**  
دکتر مصدق با پیروزی کامل از شورای امنیت مراجعت کرده بود. دولت بریتانیا با همه تلاشها و دسته بندیهای بین‌المللی نتوانسته بود اکثریت اعضاء شورای امنیت را با خود موافق سازد و سرانجام قطعنامه نماینده یوگسلاوی بتصویب رسید و شورای امنیت رسیدگی به موضوع را به نتیجه رای دادگاه داوری لاهه افاتنه نمود.

دولت ملی ایران معتقد بود که دادگاه لاهه صلاحیت رسیدگی به مسئله ملی شدن صنعت نفت را در ایران ندارد زیرا این امر ناشی از حق حاکمیت ملتها و مسئله داخلی است. دکتر مصدق و نمایندگان دولت ایران برای بیان و اثبات این نظر بلاهه مسافرت کرده بودند و دکتر کریم سنجابی به سمت قاضی اختصاصی ایران برای شرکت در جلسات دادگاه در هلند مانده بود. هیئت نمایندگان در تهران مراجعت کرده بودند و در چنین شرایطی بود که دسیسه‌ها و توطئه‌های سیاسی در تهران آغاز شد. با وجود بدبینی‌های شدید معیناً بسیاری از محافظ معتقد بودند که دادگاه لاهه بیطرفانه موضوع را رسیدگی خواهد کرد و سیاست را در رای خود دخالت نخواهد داد.

پیروزی در شورای امنیت و پیروزی‌های بزرگ تبلیغاتی هیئت نمایندگان ایران در اروپا و توسعه جنبش عظیم ملی یکبارگی مخالفین داخلی و خارجی نهضت ملی را بخود آورد.

آنها از مدت‌ها قبل بخود وعده داده بودند که دولت ملی دکتر مصدق در میان مشکلات گوناگون داخلی و خارجی گرفتار خواهد آمد و کاری از پیش نخواهد برد. اکنون آنها میدیدند که حسابشان غلط از کار در آمده و دکتر مصدق کامبکام نهضت مقدس ملی را به پیروزی نهائی نزدیکتر می‌سازد و این امر آنها را بشدت نگران ساخته بود. هنوز چند هفته‌ای از مراجعت هیئت نمایندگان ایران از لاهه نگذشته بود که توطئه‌های عظیم یکی از پس از دیگری بروی صحنه آمد و سرانجام از همه سویر دولت ملی دکتر مصدق و نهضت مقدس که در تحت رهبری او بود یورش آغاز یافت و هر روز کار سخت‌تر شد.

**استعفا قاضی تاریخی و دکتر مصدق** - در آن کیهودار که سر نوشت نهضت ملی ایران مطرح بود و توطئه بدنیال توطئه بروی صحنه می‌آمد لازم بود که ملت از شدت خنور و صمق دسیسه‌های دستکار حاکم مطلع شود. لازم بود بطور ساده و مختصر مردم آگاه شوند که ادامه نهضت ملی و تأمین پیروزی آن در چنان شرایطی امکان پذیر نیست. حادثه‌ای لازم بود تا عظمت و عمق خطر را نشان دهد. چند سطر استعفا نامه دکتر مصدق، ملت را بر تمام حقایق واقف ساخت و مردم آنچه را عیبیست بداند دانستند.

**نتایج سیاسی و اجتماعی استعفا قاضی دکتر مصدق** - استعفا نامه به شورای نهضت ملی از جهات اجتماعی و سیاسی نتایج آنی زیر را ببار آورد:  
۱- عقب نشینی موضعی نهضت ملی و به نتیجه بمیدان کشیده شدن تمام توطئه‌های هیئت حاکمه.  
۲- بیداری و آگاه مردم بر حقایق وضاع کشور و توجه آنها بمیزان شدت خطر.  
۳- بمیدان کشیده شدن تمام نیروهای ملی برای مقابله با توطئه‌های هیئت حاکمه.  
۴- اتحاد تمام نیروهای ملی برای مقابله با خطری که موجودیت نهضت را در معرض خطر قرار داده بود. (بقیه در صفحه ۴)

خاطره‌ای از:

## مهندس کاظم حسینی

### در روز تاریخی

صی ام تیرماه ۳۱  
دولت دکتر محمد مصدق پس از یکسال دریافت بود که وزیر جنگ که انتصاب آن عملاً با مقام سلطنت شده بود و اجرای تصمیمات ضروری دولت را از نظر تأمین امنیت داخلی کشور غیر عملی ساخته است و بر او وزیر جنگ اجرای مستقیم دستورات و تصمیمات دولت را و تظیفه خوردن دانسته و عملدولتی در داخل دولت تشکیل داده است و حال آنکه ضرورت ایجاب میکرد وزیر جنگ مستقیماً نظرات دولت را بمورد اجرا گذارد

وقتی که حکومت حقوق ملت را قبض میکند شورش و انقلاب برای ملت و برای هر دسته از ملت مقدس ترین و ناگزیر ترین وظایف

است ماده ۲۸ از اعلامیه جهانی حقوق بشر

۵- تجزیه و شکاف در هیأت حاکمه که ناگهان با مقاومت سخت مردم روبرو شده بود و عناصر هیأت حاکمه در برابر مسئله نمیتوانستند یکسان عمل کنند و وحدت نظر داشته باشند.

**شتاب دستگاه حاکمه برای تحکیم مواضع خود -** با اعلام استعفای دکتر مصدق هیأت حاکمه که ناگهان بیدار کشیده شده بود، در مرحله نخست سعی کرد با شتاب فوق العاده مواضع خود را تحکیم کند و بتوطئه های خود شکل قانونی بدهد. همین شتاب عجیب خود عاملی شد که موقع سیاسی دستگاه حاکمه را بتوبه خود متزلزل سازد:

آقای حسین علاء بمجلس مراجعه کرد و برای تمایل برفع قوام السلطنه بدست آورد و بلافاصله فرمان نخست وزیری وی صادر شد و آنکجا چون از میزان قدرت نیروهای ملی و خشم مردم مطلع بودند سعی کردند محیط رعب و وحشت را در پایتخت و سایر شهرها حاکم سازند.

اعلام شدیدالللحی قوام پی در پی از رادیو فرائد میبندید، مقررات عبور و مرور حکومت نظامی تشدید کردید، تمام مواضع مهم پایتخت بوسیله تانک و زره پوش اشغال شد چهارراه ها و خیابانهای عمده از نیروهای مسلح مملو گردید. چاپخانه ها تحت مراقبت شدید قرار گرفتند و از طرف دیگر با استفاده از ماده پنج حکومت نظامی کسروه گروه از عناصر ملی توقیف و زندانی شدند.

هنوز آمار صحیح از تعداد بازداشت شدگان آن ایام در دست نیست ولی کافی است در نظر بگیریم که علاوه بر زندانیان متعدد تمام کلاترپیها که تعداد آنها در حدود بیست یا بیشتر بود از جمعیت بازداشت شده معلوم بود، اطفاها، راهروها و صحن حیاطها پر از زندانی شده بود و در آنحال با زهم کامیونهای پر از افراد بازداشت شده پی در پی بوسیله کلاترپیها و زندانها روان بودند... دستگاه حاکمه باین ترتیب با سرعت سعی میکرد مواضع خود را تحکیم کند و مجال هر گونه جنبشی را از بین ببرد، چنان مینمود که توطئه گران خود را آماده ساخته اند تا سبیلی از آتش و کلوله بر سر ملت روان سازند. در چنان لحظات حساسی که دنیا کار نهضت ملی ایران را تمام شده میدانست معجزه بزرگ اجتماعی بظهور رسید و آنچه قیام سی تیر نامیده شد وقوع یافت.

**اعلام اعتصاب عمومی -** دستگاه حاکمه متجاوز از سی و شش ساعت از انتشار خبر استعفای دکتر مصدق جلوگیری کرد و در این فاصله میدان بهارستان و اطراف مجلس مواضع مهم دیگر را بوسیله تانکها و زره پوشها اشغال نموده و سپس با اخذ رأی برفع قوام خبر استعفای پیشوای ملت را روز بیست و هفتم تیر ماه از رادیو اعلام نمودند از روز شنبه بیست و هشتم تیر وضع شهر تهران و شهرستانهای عمده کشور دگرگون شد.

بازار تهران و معازنه ها و دکانها تقریباً در سراسر خیابانها بحال تعطیل در آمدند، عبور و مرور وسایل نقلیه بعد اقل رسید، در سر هر کوی و گذر بسته دسته مردم اجتماع میکردند و باقیایه بر از خشم عبور و مرور تانکها و زره پوشها را بنظر میگردید و با حرارت فوق العاده در اطراف اوضاع کشور با یکدیگر گفتگو میکردند. اخطارهای پی در پی ماموران حکومت نظامی برای متفرق ساختن آنها بی اثر بود در مراکز جبهه ملی، جمعیت موج میزد... در این اوضاع و احوال بود که فرمان اعتصاب عمومی از طرف جبهه ملی ایران صادر شد و سرانجام صبح دوشنبه سی تیر ماه فرا رسید.

**بامداد سی تیر -** شهر تهران یکباره بحال تعطیل درآمد، تمام معازنه ها و دکانها را بسته بودند، اتوبوسها و تاکسیها حرکت نمیکردند و در عرض سبیلی از جمعیت خیابانها و چهارراه ها فرا گرفته بود و در نقاط مختلف، در میدان بهارستان، خیابان شاه آباد جلو بازار میدان مخبرالدوله و نقاط دیگر تظاهرات میشد و مردم نسبت بدکتر مصدق پیشوای ارجمند خود را از احساسات میکردند. در آنحال ناگهان عده ای ماموران مسلح بوسی جمعیت شلیک کردند، مسلسلها بکار افتاد و در چندین نقطه عده ای در اثر اولین حمله بخاک و خون در غلطیدند ابتداء جمعیت کمی عقب رفت، یکبار دیگر با تانکها و زره پوشها هجوم آوردند و آنوقت معجزه بوقوع پیوست:

سبل جمعیت در نقاط مختلف شهر بادست خالی وبدون سلاح خروشان وبمواضع اولیه خود برگشت، دوبار شلیک شد، جمع دیگری بخاک غلطیدند جمعیت باز عقب رفت و بیازد دوباره باخشم و فریادهای هول انگیز جلو، بسوی تانکها بازگشت و آنکجا چندین ساعت بود نواحی مختلف شهر این جریان ادامه یافت، جمعیت پی در پی کشته میداد ولی متفرق نمیشد عقب میرفت و دوباره باز میگشت، کشته هارا جمع میکردند و برجای خود میایستادند.

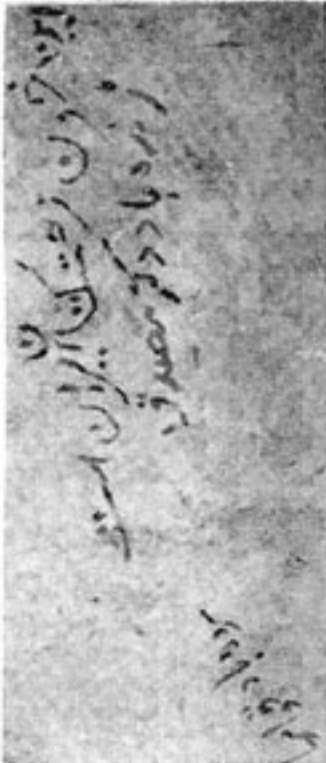
**وحشت و هراس در میان عناصر هیئت حاکمه -**

وضع شهر تهران و اخباری که از ولایات میرسید دستگاه حاکمه را از خواب گران بیدار کرد، وحشتی عظیم سراپای توطئه گران را فرا گرفت و شکان در میان آنها وسیع تر شد **بخصوصی که همه آنها حس میکردند افسران و سربازان شرافتمند و وطن دوست ایرانی از شلیک بروی خواهران و برادران خود بشدت بیزار میگردیدند و نسبت بهموطنشان شرافتمند خود ابراز همدردی مینمایند.** این اخبار و توسعه دامنه قیام لحظه بلحظه موقعیتهای حاکم را بیشتر بمخاطره انداخت تا سرانجام هنگامی که خورشید گدازان بمیان آسمان رسیده بود و بوی خون و باروت شهر را در خود فرو برده بود، هیئات حاکمه سرافکننده و هراسان تسلیم شد، تانکها دژره پوشها کامیون های مسلح بسرعت از شهر خارج شدند.

مردم چون سیلهای خروشان از هر سو بطرف بیمارستان سرازیر گردیدند و در آنحال بود که مهندس حسینی با صدائی که از شدت هیجان می لرزید خبر پیروزی قیام را از رادیو بگوش ملت ایران و جهانیان رسانید.

**مشخصات قیام -** جنبش انقلابی سی تیر از بسیاری جهات در نوع خود بی نظیر است و از این حیث قابل مقایسه با هیچیک از قیامهای تاریخی دیگر نیست. مشخصات اساسی قیام را که سبب تمایز آن انقلابی شده میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- قیام دارای برنامه کامل قبلی و تجهیزات نبود و خود بخود و ناگهان آغاز یافت و حتی با صورت قابل پیش بینی نیز نبود.
- ۲- قیام سی تیر در واقع عبارت از یکسلسله قیامها بود نه یک قیام زیرا صرف نظر از جریان شهرت آنها، در همین تهران، در نقاط مختلف شهر در بیمارستان، سبزه میدان، خیابان اکباتان، خیابان شاه میدان مخبرالدوله و نقاط دیگر، بدون آنکه ارتباطی بین جمعیت ها باشد در هر نقطه مستقلاً قیامی صورت میگرفت و توسعه مییافت و اطراف دامنه آن گسترده میشد، جمعیت، چون ساعقه در هر گوشه ظاهر میشد و ضربتی میزدند.
- ۳- قوام کنندگان بپیچوجه مسلح نبودند، حتی اسلحه سرد هم در دست نداشتند، در هیچ نقطه احدی برای گرفتن اسلحه از دست اقدام نکرد، جمعیت بی سلاح در مقابل تانکها ظاهر میشد خروشان و فریاد کتان پیش می آمد کشته میداد، عقب میرفت، دوباره ظاهر میشد یکطرف سراپا مسلح و طرف دیگر بدون سلاح و با وجود این یکطرف حاضر نبود صحنه را ترک گوید، جمعیت نوسان می کرد میرفت و می آمد ولی متفرق نمیشد.
- ۴- در حالیکه طوفان خشم و نفرت، مردم را بلرزه در آورده بود، کوچکترین انحراف در شعارها ظاهر نشد و جمعیت های عظیم شعار های خود یعنی شعارهای جبهه ملی را حفظ و از کوچکترین تغییر در آنها جلوگیری میکردند.
- ۵- بلافاصله بعد از تخلیه شهر از قوای مسلح، قیام کنندگان که تمام روز را در زیر باران گلوله و خون بسر آورده بودند و از خستگی و تشنگی رمق برایشان نمانده بود، در چهارراهها و خیابانها حفظ نظم شهر را بعهده گرفتند و از میان خود افرادی را برای اداره عبور و مرور و تنظیم چراغهای راهنمایی انتخاب کردند که در آن حال عجیب روحی، نهایت جدیت این وظیفه را انجام دادند.
- ۶- بعد از پیروزی و بعهده گرفتن اداره امور شهر از طرف جمعیت و مردم نظم و انضباط بی سابقه ای نشان دادند کوچکترین تخلفی مشاهده نگردید، نه تنها از لحاظ سیاسی خطا و انحرافی پیش نیامد بلکه از لحاظ امور عادی نیز در شهر هیچ بی نظمی مشاهده نشد.
- ۷- در مدت ۳ روز که اداره امور شهر بعهده مردم بود، آزدزدی و سرقت بی نظمی خوری نبود، شاید تهران در عمر خود چنان نظم و انضاطی را کمتر بخورد دیده باشد.



**مکتب دلآوری و رشادت:** این بود مختصری از مشخصات قیام بزرگ سی تیر، قیام مردم کوچک و خبیان قیامی که از میان مردم عادی جوشید و بوسیله خود آنها اداره شد و بشهر رسید. هیأت حاکمه که محیط خفقان هشت ساله را همچنان ادامه میدهد با تمام قوا کوشیده و می کوشد تا از یازد آوری این روز بزرگ تاریخی جلوگیری بعمل آورد و بخیال خود کاری کند تا مردم آنرا بتدریج فراموش کنند. عناصر حاکمه مخصوصاً سعی دارند که توجه نسل جوان باین مکتب مردانگی جلب نکند و دانشجویان مبارز و جوانان فدائو که در آن ایام در سنین طفولیت بودند و این جنبش عظیم و خصوصیات آن آشنا نگردند. بر ماست که تشبیهات مذبحخانه هیأت حاکمه را نقش بر آب سازیم و خاطره شورانگیز آن قیام بزرگ ملی را همچنان در اذهان زنده نگه داریم که زنده نگاهداشتن آن خاطره زنده نگاهداشتن عظمت نهضت ملی ایران است

**بقیه پیروزی در لاهه**

دعوا خواهد بود زیرا تا پایان آن جلسه هفت تن از فئات اظهار نظر کردند که پنج تن با نظر ابر ان مبنی بر عدم صلاحیت موافق بودند و این خود موجب شور و شغف خاص در من شده بود در ضمن بحث های خصوصی که با یکدیگر فضاوت پیش آمد اجمالاً معلوم بود نظر سایر ایشان موافق یا مخالف خواهد بود پس از ختم مباحثات و تهیه پرسشنامه لازم راجع بمباحث و انجام اظهار نظر دادگرا در آگاه درباره سوالات مربوط که از مجموع آن ها نظریه دادگرا بر باره چگونگی حکم و ترتیب تدوین حکم معلوم میگردد کمیته ای برای انشاء رای از اکثریت فئات یعنی دادرسانی که بنفع ایران اظهار نظر کرده بودند تشکیل گردید و طی چند روز طرح مقدماتی رای دادگرا را تهیه و تقدیم کرد و مورد مشاوره قرار گرفت و با اصلاحات لازم بتصویب رسید و به کمیته دیگری برای شور و انشاء دوم تسلیم شد و پیشنهاد نهایی رای دادگرا تهیه و بین فئات توزیع گردید

ناگهان خبر استعفای جناب آقای دکتر مصدق و صادرات قوام السلطنه منتشر گردید این واقعه بزرگترین و دردناکترین وقایع حیات سیاسی و اجتماعی من بوده است زیرا از طرفی نتیجه بشمر رسیدن زحمات و رنجهای چندین ساله نهضت را میدیدم که بزودی بصورت حکم دیوان بین المللی لاهه حقانیت ملت ایران را بجهانیان اعلام مینماید از طرف دیگر هر لحظه وحشت اینکه زحمات و کوششهای جنگلی بهدر رود و این پیروزی بزرگ از دست ملت ما خارج شود وجود داشت زیرا بنا بمقررات دیوان طرفین دعوا تا زمانیکه حکم اعلام نشده میتواند توافق کرده و دعوا را مسترد دارند

توس از این بود که قوام با توافق انگلیسها دعوی مذکور را که در شرف صدور حکم بود مسترد دارد و بملت ایران چنین وانمود کند که نتیجه برای ایران و بنفع ایران نداشته است و همه چیز را بی نتیجه بگذارد

حاجت بتوضیح نیست که در آن چند روز من با سر شکستگی کامل وارد دادگاه شده و احساس میکردم داور سان و کارکنان با نظر رفت و ترجمه به نما بنده ملتی شکست خورده مینگردند روزی با یکی از دوستان که متوجه اضطراب و ناراحتی من بود نگرانی خود را ابراز داشتیم آن قاضی شریف دست بر شانه ام نهاد و گفت آقای ستجاسی نگران نباشید بهر حال «قاضی در برلن هست» این شرب المثل زبانه ای آلمانی و فرانسوی است و معنیش اینست که طرف دعوا هر قدر قوی باشد با لایحه در برلن قاضی پیدا میشود که مستقل الرای باشد و اشاره به افسانه ای میکند که یکی از امپراطوران آلمان میخواست خانه رعیتی را تساحب کند و دهقان پاسخ داده بود که بالاخره قاضی در برلن هست.

خوشبختانه نگرانی کشته بطول نماند امید و یک روز که از یله های مهمانخانه بزیور می آمدم و در اندیشه از دست رفتن همه پیروزیهای ملتی تهیدست و بزرگ بودم منشی هتل که از نگرانی من مطلع بود با و جد و شغف خار قالعاده ای پیش آمد و با احتیاط تمام بمن تبریک گفت و روزنامه تازه منتشر شده را بدستم داد که در آن از قیام دلیرانه سی تیر مردم ایران و سقوط حکومت چند روزه قوام و صادرات مجدد آقای دکتر مصدق مژده داده بود از آن ساعت احساس کردم که در تمام محافل با نظر دیگری بنمایند ایران نگاه میکنند و وقتی وارد دادگاه لاهه شدم از سرایدار تا منشیان و داورسان احترامات بیشتری بجا می آوردند مخصوصاً هنگامیکه وارد جلسه شدم که در حال تشکیل بود داورسان با نظر اعجاب و تحسین بمن نگاه میکردند گوئی من عامل و نماینده آن فتح و پیروزی درخشان بودم با آنکه فئات از هر نوع اظهار نظر نسبت به امور ملت ها که دعوایشان مطرح است خود داری میکنند لاهه تحسین و تمجید در چهره شان نمایان بود درست روز بعد جلسه رسمی دادگاه تشکیل و رای دادگاه رسماً بنفع ایران اعلام گردید و پیروزی دوجانبه مردم ایران در طهران و لاهه شرافت و افتخار ملت کهنسال ایران را بجهانیان ثابت کرد.

همچنانکه چند روز پیش برای من بدترین و ناگوارترین ایام زندگی بود خاطره آنروز گرامی که رای دیوان لاهه صادر شد بهترین و افتخار آمیزترین خاطرات مدت حیات من است که مسرت آنرا در وجود خویش احساس میکنم احساس اینکه جزء ملتی زنده هستم که در میدان های محلی و جهانی پیکار میکند و پیروز میشود.

## تظاهرات روز شانزدهم آذر

بهاء دو ربال

نمودار همه بستگی عمیق نسل جوان ملت ما بود

شکایت نامه های قلابی، تظاهرات باشکوهی که در تاریخ دانشگاه ما نند نداشت با شرکت بیش از یک هزار دانشجو در دانشگاه تهران برگزار گردید.

دانشجویان در حالیکه سایه ای از اندوه و خشم بر چهره داشتند از روز پیش سر در دانشگاه ها را سیاه پوش کرد، بودند.

صبح شانزدهم آذر پرچم دانشگاه را بحالت نیمه افراشته در آوردند در جلوی صفوف منظم دانشجویان عکس دکتر مصدق پیشوای ملت و سه تن شهیدان دانشگاه بچشم میخورد.

دانشجویان یکبار دانشگاه تهران را با سکوت پرا بهتی دور زدند و در محوطه باز جلوی دانشگاه هنرهای زیبا اجتماع کردند

نخست آقای غازی دانشجوی پلی تکنیک بر نامه متینک را اعلام داشت و سپس خانم همدارا بی دانشجوی دانشگاه پزشکی بیاد شهدای دلیر شانزدهم آذر ۳۲ روان شاد بزرگ نیا، رضوی، قندچی و به احترام آنان اعلام سکوت کرده و سپس قطعه شعر مهیجی بنام سوگند خواند

آنگاه آقای دکتر شیبانی دانشجوی دلیری که سال پیش پس از تظاهرات با عظمت آذرماه بزندان دزخیمان کودتا افتاده بود و تا فروردین سال بعد یکسره در زندان بسر میبرد نطق کوتاهی ایراد کرده و در آن به فرومایگان و پست نهادانی که مسبب واقعه ۱۶ آذر ۳۲ بودند تفریق فرستاد و اعلام کرد که:

مردم قهرمان ایران حاضر نیستند دلقان و مسخرگان را بعنوان مبارزان با فساد بشناسند

سپس آقای حسین دانشجوی دانشکده فنی طی خطابه مهیجی از رزمندگان دلیر دانشگاه یاد کرد و بنمایندگی از طرف دانشجویان تشبثات مذبحانه هیأت حاکمه و سازمان امنیت را که سعی میکنند دانشجویان را اخلاک معرفی کنند و با درج اعلانات و تلگرافهای قلابی دانشگاه را حقیر جلوه دهند محکوم کرد و اعلام

در صبح روز پنجشنبه شانزدهم آذرماه ۱۳۴۰ دلیر غم توطئه خائنانه هیأت حاکمه و تشنجات مفتضح سازمانهای انتظامی بصورت جعل امضاء و نشر اکاذیب و

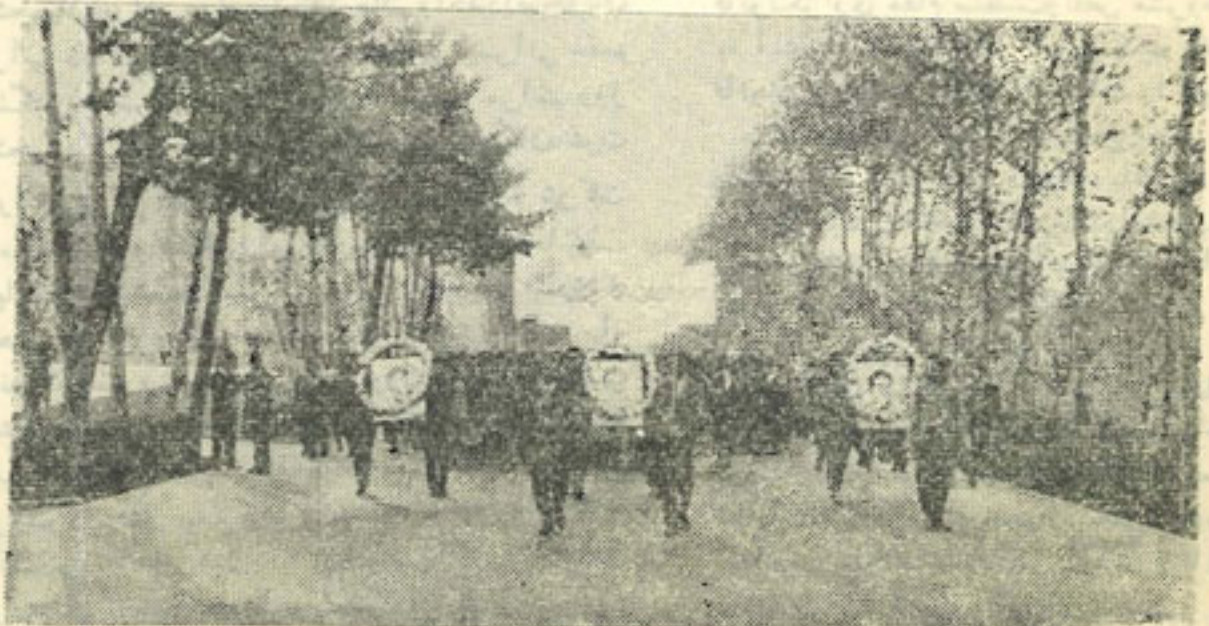
### دانشگاه سنگر شکست ناپذیر آزادی است

#### دسیسه و تهمت ما را از ادامه مبارزه ملی خود باز نمیدارد

نامه ها و همچنین شهرت صاحبان امضاءها و سمتی که به دنبال نامشان آمده بخوبی بر شن میسازد که نویسندگان این نامه ها از یک منبع الهام میگیرند و سرسیرده یک دستگاه هستند.

بفرض قبول وجود خارجی صاحبان این امضاءها با توجه بوضع اجتماعی اکثر آنها و بمناسبت جهل و نادانی و فساد محیطی که در آن نشوونمایافته و به آب و نانی رسیده اند جای تعجب نیست اگر منکر دانش و دانشگاه باشند و در چنین صورتی غم خواری آنان برای دانشگاه و دانشگاهیان همان حکایت غم خواری کور برای بینا و نادان

هر چه سکوت کردیم، هر چه خواستیم و قاحت سبک مغزانی را که بر جان و هستی مردم وطن ما مسلط هستند نادیده انگاریم، هر چه کوشیدیم خشممان را فرو بلعیم و مسخره بازیهای جعل امضاء و شکایات ساخته و پرداخته سازمان امنیت و دستگاه پلیس را بی پاسخ گذاریم بر تعداد امضاء کنندگان دروغ غیر این نامه های بی سروته افزوده شد و هر روز ستونهای بیشتری از روزنامه ها وقف فحاشی بدانشگاه شد. فریاد اعتراض هزاران جوان پاکباز و شیفته آزادی را صدای معدودی آشوبگر بیگانه پرست نام نهادند. عبارات یکنواخت و مضامین مخصوص این



دانشجویان در حال حرکت

برای داناست.

باید دید متصدیان امور که هر روز بهیانه خدمت گذاری و جان نثاری بر آید دریافت چند روز حقوق او فوق العاده و گرفتن نشانه های بی ارزش بارسیدن به مقام و منصب ناپایدار و بدتر از همه اینها برای ادامه دادن بدزدی ها و رشوه خواری های خود دست بکار درست کردن و منتشر ساختن این اعلامیه ها بنام تقاضای طبقات مختلف میشوند خائن بوطن و بیگانه پرست و اخلاک گر باشند با مادران دانشجویان دانشگاه و استادانی که با ما همگامی دارند؟

آیا آنرا فقط بهوای ریاست انجمن محلی فلان بخش یا بهوس نمایندگی فلان صنف حاضر ندا امضاء آنها پای اعلامیه های کذائی گذاشته شود و اگر بی رضای اطلاع آنها هم نامشار در پای درخواستها درج شود سکوت میکنند آلت دست و اسباب اجرای مقاصد پست دولتهای فاسد و جان نثار و غلامان خانه زاده می باشند یا دانشجویان آزادپخواه و حقیقت جوی دانشگاه که در اقدامات خود هدفی جز اجرای عظمت و سعادت ملت ندارند؟

امضاء کنندگان احتمالی این درخواست نامه های ننگین ممکن است مانند کبک سر بزیر برف کنند و خود را از زهمه حراینها غافل نشان دهند و بهمان عنوان های بی ارزش اکتفا کنند و بهر مذلت و توهمین تن در دهند اما ما جوانیم و بارنج فراوان تحصیل کرده و میکنیم فهمیده ایم که شرافت و آزادی چیست؟ ما سازندگان فردای این سرزمین هستیم و باید از ناپسا مانها دزدیها، غارتگریها و خلافکاریهای هیأت حاکمه که آینده ما را بدترین وجه تهدید میکنند اندیشناک باشیم و در صد چاره بر آئیم راه ما راه حق و راستی است مادر پیشگاه تاریخ ملت خود احساس مسئولیت میکنیم هیأت حاکمه باید بداند که با این توطئه گریها



گوشه ای از اجتماع دانشجویان

### مخبرها

#### شانزده آذر در دانشگاههای شهرستانها

خبرهاییکه تاکنون از اصفهان، مشهد، شیراز تبریز، اهواز، آبادان به ما رسیده حاکی از برگزاری تظاهرات عظیمی در روز شانزدهم آذر میباشد در شهرستانها مذکور پلیس و مأمورین سازمان امنیت برای جلوگیری بقیه در پشت صفحه

ریز و نده سازیهایی نمی تواند در شرافتمندان دانشجویان دانشگاه را لکه دار سازد.

ما بپا خواستیم تا جهل و فقره بیدادگری را از این سرزمین ریشه کن سازیم و ایران را آزاد و آباد بنیان گذاریم

#### خواست ما حماسه زمان ما است

آنها که در برابر مصاف کشیده با حربه و دروغ بر ضد ما می کوشند خواهند دید که در آینده نیز هم چون گذشته دانشگاه سنگر شکست ناپذیر آزادی است

ملت ایران دیگر حکومت استبدادی را تحمل نخواهد کرد

# ایرانی - پیاخیز و بااستقرار حکومت ملی قانونی بعمر حکومت سیاه سر سپردگان بیگانه پایان بخش

ملت ایران حاضر نیست که دول بزرگ بنام کمک بگویند این مملکت يك مملکت عقب افتاده است و باید بدان کمک نمود، نخیر ملت ایران هیچوقت حاضر نیست نام ملت عقب افتاده باو اطلاق شود، مامیخواهیم از مال حلال خود، مالی که به مردم این مملکت تعلق دارد کشور خود را اداره کنیم. « مصدق »

قامت مردانگی در برابر اغیار به طمع درهم و دینار خرم ممکن و طوق بندگی بیگانگان را به گردن مینداز، در برابر اجنبی زانوزدن و به چیرگی و رشادت وی اعتراف کردن جز زبونی و زوال تو نتیجه ای نخواهد داشت، علی علیه السلام  
ذلیل ترین اقله ام جهان مردمی هستند که بیگانه بر آنان مسلط گردد، من از اینکه دشمنی در انجام نیات خود کوشاست متأثر نیستم ولی بی حسی و سکوت شما در دفاع از حقوق و ملیت دلم را مالامال خون کرده است.

« علی علیه السلام »

برای استقرار حکومت قانون ملی برای نجات اقتصاد استعمار زده ایران برای اتخاذ سیاست خارج ملی مستقل برای بصفیه جامعه ایران از عوامل فساد با جبهه ملی ایران همکاری کنید

سازمان دانشجویان اروپا قرائت شد و آقای فاطمی قطعنامه روز دانشجو را قرائت کرد که باتفاق آراء بتصویب رسید خلاصه قطعنامه اینست ما میخوانیم .  
۱- جناب دکتر مصدق پیشوای محبوب ملت ایران از زندان احمدآباد آزاد شود .  
۲- ما بعمل دولت و فرمان اخیر راجع به قانونگزاری مقام سلطنت و نقض مشروطیت و برگشت به استبداد شدیداً اعتراض میکنیم لغو فرمان غیر قانونی و شروع فوری انتخابات را خواستاریم .  
۳- باوجود قول آقای قدس نخعی به نمایندگان دانشجویان هنوز فشار دستگاه باقلیت ادامه دارد و سفارت حاضر به تجدید گذرنامه دانشجویان نشده است مامیخواهیم که باین اعمال مخالف قانون و دشمن بارز علیه دانشجویان و انتقار جوئی از طبقه جوان میهن پرست ایران خاتمه داده شود .

تصمیم گرفته شده که قطعنامه مزبور بمقامات سفارت داده شود قریب ۶۰ نفر از دانشجویان حامل قطعنامه بودند پلیس آمریکا محوطه سفارت را محاصره کرده و بما اخطار شد که از محوطه سفارت دور شویم ۵ نفر نمایندگان انتخاب شدند که با آقای پویانی وزیر مختار ملاقات کنند سایر دوستان بدستور پلیس از داخل سفارت اخراج شدند و ۵۰۰ قدم دور از سفارت در يك چهارراه منتظر ماندند نمایندگان ایالات ادهایو و نیوجرسی و نیویورک و واشنگتن رونوشت قطعنامه را بوزیر مختار ایران دادند و سفارت را ترک کردند خبرنگاران جراند در محل حاضر شدند و خبر مزبور را مخابره نمودند روزنامه واشنگتن پست جریده مهم واشنگتن خبر مزبور را با عکس جناب آقای دکتر مصدق منتشر کرد مقاله سالمین بودی که اخیراً در روزنامه معروف و کثیرالانتشار نیویورک تایمز در يك صفحه بزرگ راجع بایران درج شده است تاثیر بسیار خوب کرده و دستگاه سفارت ایران را شدیداً نموده مضطرب است .

## غلبه دانشجویان ایرانی مقیم امریکا بر سفیر هیأت حاکمه

پس از تشبثات که ناگون سفیر هیأت حاکمه در امریکا و لغو گذرنامه آقای قطب زاده دانشجوی ایرانی و بعد از آنکه اداره مهاجرت امریکا دستور خروج ایشان از ایالات متحده را صادر کرد .

سناتور فریپامز نماینده ایالات نیوجرسی توانست ماده واحده ای بتصویب سنای امریکا برساند که آقای قطب زاده تا وقتی در وطن خود تامین جانی ندارد حق اقامت در ایالات متحده را داشته باشد .

## پیام دانشجویان ایرانی در فرانسه

اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه پیامی بدانشجویان دانشگاههای ایران فرستاده اند که خلاصه آن بشرح زیر است  
برشمائیکه باپیکار اصیل خود دشمنان ملتی را بخوش نگران داشته اید بر شمائیکه پرچمداری راستی و عدالت پیشه کرده اید

برشمائیکه بخون خویش خانه آرادی و دانش را رنگین نموده اید تا سپاه اهریمن بر آن دست نیازد و با نهنده سلام و درود گرم دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه .  
مقیم دانشجویان دلیر و سارر دانشگاه های ایران

## دانشجویان مبارز و میهن دوست مقیم امریکا در تظاهرات ۱۶ آذر

خبرنگار ما از آمریکا مینویسد : بطوریکه قبلاً اطلاع داده شده بود پیر و تصمیمات سازمان دانشجویان دانشگاه تهران - کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا و سازمان واحد دانشجویان ایرانی در امریکا سازمان دانشجویان ایرانی مقیم واشنگتن در شرق امریکا پیشقدم ترتیب مراسم روز دانشجو شد ۴ شنبه شب جناب آقای دکتر شایگان دعوت ما را قبول کردند و برای ایراد سخنرانی و شرکت در مراسم به واشنگتن آمدند دوستان مبارز ما غلب از پانصد تا ششصد کیلو متری با وجود گرفتاری و امتحان در این روز شرکت کرده و تمام شب را در راه بودند کلولند و نیوجرسی و نیویورک و نقاط دیگر دوستان آمده بودند با وجود آنکه در روز ۵ شنبه اغلب امتحان داشتند معذالک عده ای کثیر در این مراسم در هتل معروف و محلل ۲۴۰۰ واشنگتن شرکت کردند سالن هتل بعکس جناب آقای دکتر مصدق و پرچم ایران و شعارهای جبهه ملی تزئین شده بود آقای دکتر شایگان در میان احساسات پر شور دانشجویان وارد سالن شدند و بعد از اعلام برنامه روز دانشجو پشت تریبون قرار گرفتند و نطق بسیار جالبی ایراد کردند که چندین بار با کف زدنهای ممتد دانشجویان قطع شد بعد از بیانات سه نفر دیگر از دانشجویان پیام

فراموش نشدنی است خون برادران دانشجویی ما که در شانزده آذرماه ۳۲ بدست دژخیمان بزمین ریخت میجهد و برادران دانشجو را بمبارزه میطلبند  
دانشجویان دانشگاه مشهد در اعلامیه خود چنین نوشته اند ( آذرماه هر سال دآورخاطرات شوم است در تبریز تظاهرات ناشکوهی انجام شد و ضمن قطعنامه خود اعلام داشتند

ما از اولیاء امور میخواهیم - بتوقیف غیر قانونی بشوی بزرگ ملت ایران جناب آقای دکتر محمد مصدق خاتمه دهند .  
ما دانشجویان دانشگاه تبریز اقدامات دولت آقای کتر امینی را غیر قانونی دانسته هر دولتی را که برخلاف اراده ملت و از طریق غیر قانونی حکومت کند و از خود بدون صلاح دید مجلس شورای ملی قان ن بیافزاید محکوم میکنیم و اعتماد و اطمینان بچنین دولتی نداریم و اقدامات اردولت از نظر ما فاقد ارزش قانونی است .  
که روح هر دانشجویی ترا فتمندی را آزرده میسازد .  
ما امیدواریم در شمه رهای بعد خبرهای پیشری از تظاهرات دانشگاهها شهرستانها و دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور فراهم آورده در دسترس خوانندگان قرار دهیم

عصر شانزدهم آذر در امامزاده عبدالله همه سال خانواده شهیدای دانشگاه روز شانزدهم آذر بر سر مزار عزیزان خود مراسمی برپا میداشتند و گروهی از دانشجویان تبریز در آن شرکت میجستند .  
امسال کمیته دانشگاه برای برگزاری مراسم خاصی از دانشجویان دعوت کرد که با ما مراده عبدالله آیند ولی نیروهای انتظامی راه را مسدود نموده و درهای درودی امامزاده عبدالله را بستند و حتی زدن سه جنازه که آنروز بکورستان آورده بودند جلوی شری شد خانواده شهیدان و گروه کثیری از دانشجویان ناگزیر از اجرای مراسم وفاتحه خوانی چشم پوشیده باخشم و عورت نسبت به هیأت حاکمه فاسد بشور بازگشتند

## بقیه دانشگاه

داشت که پدران و مادران ما بهترین شوقان مادران راه تاریخی و صمیمی ترین باران مادر مبارزه پی گیر علیه هیأت حاکمه فاسد و مزدورند .

آقای بطحی دانشجوی حقوق ناطق بعدی نطق هیجان انگیزی درباره جریان شانزدهم آذر و مسائل اجتماعی و سیاسی روز ایراد کرد و در آن متذکر گردید: درای اردو گروه در برابر یکدیگر صرف کشیده اند دسته ای که در خود قدرت حرکت سراغ ندارند و یا توان درست اندیشیدن و درست عمل کردن در خود نمی بینند اینان همان هیئت حاکمه فاسد ایران را تشکیل میدهند در برابر آنها نسل جوان ایران قرار گرفته که خواستار حرکت و جنبش است .

هیأت حاکمه ایران مجبور است باین نیاز سر تعظیم فرو آورد تحول و حرکت خواست طبقه جوان و نسل انقلابی کشور است مقصود از انقلاب برهم زدن روابط غلط و ناهنجار و غیر منطقی اجتماع است این کار در آغاز نیاز بقیام مسلحانه ندارد اما اگر در برابر مسالمت زور گوئی خود نمائی کرد آنگاه مردم بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر بعنوان آخرین علاج بقیام بر ضد ظلم و فشار مجبور می گردند

ناطق هیأت حاکمه را از خیره سری وعدم توجه بمصالح ملت بر حذر داشت .

سپس آقای قندچی خطابه کوتاهی قرائت نمود و از پسر عموی از دست رفته خود و دو تن دیگر از شهیدان دانشگاه به بزرگی یاد کرد در پایان میتینگ آقای بنی صدر عضو کمیته دانشگاه از شرکت کنندگان در تظاهرات سیاسی گزارشی نمود و از همه آزاد مردانی که دانشجویان را تأیید مینمایند و همچنین از دانشجویان میهن پرست دانشگاههای ایران و دانشجویان ایرانی مقیم امریکا و اروپا تشکر نمود خصوصاً مبارزه دلیرانه سیف پور فاطمی و قطب زاده راستود

میتینگ عظیم ۱۶ آذر در ساعت ۱۲ با نظم و ترتیب کامل پایان یافت در تمام مدتی که تظاهرات ادامه داشت نیروهای پلیس و آرتش و جتر بار اطراف دانشگاه را محاصره و مانع نزدیک شدن مردم غیرتمند تهران که برای پشتیبانی از دانشگاه آمده بودند شدند پدران و مادران دانشجویان در کنار سایر مردم و از پشت صفوف نیروهای انتظامی فریاد می زدند

## ما مبارزه فرزندان خود را تأیید می کنیم . یروز باد دانشگاه ملت از دانشگاه پشتیبانی می کند

## بقیه اخبار

از انجام میتینگ کوشش بسیار کرده و حتی پدران و مادران دانشجویان را زیر فشار قرار دادند تا مانع خروج فرزندان خود از خانه هایشان شوند با وجود بر این تظاهرات دانشجویان به شکوه هر چه بیشتر همراه با پخش اعلامیه در شهر صورت گرفت .  
دانشجویان دانشگاه اصفهان در اعلامیه خود نوشته اند ( شانزده آذر در تاریخ مبارزات دانشجویان ایرانی

## جبهه ملی ایران خواستار انتخابات فوری است

## درود بدکتر مصدق پیشوای ارجمند ملت ایران

## « تبریک با آقای نهر »

هفته گذشته بدستور دولت هند و برعکس خریدند از جواهر لعل نهرو آخرین پادشاه استعمار در کشور هند در هم کوبیده شد و بدین ترتیب صفحه درخشانی بر صفحات افتخار آمیز تاریخ مبارزات آملی افزوده گردید سنت چینی بود تاکنون رهبران هند مصلحت کشور



## باراده ملت ایران تسلیم شوید - انتخابات را آغاز کنید و به تعطیل

### مشروطیت پایان بخشید

هفت ماه از تعطیل عمدی مشروطیت میگذرد و هیئت حاکمه گستاخ و زورگو نه تنها از ارتکاب این جرم عظیم دست برنداشته است بلکه با صدور فرمان اعلان مشروطیت روی دستگاه محمد علی شاه و عین الدوله را سفید کرده و خونهای از جان عزیز تر شهدای راه آزادی ملت ما را ببازی گرفته است.

معلوم نیست دستگاه ننگین و پوسیده حاکم به کدام امید با بشکوه تشبیهات متوسل میشود چه هم میدانند که پایهای خون آلود این دستگاه فرتوت بدانسان است متزائل است که ناچار از فروریختن و مدفون کردن لاشهای ننگین خدایان خوش در زیر بنائی است که هر خشت آن جنایتی را به دام آورده است.

کوربینی دستگاه حاکم اینست که در محاسبات خود نیروی مردم را نادیده میگیرد و وقتی در عمل با واقعیت آن روبرو میشود سعی میکند برای سرکوبی پایمال کردن و غصب حقوق بیشتر و تازه تری از مردم و بکار بردن روشهای قرون وسطائی بسردازد چنانکه آخرین حقوق مردم را حتی در روی کاغذ هم سلب کند و دستهای را ببندد در دهانها را بدوزد.

هیئت حاکمه خیال میکند که با حقا و دوزو کلکها

## اخبار

جبهه ملی در اروپا

بطوریکه گزارش شده است تا کنون کمیته های جبهه ملی در شهر های پاریس - هانور - گراتس - ولی و فرانکفورت - توپینگن رسماً تشکیل شده است انتخاب اعضاء کمیته و تشکیل آنجا در سایر شهر های اروپا جریان است و پس از انجام خبر آن با اطلاع عموم خواهد رسید پیام دانشجویان : خبر تشکیل کمیته های جبهه ملی در شهر های نامبرده موجب خوشحالی و امیدواری دانشجویان دانشگاه تهران و سایر آزادیخواهان است

آذر در فرانسه

روز ۱۶ آذر دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه در برابر سفارت ایران گرد آمدند و طی میتنگ خود قطعنامه ای را صادر نمودند در این قطعنامه از سه تن قهرمانان شهید دانشگاه که با خون خویش نبال نهضت را آبیاری کرده اند یاد نمودند و بعملیات ضد قانونی دستگاه حاکم در مورد انحصار حسن قانون گذاری نموده و تعطیل مشروطیت و اقدامات ضد دانشجویی دولت بشت اعتراض نمودند.

روز ۱۶ آذر ۱۳۴۰ بدعوت کمیته کنگره جبهه ملی اروپا شهر ها نورمانی فرانسه اولین کنگره کمیته های جبهه ملی سراسر اروپا گشایش یافت.

تشکیل این کنگره گرایش عظیم همه رزمندگان دلیر جبهه ملی را بسوی یک نبرد آگاهانه در راه بر آورد آرمانهای ملی نشان داد. نتایج کنگره یکبار دیگر یگانگی هم سر بازان نهضت نجات بخش ملت را در راه مقدسی که در پیش دارند ارائه نمود.

آنچه از نتایج این کنگره ها می توان یاد آور شد.

۱ - تعیین هیئت شورای مرکزی جبهه ملی اروپا که در آن هر کمیته محلی یک نماینده دارد.

۲ - بشورای مرکزی اختیار داده شد که این کمیته ها را تشکیل دهد کمیته اجراییه - کمیته بررسی کمیته دادرسی.

۳ - شورای مرکزی جبهه ملی اروپا و کمیته

بقیه در صفحه ۲

را چه در زمینه داخلی و چه خارجی ار طریق مذاکره و بصورت مسالمت آمیز حل و فصل مینمودند در مورد گوا چندین سال از روش بالا استفاده گردید. آقای نهر با وجود اینکه نسبت به ماهیت استعمار در قرون گذشته و قرن حاضر و طرق مبارزه با اشکال مختلف آب در دو زمان متفاوت بصیرت و آگاهی کامل داشتند از اقدام بشت عمل خود داری مینمودند.

بالاخره کار به بن بست کشیده شد حاکم نشینان پسر تغالی گوا علناً علیه حاکمیت و استقلال هند توطئه میکردند صرف نظر از درود سیل آسای کالاهای مصر قاچاق نظیر اشیاء لوکس و شرروبات الکلی که با اقتصاد ملی و سالم هند متضاد بود دولت امپریالیسم این قسمت از خاک هندوستان را با تبار اسلحه مبدل کرده تاروژی بتوانند آنرا علیه کشور هند استعمار دهند بکار برند بی مناسبت نبود هنگامیکه ارتش ملی آن کشور این پایگاه استعماری را درهم شکست نمایند گمان کشور های استعماری در محافل بین المللی بو حشت افتاده عمل بجا بموقع و قاطعانه آقای نهر و دولت هند را اقدام نادرست توسل بزور نامیدند و در راه جلوگیری آن مشغول اقدام شدند. مجلس عوام انگلیس از عمل دولت هند که فقط بمنظور حفظ تمامیت ارضی خود انجام داده است بعنوان یک عمل ناشایست؛ توسل بزور اظهار تائید و تامل نمود. در حالی اقدام عاقلانه آقای نهر و سایر رهبران هند مورد خشم مجلس عوام انگلیس قرار میگردد که هنوز خاطره تجاوز مفتضح انگلیس بمصر در اذهان جهانیان زنده است و هنوز لکه های خون قهرمانان مصری از کنار نیل محو نگشته است.

همین دیروز در جشن سالگرد حکومت آزاد الجزیره صدها تن از قهرمانان الجزیره در پی جرم دفاع از میهن بخون غلتیدند و دیدیم که هرگز صدائی تحت عنوان تجاوز مسلحانه از این مسند نشینان کنار تایمز برخاست.

شک نیست که این دلسوزها فقط زمانی صورت میگیرد که منافع استعمار در خطر می افتد و ما مطمئن هستیم نظیر این فریاد های محترمانه را زیاد خواهیم شنید زیرا قرن ما قرن مرگ استعمار است بدون شک

شما خوب میدانید که امروز مسئله مملکت اینها که کرده اید نیست. شما خوب میدانید که مسأله امروز مملکت مسأله حیات و ممات کشور است مسأله مرگ و زندگی ما است. مسأله اقتصاد و رشکسته و از هم سیخته است که همه اینها معلول ۸ سال استبداد و زورگویی است هشت سال چپاول و غارت و دزدی است هشت سال چیزهایی است که حتی شما هم از گفتن آنها شرم کردید و بقول خودتان ترسیدید از افشا کردن آنها مملکت بهم بریزد.

شما میدانید که این همه فساد معلول چیست، شما میدانید که منشأ همه این خرابی ها و سلسله جناب همه این نابسامانیها یک چیز است و آن اینست که ملت راهبه هیچ شمرده اند و فقط در یکجا ملت را بحساب می آورند و آن جائیست که منافعی از او بخواهند

آقای امینی شما میدانید که ملتی را سرگردان کردید و باز با عمامه ضد ملی و غیر قانونی خود ادامه میدید ولی این راهم بدانید که شما نمیتوانید مشروطیت را ببازی بقیه در صفحه ۲

بسر ملت ما میتواند کلاه بگذارد و وجود خود را با هر روز بیک رنگ در آوردن به ملت توجیه کند ولی نکته در اینجاست که هوشیاری ملت این فرصت را برای همیشه از بین برده است دیگر با عیاضوی حرف و محاکمات قلابی و صحنه سازی های مخصره و سر گرمیهای جشن و گاردن پارتی نمیتوان خلاء توفیق امور مملکتی و انحلال مشروطیت را جبران کرد و سخنرانیهای جدا جدا برای هیئتهای مختلف و علم کردن این و آن، خیمه شب بازی و بزرگ کردن آنها در مطبوعات بلندگوی سازمان امنیت جای تعیین تکلیف مملکت را نمیگیرد آخر اجتماعسی را که نمیتوان ماهیا و سالها بلا تکلیف گذارد. شما نمیتوانید با سر نوشت ملتی بازی کنید و بخاطر هوسها و جاه طلبی های خود بیش از این مردم را سرگردان دارید ملت راه خود را خوب می شناسند و شما را هم خوب شناخته است و اینست بزرگترین درد شما - شمار ملت ما استقرار حکومت قانونی است. مردم این سرزمین خواستار حکومتی هستند که منتخب و مورد قبول خود آنها باشد و همه میدانند حل مشکلات کوچک و بزرگ اجتماعی ما در گرو این مسأله است و تنها مجلسی است که رای ملی است که باید تشکیل شود و تکلیف مردم و مملکت را روشن کند. اینست که هر چه شما صحنه بازی و خیمه شب بازی میکنید باز هم تنها مسأله ای که از طرف مردم مطرح میشود مسأله انتخابات است، شما مجبور خواهید بود با انتخابات آزاد و تعیین سر نوشت مردم بدست خودشان تسلیم شوید. بیهوده گمان نکنید با صحنه سازی های مختلف می توانید سرپوشی بر روی اعمال ضد ملی و جنایات ضد انسانی خود بگذارید. آیا تصور میکنید هشت سال از گرده ملتی سواری گرفتن و دزد باش و مرد باش بودن جایی خالی از خشم و نفرت شما در دل و جان مردم این مملکت باقی گذاشته است و عظمت این خشم و کینه کافی نیست که لرزه برارکان دستگاه حبارتان بیاندازد. زمان در دست ما و شما نیست و این موج پر خروش خواه ناخواه ما را به پیروزی و شما را به زبودی مسلم خواهد کشانید.

وضع نه امروز هیئت حاکمه فاسد و ای ملت ایجاد کرده در پنجاه و پنج سال اخیر سابقه نداشته است دستگاه ضد ملی حاکم که تا بحال با وجود زیر پا گذاشتن قوانین اساسی مملکت و سلب حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و غصب حق حاکمیت ملت حداقل تظاهر بمشروطه خواهی میکرد امروز بدست خود ما سک از چهره گریه خویش بر گرفته و علناً و رسماً انحلال مشروطیت را اعلام می کند. امروز گستاخی را با آنجا رسانده اند که آشکارا حقوق ملت را سلب کرده در دست یک نفر قرار میدهند و بدین ترتیب فرمان مشروطیت را که در آن امر به تشکیل مجلس شورای ملی شده است مسترد میدانند.

هیئت حاکمه باید بدانند که این مانورها و این یورش ها ملت را در تحصیل حقوق خویش مصمم تر خواهد ساخت. جبهه ملی نه تنها اجازه نداد و نخواهد داد که این مانورها به نتیجه برسد بلکه با برخورداری از نیروی کوبنده ملت همچنان پایههای دستگاه استبداد دشمنان ملت را ویران خواهد ساخت هیئت حاکمه باید بدانند بی توجهی بخواست ملت و بلا تکلیف گذاشتن کار مملکت و پایمال کردن حقوق و آزادیهای افراد این سرزمین آنچنان موجی از خشم و کین مردم برانگیخته است که هیچگاه فرصت ادامه صحنه آرائی و اجرای نمایشنامه دمکراسی از

ملت ما میخواند تا هر چه زودتر با شروع انتخابات فرمان خلاف قانون ۲۳ آبان «منشور استبداد» را ممالک و شود

ملت انتخابات میخواهد این نواده های محمد علی شاه قاجار هستند

که انتخابات نمیخواهند

دکتر امینی در ضمن یکی از چند صدمین سخنرانیهای خود در هفته گذشته، بدون آنکه بیندیشد که چه میگوید، بی پروا و با نهایت گستاخی اظهار داشت که «ملت انتخابات نمیخواهد»! و بدنبال این سخن لغو و توهین آمیز مطالبی در خصوص مجالس قانونگزاری و اینکه تا بحال مجلسها مانع اصلاحات بوده اند بیان نمود. جناب ایشان گویا فراموش کرده اند که آن مجالس، مجالس که مانع اصلاحات بوده اند و سکرار تجاع و انحطاط بشمار میرفته اند مخلوق حکومتها و دولتتائی از نوع خود ایشان بوده اند و برای آن خلق میشده اند که مانع اصلاحات باشند. از این مطلب بگذریم در مورد این ادعا که ایشان گفته اند ملت انتخابات نمیخواهد بدون آنکه وارد بحث شویم و سخافت و بیوچی این سخن را اثبات کنیم فقط بایشان متذکر میشویم که ملت آن ملتی که ۱۳۱۴ قمری پیاجست را تحصیل کرد انتخابات میخواهد آن ملتی که چند سال بعد در برابر مجدم علی میرزادانی خیلی محترم همین آقای امینی که مانند ایشان معتقد بود «ملت نمیخواهد» قیام کرده و انتخابات و مشروطیت را خواست و پسر آورد آن ملتی که در تهران و تبریز و فارس و اصفهان و رشت و بختیاری بهترین جوانان خود را قربانی ساخت و بدائی آقای امینی فهماند که انتخابات میخواهد آن ملت امروز همه انتخابات میخواهد و سخن امروز خواهر زاره خیلی محترم محمدعلی میرزما مانند همان دشمنی مشروطه ارزش و اعتباری در عمل ندارد و نخواهد داشت و ملتی که مشروطیت و انتخابات را میخواهد. آنرا بدست خواهد آورد جناب آقای امینی از این بیهوده گوئی های سود حاصلی بیش از آنچه که، دئی محترمشان بدست آوردند بکف نخواهند آورد.



گوشه های از تظاهرات دانشکاه شیراز  
پتیه بارانده ملت

یه را با آنها نخواهد داد.

بنام مشروطه مشروطه را منحل می کنند و بنام دموکراسی استبداد ایجاد میکنند و بنام تعیین تکلیف دیوات ملت را بلا تکلیف می گذارند. و فراموش می کنند که این ملت همان ملتی است که از مستبدین قاجار حق خود را گرفت. قهرمانان در این راه مبارزه پرداخت و فراموش میکنند که این ملت همان ملتی است که در سیام تبریز ۳۱ با سینه ای باز با ستم آل گلدار، رفت و حکومت غیر قانونی و سرسپردگی های قوام را ساقط و پیشوای خویش مصدق را حکومت رساند و فراموش می کنند که این ملت همان ملتی است که در تاریخ کهنسال خود پورش های زید و سهمگین چون زبور و چنگیز را دیده و در عین شکست و تحمل شدائد آخر بار پایداری آن حکومت ها را ویران ساخت. بروید ببینید چگونگی تاریخ نشان داده است که این ملت فنا پذیر است. بلافا و طوقانیهای تاریخی را تحمل کرده است و از آن میان پرورزند بیرون آمده و بداندیکه از زیر بار طاقت نرسای دستگاه فرس مزدور شما هم بزودی قدر است خواهد کرد از شما جز بصورت لکمی ساء در تاریخ ما چیزی باقی نخواهد ماند. شما تکلف مملکت را معین نمیکنید و در نهایت بی شرمی شرف ترین حقوق ملت یعنی حق آزادی را ازاد میگردانید و تاریخ تکلیف را روشن ساخته است و خوب میدانید که در سرنوشت شومی را در پیش دارید و همین اعمال خرد انسانی و ضد علی شما آثار و نشانه های دست و پائی پیر بوده است که در چنگال سرنوشت شما هم تاریخی خود میز این.

پتیه اخبار

های سگانه آن تابع شورای مرکزی هیئات اجرائی جبهه ملی ایران می باشد و جز این در ارگون مرکزی از هیچکس تبعیت نخواهد کرد.

۴- کمیته های محلی شهرهای سراسر از با حق ندارند بدون اجازه شورای مرکزی و هیئات اجرائی جبهه ملی ایران با افرا و دستجاتی که عضو جبهه ملی نیستند همکاری نمایند.

۵- نتایج و تشکیلاتی که بیرون جهت تضرع تحلیل و بحث درباره مسائل بر نام ای این کمیسیون مظلماست مراد تهیه شده پیشنهادی خود را تقدیم شورای مرکزی جبهه ملی ایران «تهران» بنماید.

۶- يك آئین نامه موقت برای شورای مرکزی جبهه ملی سراسر اروپا که برای تصویب نهائی به تهران ترستاده خواهد شد.

پیام دانشجو کوشش های سربازان ارجمند جبهه ملی را در اروپا تقدس میکند. موفقیتهای بزرگ تری را برایشان آرزو می نماید.

اعلامیه کمیته جبهه ملی ایران

فرانکفورت

ه. و. ط.

استعمار با کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۰۳ که با کمک جمعی از باش و اراذل و برده های زرخنده خود انجام داده توانست نهضت مقدس ملی مردم ایران را که برسای رهبر گرامی خود دکتور محمد مصدق ضربه های بی گبری بر بیکر استعمار زده است دست آنها و نو تران حائزه بگوش بیگانگان را از منابع و منافع مردم ایران کوبان کرده بود برای مدتی متوقف کند. در طول مبارزات ملت غیور ایران دانشگاه تهران هم جا پرچم در و پشتیبان این مبارزات اصیل مردم بود این مرکز شور و هجان در این امید مردم در آن زمان و با آن شرایط رحمت و تروار باره ملت نشست و هر روز با تظاار و اعتصاب مخالفت شدید

این جریان عظیم شما دستگاه وسیده ای را که بان منتسب هستید درهم نورد و سندهای پشرفت ملت را بی رحمانه درهم شکست.

آقای امینی شما مسئول بلا تکلیفی کشور هستید و بدانید که فقط مردم باید سرنوشت خویش را تعیین کنند و این حق بیهای فنا کارهای دلاورانی چون مبارز و باقر جان بدست آمده. اعلام میکنیم که تمام راه حیل وجود توجه بخواست ملت و شروع نوی انتخابات آزاد است و معتقدیم که استقرار حکومت قانونی فقط با انتخابات

خود را با این سستم فاسد نشان ادوای نوکران آنها برای اینکه بتوانند صدای ملت را در گله خفه کنند روز ۱۶ آذر ۲۲ در محوطه مقدس دانشگاه تهران سه تن از مبارزترین جوانان وطن را که امید آینده مردم ایران بودند بگلوله بستند.

مردم ما هیچگاه نام مقدس قندچی ها، بزرگ نیاها و رضوی ها را از خاطر نخواهد برد.

درد و بی باکی ملت ایران شما شهیدای عزیز ۱۶ آذر درد به دانشجویان فهیمان و مبارز دانشگاه های ایران که دم به دم قدم مبارزات مردم ایران را پشتیبانی می کنند.

درد به دکتر مصدق پیشوای ارجمند مردم ایران.

کمیته جبهه ملی ایران - شهر فرانکفورت

پتیه گویا

فرانسه دیگر ملت های در بند کشیده شده آسیا و آفریقا زنجیر ستم استعمار را خواهند گسست. اما نکته ای که در آزادی (گویا) بیش از همه جلب نظر کرد روش قاطعانه دولت مند بود روشی که متناسب با مذهب استعمار در نیمه دوم قرن بیستم میباشد. اگر در گذشته حزب کنگره بیشتر ارجحیه های منفی مبارزه استفاده میکرد اینک زمان آن رسیده بود از حره بی که سالها استعمار آسرا علیه ملل ستم کشیده بکار مرده بود استفاده کند.

پیام دانشجو این طریق واقع بینانه را که آزادی ملت هند صمیمانه تبریک میگوید.

وروش جدید به ثبوت رساید که رهبران دور اندیش و بصیر هند فقط از روش مسالمت آمیز تا هنگ می استفاده میکنند که با منافع و ارادی ملت آنها مطابقت داشته باشد و در غیر آن از هیچ اقدامی دریغ نخواهند نمود.

آزاد میسراست. جبهه ملی مصمم است که با تمام قوا و با بر خورداری از نیروی عظیم ملت این سدی را

که بر ابر ملت بنا کرده اند خرد کند و پیروز ماندان پرچم برافرازد. از نهضت ملی ما را در دروازه های شهر پیروزی نصب کند. پیروز باد جبهه ملی ایران.

# نشریه پسام دانشجو

ارگان کمیته دانشجویان دانشکاه تهران  
وابسته به جبهه ملی ایران

شنبه ۳۰ دی ماه ۱۳۴۰ تک شماره ۴ ریال

## جبهه ملی ایران نیروی جانشین

روزهای احتشار هیئات حاکمه فرارسیده است. تشبثات بی‌نمر این گروه «محتضر» آشکار می‌سازد که پایان کارشان را نزدیک می‌بینند.

واژگون بختان چنان راه‌های کسریز را بر خود بسته دیده‌اند که به کورسوی شبتابانی چون امینی دل بسته‌اند. و از عاقد قرار داد کنسرسیوم و وزیر دارایی کابینه یغماگر سرلشکر باز نشسته زاهدی می‌خواهند عنصر انقلابی اصلاح طلب ملی بسازند!!

پس از همه خود کامی‌ها، همه خفقان‌ها و آدم کشی‌ها، پس از اینکه سال‌ها سیل دلار بخزانه‌های شخصی سرازیر و کاراساسی چپاول سرمایه ملی شمرده می‌شد.

امروز که سینه بسینه بملت ایران بر خورده‌اند شتابزده و هراسناک در جستجوی راه گریزند.

بقیه در صفحه ۲

## سرگرمی تازه ارمنی‌جانی = امینی

### ((اصلاحات ارضی!!))

دروغهای بی‌سروته کابینه امینی سرگرمی حيله کرانه‌ای برای ملت ماشده است.

ارمنی‌جانی با دروغهای آماری دست‌دکتر امینی و درخشش از پشت بسته‌اضت و کاراصولی و اساسی دولت امینی صادرات حرفهای بی‌سروته به دورترین نقطه ایران شده سرگرمی تازه ارمنی‌جانی - امینی برای مردم و دهقانان مساله اصلاحات ارضی است ولی دهقانان و مردم ما امینی‌ها را خوب می‌شناسند و برای مانیز روشن است که امینی بزرگ مالک نمیتواند ساختمان فتودا لیس را از ایران براندازد و دهقانان را صاحب زیستن و زندگی کند این درس بزرگ تاریخ است.

ملتهائی که سیمای اجتماعی خود را دگرگون کرده‌اند (هند-مصر- اندونزی و...) بما آموختند که مالکین بزرگ حاضر بگذشت و حتی محدود نمسودن امتیازات خود نیستند اگرچه زمیندار بزرگ نماینده فتودالهای ایران آقای دکتر امینی انقلاب را پشت خانه آنها ببیند.

بقیه در صفحه ۳

... نه مقام سلطنت حق دارند بوسیله فرمان اختیار قانون کزاری را بدولت واگذار و نه دولت میتواند با اتکاء بچنین فرمانی که بر خلاف قانون اساسی است مبادرت بوضع قانون نماید ...

« از اعلامیه هیئت اجرائی جبهه ملی

مورخ ۲۳ دیماه ۱۳۴۰ »

# یکشنبه روز اعتراض دانش آموزان!

دانش آموزان تهران، نیروی جوان و آگاه جبهه ملی ایران در مقابل توطئه خائنانه دستگاه حاکمه ایران قرار گرفته اند هر روز، گروه گروه از دانش آموزان، بجرم آزادیخواهی و تفکر بآینده ملتی اسیر از دبیرستانها اخراج شوید و بدین ترتیب امنیت تحصیلی ارجوانان ایران مسلب میشود و برنامه فرهنگ استعماری ایران بکمک وزیر غیرقانونی فرهنگ و ایادی مزدور اجرا میشود دانش آموزان تهران، برای ابراز تفرات عمل ضد انسانی هیات حاکمه ایران و برای نشان دادن زنده بودن نیروی جوانان ایران روز یکشنبه ایل بهمن ماه روز اعتراض عمومی دانش آموزان ایران اعلام میکنند

اتحاد دانش آموزان ایران هرگونه توطئه ضد ملی را از هم خواهد شکست

«دانش آموزان عضو سازمان جوانان جبهه ملی ایران»

## دانشجویان به همراه همه نیروهای ملی

در مبارزه‌ای که نیروهای ملی علیه تباهی و فساد آغاز کرده‌اند دانشجویان دانشکاه سهم زیادی دارند و در حقیقت پیشرو و پیشاهنگ این مبارزه اسیل میباشند اما نکته‌ای که باید مورد توجه قاطبه ملت ایران باشد اینست که: هنگامی که از نسل جوان مملکت نسلی که خواهان دگرگونی در روابط پوسیده اجتماع فعلی ایران است سخن گفته میشود نباید تنها دانشجویان دانشکاه را در نظر آورد. درست است که درین چندسال اخیر در بیشتر کشورهایی که از قید ظلم و ستم و فساد و قانون شکنی و نقض بی‌شرمانه قانون اساسی آزاد گشته‌اند دانشجویان پیشقراول مبارزه بوده‌اند اما تنها دانشجویان نبوده‌اند که این مبارزه عظیم را بشمر رسانده‌اند این نسل جوان کشورها بوده‌اند و هستند که تباهی‌ها را از میان برده‌اند و در دیگر کشورها نیز باید از میان ببرند و بجای آن حکومت حق و عدالت را جایگزین کنند.

بقیه در صفحه ۴

## برنامه سوم نیز باری از دوش ملت بر نخواهد داشت

از بدو مشروطیت تقویت و توسعه سریع اقتصاد ایران همیشه یکی از هدفهای مهم جنبش آزادیخواهی و اصلاح طلبی مردم این مملکت بوده است.

مقصود از ملی کردن نفت علاوه بر خلع ید از یک شرکت استعمارگر خارجی و کسب استقلال اقتصادی و سیاسی ایران این بود که عواید حاصله از صنعت نفت برای عمران و آبادی مملکت و ایجاد رفاه و آسایش برای مردم و بسط فنون و فرهنگ بمصرف برسد.

در نتیجه ملی شدن صنعت نفت بیش از یک مایارد دلار تا کنون عاید دولت ایران شده است و علاوه بر عواید جاری مملکتی دولتهای چند سال اخیر مبلغی بیش از یک میلیارد و نیم دیگر کمک و وام خارجی دریافت نموده و ذخایر ارزی کشور را نیز تماما بمصرف رسانده‌اند.

با وجود آنهمه درآمداضافی در طی چند ماه اخیر نخست وزیر و سخنگوی دولت و سرپرست سازمان برنامه و سایر مقامات مسئول از عان نموده‌اند که کشور در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است بطوریکه جز چپاول بی‌انصافانه و رکود اقتصادی و

بقیه در صفحه ۴

## اطلاعات و رنگهایش

از زمانی که شریانه‌های مردم ما وسیله انحصارات خارجی شروع بمکیدن شد، از زمانی که غارت کشور ما آغاز شد از زمانی که فرار سرنوشت ملت ما بدست سفرای خارجی و در روی میزهای وزارت خارجه کشورهای استعماری حل و فصل گردد از آن زمان تدارک شرایطی دیده میشود که در آن ادامه وضع بالا میسر باشد برای ایجاد این شرایط به مهره‌ها و وسایلی احتیاج بود که وسیله آنها به غارت‌های استعماری رنگ و شکلی قانونی دهند.

در زمره این مهره‌ها میتوان نام مسعودی و در ردیف آن وسائل، ابزار کارش یعنی اطلاعات را نام برد.

این موسسه و مدیر نوکر صفت آن از طرف محافل استعماری و سفارتخانه فخریمه مجاز بوده برای ادامه حیات نشکینش در هر روز و هر ساعت بزرگ زمان در آید تا از کزند حوادث محفوظ بماند و بخدمت - کزاری دیرینه ادامه دهد باین دلیل میبینید در دوره بیست ساله دیکتاتوری مداح دیکتاتور هاست ولی درست چند روز بعد از شهریور بیست طی مقاله از مقامات قضائی کشور طلب مجازات دیکتاتورها را میکند و برای حیغمیل شدن جواهرات اشک تمساح میریزد. بعد از حوادث شهریور مداح آزادی میشود هم از قرار داد کس - کلاشانیان دفاع میکند هم سنک ملی شدن نفت را بسینه میزند هم با قرارداد کنسرسیوم موافق است.

در ظرف کمتر از ۵ روز هم با کودتا مخالف است هم موافق. برای نمونه یعنی از مقاله این «روزی نامه» در تاریخ سه شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ که تحت عنوان «کودتا» نوشته شده توجه فرمائید « اقدام شب یکشنبه گذشته عده‌ای از افسران با ابتکای بقدرت نظامی که در اختیار داشتید گرچه مانند جنبی که در شمه خفه شود پنج ساعت پس از آغاز کار عقیم ماند و بلا اثر گردید و ملت بیدار ایران با تظاهرات خود مراتب انزجار و تنفر خویش را از این اقدام زشت و ناهنجار باندازه کافی اعلام داشتند...

اصولا کودتا برای چه؟ عملی که بخواهد برفع ملت و در جهت منافع مردم انجام گیرد که احتیاج با اقدام خلاف عادی ندارد پس آنها که کودتا میکنند و یا دیگران را بکودتا و امیدوارند عقیده باین ندارند که عمل و نظر آنها در جهت افکار عمومی و طبق تمایلات ملی است که چنین رای را پیش میگیرند چیزی که ثابت شده و منکر آن نمیتوان شد اینست که کودتا

بقیه در صفحه ۴

دکتر مصدق پیشوای زندانی ملت را آزاد کنید.

دستگاه حاکمه که سیاست خارجی خویش را بر پایه پیوستن بگروه بندی نظامی تسلیم بسی قید و شرط در برابر انحصارات خارجی ایجاد محیط مطمن برای کار کمپانی هاباز زمین بردن میانی اقتصاد ملی و فلج واحدهای تولید داخلی نهاده بود.

بحرانی که کربانگیر گروه سیاسی کار گزار بیگانه شده است از اینجانباشی میشود که:

**وابستگی های سیاسی و نظامی این گروه بعزت فشار نیروهای اصیل ملی و تحول تکنیک های نظامی و فشار افکار عمومی جهانیان ارزش خود را تا حد زیادی از دست داده است**

و نیز تزلزل دستگاه حاکمه که بدلائل متعدد انحصارات خارجی رادچار تشویش نموده و موجب سلب اعتماد قبلی بسرمایه هاومنابع ونیز بازار ایران شده است امیدها وآرزوهائی که به قول و قرارهای موکد «که فی المثل در قرار داد امینی پیچ دیده میشود» بسته بود ببادرفته است.

کسانی که پس از کودتا باشتاب بسیار بانجام انتخابات فرمایشی پرداختند تا بامجلس ساختگی صورت دموکراسی را حفظ کنند امروز پایگاه های ظاهرا قانونی خویش را از دست داده اند

و تصور تجدید چنان مجالسی حتی با اکثریت نسبی برایشان محال است مجالسیکه اقبال از پشت تربیون قوه باصطلاح نظارت ملی عربده میکشید «من بامر اعلیحضرت آمده ام ومیروم ومجری منویات ملوکانه ام» بشماوبرای شما هم احتیاج ندارم. قدرت هائی که زیر نظرشان فسادبالا گرفت و خزانه تهی شد امروز بروی مبارک نمی آورند که تائید زاهدی وعلماء واقبال وشریف امامی چنین نتایجی ببار آورده است وآنان همچنان سفیر کبیر سیارند وو زیر دربار صرف نظر از این هیات حاکمه امروز بدردی عظیم تردچار است دردیکه نقطه اوج بحران شمرده میشود و در هشت سال گذشته از آن اثری نبود

**هیئات حاکمه امروز در برابر خویش از قدرت متشکل مردم نیروی جانشین می بینند که استوار و تسلیم نا پذیر ایستاده است تا حکومت اراده ملی رامستقر سازد وبعمر قانون شکنی ها پایان دهد**

نیروئی که دارای تمام خصایص نهضت انقلابی اصیل است دارای گذشته درخشانی است و راه روشن آینده

**نیروی جانشینی جبهه ملی ایران است که دستگاه حاکمه تمام قدرت خویش را برای سرکوبی او تجهیز کرده و بمیدان کشیده است**

جبهه ملی بدلائل متعدد دارای خصیصه و قدرت جانشینی است زیرا:

هیچ سازمان سیاسی دیگری حتی بخود اجازه نمیدهد تا درصدد رقابت با آن برآید زیرا شکل یافته از نارضائی ها، خشم ها، عصیان ها، آزادی پرستی های همه ملت ایرانست زیرا آنها مرجع است که آید به طبقات این سرزمین برای بشمر رسیدن آرزوهایشان وابسته باوست

باز هم بخاطر اینستکه نشان داد که هیچ اقدام دمکراتیک بدون محاسبه و در نظر گرفتن این نیرو امکان پذیر نیست

دلیل فراوان عینی و عقلی دیگر برای اثبات جانشینی این یرو وجود دارد.

متینک بیست و هشت اردیبهشت جبهه ملی نشان داد در شرایطی که نه يك ورق روزنامه

آزاد و نه کوچکترین وسیله تبلیغ در دسترس جبهه بود بیش از حد اقل صد هزار نفر پاسخکوی دعوت میتنک شدند تظاهرات شورانگیز و پردامنه سیام تیرماه نمودار هواداری یکپارچه و اعتقاد عمیق ملت به نهضت ملی ورهبری آن یعنی جبهه ملی بود هنگامیکه تمام رهبران جبهه در زندان بودند و وقتی که زندان هوقت شهر بانی و قزل قلعه سازمان امنیت از دانشجو و کارگر و بازاری آکنده بود وسخنکوی دولت از پشت میکر فن رادیو دولتی نمره میزد «کلوله باران خواهیم کرد ، بگذار لیست شهدا طولانی تر شود.» وساعت ها در خیابان های شهر کامیون ها وجیب های حامل پلیس - سرباز - ژاندارم - دژبان - چتر باز برای ایجاد رعب وهراس رژه میرفتند و شهر قیافه منطقه ای اشغالی را پیدا کرده بود مردم بندگی آزاده کی جبهه پاسخ گفتند و سی تیر بر گزار شد تظاهراتی که میبایست ساعت ۵ بعد از ظهر ختم شود تا ساعت ۵ ر شب هم ادامه داشت .

این جمله نشان میدهد که نیروی محترصدستگاه حاکمه در برابر مشکلات فراوان بویژه مقاومت شگرف نیروی «آینده» و متحرک ملت یعنی جبهه ناچار است تن به بحران داده وشکل خود را از دست بدهد . دستپاچگی و بی شکلی دستگاه در چند ماه اخیر بوضوح قابل رویت است . ظاهر سازی استبداد با مجالس فرمایشی به قانون شکنی علنی و فرار از شکل ظاهری دمکراسی انجامیده است سعی آن هادر اینست که ببهای فدا کردن خانه زادانی چون اقبال و فرود و در آینده نزدیک امینی و اعوان و انشارش هسته اصلی فساد را حفظ کنند تا شاید هیات حاکمه در موقع مناسب بتواند تجدید قدرت کند .

در برابر این عقب نشینی موج مقاومت ملی بالا میگیرد رشد منطقی و دقیق سازمانی جبهه با استقبال عظیم همه طبقات ملت آنروز را نزدیک میکنند که نیروی بالقوه ملت ایران به نیروی بالفعل تبدیل شود .

**تشکل نیروهای اصیل ملی یعنی مرک اجتناب**

ناپذیر دستگاه حاکمه «موضع فعلی جبهه آنجاست که رهبری خردمند نهضت در گذشته فرار داشت و پیکار میکرد یعنی تعیین قطعی شکل حکومت و تصریح واعمال این اصل که حکومت حق ملت است نه دیگران هدف اینست ونیروها بدون فریب بسوی آن متوجهند صحنه کردانیها و خیمه شب بازی ها و حادثه آفرینی های عوامل بیگانه با شکست روبرو شده زیرا هیچکس هدف را کم نکرده و مردم مصرند که حکومت صورت قانونی و ملی خویش را باز یابد شعار جبهه ملی که استقرار حکومت قانونی است «حمله موثری است بر «نقطه» حساس دستگاه حاکمه در مقابل دستگاه حاکمه بر گهای نهایی خود در برابر زمین میزند آخرین ادعاهای میان تهی وسیله بلند گوهائی که بدروغزنی شهره اند پخش میشود

«لویجه» اصلاحات ارضی « پس از جنجال های رسواکننده ای چون مبارزه با بیسوادی علم شده است همانطور که پس از بیست سال «فروغ تدریجی» یا تعولی هستم اراضی سلطنتی از سه هزار ده، پانصد دهه باصطلاح خودشان تقسیم شد نقش آخرینشان نخواهد گرفت و کسی در داخل وخارج فریب نخواهد خورد .

اصولا هیچ دگرگونی اساسی اقتصادی واجتماعی بدون از میان برداشتن هیات حاکمه خود فروخته ایکه با دست دیگران و بخاطر حفظ و حراست منافع آنها روی کار آمده است امکان پذیر نیست . تجربه های هند - اندونزی - مصر پیش هاست بدیهی است آنها که از بر کزیده ترین وآگاهترین واحد فرهنگی یعنی دانشگاه میگریزند نمی توانند خواستار مبارزه با بیسوادی باشند آنها از آگاهی عمومی وحشت دارند زیرا آگاهی عمومی با اساس حکومت بجابرا نه مشتی گدای آستان دیگران مفاقات دارد بهر حال امروز برای انحراف اذهان از مسائل ابتدائی و اساسی مملکت کسانی ادعای اصلاح

تاریخ شماره قبل پیام دانشجو پنجشنبه ۲۱ دیماه بود که بدینوسیله تصحیح میشود.

اقتصادی رامی کنند ،

که در برابر چشمهایشان گروه گروه کارگران را در جنوب پیکار میکنند و حتی يك سوم پالایشگاه را هم بکار نمی اندازند و هر روز بر خیل عظیم پیکاران گرسنه افزوده میشود

چگونه ممکن است چنین دستگاه مختصری که از حفظ وضع موجود هم عاجز است. بتواند مساله عظیم دهقانی را حل کند.

ورود يك تراکتور بده یعنی خروج گروهی کارگزاردم. کجاست کارخانه ای که باید اضافه جمعیت ده را در خود جای دهد؟

**دکتر مصدق بما آموخت نخست باید بعمر استعمار وعه املش پایان داد سپس کار کار ساختمان داخل را آغاز کرد اینها که خود مایه دردند و پایه فساد چگونه میتوانند داروی درد و ریشه کن مفاسد باشند.**

آخرین نقش آنها نخواهد گرفت و نیروی جانشین همچنان اوج میگیرد و قدرت مییابد

جبهه بمیل نرولیست. گذشته جبهه راه آینده را روشن میسازد نگاهی ببرنامج حکومت ملی آشکار میکند که پیشوا ملت دکتر مصدق با اینکه تنها بمساله استعمار ولاجرم بشکل حکومت پرداخته بود و کوششهای وی مصدق این راه میشود که استعمار را در خارج و پایگاههایش را در داخل درهم کوبد پس از آغاز دوره دوم مبارزه نفت یعنی مقاومت طولانی در برابر محاصره اقتصادی دولت انگلیس (که میخواست در طول زمان مارا بتسلیم وادارد) مصدق برای نخستین بار بودجه بدون نفت (نه اقتصاد بدون نفت که دیگران جلسوه میدهند) را ارائه داد. و در دنبال آن بار اصلاحاتی برای مقاومت ضروری بود. آغاز کرد:

مصدق اصلاحات نمونه را باتو بفشارهای خارجی و تحریکات داخلی دشمن آغاز کرد با اینهمه او بود که بیمه های اجتماعی را پایه گذاری کرد. صنایع داخلی را رونق بخشید. صادرات ما را افزونتر از وزارت ساخت شورای دهات ایجاد کرد. فساد را در موسسات دولتی بمیزان حیرت انگیزی کاهش داد. و اولین پایه اصلاح ارضی داخلی را با قانون بیست درصد حق دهقانان پی ریزی کرد

در سیاست خارجی دکتر مصدق بود که برای نخستین بار سیاست موازنه منفی را در جهان پیش کشید و با استیفای منافع و حقوق ملی مادر دوران حکومتش، بدنبال تزدیرین خود، سیاست عدم مقرر و آچنین گذشته درخشانی نمی تواند نشان دهنده آن باشد که در آئینه ما نیز تنها جبهه ملی است که می تواند بر آورنده نیازهای ملی گردد.

هیئت حاکمه در واپسین ساعات حیات خود مدعی است که «چیزی» را بنام وعنوان «فتوواتیر» برای حفظ حکومت جابرا نه هشت سال گذشته اش قربانی خواهد ساخت اما اگر ممکن است بجای نهر و نایب السلطنه انگلیسی بهند باز گردد اگر ممکن فاروق باردیگر قدم بمصر بگذارد اگر نوری سعید از گور خویش برخاست و صدر اعظم عراق شلم ممکن است با این بازی های کود کانه هیات حاکمه موفق شود چرخ های تاریخ را بعقب برگرداند و حکومت سیاه هشت ساله اش را ادامه دهد.

توضیح نوشته های بنام قانون یعنی سرباز زدن از قبول نظارت عموم ملت در کارها یعنی حکومت فردی و همیشه قدرت های جهانی امکان اینکه بريك نفر چیره شوند داشته اند و دارند چنانکه چیره شده اند و چیره هستند.



## بقیه اصلاحات ارضی

همه امتیازات ناروا و سیادت و فرمانروائی مالکان ناشی از مالکیت زمین و دهقان و خانواده اوست.

وقتی مالکیت زمین و دهقان را از مالکان بزرگ بگیرند همه امتیازات و خصوصیات زندگی اربابی را از او سلب کرده اند.

هر اندازه مالکیت محدود شود بهمان میزان دایره نفوذ و قدرت و حاکمیت آنها تنگ تر میگردد.

آقای دکتر امینی شما و وزیر کشاورز تیان با همه هوشیاری و تجارب تلخی که از تاریخ دارید و بهمین منظور بارها با فریاد طبقه خود را از خطری که بیخ گوشان است آگاه کرده اید بدانید شما قادر نیستید بر علیه منافع و امتیازات طبقه خود قدمی بردارید و روزی که قنودالها و مالکان بزرگ احساس کنند که در لابلای دروغهای شما کمترین صدقاتی یافت نمیشود آن روز است که بحرف وزیر کشاورز تان که (فصد و غرض ما ازیت و آزار مالکان نیست) گوش نمیکند و قبل از خیال ایجاد مزاحمت بدولتتان خاتمه میدهند.

دهقانان رنج دیده و زحمتکش ایران نیز بخوبی واقفند که دولت شما اگر برنج مداوم آنان کمکی نکند مشکلاتی از کارشان نخواهد گذشت.

مادر باره مساله ارضی و اصل لایحه اصلاحات ارضی ارسنجانی - امینی - صحبت خواهیم کرد ولی اکنون فقط دروغها و تناقضات و پیاوه های ارسنجانی در سخنرانی ۲۰ دی نشان میدهم آقای ارسنجانی طی بیانات مشروح رادیویی ۲۰ دی گفت (طبق آمار که بدست آورده ایم ۵۰ هزار قریه در ایران وجود دارد که ۱۵ هزار قریه آن در اختیار خود، مالک است چهار هزار قریه از املاک سلطنتی و خلاصه است شش هزار قریه متعلق بموقوفات است و هفت هزار قریه با افرادی تعلق دارد که از یک تا پنج قریه دارند و نیز ده هزار قریه با افرادی تعلق دارد که از پنج قریه بیالادارند)

میگوید ۵۰ هزار قریه در ایران هست و نوع مالکیت آنها را هم تعیین میکنند ولی با آماریکه خود ارسنجانی داده است و تقسیم بندی نوع مالکیت ۸ هزار قریه اختلاف است و رسماً ۸ هزار قریه یکمرتبه سر نوشتشان معلوم نیست چطور؟

۱۵۰۰۰ قریه خرده مالک
۴۰۰۰ > املاک سلطنتی و خاصه
۶۰۰۰ < موقوفات
۲۰۰۰ < کسانی که ۱ تا ۵ قریه دارند
۱۰۰۰۰ < کسانی که از ۵ قریه بیالادارند
۴۲۰۰۰ < جمع

آقای ارسنجانی ادامه میدهد: (چون ما واحد را بر مبنای یک ده گرفتیم کسانی که زیاده از یک ده شدند داشته باشند املاکشان مشمول قانون جدید خواهد شد)

طبق آمار بالا
۷۰۰۰ قریه کسانی که ۱ تا ۵ قریه دارند
۱۵۰۰۰ قریه کسانی که از ۶ قریه بیالادارند
۱۷۰۰۰ قریه جمع

۱۷۰۰۰ قریه طبق آمار ارسنجانی مشمول قانون یک ده شدند کی میشود اگر ۸۰۰۰ قریه کم شده و ۴۰۰۰ قریه املاک سلطنتی و خلاصه و ۶۰۰۰ قریه موقوفات را بحساب نیاوریم ولی ارسنجانی چه میگوید (بموجب محاسباتی که کردیم عجالتاً در تمام ایران در حدود ۱۰۰۰۰ قریه مشمول این قانون میشود)

در باره موقوفات میگوید (راجع بموقوفات تمام قانون تکلیف را معین کرده است و در نحوه معامله با زارع مداخله میکنیم و در موقوفات خاص هم مثل قانون قدیم رفتار خواهیم کرد) کسانی که منافع زمینهای اوقاف را غارت میکنند دارای نفوذ و قدرت و حاکمیت عظیمی هستند و به مراتب فشارشان بر دهقانان از مالیکن بیشتر و تکران فرسایند است همه امتیازات و منافع که مالکان بزرگ از مالکیت بر زمین و دهقان و خانوفدهایش میبرند سرپرستان اوقاف بعلت اجاره داری

## کمیته جنبه ملی فارس

هفته گذشته اعضا کمیته موقت جنبه ملی در فارس تعیین و ابلاغ آن صادر شد باین ترتیب تشکیلات فارس که در چند ماه اخیر بصورت کمیته طرفداران جنبه ملی فعالیت میکردند رسمی گردید. انتظار می رود این تشکیلات همگام سایر واحدهای جنبه ملی بموقفیت های درخشان نائل آید

### کمیته لندن و فرانکفورت

اعضاء کمیته جنبه در فرانکفورت در لندن رسماً تعیین و ابلاغ آنها جهت ایجاد تشکیلات جنبه ملی و متشکل کردن ایرانیان مقیم فرانکفورت لندن صادر گردید.

مزایای دیگری برای خود کسب کرده اند وزیر کشاورزی در قسمت دیگر صحبت خود میگوید (اصلاحاتی که ما بعمل آوریم هم بنفع مالک است هم بنفع زارع) تنها سخن راست حیلله گرانه ارسنجانی همین جمله است ولی چگونه. بهینیم چه بنفع مالک است و چه بنفع زارع و منظور ارسنجانی - امینی از لایحه اصلاحات ارضی چیست از نظر ارسنجانی - امینی کار روز حمت بیشتر بنفع زارع - منافع و مزایای آن بنفع مالک زیرا بگفته ارسنجانی (باید یک سلسله اصلاحات از نظر تولید در مملکت شروع شود) و (عواید عمومی مملکت بالا رود) پس منظور از اصلاحات ارضی را هم فهمیدیم

در مورد خریداری املاک ارسنجانی میگوید (کسانی که زیاده از یک ده شدند داشته باشند املاکشان مشمول قانون جدید خواهد شد) و (البته مالکین خوره مراغه اولین مالکینی هستند که بموجب این قانون املاکشان خریداری میشود)

بدینوسیله ارسنجانی بمالکان هوشیار باش میدهد که حساب کار دستتان باشد در این قسمت چند مطلب مورد نظر است.

۱ - تقسیم روستاها بین فرزندان و خویشان و معاملات ساختگی و حیلله گرانه بر روی دهاتی که تا چندی قبل مورد پیشگرمی مالکان واقع شده است.

۲ - تفاوت مساحت آبادانی، امکانات کشاورزی امین ده باد.

۳ - اختیار و برگزیدن بهترین و بزرگترین و آبادترین دهات از طرف مالکین آقای ارسنجانی و کابینه امینی یا از بحران اقتصادی ایران و خزینه خالی و قروض کم رشکن که مدت ها است زمان پرداختش گذشته است بی خبرند یا بفکر گول زدن و سرگرم کردن دهقانان و مردم هستند اصلاحات ارضی امینی ارسنجانی سرگرمی تازه ای برای دهقانان و کمک بزرگی برای مالکان است زیرا مالکان بدینوسیله دهات مخروب و بایر را با قیمت های بسیار گزاف بدولت می فروشند و دولت مستقیماً بدهقانان

اما آقای ارسنجانی در باره روستا و دهقانان سخت در بی خبری است والا تا این حدود دروغهای شاخدار تحویل دهقانان و مردم نمیداد.

آقای ارسنجانی زارعی که محصول ۳ تا ۵ سال بعد و با بار باخ و و پیشه و دهوشهر پیش فروش کرده است و در هفت آسمان یک ستاره هم ندارد چطور میتواند زمین خدا دادی و کار گذشته ای را باز خرید کند. آقای ارسنجانی در جای دیگر گفت (ما از قانون جدید زیاده روی نکردیم زیرا نخواستیم اساس مالکیت را از بین ببریم)

آقای ارسنجانی و شما آقای دکتر امینی ما بنمایندگی از طرف دهقانان اسیر و رنج دیده ایران از شما میخواهیم که مالکیت را از بین نبرید فقط شما مالکیت دهقانان را مستقر کنید.

بگذارید بر حاصل کار و زحمت خود مالک باشیم، بر زمینی که کشت میکنیم، بر فغانی که آبیاری کرده ایم، بر آبی که از کوهها بزمینها هدایت میشود بر بلندی که کشت شده است بر کاو و گوسفند و اسب و مرغی که با خون جگر پرورش داده ایم بر زن و فرزندانمان و آنچه ده و زندگی ما را تشکیل میدهند و ....

## بقیه برنامه سوم

افزایش سرسام آور قیمتها و پیدایش بیکاری و ازدیاد اختلافات طبقاتی و فشار طاقت فرسا با صنایع پیشه وران و بازرگانان و کشاورزان و کارگران و مستخدمین دولت نتیجه دیگری عاید مردم فقیر این سامان نگردیده است.

اعتراف دولتهای غیر ملی با اشتباهات و ناپاکیها و بی کفایتی های خود کاملاً روشن نموده مادامیکه دولتی ملی و صالح و مورد اعتماد و حمایت مردم مصدر امور نگردد برنامه های اقتصادی کشور از دستبرد اشخاص ناپاک و نالایق در امان نخواهد بود و برنامه سوم نیز مانند برنامه دوم کاری از پیش نخواهد برد.

تنظیم و اجرای موفقیت آمیز یک برنامه جامع ملی مستلزم بسیج تمام نیروهای انسانی و طبیعی و مالی کشور میباشد و اینکار بدون همکاری و مساعدت ملت هرگز انجام پذیر نخواهد بود. برای اینکه مردم با طیب خاطر در راه اجرای برنامه های عمرانی از خود گذشتهگی نشان دهند و بار سنگین این برنامه ها را بدوش بگیرند لازم است که اولاً با انتخابات آزاد حکومتی ملی روی کار بیاید تا تقاضاها و دستورات آنرا مردم بمنزله خواسته های خود تلقی و بمورد اجرا گذارند و ثانیاً اطمینان حاصل نمایند که برخلاف گذشته منافع و عواید اینگونه برنامه ها فقط عاید عده ای از سرکردگان هیئت حاکمه و اغیار نشده و در توزیع درآمدها عدالت رعایت خواهد شد.

برنامه سوم نه فقط خوب تنظیم نشده و برای رفاه حال قاطبه مردم بخصوص طبقات کم درآمد قدم موثری پیشنهاد نمینماید بهر حال بر اثر عدم کفایت و لیاقت دستگاههای دولتی اجرای آن هم مورد تردید است و از نظر مالی نیز برنامه سوم بیش از سی درصد کسر اعتبار دارد. چون دولت قادر نیست که از هزینه های تجملی و غیر ضروری خود بکاهد و از کسانی که در دوره برنامه عمرانی دوم ثروتهای هنگفت اندوخته اند مالیات بیشتری وصول کند دولت قصد دارد که وامهای سنگین دیگری از خارج اخذ نماید لکن وام دهندگان خارجی که مانند مردم ایران به ناپاکی و عدم کفایت هیئت حاکمه کاملاً پی برده اند در نظر دارند برای جلوگیری از حیف و میل اصل و فرع سرمایه خود هیئت قیمومیتی بنام کنسر سیوم وام دهندگان برای دولت «مهمجور» ایران تشکیل دهند.

هیئت حاکمه که با گرفتن وامهای خارجی قصد دارد کما فی السابق هزینه های غیر عمرانی و بیهوده خود را افزایش دهد حاضر شده است که نظارت در اجرای برنامه های اقتصادی کشور را تحت قیمومیت این کنسر سیوم قرار دهد و این کشور استعمار زده را بیش از پیش در اختیار مستعمره چینیان قرار دهد. ملت ایران نه چنین کنسر سیوم قیمومیتی را برسمیت میشناسند و نه برای دنبال کردن برنامه های غیر تولیدی جاه طلبانه حاضر است زیر بار قرض های کم رشکن خارجی برود. بکلیه افراد وطن پرست بخصوص جوانان تحصیل کرده ای که در تهیه و اجرای برنامه های عمرانی سهمیم هستند باید گوشزد نمود که با بیداری کامل نگذارند هیئت حاکمه فاسد آنانرا آلت قرار داده و نیات غیر ملی خود را بمردم ایران تحمیل کنند.

اجرای برنامه سوم بدون اخذ وامهای خارجی کاملاً امکان پذیر است بشرطیکه دولت مالیاتهای بیشتر از اغنیاء وصول کند و از هزینه های غیر عمرانی و غیر ضروری خود بخصوص از هزینه های هنگفتیکه صرف امحای مبانی مقدس مشروطیت و آزادی و آزار و سرکوبی مردم و آزادیخواهان کشور میشود بکاهد.

دانشجویان دانشگاه تهران باین مساله دقیق بخوبی توجه دارند که اندیشه آنان میتواند مبتکر طرحهای نو و باارزشی باشد و نیروی آنان میتواند با عظمت مبارزه را بدوش گیرد اما نباید و نمیتواند برای همیشه این بار را بدوش داشته باشند و آنرا بپنهائی بمقصد برساند نباید نسل جوان ایران نسل پیشاهنگ نسل انقلابی ایران در مفهوم دانشجویان خلاصه شود دوستان دانشجویی ما ازین پس باید بیش از پیش ببطبقات دیگر اجتماع بدوستان جوان خویش که در صفوف و طبقات دیگر اجتماعند نزدیک شوند و با کمک یکدیگر صفی نیرومندتر برای پیکار علیه دشمن بیاریند .

جوانان این کشور اعم از کارمندان شریف و بازاریبان وطن پرست و کارگران غیرتمند و کشاورزان زحمتکش و محروم ایرانی همه و همه باید بصفوف مبارزه به پیوندند از این پس تا هنگامی که دشمن بزانوندر آید آماده پیکار باشند .

کشور ما در زمان حاضر لحظات حساس و بحرانی را طی می کند .

قانون اساسی بطور آشکار زیر پا نهاده شده است قوه مجریه دست باعمال غیر قانونی زده است . قانونگزاری می کند و از تکالیف اصلی و اساسی خویش سر باز می زند و آشکارا ملت خواست ویرا بمسخره میکرد بی شرمی را بجائی رسانده است که میکوید حتی مجلس خوب و قانونی نیز با اصلاحات مخالف خواهد بود و ما که خواهان اصلاحات هستیم از تشکیل مجلس خوب جلوگیری خواهیم کرد .

این اقدامات برخلاف قانون و نقض بی شرمانه حقوق ملت ایران از یکسو و انقلابی نمائی و اصلاحات حرفی و دموکراسی ارشادی و مبارزه با فساد شقای از سوی دیگر کشور ما را باستان سقوط کشانده است .

مردم ما در درجه اول خواهان آزادی هستند تا بتوانند نظرات خود را عرضه کنند و برای خود تصمیم بگیرند .

ملت ایران با ادعای اصلاحات نمیتواند دل خوش کند بازاریبان شرافتمند سالهاست گرفتار نتیجه سوءسیاستهای غلط اقتصادی هستند غارتگریهای هیات حاکمه فاسد آنها را بستوه آورده است کارگران این کشور هر روز مورد حمله کار فرمایان دولتی و غیردولتی قرار میکیرند و برخلاف مقررات حتی همین مقررات ناقص از کار برکنار میشوند و از کارخانه اخراج میکردند دست بزرگ از کارگران بعلت بحرانهای اقتصادی بی درپی بیکارید کشاورزان در سلطه سیستم ارباب و رعیتی قرون وسطی و فئودالیسم آخرین رمق خود را از دست میدهند اکنون درین اوضاع و احوال انقلابی نمائی و اصلاحات شفاهی دوباره دست اندکار شده است اما مردم شرافتمند و هوشیار ایران کول این لفاظیها را نخواهند خورد . تنها بازگرداندن حقوق ملت بملت و استقرار حکومت قانونی راه چاره و درمان دردهاست جبهه ملی ایران مصمم است .

باهیات حاکمه ای که نمیخواهد در این راه قدم بردارد بجد مبارزه کند و درین مبارزه به نیروی تمام طبقات زحمتکش ایران نیاز دارد بفرمان جبهه ملی ایران دانشجویان دانشگاه مطالعه آری این پیکار را قبول کرده اند و از همه طبقات زحمتکش و غیرتمند دعوت می کنند که بفرمان جبهه ملی ایران گوش فرادهند . پاسخ بنیادی جبهه ملی پاسخ بآرمان بزرگی است که ملت ایران مصمم است آنرا بمرحله عمل در آورد . استقرار قانون و حکومت مردم بر مردم .

در هر جا انجام گرفته نتیجه و نفعش در درجه اول نصیب اجانب شده ... آنها که فکر خام کودتا را بمغز کوچک خود راه داده اند قطعاً بوجود این نبرد (غرض نیروی ملت است) توجه نداشته اند شکست آنها هم همین است که غافلند از اینکه با يك ملت بیدار دل دیگر نمیتوان چنین نقشهائی بازی کرد و اگر هم دست بآن بزنند جز شکست و ناکامی نتیجه دیگری نخواهند برد . الاخر

جمعی بعد البته نه در فاصله یکسال بلکه کمتر از سه روز «عدالت و امنیت» در تاریخ ۱۲ شهریور ۳۲ طی سرمقاله تحت عنوان از امنیت و عدالت دوات غیر کودتائی !! زاهدی چنین میکوید .

دولت سپهبد زاهدی بموضوع بسیار مهمی توجه نموده این دولت با اجرای برنامه خویش یعنی استقرار امنیت و عدالت در سراسر کشور که از روز آغاز زمامداری باین دو قسمت تکیه نموده و با عشق و علاقه در این راه کار میکند بخوبی میتواند سرچشمه فقر و پریشانی را بگیرد یعنی راه را برای کار و فعالیت افراد در محیط هموداد باز نماید متعددی و ظالم را مطیع نانوان سازد متخلفین از قانون غرض د کتر مصدق ملی کننده صنعت نفت است (و کردن کشان و زورگویان را بحکم قانون) البته قانون کودتائی که آقای مسعودی بآن خیلی دشمن بود ( سرکوب نماید . امیدواری ما اینست که دولت تیمسار زاهدی در اجرای برنامه درخشان خود موفق ( البته موفق گشت !!)

امیدواریم خوانندگان محترم بدقت بمطالب بالا توجه کرده باشند و این بسته بعیل آنهاست که بخندند و یا متاثر شوند

برای شناسائی آقای مسعودی محترم باز هم صفحات ابزار کار ایشان را بقول رادیوی دولتی ورق میزنیم . در جریان عقد قرارداد ننکین و خائنه کنسرسیوم در حالیکه ملت ایران امکان هیچ گونه اظهار نظری نداشت در حالیکه سایه سیاه دیکتاتوری بر همه جا گسترده شده بود در چنین شرایطی برای اینکه بقرارداد رنگ قانونی دهند ایشان داوطلب شده بفریاد در آمدند بر نوشتند هیچ سانسوری بر مطبوعات وجود ندارد و همه گفتها در باب سانسور کذب محض است و مردم و مطبوعات درباره قرار داد امینی هیچ اصولاً نظری ندارند تا مطبوعات برای عدم انتشار آن نظریات تحت فشار باشند . ولی همین آقا بعد از روی کار آمدن امینی یعنی چندی قبل نوشت بعد از ۸ سال سانسور مطبوعات از میان رفت و لابد اکنون هم مدعی هستند سانسوری وجود ندارد

و باز یکی دیگر از شاهکارهای ایشان . در تظاهرات دلیرانه سال قبل دانشجویان بود که باشد در آغاز کار دلت بحال دانشجویانی که میخواهند درس بخوانند سوخت و از دولت خواست که دانشجویان اخلاک را که البته طبق اظهار ایشان بسیار اندک بودند و از شمار انگشت تجاوز نمیکردند از دانشگاه اخراج کنند ولی چند روز بعد که ایشان چشمان را باز کردند و یکپارچگی دانشگاه را دیدند حق را بجانب دانشجویان دادند . آنقدر مهربان شدند که تصمیم گرفتند برای آنها «کرسی» بسازند .

از همه اینها که بگذریم اصلاً مانمی فهمیم در شرایطی که بردن نام جبهه ملی گناه محض است و هیچ روزنامه ای حق بردن این نام را ندارد چگونه روی کرسی ایشان این مسائل خطرناک مطرح میشود . ایشان میتوانند باین سؤال پاسخ گویند : و بهتر است بفرمایند بآن دلیل که جبهه ملی یعنی قدرتمندترین سازمان سیاسی اجتماعی کشور سازمانی که بصداي آن بیش از چند هزار نفر در تهران پاسخ میکویند حق داشتن حتی يك بولتن ندارد و مسعودی میتواند درها روزنامه اطلاعات ظهرانه اطلاعات صبحانه اطلاعات

آنچه در زیر می بینید القاب و عناوینی است که روزنامه های بسیار آزاد کشور مشروطه ایران در طول روزهای دراز طی عبارات یکنواخت و حتی مکرر در مکرر یکسان و رونویس شده برای دانشجویان دانشگاه تهران شمرده اند .

و تا روزیکه سازمان غیر قانونی امنیت تصمیم بقطع آن نگرفت جرئت کم کردن يك سطر که هیچ يك کلمه اش را ننمودند .

این القاب دانشجویان کشور است که در آن گروهی با بوق و کرنا و کارناوال ادعا مبارزه با بیسوادی میکنند !

القاب در بیست و چهار نوع و هر يك بطور متوسط ۱۸ بار مورد استفاد قرار گرفته است .

وطن فروش - خائن بکشور - بدخواه مفسد - جاسوس صفت - مفسده طلب - فاسد - آشوب طلب - ماجراجو - آلت اجرای مقاصد شوم بیگانه پرستان - هوچی - دیوسرشت - گرسخت جنایتکار نادرست - نادرست مارک دار - بیوطن - ناجوانمرد اوباش - بی پرستیپ - بدخواه - اخلاک گر - نا بخرد شیطان صفت .

از آغاز کار درج فحشنامه ها بعنوان درخواست طبقات مختلف مردم « ما بعیان دست خون آلود هیات حاکمه و مامورین سازمان غیر قانونی امنیت را از آستین امضاها جلعی می دیدیم .

خوبست کسانی که چنین دشنامها می دهند دانشجویان گفته اند لختی بیاندیشند و منصفانه پاسخ گویند که کدام يك از اینها درباره خودشان صدق نمی کند ؟

آقای امینی شما تصور میکنید که اگر خود را پشت سنک مقام سلطنت که قانون اساسی آنرا غیر مسئول شناخته است قرار دهید و قانون شکنی های خود را مستند باظهارات یا فرمان اعلیحضرت بنمائید از مسئولیت و عواقب تعطیل مشروطیت معاف خواهید بود غافل از آنکه اصل ۶۴ متمم قانون اساسی تکلیف چنین مواردی را بوضوح معین کرده است و حتی باصراحت بشما یادآور میشویم که مسئول بیانات اعلیحضرت همایونی در سازمان برنامه باینکه وزیر دارائی بموجب فرمان قوانین مالیاتی وضع کند شما وزیران شما هستید .

قسمتی از اعلامیه هیات اجرائی جبهه ملی ایران ۲۲ دیماه ۱۳۴۰ <

بقیه جبهه ملی ایران

و اینگونه قانون نویسی معنائی غیر از این ندارد ندارد دیگران حکومت میکنند و مثنی عامل بازیگر صحنه اند . تروهای ملی را هر چه بیشتر بسج کنیم و اجازه ندهیم حیات «مختصرانه» «دیگر ساختگان» که کور خود را با اعمال خلاف قانون خوش کشیده اند بدرازا انجامد . تبردی جانشین آماده جانیشینی است و خواست جز این نیست که نمایندگانانش حکومت کنندنه دشمنانش

شبانه و ... داشته باشد اما برخلاف نظر آقای مسعودی تحریم اطلاعات جنبه شخصی و سطحی نداشت . تحریم اطلاعات سابقه ای بس طولانی دارد شهید راه آزادی دکتر حسین فاطمی اولین کسی بود که در این راه قدم گذاشت و مساهبت موسسه اطلاعات و گردانندگان آنرا برای ملت فاش کرد .

جبهه ملی هم بدلائلی منطقی که با خواست ملت ایران منطبق بوده و هست اطلاعات را تحریم نموده و آنرا همچنان ادامه میدهد :

# ۲۰ دی گرامی باد

در نبرد نهضت ملی ایران هر يك از واحدهای اجتماعی جای خاص خود دارند نیروی دانش آموزی از ارزنده ترین واحدهای این نبرد مقدس است. دانش آموز با قدرت احساس و ایمان شگرف خویش در سیاهترین روزهای پس از کودتا این ارزندگی را با ثبات رسانیده است. ۲۰ دی ۱۳۲۸ یکی از این روزهاست. در آن سیاهی و در آن خاموشی مرگبار ۲۰ دی صاعقه ای بود و دشان، تاریکی برای يك لحظه از بین رفت و انسانها در پرتو آن دیدند که هنوز زندگی هست هنوز پشت دیوارهای سنگی، در قعر سیاه چال زندان و در مسیر جاده گسترده آینده دلبران گمنامی هستند که پای می فشردند و آرزوی آزادی را بر حله عمل می کشانند. ۲۰ دی مظهر اتحاد ناگسستی نسلی است از ملتی عصیان زده نیروی دانش آموز يك نیروی گداخته و فعال است. می تواند سازنده و آفریننده باشد و هست در صفوت متحد جبهه ملی ایران، در سنگر نهضت و نجات بخش ملت رودر روی هر دشمنی خواه چکمه پوش های نیزه بدست و خواه خواجه صفت های سر سپرده خواهد ایستاد و قهرمانانه خواهد جنگید.

## دانش آموز: رزم تو پیروز و آرمان تو بر آورده باد

از کتاب «نکاهی بتاريخ جهان» اثر نهری

### «انقلاب زنده باد»

... امروز موقعی که خواستم نامه ام را برای آواز کنم صداهای ضعیف و مبهمی که به غرش يك رعد دور دست شبیه بود بگوشم رسید. ابتدا نمیتوانستم بفهمم که این صداها چیست. اما طنین آنها برایم آشنا بود و انکار انمکاس آنها را در قلب خود میشنیدم. بتدریج این صداها نزدیک و نزدیکتر میشد و بر قدرتش افزوده میگشت. بزودی دیگر برایم تردید نمانده بود که آن صداها چیست.

مردمی فریاد میکشیدند: «انقلاب زنده باد». زندان از این فریادهای مبارزه جویانه بتکان می آمد و دلپای ما از شنیدن آن شادمان شده بود. نمیدانستم چه کسانی بودند که این فریاد جنگی و شعار مبارزه ما را باین نزدیکی در خارج زندان فریاد میکشیدند آیا آنها زن بودند یا مرد؟ اهالی شهر بودند یا دهقانان روستاها؟ همچنین نمیدانستم که امروز به چه مناسبت چنین تظاهراتی صورت گرفت اما آنها هر کس که بودند ما را شادمان ساختند و ما به سلام آنها پاسخ خاموشی فرستادیم که با آرزوهای نیک و امید پیروزی مان همراه بود.

چرا ما باید فریاد بکشیم که «انقلاب زنده باد» چرا ما باید خواستار انقلاب و تغییر باشیم؟ مسلما هند امروز خواهان يك تغییر بزرگ است. اما حتی پس از آنکه تغییر بزرگی که ما خواهان آن هستیم فرا رسد و هند آزاد شود ما باز هم نمیتوانیم ساکت و آرام بمانیم. بقیه در صفحه ۴

### بلندگوی استعمار اطلاعات

استعمار همچنان در تکاپو است، و تصور میکند که می تواند جوانان ما را از راه پرافتخاری که در پیش گرفته اند منحرف نماید. ورق پارم اطلاعات و کرسی باصلاح آزاد آن در این میان نقش اساسی را بعهده دارند. و معلوم نیست با سانسور شدید مطبوعات که حق درج کلمه ای را جع به جبهه ملی را ندارند چگونه يك روزنامه عسر میتواند همه چیز را بمیل خود بنویسد. آیا جز سازمان امنیت و استعمار پشتیبانی دارد؟ و مطالبش جز دلخواه آنان میتواند باشد.

نسل جوان ما با تحریم روزنامه ننگین اطلاعات و متعلقات آن مشت محکمی بدهان عوامل استعمار در کشور ما میزند.

## دو فرمان و...

پس از آنکه افتضاحاتی که بنام انتخابات انجام شده بود کوس رسوائیش بر سر هر کوی و بامی زده شده و هیئت حاکمه مجبور شده به عمر چنین مجلس ننگینی پایان دهد ملت انتظار داشت که در متن فرمان تاریخ انتخابات جدید نیز درج شده باشد زیرا همان اصلی که باستناد آن مجلس منحل می شد لزوم درج تاریخ قطعی انتخابات بعدی را یاد آوری میکرد ولی در این فرمان تاریخ شروع انتخابات بعدی ذکر نشد و فقط آن بقیه در صفحه ۴

## کنگره بین المللی دانشجویان در پاریس - تلگراف کمیته دانشگاه

### استعمار

مفهوم جدید استعمار حفظ فاصله میان کشورهای استعمار زده و استعمار گراست. انحصارات جهانی کوشش میکنند ملل مستعمره را به شکل در بند نگاهدارند و بمصرف کنندگان دائمی کالایشان بدل سازند. استعمار میخواهد مردم کشورهای مستعمره پیشرفشان در حدی باشد که فاصله ابدی آنها با سرزمین های سرمایه داری محفوظ بماند و بصورت «خریداران خوب» زانده اقتصاد توفیقی و پیشرو آنان باشند.

با بیای ترقی فنی و صنعتی آنان امکانات مصرفی اینها تنزافز و ترشود فی المثل خریداران رادیو با تولید فراوان تلویزیون باید قادر و راغب بخرید آن شوند.

«کشورهای توسعه نیافته» مصرف کنندگان ابدی سازندگان کالاهای گوناگونی هستند که در سرزمینهای «پیشرفته» ساخته میشود.

برنامه های چند ساله «عمرانی» نقشه های گوناگون - کودتاها - حکومت های بظاهر اصلاح طلب همه برای این بوجود می آیند که فاصله میان «ممالک عقب مانده» و «پیشرفته» پرنشود. پیشرفت صنایع کلید «میوه ممنوعه» برای مردم سرزمین های «کم توسعه یافته است» اینست مفهوم جدید استعمار: فاصله درشکه و اتومبیل - اتومبیل و جت و موشک و گاه گاه درشکه و موشک.

«برنامه عمرانی» و «نولیدی»؟! باردیکروسوداگران سرشناس بتنظیم نقشه های بقیه در صفحه ۲

# نشریه پیام دانشجویان ارگان کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی ایران

پنجشنبه ۲۸ دی ماه ۱۳۴۰ قیمت ۲۵۰

### نهضت و نقش دشمن

ایدن در کتاب خاطرش مدهی است تنها شبی را که آورده خفته شبی بوده که خانه مصدق از شلیک توپهای کودتاچیان این وابستگان استانهای استعماری غرق در آتش بوده، ایدن حق داشت زیرا بخوبی واقف بود که بدون درهم شکستن نهضت ملی ایران و در بند کشیدن مظهر بحق آن دکتر مصدق غارت و چپاول منابع ملی ایران ممکن نیست بنابراین این مسله که چگونه میشود نهضت را درهم شکست برای انکلاستان مطرح میشود. بدون شك همانطور که در ادوار مختلف اشکال مبارزه برای مبارزین راه آزادی و دشمنان استعمار دستخوش دگرگونی و تطور میشود و متناسب با زمان رنگ و شکل تازه میپذیرد همانطور که روش مبارزه منفی ملت هند در دورانهای گذشته تبدیل بمبارزه مسلحانه علیه استعمار گشته است به همین گونه استعمار هم برای درهم کوبیدن نهضتها بقیه در صفحه ۲

کنگره بین المللی دانشجویان که نماینده ۱۸ میلیون دانشجوی در کشورهای مختلف امریکا، اروپا، آسیا و امریکا است از ۲ تا ۵ ژانویه ۱۹۶۲ در شهر پاریس تشکیل جلسه داد.

از طرف سازمان دانشجویان ایرانی مقیم امریکا وابسته بجبهه ملی آقایان فاطمی و اردلان و از طرف کنفرانس بین المللی دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای اروپا وابسته بجبهه ملی نمایندگان با آنجا معرفی شدند و از آنجا که بعلمت عدم آزادی اعزام نماینده های از طرف دانشجویان دانشگاه تهران بکنگره فوق ممکن نبود کمیته دانشگاه به نمایندگان سازمان دانشجویان ایرانی مقیم امریکا و نیز اروپا نمایندگی داد تا از طرف دانشجویان دانشگاه تهران اقدام لازم بعمل آورده و نظریات این سازمان را در کنگره بین المللی بقیه در صفحه ۲

### اخبار

## وزیر خود فروخته فرهنگ دانش آموزان را اخراج میکنند

در این هفته سازمان جوانان جبهه ملی ایران با انتشار اعلامیه مستدلی فاش ساخت که گروهی از دانش آموزان آزاده دارالفنون وسیله متصدیان غیر قانونی و نو کرسفت وزارت فرهنگ از دبیرستان اخراج و از تحصیل محروم شده اند.

وزارت فرهنگ دیرزمانیست میکوشد تاجنیش فرهنگیان را نابود سازد و بیبانه های گوناگون دبیران بقیه در صفحه ۳

رامنوط به اصلاح قانون انتخابات کرد و حال آنکه صادر کنندگان فرمان در همان موقع خوب می دانستند که هیچ کجای قانون اجازه چنین کاری را به هیچکس نداده است.

ملتی که انتظار داشت پس از انحلال مجلس بایک انتخابات آزاد و قانونی نمایندگان خویش را رای مجلس بفرستد. ملتی که انتظار داشت با فرستادن نمایندگان حقیقی خود حکومتی ناشی از اراده خود را بوجود آورد و آنچه را که قانون حقوق طبیعی و اصلی او شمرده است اعمال کند در پاسخ انتظار خود چنین فرمانی دریافت داشت. فرمانی که در آن از اعمال حقوق او خبری نبود.

انتظار میرفت که امینی .. امینی که از دیرباز شناخته نشده است و سابق او آنچه آن آشکار است که نیازی به گفتن ندارد باراده ملت... و فرمان قانونی که بعنوان تنها پدیده قاطع مشروطیت باقی مانده است کردن بگذارد و برای یکبار هم شده است قدمی در راه موازین و اصول قانون بردارد. ولی این انتظار مثل همه مواقع دیگر بر نیامد.

بپایه آنها که هیئت حاکمه عنوان می کرده این بود که مصالح ملت بالاتر از قانون است.

ولی گویا فراموش شده بود که در شرایط فعلی تنه مصالح ملت خود قانون و نیاز ملت اجرای قانون است قانونی که اگر اجرای شاد امروز کار در این بن بست است کیجک کننده نمی افتاد و همه را انگشت بدهان و حیران نگه نمی داشت.

اگر قانون اجرامی شد بر طبق آن همه دزدها از بالای بالانا پائین پائین بیای میز محاکمه کشیده می شدند.

خائنین به منافع ملت پاسخ دعوی خویش را دریافت می داشتند و در آن صورت بود که باید کتر امینی مانند صدها کس دیگر می نشست و کیفر خیانت عظیم خود را در امضای قرارداد کنسرسیوم چون داغ تنگی به پیشانی می گرفت اگر قانون اجرامی شد بر طبق آن شاه سلطنت می کرد نه حکومت، از دخالت مستقیم در امور خودداری می شد و جریانها مسیر عادی و قانونی خود را طی می کرد دیگر نیازی نبود که مسائل بعدی عنوان شود و خراب را خرابتر سازد.

اگر قانون اجرامی شد و یک انتخابات قانونی بر طبق همین قانون که دیوان عالی کشور تصریح کرده است میتوان خامن یک انتخابات صحیح باشد انجام می گرفت دیگر نیازی نبود که هیئت حاکمه هر روز نقشی تازه پدید آورد و راههای تازه جهت سرگردانی مردم انتخاب کند. ولی هیچکس باین مسائل توجهی نداشت. آنچه در اس مسائل قرار می گرفت این بود که هیئت حاکمه باید به رفیقت در اس کار باقی بماند و این مستلزم پشتیبانی قاطع سیاست هائی بود که بعلت منافعی که در این سرزمین داشته و دارند تا با امروز از آن پشتیبانی کرده اند.

نکته جالب اینست که خودشان هم در همه حال متوجه بوده اند که در این ملت را بازیهائی هیئت حاکمه دوامی کند.

فقر عمومی، شکم گرسنه و یاپای برهنه را این دلفک بازیها پاسخگو نیست

اقتصاد و رشکته را نطق های چندین ساعته از ورشکستگی نجات نمیدهد و آزادی را که باید بماند تادر سایه آن موجودیت ملت انجم اصیل خویش را باز یابد و بدینگونه نمیتوان از دست ملت بود.

آقای دکتر امینی خود اعلام کردند که وارث

یک اقتصاد ورشکسته اند و اگر وضعیت موجود در روشن کنند همه از وحشت قالب تهی خواهند کرد گویا بازم فراموش شده بود ملت نیاز بشرح درد ندارد و نیاز به مردمان قاطع و سریم را احساس می کنند در همه حال سخن از ملت بود ولی نه دکتر امینی به این «ملت» توجهی داشت و نه مقامات دیگر آنچه را که بایستی و قانونا موظف بآنجام آن بودند به مرحله عمل نزدیک کردند

و سر انجام روزی رسید که «فرمان» جدیدی صادر شد این فرمان که می توانست نمودار انجام یک

دانشجویان اعلام نمایند و نیز تلگرافی بزبان انگلیسی بکنگره مخایره نمود که متن آن ذیلا ترجمه میشود: خواهش داریم بهترین آرزوهای دانشجویان دانشگاه تهران را به دوستان دانشجوی ما که از کشورهای مختلف در پاریس باین مناسبت مهم گرد آمده اند برسانید و بهمین ترتیب وحدت منافع و مشمولیت مشترک کامل ما را بآنها ابلاغ نمایند چه فقدان آزادی مانع از شرکت کامل ما میشود و بدینوسیله علائق خود را بشرکت در چنین کنگره ای ابراز و در اولین فرصتی که وضع اجازه داد کوشش خواهیم نمود که بتوانیم شرکت نمائیم. در تعقیب این تلگراف نامه نیز خواهیم فرستاد.

کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی ایران

بقیه استعمار

دورودراز برای تاراج هر چه بیشتر سرمایه منی پرداخته اند. سومین برنامه چند سانه در دست تهیه است تا بدنبال دو برنامه گذشته نتیجه رنج ها و منابع ملی را تقدیم انحصارات بیگانه کند.

برنامه هفت ساله اول و دوم با دعای هیات حاکمه « برنامه های عمرانی » بود نه « تولیدی »

و پس از حیف و میل چندین میلیارد تومان « بلوار الیزابت دوم » - باغچه، چراغهای فلورسنت کوتاه و بلند، ساختمانهای عظیم و هتل های نیمه تمام ارمغان آورد. اشکال کار اینجاست که چرا بجای برنامه های عمرانی برنامه های تولیدی اجرا نمیشود.

در عالم لاف و کزاف در جهان دروغزنی و ادعا هم از نام « تولید » هراسانند تا « اربابان را خوش آید . »

وظیفه باشد میتواند نمودار آن باشد که بحقایق موجود توجه شده است نمودار مسئله دیگری شد.

نمودار این شد که از آن تاریخ به بعد مجلس و مشروطه باید بدست فراموشی سپرده شود از این تاریخ به بعد باید ملت آنچه را که بیهای خون آرزنده ترین مردان این سرزمین بدست آمده است از خاطر ببرد و دگر گونی آغاز شد انقلاب و دموکراسی از کجا ...؟

دمو کراسی از ده... و انجام دهنده چنین منشوری نیز دکتر امینی شد اجرا کننده چنین فرمانی هیئت دولتی شد که در آن المونی عضو حزب توده، ارستجانی پادوی حکومت قوام و درخشش لوث کننده خون معلم و بهنئای مختلس در آن عضویت داشتند بازم یک چیزی فراموش شده بود

آن روزی که کنسول روس در محله امیر خیز تبریز پدیدار مردی بنام ستارخان رفت و او را از پایداری در مقابل قشون روس که از استبداد دفاع میکرد بر حذر داشت، ستارخان در حالی که لوله تفنگش را از دود باروت پاک می کرد آنچه جواب دندان شکنی داد که کنسول روس گداخته از شرم و خاموشی او را ترك گفت از آن تاریخ خیلی نمی گذرد هنوز پیداد محمدعلیشاه از خاطر نرفته است و هنوز ملت فراموش نکرده است که اگر اراده فردی حکومت نمی کرد امیر کبیر می توانست نقطه عطف و دوره فترت زندگی این ملت گردد.

بس کنید... این خیمه شب بازیهاست این دلقک بازیها و خوشرفی هادر مقابل ارباب. نمی تواند عمر شمارا افزون سازد.

فرمان تاریخ و بااراده ملت اراده ای که قانون اساسی حکومت را ناشی از آن شناخته است زمان این کارها برآمده است شما از چهارچوب قوانین کلی بیرون نیستید و نمی توانید باشید.

این فریاد ملتی است همیان زده و جان بر لب آمده این فریاد ملتی است که می خواهد نمایندگان حقیقی خود را بمجلس بفرستد و از این طریق حکومت ناشی از اراده ملت را مستقر سازد زیرا این جمله ایست از قانون اساسی «حکومت ناشی از اراده ملت است»

بمنظور ادامه چپاول و غارت روشی متناسب با زمان اتخاذ میکنند. در زمان گذشته بهترین طریق برای سرکوب ملتها استفاده از ناوگان بریتانیا و فروریختن گلوله های توپ بر سر مردم بود و بدین ترتیب بفریاد حق طلبانه مردم کشور های استعمار زده خاتمه داده میشد. اما زمان ما زمان مرگ این قلدریهاست زیرا عصر ما عصر کهنوت و مرگ استعمار است عصر ما عصر آزادی مردم عصر استقلال، عصر اتحاد و همبستگی همه ملت های اسیر است زمان ما زمان تحویل هرگونه اعمال زور به زبانه دان تاریخ است. این بار استعمار با حربه حیل و تزویر بمیدان آمد. برخلاف گذشته ضرورت ایجاب میکرد که مبارزه اصلی بانهضت ملی ایران وسیله ایادی داخلی استعمار صورت گیرد یعنی گرگ به لبای میش درآید و خنجرهای زهر آلود نقش نیشترهای شفا بخش را بازی کنند. دشمنان داخلی نهضت

ملی ایران بدو دسته تقسیم میشدند دسته اول گروهی بودند که وابستگی آنها با سیاست های خارجی آنچنان روشن بود و نزد ملت چنان رسوا بودند که مسئولین و مامورین خارجی کودتا از ذکر نام و طریقه همکاری آنها با خودشان خودداری نکردند (رجوع کنید بمقاله نیشن درباره نقش سازمان امنیت امریکا در کودتای ۲۸ مرداد) حساب ملت با این دسته روشن بوده و هست اینها آشکارا منافع ملت ایران را در قبال پر کردن کیسه های پر نشدنیشان فروخته اند اینها دشمنان سوگند خورده منافع ملی ما هستند ملت ایران این در یوزه گران اجنبی را خوب میشناسد و در عین اینکه با آنها تصفیه حساب نمایی خواهد نمود برای همیشه بر پیشانی این خائنین داغ ننگ کوبیده است. نتیجه گیری استعمار از کوشش ایادی نامبرده بسیار اندک بود زیرا همانطور که ذکر شد آنها دشمنان شناخته شده و بدون ماسک ملت ایران بودند به بارت دیگر کاملا در صف دشمن علیه مردم به توطئه میپرداختند در این زمان کشور ما همانند دژی بود که دشمن میکوشید دیوارهای آن را فروریزد و سردار پیرو آزموده آنرا بزنجیر کشد و همه امیدها را بهرمان تبدیل کند.

استعمار با بدست آوردن تجاربی چون سی تیر درک کرده بود که از بیرون امکان غلبه در موجود نیست و با بسیار ناچیز است و زمان آن رسیده است که در داخل نهضت به توطئه پرداخت. در اینجا نقش گروه دوم آغاز میشود. ملت و مصدق خطا اصلی مبارزه را شناخته بودند و بشکلی جدائی ناپذیر میکوشیدند تا درخت کندیده استعمار را که ماوای تمام گرمهای داخلی بود از جای برکنند. مصدق همانند رهبری آزموده و خردمند دریافته بود که با وجود پایگاههای استعمار در داخل کشور هر گونه اصلاح داخلی با شعر بر معنی زیر مصداق مییابد.

خانه از پای بست ویران است

خواجه در بند نقش ایران است بدین سبب میکوشید تا نظر همه مبارزین راه آزادی را بطرف خطرناکترین سنگری یعنی شرکت سابق و غاصب نفت معطوف کند مصدق قصد داشت خانه را از «پای بست» محکم کند و سپس بمرمت ایوان آن پردازد بهمین دلیل استعمار وی را بمنزله آگاه ترین و سرسخت ترین دشمن میشناخت.

نقش دسته دوم دشمنان ملت این بود که نظر عامه را از اصلی ترین و حیاتی ترین نقطه مبارزه منحرف کرده مردم را با تعمیرات و تزئینات داخلی خانه خانه ای که پی های آن را موریا نه های استعمار خورده بود سرگرم کنند. اینها میکوشیدند تا ملت را به نزاع های داخلی مشغول کنند تا دشمن امکان یابد سنگین ترین ضربه را وارد کند. چنین کردند و نتیجه گرفتند دشمن مسلط و آنها سلطه دشمن را جشن گرفتند و جشن گرفتند در حالیکه پیروزیهای ملت و خانه مصدق میسوخت

شرافتمند و دانش آموزان مطلع و میهن دوست را از تحرك باز داشته و ایشانرا تبدیل بعناصری جامد و میان تهی سازد و نیز مراکز فرهنگی را که هریک سنگری برای آزادگان است به گورستانی دلخواه دیکتاتورها مبدل کند .

خود فروختگانی که بیهای پایمال ساختن خون معلم مقاماتی را اشغال کرده اند سعی میکنند جوانان را بقول خود چشم و گوش بسته و مطیع بار آورند و بخصوص از سرایت «بیماری» بگفته ایشان «خطرناک» وطن دوستی و آزادگی دانشجویان به دانش آموزان پیشگیری کنند ! تا مبادا جوانان دانش آموز از استعمار بدشان آید و مبادا حقوق و آزادی های قانونی خود را بطلبند !

بخيال خود میخواهند کاری کنند که نسل جوان ایران شور و حرکت خود را از دست بدهد میخواهند جوان ایرانی را با مشتى کلمات میان تهی از پیمودن راهی که تاریخ و شرف معین ساخته است باز دارند نسل سرنوشت آفرین وطن رابه توده ستایشگر مردك های آلت دست استعمار بدل سازند .

هنوز نیاموخته اند جوان ایرانی چه دانشجوی - چه دانش آموز - چه کارگر - چه دهقان - هر قدر بیشتر تازیانه های قهر و خشم استعمار را بچشد بیدار دل تر خواهد شد و در راه شرف و وطن پایدار تر خواهد گردید .

کجاست آن جوانی که وجدانش اجازه دهد تسلیم سفلیگانی بی آرم چون امینی و نوکرش درخشش و مامورین سبب سازمان امنیت شود . نه تنها با این توطئه ها و تهدیدات خواهران و برادران دانش آموز ما تسلیم نخواهند شد سهل است این فشارها آتش خشم مقدشانرا فروزانتر خواهد ساخت و سینه هایمان را از کینه دشمنان ملت لبریز تر خواهد نمود .

پیوند جوانان ایران در همه جهان ناگسستی است . هر ستمی که بدانش آموزان رسد رنجی است بر ما .

دانشجویان دانشگاه تهران اعلام میدارند امروز نیز چون همیشه از خواهران و برادران دانش آموز که مردانه در برابر تهی مغزان خود باخته ایستاده اند پشتیبانی میکنند .

از صدر تا ذیل هیات حاکمه بدانند دلیران دارالفنون تنها نیستند همه دانشجویان و همه جوانان و همه دبیران و آموزگاران شرافتمند همراهمرزم ایشانند .

دانشگاه تهران آماده است تا هر اقدامی را که برای بازگردانیدن دانش آموزان بکلاس های درس لازم باشد انجام دهد .

درد و بسازمان جوانان جبهه ملی ایران سنگر پرافتخار جوانان ایران . موفق باد پیکار خواهران و برادران دانش آموز .

افتخار بدانش آموزان دلیر دارالفنون بیشقراولان نهضت دانش آموزان ایران .

### ۱۶ آذر در آبادان و دخالت مقامات خارجی

مخبرین پیام دانشجو درباره جریان تظاهرات ۱۶ آذر و اخبار وقایع مربوط بان در آبادان گزارشاتى برای ما ارسال داشته اند که ذیلا برای خوانندگان کرامی منعکس میشود .

علیرغم تشیبات مقامات شرکت ملی نفت تظاهرات ۱۶ آذر در آبادان بر کتر شد و این امر سبب خشم آنها گردید و برای انتقام جوئی دوتن از دانشجویان را از دانشکده اخراج کردند و رئیس امریکائی دانشکده با صدور اعلامیه ای دانشجویان را از کارهای سیاسی منع نمود که با اعتراض شدید و یکپارچه دانشجویان مدیر تعویض و دانشجویان بدانشکده عودت داده شدند .

از روز دوازدهم آذر که مقدمات تظاهرات ۱۶ آذر در دانشکده فنی آبادان تهیه میشد مقامات

شرکت ملی نفت بشکایه افتاده و خواستند با ارباب و تهدید و اخراج دانشجویان مانع از اجرای تظاهرات و برنامه ۱۶ آذر دانشجویان دانشکده فنی نفت آبادان گردند .

ولی علیرغم تشیبات شکست خورده و مفتضحانه آنها صبح روز پنجشنبه دانشجویان متفقا با در دست داشتن پلاکارتها از محل شبانه روزی بحالت دموستراسیون بطرف دانشکده رهسپار شده و در قسمت مرکزی دانشکده در حالیکه پلیس دانشکده را محاصره نموده بود اجتماع کردند و در بریزش باران شدید برنامه ۱۶ آذر خود را بمدت یکساعت اجرا ساختند و بحالت دموستراسیون با همان ترتیب بمحل اولیه بازگشتند . و لازم بتذکر است که برای روز ۱۶ آذر محل شبانه روزی دانشجویان نیز در محاصره قوای انتظامی قرار داشته است .

این اقدامات دانشجویی و مسالمت آمیز دانشجویان سبب برانگیخته شدن مقامات شرکت نفت شده و پس از برگزاری مراسم ۱۶ آذر دانشجویان را شدیداً تحت فشار و مضيقه گذاشتند و با انواع وسائل بانتهام جوئی پرداختند . تا بآنجا که دوتن از دانشجویان را از دانشکده اخراج ساختند و بی شرمی بحدی بود که رئیس امریکائی دانشکده اعلامیه ای صادر و منتشر ساخت و طی آن دانشجویان را از شرکت در فعالیت های سیاسی ممنوع و آنها را در صورت اقدام تهدید باخراج نمود .

در اعلامیه مذکور رسماً و علناً حق فعالیت های سیاسی از دانشجویان سلب شده بود و سر یحانوشته بود : ماهیچ نوع جنبش و فعالیت و واقعه سیاسی را از طرف دانشجویان که با برنامه درسی آنها تداخل کند برسمیت نمیشناسیم و نمیتوانیم تحمل کنیم و در جای دیگر اعلامیه که با امضای مستر کراسن کفیل ریاست دانشکده بود میگوید که «تمام اینگونه اقدامات دانشجویان زادنشکده باید تنظیم و تصویب و اداره نماید و در صورت تخلف سبب اخراج آنها از دانشکده خواهد شد.»

این اقدامات ضد دانشجویی و دخالت بی جای رئیس خارجی دانشکده در امور داخلی کشور و نقض حقوق دانشجویان سبب تنفر و انزجار شدید دانشجویان شد و اولیاء امور با مقاومت شدید و یکپارچه دانشجویان روبرو شدند . دانشجویان میگفتند ما اجازه نمی دهیم که یک نفر خارجی در امور سیاسی ما مداخله کند و باید دوستان اخراجی ما بدانشکده عودت داده شوند . و با مقاومت و اعتراضات شدید و پی گیر خود توانستند اقدامات و توطئه های ضد دانشجویی شرکت ملی نفت را عودم بگذارند . و آنها را مجبور به تعویض رئیس امریکائی و عودت دودانشجو اخراج شده بدانشکده بنمایند .

پیام دانشجو - مانیز بنوبه خود نئفرشدید خود را از اقدامات ضد دانشجویی مقامات شرکت ملی نفت و اعمال خلاف قانون و دخالت های ناروای رئیس امریکائی دانشکده اعلام و موقفیت دانشجویان را در اقدامات ملیشان از خداوند مسالت می نمایم .

#### کمیته جبهه ملی استان دهم

از تشکیلات کل جبهه ملی خبر میدهند که کمیته جبهه ملی استان دهم انتخاب شده و رسماً شروع بکار نموده است . و بعد از آذربایجان و خراسان اصفهان سومین استانی است که کمیته جبهه ملی آن رسماً انتخاب و شروع بکار کرده است . در شهرستانهای دیگر کمیته های طرفدار جبهه ملی فعالیت دارند .

#### کنسرسیونم کارگران را اخراج میکنند

اخیراً کنسرسیونم نفت در جنوب شروع باخراج دسته جمعی و خلاف قانون کارگران زحمتکش ما کرده است . این اقدام خلاف قانون مورد اعتراض شدید همه کارگران نفت واقع شده و بانتشار اعلامیه ای مبادرت کرده و شدیداً بیان اقدامات ضد ملی و غیر قانونی اعتراض کرده اند . در این اعلامیه خطاب به کارگران متذکر شده کنسرسیونم نفت در آبادان از اول سال تا نوبه اول آبان ۱۳۴۰ تعداد ۱۲۵۰ نفر از همکاران شما را برخلاف اصول انسانیت و قوانین موجود بین المللی اخراج کرده و در نظر دارد تا

دوسال دیگر ۲۰۰۰ نفر از برادران کارگرو ۲۰۰۰ نفر از همکاران کازمند شما را بیکار کند و برای آنکه باین عملا یلید خود جنبه قانونی بدهد درخواستهای مخصوصی چاپ کرده و بزور با مضاع کارگر میرسانند و اگر کارگری از جریان مطلع بود و از امضاء آن خودداری کرد او را تحویل سازمان امنیت میدهد تا با تهدید و شکنجه و بالاخره تبعید شرش را از سر آر بسابان نفتی کم کند . و از کارگران درخواست نموده تا در مقابل این توطئه ضد ملی متحداً و یکپارچه اقدام کنند و متذکر شده که این اوراق در خواست خاتمه خدمت که بزور با مضاع کارگران میرسانند چون خودشان چاپ کرده اند در هر محکمه ای بجز نیت ریاکارانه و ناپاک آنها چیز دیگری را ثابت نخواهد کرد . از شما آقای امینی می پرسیم که اخراج کارگران زحمتکش نفت بدون مجوز قانونی و بی خانمان کردن طبقات رنجبر ملت ما هم از جمله مواد قرارداد کنسرسیونم است . و هر کس می تواند برای منافع بیشتر جیب های خود با زندگی کارگران و زحمتکشان ما بازی کند . ما اعتراض خود را باین اقدام ضد انسانی و ضد ملی اعلام داشته و همه جانبه پشتیبانی خود را از کارگران زحمتکش نفت اعلام می داریم و آقای امینی این هم سند و برك دیگری است که بر پرونده سیاه و کثیف شما در نزد ملت ما اضافه میشود که شما جان و مال رنجبران ما را مثل ابزار و آلات نفت در اختیار بیگانگان گذاشته اید .

### خبری از کمیته حزب مردم اصفهان

بطوریکه کسب اطلاع کرده ایم عده ای از افراد شبکه مکشوفه حزب توده اصفهان عضو حزب مردم رهبری امیر اسداله خان علم بوده اند و در کمیته آن حزب (که البته همه میداند جز کمیته چیزی ندارد) عضویت داشته اند . این اعضای وفادار حزب امیر - اسداله خان که در عین حال عضو حزب توده هم بوده اند و در اثر شکنجه و آزار ماموران درنده خوی سازمان امنیت مجبور شده اند در رادیو و تلویزیون دولتی مدعی ارتباط با جبهه ملی شوند عیار تنداز :  
۱ - حیدر علی صالحی از کارخانه پشمیاف  
۲ - قاسم علی براتی « « پشمیاف  
۳ - قلی استکی « « وطن

و چند تن دیگر اکنون از آقای دکتر امینی شایعه ساز بزرگ معاصر می پرسیم که : چرا در ضمن آقا بربری که برای آقایان نوشته شده و بدستشان داده شده بهیچوجه از حزب آقای علم نامی بمیان نیلمده است چطور است که آقای علم و کمیته حزب مرحوم ایشان در اصفهان که در بست در اختیار حزب توده قرار داشته با حزب توده و ایادی بیکانه ارتباط ندارند اما جبهه ملی ایران را متهم می کنند که با حزب توده رابطه دارد؟ آقای امینی باید توجه کنند و برای همیشه بدانند که با این اراجیف و مهملات ملت ایران از مبارزه اصیل خود دست برنخواهد داشت و شایعه سازان و افترا زنندگان رسوا را رسوا تر خواهد کرد .

برای خوش خدمتی بدیکتاتورها  
فرزندان ملت را از تحصیل  
محروم نکنید

در يك دنياى زنده هيچ چيز نمیتواند تغير ناپذير باقى بماند .

سراسر طبيعت روزبروز و دقيقه بدقيقه عوض ميشود و تغير مى پذيرد . فقط مرده ها هستند كه رشد نميكنند و ساكن و بيحركت ميباشند . آب تاوقتي كه جارى و درحركت است تازه و پاك ميمانند . اگر آنرا متوقف سازيم كم كم فاسد و كند يده ميشود . زندگى انسان و زندگى يك ملت نيز چنين است . اما چه بخواھيم و چه نخواھيم پير ميشويم . كودكان شيرخوار ، دختران كوچكى ميشوند . دختران كوچك بدخترهاى بزرگ و زنان بالغ و عاقبت هم به زنانى پير مبدل ميگردند .

ما بايد خودمان را با اين تغييرات همراه سازيم اما كسان بسيارى هم هستند كه نميخواهند پذيرند و قبول كنند كه دنيا در تغير است . آنها فكر خود را بسته و مغزشان را قفل شده نگاه ميدارند و اجازه نميدهند كه هيچ تصور تازه اى در آنها راه يابد . هيچ چيز با اندازه فكر كردن آنها را متوحش نميسازد . نتيجه اين وضع چيست ؟ نتيجه آنست كه دنيا بر خلاف ميل آنها حركت ميكند و پيش ميرود و چون آنها و كسانى مانند آنها خودشان را با شرايط متغير آن همراه و منطبق نميسازند گام بگام انفجارهاى روى ميدهد و انقلابات شديدى نظير انقلاب كبير فرانسه كه يكصد و چهل سال پيش روى داد و انقلاب بزرگ روسيه كه سيزده سال پيش در گرفت پيش مى آيد . حتى ما امروز در كشور خودمان در جريان يك انقلاب هستم .

بديهى است كه ما استقلال و آزادى ميخواھيم اما در واقع ما خواهان چيزى پيش از آن ميباشم ، ما ميخواھيم تمام استخرهاى گنديده سابق را پاكيژه و مصفا كنيم و در همه جا آبهائى تازه و پاك را جارى سازيم ،

ما بايد كرد و غبار فقر و تيره روزى را از كشورمان برداريم ، همچنين ما بايد تا آنجا كه ميتوانيم تارهاى عنكبوت و غبار كهنگى را از افكار مردمان بسيارى كه گرفتار آن هستند پاك كنم زيرا همين تارهاى عنكبوت و كثافات كهنگى است كه آنها را از فكر كردن و همكارى كردن در راه وظيفه بزرگى كه در پيش داريم باز ميدارد . اين يك كار بزرگى است و احتمال دارد كه وقت فراوانى هم لازم داشته باشد اما ما بايد هر قدر ميتوانيم آنرا بجلو برانيم و تسريع كنيم ، پس «انقلاب زنده باد» .

ما در آستانه انقلاب خودمان قرار داريم . از حالان ميتوان گفت كه آينده براى ما چه چيز ببار خواهد آورد . اما از هم اكنون سرزمين كشورخويش را براى كشت آينده بخوبى شخم زده ايم .

همچنين كودكان ما را به بين . پسران و دختران جوان ، «وارنار سنا» (۱) و (۲) ها و «بال سابهيا» و «باليكاسابهيا» را به بين . ممكن است پدران و مادران بسيارى از اين كودكان در سابق با ترس و لرز و همچون غلامان زندگى كرده باشند اما چه كسى تصور ميكند كه

نخستين كنگره جبهه ملي ايران در اروپا

نخستين كنگره جبهه ملي ايران على رغبه دشوارىهاي موجود با شركت نمايتندگان برگزيده كميته هاي جبهه ملي فرانسه - سوئيس - شهرهاي وين - كراتس - آخن اشوتكارت - برانشويك - برلن غربى - دوسلدرف - فرانكفورت - كارلسروهه - كيل - كيس - مانيس - مونيخ - هانور - با عظمت و جلال تمام در روزهاي ۱۷ تا ۱۹ آذرماه ۱۳۴۰ در شهر اشنو - تكارت برگزار گرديد .

كنگره پس از بررسي هاي عميق مسائل سياسي زمان قطعنامه زير را بتصويب رساند .

۱- ما آزادي دكتر مصدت رهبر و راهنماي خردمند نيروهاي جنگنده ملي و سبيل آزاده ملت را خواهانيم .

۲- جبهه ملي ايران مظهر اراده تزلزل ناپذير ملت ايران و تنها وارث سنتهاي آزاديخواهانه و پر افتخار نهضت مشروطيت و ادامه دهنده جنبشهاي مترقي ملت ايران در نيم قرن گذشته و يگانه سازمان سياسي دمكراتيك و پيشرو كشور ايران - راه كشاو الهام بخش رستاخيز استعماري ملتهاي زنجير شده است .

۳- ما نسبت بتعميق انتخابات مجلس شوراي ملي و اجازه وضع قوانين جديد بدولت از طرف شاه كه برخلاف نص صريح قانون اساسي است شديد اعتراض ميكنيم .

۴- ما تنفر شديد خود را از روش نيرنگ آميز و خائفانه هيت حاكمه در نشر اكاذيب و اتهامات

كودكان نسل ما هم غلامى و بندگى را پذيرند يا از چيزى بترسند ؟ بدنيقار چرخ و فلك تغير و تحولات در گردش است و همه چيز را زير و رو مي سازد . كسانى كه پائين بودند بالا مي آيند و كسانى كه بالا بودند پائين ميروند در واقع بنا بر اقتضاي طبيعت وقت آن فرا رسيده بود كه در كشور ما هم اين چرخ بحركت در آيد . اما ما آنرا چنان بجلو رانده ايم و بحركت آورده ايم كه ديگر هيچ كس نميتواند آنرا متوقف سازد .

«انقلاب زنده باد»

۱- در متن انگليسي كتاب هم عنوان اين نامه عينا همين عبارت فارسي مي باشد زيرا مردم هند عينا همين كلمات فارسي را بكار مي بردند و اين عبارت شعار دوران مبارزات استقلال طلبانه هند بود .

۲- و انار سنا نام موجودات كوچك افسانه اي است كه در مبارزات مردم كمك مي كردند و كودكان هند در دوران مبارزه با اين نام ناميده ميشدند . آن دو كلمه ديگر هم نام سازمانهاي دختران و پسران هند است .

دانشجویان با تمام قوا از برادران دانش آموز خود پشتیبانی میکنند

بیشرمانه و دروغین که بمنظور کمراه نمودن افکار عمومی جهان انجام میگیرد ابراز داشته و اعلام میداریم که جبهه ملی ایران دارای سیاست مستقل ایرانی است و سیاست های استعماری سرخ و سیاه را محکوم میکنیم .

۷- ما مصوبات مجالس فرمایشی پسران کودتای ننگین ۲۸ مرداد را غیرقانونی دانسته و بفرمان ملت مسئولین خائن را بعنوان ناقضین قانون اساسی کیفر خواهیم داد .

۸- ما بنام ملت ایران دكتر امینی عاقد قرار داد كنسرسيوم و ناقص مواد ۴۸ و ۲۵ قانون اساسی مربوط به تعطیل مشروطیت و استقرار بخارجی را شدیداً محکوم میکنیم .

سلام رزمندگان سنكر جبهه ملي ايران بصدق فخرمان پيشواي خردمند ملت ما .

موفق باد شوراي مركزي جبهه ملي ايران در رهبري مبارزات خستكي ناپذير ملت ما .

درد بدلاوران دانشگاههاي ايران پيشاهنگان مبارزات جبهه ملي .

پيروزي باد نيروي شكست ناپذير وضد استعماري ملت مادر صفوف مستحکم جبهه ملي ايران .

تحصيل علوم و معارف و صنايع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد

اصل هيچدهم متمم قانون اساسی .

۱- هر كس حق دارد از آموزش و پرورش بهره مند شود .

ماده بيست و ششم اعلاميه جهاني حقوق بشر .

«گرسنی آزاد» اطلاعات نقش دیگری از سیاستهای استعماری در ایران است که توسط

بلندگوی مزدور و نوکر ۳۰ ساله بیگانگان «اطلاعات» در ایران بازی میشود . و از نظر ما

همچون همه دامها استعمار برای نسل جوان محکوم و مطر و داست .

# ننگ و نفر تبر هیئت حاکمه مز دور، عامل فاجعه خونین دانشگاه

نشریه

## پیام دانشجوی

ارگان کمیته دانشجویان دانشگاه تهران  
وابسته به جبهه ملی ایران

سه شنبه اول اسفند ۱۳۴۰ - تک شماره ۴ ریال

### سلام باستانان دانشگاه که شرافتمندانه بمقاومت در برابر تجاوزات هیات حاکمه برخاستند

اعلامیه دانشگاه

امروز اول بهمن ماه ساعت یازده و ربع عده‌ای نظامی بدون آنکه انقافى مداخله آنانرا ایجاب نماید بمحوطه دانشگاه وارد شده و جمعی از دانشجویان را مشروب و مجروح ساختند. دانشگاه نسبت باین عمل رسماً اعتراض و تقاضای رسیدگی و تعقیب مرتکبین و مجازات آنانرا ازدولت

نموده است. مادامیکه نتیجه رسیدگی بدانشگاه اعلام نشود اینجانب و روسای دانشکده‌ها از ادامه خدمت در دانشگاه معذور خواهیم بود.

رئیس دانشگاه تهران دکتر فرهاد اعلامیه فوق‌الذکر روز اول بهمن ماه شورای دانشگاه انتشار داد و یکبارہ با این اقدام شجاعانه نقشه‌های مزورانه هیئت حاکمه فاسدرا درهم ریخت و نشان داد که چگونه بدون آنکه هیچ انقافى هجوم و حشیانه نظامیان رابدانشگاه ایجاب نماید بدرون دانشگاه هجوم برده‌اند و نیز نشان داد که دانشجویان دانشگاه فقط درمقابل هیئت حاکمه فاسد قرار دارند و افسانه بقیه در صفحه ۲

### دیگتاتورها! سرانجام دانشگاه بدون قید و شرط باز خواهد شد و رسوائی بر شما خواهد ماند

روزیگشته اول بهمن ماه یکبار دیگر نیروهای ارتجاع بدانشگاه هجوم آوردند و چنگیزوار خانه علم و فضیلت را مورد تهاجم و حشیانه خود قرار داده و دانشجویان بی سلاح را که مثل همیشه در نهایت نظم و آرامش باعمال نشکین حکومت غیرقانونی امینی اعتراض مینمودند با کلوله و سرنیزه و قنداق تفنگ بخون کشیدند. جنایات و وحشیگری‌هایی را که نیروهای انتظامی در دانشگاه مرتکب شدند چنان نفرت-انگیز و شرم‌آور بود که بینندگان جریان واقعه بسختی میتوانند آنچه را دیده‌اند باور کنند و بحقیقت لغات و وحشیگری و جنایت کافی برای بیان آنچه هیئت حاکمه فاسد و وابسته باستعمار در دانشگاه انجام داد کافی نیست نسل ارزنده ملت ما را برای ادامه حکومت جا برانه و نشکین خویش جلوی سرنیزه دهبوی رحمانه باچکمه‌های خونین خود از روی سرهار سینه‌های عزیزان میهن ما گذشتند و بدنیاال این جنایات شرم‌آور دانشگاه خانه امید ملت را تعطیل نمودند و سرنوشت ۱۲ هزار دانشجو را که چشم و چراغ این ملت مصیبت زده هستند وسیله هوسای و هوسای خویش ساختند. بقیه در صفحه ۳

### یادی از لومبای بزرگ

یک سال قبل در یکی از این روزها پاتریس لومبا رهبر تسلیم ناپذیر کنکو، فرزند قهرمان ملت اسیر افریقا وسیله جلادان استعمار ربوده شد و در قلب جنگلهای سیاه بقتل رسید. جلادان بادستهای خونین به لانه‌های خود باز گشتند و چنین تصور کردند که کار مبارزه ملت اسیر وغارت شده کنکو با مرگ رهبر صدیق و خردمندشان پایان میرسد. بقیه در صفحه ۲

### فاجعه روز اول

#### بهمن ماه - قشون چنگیزی در دانشگاه

روزیگ شنبه اول بهمن ماه بدعوت کمیته دانشگاه وابسته بجبهه ملی برای اعتراض باعمال خلاف قانون دولت غیرقانونی امینی و هیئت حاکمه و تعطیل مشروطیت و استبداد موجود و نیز اخراج دانش آموزان وطن دوست و حق طلب تهران از بقیه در صفحه ۴

#### خلاصه‌ای از اعلامیه سازمانهای جبهه ملی در دو هفته گذشته دانشگاه حکومت‌های غیرقانونی را تحمل نمیکنند

..... روز یکشنبه اول بهمن روز افتخار و شرف برای دانشگاه و روز ننگ و نفرت برای هیئت حاکمه بود. در آنروز دانشجویان بخاطر آنکه یکبار دیگر آوای آزادخواهی خود را بکوش جهانیان برسانند و نیز بخاطر رسوا ساختن حکومت فرمایشی امینی که با تعطیل مجلس و بتاخیر انداختن انتخابات و زیر پا نهادن قانون اساسی حیثیت ملت ایران را پایمال کرده است و به منظور اعتراض بعمل غیرقانونی بقیه در صفحه ۴

#### دولت مدعی مبارزه با بیسوادی، ضرب و جرح و قتل دانشجوی و تعطیل دانشگاه را چگونه جواب میدهد؟

#### تهران، شهر نظامی

بعد از اشغال و حشیانه دانشگاه موج اعتراض سرتاسر تهران را فرا گرفت. تهران وضع بی سابقه‌ای را پیدا کرده بود، خیابانها مثل يك شهر اشغالی پر از کامیونهای سرباز و چتر باز و دژبان و پلیس مسلح شده بود و نیروهای مسلح درحالی که قنداق تفنگ و سرنیزه بدست آماده حمله بمردم بودند تهران را زیر نظر گرفته بودند.

در چنین وضعی بادعوت جبهه ملی ایران مردم تهران با اقدام و حشیانه دولت نسبت بدانشگاه در روز سه شنبه ۳ بهمن ماه اعتراض نموده و بازاربان بازار تهران را بستند و دانش آموزان تهران يك پارچه به بقیه در صفحه ۲

#### پشتیبانی دانشگاه‌های شهر ستانها از دانشگاه تهران

پس از یورش و حشیانه یکم بهمن بدانشگاه تهران، در شهرستانهای مختلف دانشجویان بهمراهی سایر مردم دست بتظاهرات زده و بروش هیئت حاکمه اعتراض نمودند که ماحلاصه‌ای از جریان ام. را در زیر به نظر خوانندگان میرسانیم. دانشگاه شیراز

دانشجویان دانشگاه شیراز بعنوان اعتراض باعمال نشکین و غیر انسانی دولت توسط نیروهای مسلح ارتش بدانشگاه، همصدا با سایر دانشجویان ایرانی بقیه در صفحه ۲

#### آقای مطلع و کم‌دی اولیاء دانشجویان

در حدود دو ماه قبل وقتیکه دانشجویان دانشگاه تهران سرگرم تدارک برارای برگزاری سالروز شهدای دانشگاه و بزرگداشت روز ۱۶ آذر بودند ناگهان در يك روز يك ساعت و يك دقیقه بقیه در صفحه ۳

انتخاب به رهبران زندانی جبهه ملی ایران

دست باعصاب و اعتراض وسیع زدند و ضمن آن خواستار باز نمودن مجدد دانشگاه و دستگیری و مجازات مسببین فاجعه روز اول بهمن دانشگاه شدند در این جریان پلیس شدت بدخالت پرداخته و دانشجویان را بشدت مجروح و مشروب نموده عوامل دولت غیر قانونی امینی دانشگاه شیراز را بسته و عده زیادی از دانشجویان را توقیف نمودند.

درین توقیف شدگان آقای دکتر شریعتمداری استاد دانشگاه شیراز را میتوان نام برد. هنوز تا آنجا که ما اطلاع داریم تفتیقات بر دانشجویان دانشگاه شیراز ادامه دارد و دانشگاه شیراز نیز بسته است.

دانشگاه تبریز

دانشجویان دانشگاه تبریز بعنوان اعتراض علیه حکومت استبدادی امینی دست باعصاب و اعتصاب زدند و در خیابانهای تبریز تظاهرات وسیعی نمودند و طی آن خواستار تعقیب مسببین فاجعه دانشگاه و باز نمودن مجدد دانشگاه تهران شدند. و طی تلگراف از مقامات قضائی کل کشور خواستار شدند که در حالیکه مرجع قوه مقننه تعطیل شده و قوه مجریه در کار های قوه مقننه دخالت میکند رسیدگی نماید. و طی همان تلگراف خواستار تعقیب و مجازات مسببین فاجعه اول بهمن و شروع انتخابات گردیدند.

پلیس در خیابانها شدت بد دانشجویان حمله نموده و عده زیادی را زخمی و عده ای را توقیف میکند. دانشگاه تبریز هم بدستور دولت غیر قانونی امینی بسته شد.

در حال حاضر عده زیادی از دانشجویان در زندانهای پلیس بسر میبرند.

دانشگاه مشهد

دانشجویان دانشگاه مشهد در این مبارزه ملی علیه استبداد شرکت جسته و بعنوان اعتراض علیه دستگاه استبدادی و اعمال ننگین هیئت حاکمه در روز اول بهمن اعتصاب نموده و خواستار ایجاد حکومت قانونی و مجازات مسببین واقعه اول بهمن دانشگاه و باز نمودن مجدد دانشگاه تهران شدند.

در مشهد نیز دولت اعتراضات قانونی دانشجویان را با مجروح و مشروب و بزدان کشیدن آنها پاسخ داد و دانشگاه مشهد را تعطیل نمود.

بدنبال این تظاهرات عده زیادی دانشجویان و عده ای از مردم مبارز مشهد از جمله آقایان حسنعلی صارم کلانی و شریعتی اعضای کمیته جنبه ملی دستگیر و زندانی گردیدند.

دانشگاه اصفهان

دانشجویان مبارز دانشگاه اصفهان بعد از فاجعه مصیبت بار دانشگاه تهران بعنوان اعتراض علیه دولت ضد ملی امینی و هیئت حاکمه فاسد دست باعصاب زده و دانشگاه اصفهان را سیاه پوش نمودند ولی برنامه استعماری دولت در اصفهان هم اجرا شد و پس از حمله بدانشجویان و مشروب و مجروح نمودن آنها توسط پلیس و توقیف عده زیادی از آنها دانشگاه اصفهان را هم تعطیل نمودند.

در تظاهرات اصفهان عده زیادی از مردم هم شرکت جسته و آقای احمد قیصری عضو کمیته ایالتی جنبه ملی شهرستان اصفهان توسط نیروهای پلیس دولت غیر قانونی امینی توقیف گردیدند.

دانشگاه اهواز

دراوا نیز دانشجویان دانشکده پزشکی و کشاورزی علیه اقدامات ننگین هیئت حاکمه با اعتراض دست زدند و در روز ۵ شنبه ۵ بهمن دانشگاه را تعطیل نمودند و ضمن قطعنامه ای خواستار باز شدن بدون

وضع ارتش ایران خوبست و به آسانی می تواند با مردم غیر نظامی ایران مصاف دهد  
گفته يك ارتشبد ایرانی  
نقل از مجله نیشن چاپ آمریکا  
فاجعه يكم بهمن دانشگاه صحت این پیش بینی را تأیید کرد

بقیه پادی از لومومبا

البته واقعیت مرك لومومبا برای کسانی که میکوشند تا قاره افریقا را از قید ستم استعماررانی بخشند بسی تلخ و ناگوار است زیرا لومومبا برای مردمش سلاحی برنده و جلالدار بود، سلاحی که هرگز زنگی بر آن نشست، سلاحی که از برق آن استعمار بسختی به هراس میافتاد و بالاخره سلاحی که کاملاً متناسب با احتیاج ملت های اسیر بوجود آمده بود.

اما بحکم تاریخ تاثیر مرك لومومبا چون شهادت قهرمانان دیگر سیر منفی نکرد بلکه همانطور که دیدیم اثر آن در جهت فزونی خشم استعمار سوز مردم و در نتیجه تحريك هر چه بیشتر ملل افریقا در طرد استعمارگران بود.

امروز لومومبا همانند شبه ایست که سراسر افریقا را فرا گرفته. همانند حماسه ایست که رزندگان به هنگام رزم میسرایند و از آن دلیری بارمغان میکینند فریاد لومومبا... لومومبا... طنین انداز جنگل های کنکوست و سرود لومومبا سرود سیاهان کنکو و بالاخره لومومبا امروز دیگر فقط متعلق بملل افریقا نیست، امروز او به همه زنان و مردانی متعلق است که در سراسر جهان علیه استعمارگران میجنگند.

پانزیس لومومبا قربانی خشم دست نشانندگان استعمار چندین سال پیش پیش مردم کنکو در راه آزادی و استقلال میهن خود جنگید. زندگی او سرود جاودانی است که بر تاریخ کنکو نقش بسته و بر لبهای آزاد یخواهان این سرزمین زمزمه می شود.

لومومبا در خرداد ۳۹ پس از مدتی مبارزه نخست وزیر کنکو شد و در حضور پادشاه بلژیک شجاعانه با استعمار حمله کرد. در ماه های تیر و مرداد به واشنگتن تالند و تونس سفر کرد و طی همین مسافرت های طرفی ملت کنکو را بجهانیان اعلام داشت و خاطر نشان ساخت که در هیچیک از گروه بندی های سیاسی شرکت نخواهد کرد.

در ۱۸ مهر ماه ۳۹ کا ز او بورژیس جمهوری کنکو پس از انحلال مجلس فرمان بازداشت او را صادر کرد و بدین ترتیب دوران حکومت لومومبا بسر آمد و دشمنان او به هدف دیرینه خود نزدیک شدند. ۲۰ روز بعد بقصد رفتن به استنالی ویل مرکز استان هوادانش از زندان گریخت ولی در کازای بدست سربازان موبوتو اسیر شد و پس از تحمل شکنجه های بسیار باغل و زنجیر وارد لئوپولدویل گشت. یکماه بدسرهنگ موبوتو او را به دولت چومبه در کاتانگا فروخت و در همانجا بود که با طوطه بلژیکیها بقتل رسید.

خبر مرك این قهرمان بزرگ و آزادیخواه در ۲۱ بهمن منتشر شد و قلب میلیونها انسان را آندوهگین و متأثر ساخت. مرك لومومبا نه تنها نام و هدف او را از یاد نبرد بلکه بر گروه یارانش افزود و گامهای آنها را در راه رسیدن به آرزوهای بزرگش مصمم تر و استوار تر نمود.

قیدو شرط دانشگاه تهران. تعقیب محرکین حمله بدانشگاه و اجرای خواهسته های دانشجویان دانشگاه گردیدند.

در روز شنبه ۲ بهمن نیز دانش آموزان دبیرستان های اهواز علیه دولت غیر قانونی امینی بتظاهرات شدیدی دست زدند و خواستار باز شدن مجدد دانشگاه تهران گردیدند.

بقیه قهر آن و شهر

حالت اعتراض مدارس را تعطیل نموده و همراه سایر طبقات در خیابانهای تهران تظاهرات وسیعی بر علیه دولت غیر ملی غیر قانونی امینی انجام دادند و در همه تظاهرات شعارهای «مصدق پیروز است» «محصل پیروز است» و «جنبه ملی پیروز است» و «استبداد محکوم است» بگوش می رسید

نیروهای مسلح نظامی باشندین ترین وجهی مردم بی پناه تهران را تنها بخاطر اینکه نسبت به عمل غیر انسانی دولت اعتراض داشتند مورد حمله و ضرب و جرح قرار دادند و در این تظاهرات بود که مهدی کلهر دانش آموز دبیرستان علمیه بدست پلیس بقتل رسید مردم رادسته دسته دستگیر و بسوی بازداشتگاههای مختلف از جمله قزل قلعه «باستیل ایران» روانه می ساختند.

این اعتراضات بیایی تا هشت روز ادامه یافت و در این مدت تهران بصورت يك شهر نظامی درآمد بود. در هر خیابانی بیش از سی کامیون سرباز و چتر باز و در بان مسلح قرار گرفته و هراعتراضی را با سرنیزه پاسخ می دادند ولی مردم شجاع و قهرمان تهران در جلوی سرنیزه های نظامی های دستگاه و با وجود سیاه چالهای قزل قلعه حاضر نبودند در مقابل اینهمه بی دادگری و جنایت سکوت کنند این اعتراضات وسیع نشان داد که تا چه حد مردم حکومت این جنایت کاران را محکوم میدانند و چطور در سخت ترین شرایط بدعوت جنبه ملی ایران از آزادی دفاع میکنند و بسمت تجاوزین حقوق خود اعتراض می نمایند

بقیه سلام با استادان

های اختلافی استاد و دانشجو نقش مزورانه دیگری است از آن ها که می خواهند مبارزه نسل جوان مملکت را با هیئت حاکمه بصورت اختلافی استاد و دانشجو، دبیر و دانش آموز و از این قبیل نمایش دهند و ما چنانکه در متینک عظیم ۱۶ آذر در دانشگاه هم اعلام کرده ایم با استادان شرافتمند خود احترام قائلم و اعمال شجاعانه و میهن پرستانه آن ها را می ستائیم.

مدتها بود که دستگاه در پی فرصتی بود که نا کهان بعلمت یورش بیاورد و بعد از عقیم ماندن چند توطئه بالاخره روز اول بهمن بدانشگاه تاخت و آنچار ابخون کشید.

در این حال شورای دانشگاه بعنوان اعتراض با اعمال ننگین هیئت حاکمه استغفاء کرد و گزارش از مشاهدات خود در روز یکشنبه ۱ بهمن را برای دولت نوشت. ولی دولت غیر قانونی امینی دستگاه های تبلیغاتی کشور را و ادار ساخت که هر روز دروغی در باره استادان و شورای دانش گاه بنویسند و باین ترتیب روزی آن ها را معزول خواندند و روز دیگر گفتند استعفا را پس گرفتند.

ولی استادان شرافتمند ماهه چنان در مقابل این توطئه ها و مشیقه ها استقامت نمودند چون می دانستند از پشتیبانی شاگردان خویش برخوردارند و در فاصله این مدت دسته های مختلف دانشجویان برای اظهار تشکر و پشتیبانی از روش قاطع و انسانی رئیس باقیه در صفحه ۳



## بقیه دیگماتورها

روز یکشنبه در یک طرف جریان اراده شکست ناپذیر و تصمیم قاطع نسل جوان مافزار داشت که در برابر پلیس و چتر باز تسلیم نمیشد و طرف دیگر جریان چهره حقیقی و بدون ماسک هیئت حاکمه نشکین فرار گرفته بود که با قدرت بمیدان آمده بود. و این حقیقت تاریخ باز تکرار میشد که ارتجاع و استعمار همیشه در برابر اراده ملت‌ها با آخرین سلاح و وحشیانه‌ترین وجه جلو می‌آیند و هر چه در چنته دارند بیرون میکشند ولی آخرین سلاح هنگامی بمیدان می‌آید که امیدها برای همیشه بیاس تبدیل شده باشد و این خود دلیلی است که ملت استوار و شکست ناپذیر بیش برود.

شاید فقط چشمهای کور هیئت حاکمه ندید که نسل جوان ما، نسلی که تاریخ فردای مملکت ما را میسازد تصمیم نهائی خود را گرفته و با عزمی راسخ راه خود را میروید و جز با گذشتن از اجساد آنها هیچ قدرتی نمیتواند آنها را شکست دهد.

جنایات و وحشیگری‌های هیئت حاکمه در روز یکشنبه حاکی از توطئه‌های عمیقی بود که از ابتدای سال تحصیلی برای دانشکده و دانش آموزان و روی مرفقه ملت ایران طرح شده بود.

میتینگ دانشجویان در داخل دانشکاه تازه نداشت و اعلامیه رسمی شورای دانشکاه هم صریحا بیان میداشت که هیچ اتفافی مداخله نظامی‌ها را ایجاب نمی‌نمود و با این وصف هجوم مغول‌وار نظامی‌های هیئت حاکمه فقط بقط بایک توطئه قبلی طرح ریزی شده بود و با این ترتیب میخواستند از دانشکاه انتقام بگیرند و بخیال خود دانشجویان را مغلوب و مرعوب و ناچار تسلیم قانون شکنی‌های خود کنند. و تبلیغات بی‌شمارانه‌ای که بعد از بستن دانشکاه براه انداختند که ملاکین بزرگ یا توده‌ایها و یا این اوآخر معجونی از این دو باعث تحریک دانشجویان شده اند تلاش مذبوحانه‌ای بود که برای پوشاندن جنایات خود از نظر مردم صورت می‌دادند و می‌خواستند اعتراض مسالمت آمیز دانشجویان علیه قانون شکنی‌های هیئت حاکمه و دولت غیرقانونی و مزدور امینی را واژگونه جلوه دهند. مگر این بار اول بود که دانشجویان علیه اقدامات خلاف قانون امینی و هیئت حاکمه اعتراض می‌کردند و نیز آنها دلیلی قاطع تر از اعلامیه رسمی شورای دانشکاه داشتند که حاکی از بی‌نظمی و آشوب دانشجویان می‌بود.

اینجا باید بصراحت بگوئیم که مسئول مستقیم جنایات حاکمه فاسد در فاجعه روز اول بهمن شخص دکتر امینی بعنوان زمامدار وقت است و عنوان کردن مبتذلانی در ردیف سخنرانیهایی سابقش و از این شاخ بآن شاخ پریدن و آسمان و ریسمان بافتن و باستاد و دانشجو دروغ بستن و تهمت زدن نمی‌توان زرمای از مسئولیت جنایات وحشتناک او را بکاهد.

اگر راست می‌گویند و نمی‌خواهد موضوع را مثل قتل دکتر خانعلی که قاتل در دولت او بجای محاکمه و مجازات درجه هم گرفت ماست مالی کند و بخیال خود سرپوشی با این صحبت‌های مزخرف جنایات بی‌شمارانه دستگاهی که خود هم جزء آنهاست بگذارد بیاید و بنام و بصراحت مسئولین امر را معرفی نماید.

آقای امینی شما اگر تصور می‌کنید با پروتئ و مزخرف پردازی و دراز گوئی می‌شود بر ملت کلاه گذارد و هر روز جنایتی تازه نمود و با هوچیگری حقیقت را قلب جلوه داد سخت در اشتباهید. آقای امینی واقعا اگر تصور می‌کنید که می‌توانید دانشجویان را لال کنید که همیشه حرفی نزنند و اعتراض نکنند و شما بکارهای خلاف قانون خودتان ادامه دهید بسیار احمقانه فکر کرده‌اید و در این فکر آنقدر پیروزی نصیب شما خواهد بود که نصیب مندرسه‌ها. و در اینجا قید و شرطی که برای باز کردن مجدد دانشکاه عنوان می‌کنید جز نمایش مسخره‌ای جهت کش دادن تعطیل دانشکاه نیست و خوب میدانید که مسئله دانشکاه جزئی از مساله مملکت است و نمی‌شود در حالیکه مساله مملکت را چون کلاف سردرگمی نگاه داشته‌اید مساله دانشکاه را حل کنید. دانشجو وقتی اعتراض نمی‌کند که چیزی برای اعتراض او باقی نگذارید. شما می‌خواهید هم بحکومت غیر قانونی و اعمال نشکین خود ادامه دهید و هم دانشکاه بدون اعتراض بعد از این همه جنایات شما باز شود.

آخر مگر دانشجویان آدم‌های کیچی هستند و یا مثل شما آدم کوکی هستند که آلت دست شما کردند. که یکروز وحشیانه بخانه آنها بریزید و اعمالی انجام دهید که هیچ شخصی که بوئی از انسانیت و ایشرف و وجدان برده باشد انجام نمی‌دهد و فردای آنروز مثل بچه مودب سر کلاسهای خراب و آزمایشگاههای شکسته و کتابخانه‌های زبر و روده‌بروند و در صورتیکه استادان و همکلاسانشان در سیاه چالهای دستکاه فریاد می‌کنند بجان شما دعا کنند. زهی بی‌وجدانی و زهی بی‌شرفی.

شما در یکی از هزارها مزخرف گوئی خودتان گفته‌اید که دانشجویان همه‌اش از سیاست حرف می‌زنند. اگر باین امید نشسته‌اید که وقتی دانشجویان سیاست را فراموش کردند در دب دانشکاه را باز کنید و گرنه بخیال خودتان وضع را بانظامیگری باین صورت نگاه دارید جلوتر از روزی که نسل جوان مالاشه نشکین شما دستگاهی را که بآن وابسته‌اید از مملکت بیرون بیاندازد دانشکاه باز نخواهد شد.

آقای دکتر امینی بستن دانشکاه کار ساده‌ای نیست جنایت است و شما هرگز این‌لکه ننگ را نمی‌توانید از دامن خود پاک کنید شما از نظر ملت ما محکومید همانطور که این عمل را که برای سرسپردگی به بیگانه و انجام آنچه استعمارگران می‌خواهند چنین جنایاتی را انجام می‌دهند و دانشکاه را تعطیل می‌کنند هرگز نخواهد بخشید و این را بآبدانید که خواه ناخواه اراده ملت ما پیروز می‌شود و شما مجبورید تسلیم اراده ملت شوید و آنوقت مردم شما سرسپردگانی را که اعتراض جوانان بی‌پناهی را با کلبه و سر نیزه پاسخ می‌دهید بس هولناک کیفر می‌دهد. دیگماتورها، مقاومت مذبوحانه شما در مقابل اراده ملت بقیامت سنگینتری از جان و مال مردم مآتمام می‌شود تفاوت کافی است و بررحمی بس است. باراده ملت تسلیم شوید. دیگماتورها مجبورید دانشکاه، خانه امید ملت را بدون وقفه و شرط باز کنید. این نسل جوان نخواهد بود که تسلیم قانون شکنی‌های شما شود بلکه این شما خواهید بود که لگد کوب فهرمانان نسل جوان بهمن ما خواهید شد.

## بقیه آقای مطلع و گمدی

روزنامه کثیرالانتشار عصر و فلیل‌الانتشار صبح بنشر مطالبی یک رنگ از طرف صنوف مختلف از جمله صنف رمال-صنف بامیه فروش و... پرداختند. هیئت حاکمه که از پی گیری دانشجویان در مبارزه بخاطر آزادی و استقلال بجان آمده و زخمهای سنگینی برداشته است خواست تا با ایثار یکمشت ناسزا و تهمت بسدانش-جویان مرهمی بر دل ریش خود گذارد بنابراین از هم آهنگی مغز هیات حاکمه و قلم آقای «مطلع» بنام صنوف فوق‌الذکر مطالبی منتشر شد که همه دیدیم و احتیاجی بتوضیح نیست.

اما این بار یعنی بعد از حادثه دانشکاه و اشغال ظفر نمون! آن وسیله واحد نیرومند چتر باز و در هم شکستن همه مواضع خطرناک آن یعنی لابوراتورها کارگاههای فنی-کتابخانه‌ها و... آقای «مطلع» دستپاچه سراغ «اولیاء» دانشجویان رفت و از آنها برای توجیه پیروزی بزرگ! واحد چتر باز کهک خواست اینبار چون افق تاریک و اوضاع خیلی خراب بود آقای «مطلع» تصمیم گرفت بغیر از فعالیت‌های «قلمی» بکوششهای علمی بپردازد بنابراین سراسیمه سراغ ۲۸ هزار «اولیاء» دانشجویان رفت و از آنها خواست که حضور آقای نخست وزیر شرفیاب شوند و از اعمال فرزندان ناخلف خود پوزش بخواهند و ضمن آن تقاضای افتتاح دانشکاه را بنمایند.

همه کارها درست شد، اولیاء دانشجویان هم قبول کردند بروند و در حضور نخست وزیر محبوبشان بفرزندان خود خائن و وطن فروش هم بگویند اما یک اشتباه کوچک رخ داد و آنهم بعلمت دستپاچگی آقای «مطلع» بود و متاسفانه اطلاعات وسیع آقای نخست وزیر هم نتوانست آنها را اصلاح می‌نماید.

ماذیلا آنها برای همه فاتحین! دانشکاه اصلاح میکنیم. برای دانشجویان لغت «اولیاء» را بکار بردن اشتباه است زیرا حد متوسط سن در دانشکاه تهران ۲۳ سال است و هیچ آدم عاقل و با سواد برای یک انسان ۲۳ ساله «ولی» قائل نمی‌شود زیرا سازندگان کمدی «اولیاء دانشجویان» یا از شرع مقدس اسلام پیروی می‌کنند یا از قانون مدنی ایران بردو حال انسان ۲۳ ساله را عاقل و ذی شعور معرفی کرده و آنها بسی نیاز از «ولی» می‌داند (میزان تحصیلات را هم در نظر نمی‌گیریم) اما چه می‌شود کرد که هیات حاکمه ایران و گردانندگان آن نه بحقوق اسلامی معتقدند نه بحقوق مدنی ایران. و نه این حقیقت مسلم را می‌خواهند بپذیرند که اکثریت قاطع دانشجویان از لحاظ میزان معلومات و رشد اجتماعی از پدران و مادران خود جلوتر هستند و نیاز براهنمائی در امور سیاسی و اجتماعی ندارند.

## بقیه استادان

دانشکاه جناب آقای دکتر فرهادی حضور ایشان رفتند و در ضمن بیان خواسته‌های خویش از استقامت استادان خود قدر دانی و سپاسگزاری کردند و اظهار داشتند که روش استادان ما و استقامت ایشان در این وضع خطیر و در حالی که سازمان امنیت و پلیس از همه جانب بر ایشان بطور غیرقانونی فشار می‌آورد و هر روز بنام و از طرف ایشان در روزنامه هادروغ می‌نویسند و اعلامیه صادر می‌کند.

بسیار قاطع و انسانی و از روی واقع بینی و در خوریک استاد دانشکاه بوده است.

## بقیه خلاصه از اعلامیه

درخشش وزیر کابینه امینی بر اخراج ۱۴ نفر از دانش آموزان مبارز دبیرستانهای دارالفنون و مروی (بجرم میهن پرستی!!) و ایجاد تضيیقات در امر تحصیل دانشجویان دانشسرای عالی بفرمان کمیته دانشجویان دانشگاه وابسته بجهت ملی اعتصاب کردند ولی از آنجائیکه مبارزات پیگیر جوانان پرشور دانشگاه چون خاری چشم هیئت حاکمه دون صفت را آزار میدهد این بار نیروها، زمین و هوایی را همانند لشکر چنگیز بدانسگاه یورش دادند ... مسخره است که هیئت حاکمه برای ادامه سلطه جابرانه خود جبهه ملی ایران را که برای احیاء مشروطیت واعاده حکومت بملت با پشتیبانی همه مردم شرافتمند این سرزمین بمبارزه برخاسته است یکرروز توده ای وروز دگر مخالف اصلاحات ارضی و سپس معجزی از ایندو معرفی میکند در حالیکه جبهه ملی نه تنها با اصلاحات ارضی که در کشور انجام شود مخالفتی ندارد بلکه قیام آن برای سرانجام نیک و سامان دادن به بیسر و سامانیهای اوضاع میهن است . جبهه ملی مالکیت بزرگ را یکی از موارد بی سر و سامانی میدانند و بهیچوجه نمیتوانند با مالکین حریص که بکشاورزان بجای نان ضربه شلاق تحویل میدهند سازی داشته باشد ....

ما بنام ملت ایران اعمال ننگین دولت غیر قانونی امینی را محکوم میکنیم... و تا پیروزی نهائی از بیکار دست نمی کشیم .

«قسمتی از اعلامیه کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته بجبهه ملی ایران مورخ ۱۱/۱۱/۴۰»

## دانش آموزان تضيیقات هیئت حاکمه را تحمل نخواهند کرد

.... هیئت حاکمه باید بدانند اگر دست از این توطئه ها برندارد و قاتل حقیقی دوست شهید مارا مجازات ننماید و دوستان زندانی مارا آزاد نکند و از اخراج دانش آموزان و تجدید نام نویسی در دبیرستان علمیه و انتقال معلمین شرافتمند خودداری ننماید با مقاومت شدید تر کلیه دانش آموزان روبرو خواهد شد.

و ما هم اکنون اعلام میکنیم که مسئولیت هر واقعه ای که اتفاق افتد متوجه همان عوامل مزدوری است که مذبحخانه تضيیقات فوق را برای جلوگیری از مبارزه حق طلبانه برادران ما ایجاد میکنند ...

«قسمتی از اعلامیه دانش آموزان عضو سازمان جوانان جبهه ملی ایران»

## واژگون باد حکومت جور و ستم

..... دستگاهی که پسر و دختر دانشجورا در محیط دانشگاه بدون سلاح و دفاع بگلوله بسته و آنها را با سرنیزه و دیگر سلاحها در کلاسهای

## بقیه فاجعه روز اول

دبیرستانها بدستور وزیر غیر قانونی فرهنگ و مضیقه گذاشتن دانشجویان دانشسرای عالی در امور تحصیلی دانشگاه تهران اعتصاب نموده و در کمال نظم و آرامش مثل همیشه در محوطه دانشگاه میتینگی برپا نموده و اعلام داشتند که جهت اعتراض بوزیر غیر قانونی فرهنگ به طرف وزارت فرهنگ خواهند رفت ولی همان پجه های خونینی که در ۱۶ آذر ۳۲ دانشگاه رباخون سه تن از ارزنده ترین جوانان ما رنگین نموده بود . این بار نیز در مقابل اعتراض قانونی دانشجویان تساب نیاورد و طبق نقشه قبلی ما بدانسگاه هجوم آوردند. در این روز شوم از صبح زود کامیون های حامل نیروهای مسلح نظامی شامل چتر بازو سرباز کماندو و دربان همراهمیون های پلیس دور تا دور دانشگاه قرار گرفته و دانشگاه را در محاصره داشتند و همین محاصره عظیم نظامی خود موبد نقشه های قبلی دست های شومی بودند که میخواستند نقشه های خود را عملی سازند . این دست های شوم که بعدها هزار عنوان ولقب گرفت دست خونینی بجز دست جنایتکار هیئت حاکمه فاسد نبود و امینی هم بعنوان عضو این دستکاه و زمامدار وقت مسئولیت مستقیم راه بعهده داشت .

دانشجویان مانند همیشه در نهایت نظم و آرامش میتینگ برپا داشته بودند که ناگهان آرامش و نظم آنها را هجوم چنگیزوار نظامی های دانشگاه بهم ریخت و با کلوله و سرنیزه و تفنگ و باتون و بلاک جک (اسلحه جدیدی است که بر علیه کانکسترها بکار می برند ) بداخل دانشگاه هجوم بردند و بدانسجویان بی پناه و بی سلاح و دانشگاه حمله نمودند . و با وحشیگری تمام سرو صورت و شکم دانشجویان را با سرنیزه باره نمودند. با کلوله و تفنگ تفنگ دختران و پسران دانشجوی بسی پنا. را خونین و نقش زمین می ساختند و در دانشکده ها نیز بتعقیب دانشجویان پرداخته و کلاسی بکلاسی مغول وار دختران و پسران را با سرنیزه و تفنگ و کلوله مجروح و نقش زمین می نمودند. و در حین انجام این جنایات بویران نمودن انائیه و ابنیه دانشکده ها

درس و پشت میز آزمایشگاهها ساعتها زجر و شکنجه میدهد و مجروحین را در حال بیهوشی و فریاد و فغان بچوب می بندد و ساعت و موجودی نقدی آنها را در این حال بغارت میبرد و مجروحین را از روی تخت بیمارستان کوچک دانشگاه به زیر لگد می اندازد و ..... اکنون در مقام انتقامجویی از ملت برآمده و با وحشیگری بیشتری بادامه اینهمه تجاوزات ضد انسانی اصرار میورزد .

.... ملت ایران تا برانداختن حکومت ظلم و ستم از پای نخواهد نشست ...

«قسمتی از اعلامیه هیئت اجرایی جبهه ملی ایران بعد از فاجعه دانشگاه»

پرداخته و بداخل آزمایشگاهها، کتابخانه ریخته . هر چه بدستان میرسد از کتاب و میکروسکوپ و لوازم آزمایشگاه گرفته تا میز و تخت و صندوق خورد میکردند. و با این ترتیب داروندار ملت فقیری را بتاراج میدادند.

نظامیها در دانشکده ها نه تنها بدانسجویان حمله می بردند بلکه استادان محترم دانشگاه و حتی کارمندان اداری کتابخانه ها و ادارات دانشکده ها را نیز همچون دانشجویان بی پناه بسختی با سرنیزه و تفنگ تفنگ مورد حمله و ضرب و جرح قرار میدادند. در دانشکده حقوق پس از این یورش خونین دانشجویان رابخط نموده و مجبور ساختند تا از میان صفی از نظامیها عبور نمایند و در طول صف بشدیدترین وجهی آنها را میزدند که خیلی ها در طول این صف بی جان بر زمین افتادند که کشان کشان آنها را بسوی کامیون های پلیس میبردند.

در باشگاه دانشگاه حتی دانشجویان خارجی را که در دانشگاه تهران تحصیل می کنند مورد ضرب و شتم و وحشیانه ای قرار دادند و در آخر کار ساعت و پول و سایر اشیاء دانشجویان را قاتحین بغنیمت با خود میبردند.

در گوشه و کنار دانشکده ها کیسوان دختران دانشجو را بدست گرفتند و روی زمین باین طرف و آنطرف میکشیدند. مناظر شرم آور و جنایت باری که در دانشگاه دیده میشد حتی در جنگ های بزرگ جهانی در هیچ کشور اشغال شده ای نظیر نداشت.

کف دانشکده ها و خیابانهای دانشگاه از خون دانشجویان رنگین شده بود و در هر گوشه ای دانشجویی بحال اغماء افتاده بود و یا عده ای نظامی بسردختر یا پسری دانشجو افتاده بودند و وحشیانه بانکد و سرنیزه و هزار وسیله دیگر او را سوراخ سوراخ میکردند .

حقیقتا هیچکس نمی تواند این مناظر وحشتناک را حتی بنظر آورد ولی جنایاتی در روز اول بهمن صورت گرفت که از شنیدن آنها موی پسر تن انسان بلند میشود .

در واقع دانشگاه منظره میدان جنگ حقیقی را پیدا کرده بود و دانشجویانی که حال بهتری داشتند دوستان زخمی و در حال اغمای خود را بدوش میکرفتند و از مهلکه بدر میبردند و بطرف بیمارستانها روان میشدند .

نظامیها نیز یا با سرنیزه افراد را میزدند یا اشیاء را خورد میکردند و دانشجویان را با سارت میبردند .

هنوز میزان خساراتی که روز یکشنبه بدانسگاه وارد آمده معلوم نیست و از سرنوشت دهها دانشجو که روبه مرگ بودند خبری در دست نیست و فقط آینده میزان جنایات دستکاه جا بسر استبدادی را معلوم خواهد کرد .

چاپ جبهه ملی ایران

# درود فر او ان بدانشجویان و دانش آموزان زندانی

سربازان فداکار جبهه ملی ایران

# پیام دانشجو

ارگان رسمی دانشجویان  
دانشگاه تهران وابسته بجمهره  
ملی ایران

سه شنبه ۲۹ اسفند قیمت ۶ ریال

## تبریک

فرا رسیدن نوروز یادگار تمدن درخشان ایران کهن را ب همه مردم این سرزمین شادباشی  
گفته آرزو داریم سال نو سال بازگشت آزادیهای ملت ایران و سال تجدید پیروزی های نهضت  
ملی باشد.  
هیات تحریریه نشریه پیام دانشجو

## ادعاهای پوچ

هیات حاکمه ماسک میاندازد، فریب وریسا  
بدنبال فریب وریا، بازیهای کهنه ارتجاع را تکرار  
بقیه در صفحه ۵

## از پیام رادیوئی جناب آقای دکتر مصدق

در ساعت ۱۰ بعد از ظهر روز ۲۹ اسفند  
۱۳۳۰ ( یکسال بعد از ملی شدن نفت)  
خطاب بملت

... آوازه همت و عزم خللناپذیر شما  
در کستن زنجیرهای استعمار اقتصادی به گوش  
جهانیان رسیده است و خواهد رسید و همه  
خواهند دانست که روح ایرانی از ماورای تاریخ  
کهن چندین هزار ساله ای از نو درخشیدن  
گرفته و روزهای زبونی و ناتوانی خویش را  
اینگ پشت سر گذاشته است - هیچ چیز جز  
اراده آهنین شما نمیتوانست این زنجیرهای  
جان فرسا و کران را از میان بردارد. تقویت و  
احساسات صمیمانه هموطنان عزیزم کار نرفت را  
بدانجا کشید که قوه فانوسگذاری مملکت  
بمتابعت از افکار عمومی ملی شدن نفت و  
قانون اجرای آن را باتفاق آراء تصویب کرد

تاشرکت نفت در ایران هست ملت ایران نخواهد توانست از استقلال  
سیاسی و اقتصادی خود بهره مند شود و آرزو می کردم روزی فرارسد که  
ملت ایران بتواند این زنجیر بدبختی و این حلقه اسارت و عبودیت  
را پاره کند\*  
از نطق دکتر مصدق هنگام طرح قانون ملی شدن نفت در مجلس  
سه شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۲۹

## ((۲۹ اسفند روز تجلی اراده ملت))

اگر روز بیست و نه اسفند ۱۳۲۹ شمس را با روزی چون ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمری  
یعنی روز غلبه آزادی بر استبداد، روز پیروزی رزمندگان راه مشروطیت بر حاکم نشینان مستبد  
تهران برابر شماریم سخنی بکزاف نرفته است و هر گاه مصدق را بعنوان برجسته ترین ادامه دهند  
سنتهای رزمی انقلابی مشروطه بشناسیم بواقعیتهای مسلم دست یافته ایم زیرا هنگام استقرار مشروطه  
ملت درک کرده بود که بدون آزادی یعنی بدون دردست گرفتن سرنوشتش هر گونه اقدام اصلاحی  
در زمینه بهبود وضع ملت بمثابه نقشی است که خواجه برایوانی ویران مینشاند  
درست سالها بعد هنگام اوج مبارزه ضد استعماری مردم ما، بهنگامیکه شرکت سابق نفت  
یعنی فعال مایشاء کشور، یعنی غارتگر عظیمترین منابع زیرزمینی ما خط اصلی مبارزه را برای ملت  
تشکیل میداد و هیچ اقدامی مقدم بر درهم شکستن این پایگاه استعماری نبود و در این مجلس  
طنین افکند که: «تا شرکت نفت در ایران هست ملت ایران نخواهد توانست از استقلال سیاسی و  
اقتصادی خود بهره مند شود» هدف معلوم و راه مشخص شد و اراده ملت این بود که از استقلال اقتصادی  
و سیاسی خود بهره گیرد.

چنین شد و در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن نفت یعنی قانون استقلال ایران تحت  
فشار افکار عمومی بتصویب رسید\*  
بدنبال این پیروزی منافع دشمنان خارجی و ایادی داخلی آنها بخطر افتاد و بخاطر نفع  
پایدشان متحدان بتوطئه پرداختند و موقتا بر نهضت غلبه کردند اما کدام عقل سالمی است که نداند  
شکست ملت موقتی و زودگذر است و باز نداند که شکست قطعی از آن کسانی است که برخلاف  
اراده ملتها یعنی برخلاف سیر طبیعی تاریخ کام مینهند.

## مسئله کودتا

امروز دو موضوع اساسی را در مورد وضع حکومت  
کشور ما همه می دانند: از سیاستمداران و طراحان  
بقیه در صفحه ۶

## نسل جوان نغمه

### آزادی را می سراید.

هیچ دشمنی بدتر از مستبیدی نیست که دولت  
را در دست داشته باشد بدلیل آنکه در تحت  
تسلط وی هیچ نوع قوانین عرفی وجود  
نخواهد داشت بلکه تنها یک نفر حکومت میکند  
که قانون را درست خویش گرفته است «  
اوربید

در کشورهای استعمار زده ای چون ایران نقشی  
بقیه در صفحه ۳

## ((کنگره دانشجوئی پاریس))

... اقرار کنیم که در این مرحله از مبارزات  
ملی نقش دانشجویان و جوانان روشن بین ورشید  
بقیه در صفحه ۶

## اصلاحات ارضی یا طرح هیات حاکمه برای نجات سرمایه مالکین

منظور از اصلاحات ارضی و تقسیم زمین  
برچیدن بساط ارباب و رعیتی و جایگزین طرز تولید  
نوین کشاورزی است  
بقیه در صفحه ۴

## ریشه ظلم و ستمگری جز با تیشه آزادی کننده نخواهد شد

از ملك المتكلمين

## خطابه آزادی

هر کس خدای خود را در یکی از صفاتش ستایش  
می کند زیرا صفات خدا عین ذات اوست. من  
پروردگار خود را در مظهر آزادی پرستش می کنم و  
معتقدم بزرگترین مواهب رحمانی در این مظهر صمدانی  
تجلی یافته و بالاترین موهبتی که خداوند ببندگانش  
عطا فرموده آزادی است زیرا بدون آزادی بشر بر سر  
منزل کمال مطلوب که خداشناسی است نائل نخواهد  
شد و بر موز حقایق فلسفه وجودی نخواهد بود و در  
دنیا و آخرت رستگار نخواهد شد

بقیه در صفحه ۵

## ((دیروز و امروز))

راه تاریخ برای مردم کشور ما راهی پرفراز  
و نشیب بوده است راهی که در طول آن قهارها و  
فهرمانها، برنجها و شادها، اسارتها و آزادیها و  
بالاخره شکستها و پیروزیها کام برداشته اند سرزمین  
ما شاهد نبردهای پرشکوهی بوده که در پهنه آن  
مردانی شکست ناپذیر و آهنین چون بابک و مازیار  
چهره نموده اند ایستادند و مردند لکن حماسه ای پدید  
آوردند که چون کردبادی شکنده طومار حیات اسارت  
و غلامی را در هم پیچید. اما همان هنگام آدمکهای  
زبونی هم بودند که با مر منافعشان سلطه مهاجم را  
کردن نهادند و شرفشان را در محراب نشکین حیاتشان  
قربانی کردند \*

بقیه در صفحه ۲

## در و بدکتر مصدق پیشوای زندانی ملت

بقیه دیروز و امروز

بر کیفیت زندگی قلم بطلان کشیدند و کمیت آنرا زیر سرپوشی ازادبار پنهان نمودند این عظمتها و پستیها، این شایهها ورنجها، این شهدا و شرنکها مختص يك دوره از تاریخ ما نبود بلکه زمان ما هم مشحون از این تضادها است. در همه ادوار تاریخ دیده ایم و خواهیم دید مردانی را که قیافه آنها الهام بخش راهسپاران صحنه تاریخ است و باز بقیافههایی برخوردار خواهیم کرد که برجین آنها داغ ننگ نشسته است. روزهای را می شناسیم که غم فرسا و جانکدازند و دقایقی را بخاطر می آوریم که یاد آن بسی پرشکوه و دلگشا است. نبرد باشکوه ضد استبدادی و در نتیجه ضد استعماری مردم کشور ما که منتج به استقرار حکومت مشروطه و حاکمیت قانون بر اراده های فردی گردید یکی از این روزها و خاطره فرمانانی چون ستارخان و باقرخان صوراسرافیل و قاضی ارداقی چون تاج افتخار بر تارک این روزها می درخشد.

قسمت اعظم مشروطیت ما مربوط بدورانی است بنام «استبداد صغیر» که شباهتی تام با «استبداد کنونی» یعنی اوضاع و احوالی که فعلا با آن دست بگریبان هستیم دارد. ملت ایران آنروز بخوبی درک کرده بود که بدون وجود دمکراسی و جانشینی اراده ملت بر خواستهای فردی حتی تفکر در ساره تقلیل بدبختیها عبت و بیبوده است مردم میخواستند که در تعیین سرنوشتشان شرکت جویند. راه نائی هم وجود نداشت. ملت می دانست که مدتهاست هیات حاکمه خود را در مقابل تضمین ادامه چپاولش باستعمار فروخته و آنها را هم در این غارت شریک کرده است. اقتصاد ملی ما که در دوره های گذشته رونق داشت مثل امروز بپوششگی کشیده شده بود زندگی پارچه بافان اصفهانی بعلمت ورود امتعه خارجی به محنت و فلاکت رسیده بود بچه های نخریسان اصفهانی در کوچه و بازار می خواندند که: هر که را کارش بود بافندگی. مردنش بهتر بود از زندگی زندگی دهقانان هم بهتر از پارچه بافان شهر نبود ریشه و ارتشاء که از خصوصیات حکومت بی بندوبار فردی است تا ریشه در اعماق دستگناه حکومت رسوخ نموده بود خرید و فروشی مناصب و مشاغل بازاری گرم داشت. ظلم و ستم بخصوص نسبت بروشنفکران بیداد میکرد مانند امروز بی درپی و امهائی که رشکن خارجی در مقابل حراج امتیازات داخلی بعلمت ما تحمیل می شد. سرنوشت مردم کشور مادردست سرفرای خارجی و روی میز سفارتخانه ها جلو فصل میگردد کشور ما بسوئی میرفت تا برای همیشه استقلال آن از صفحه تاریخ محو گردد. در يك چنین شرایط ملت ایران تصمیم گرفت که خود حاکمیتش را در دست گیرد قیام کرد و در تاریخ ۱۳۲۴ قمری فرمان آزادی فرمان مشروطیت را بدست آورد مجلس تشکیل شد و از آنجا که دست ملت حکومت میکرد بقطع ریشه فساد گذشته پرداخت. اخذ هر گونه وام و دادن هر گونه امتیازی را ممنوع نمود دشمنان داخلی و خارجی که منافع خود را در خطر میدیدند بتوطئه پرداختند و در سال ۱۳۲۶ قمری بفرمان محمد علی شاه و بادست لیاخف خانه ملت را بتیوب بستند لکن کار خاتمه نیافت چند روز بعد ضرورت تاریخ در طنین صدای ستارخان از محله امیرخیز آشکار گردید جنبش از محله فرمان پرور امیرخیز آغاز شد و بعد از ۱۳ ماه پارتک انابک در تهران خاتمه یافت.

يك سند تاریخی

دکتر فاطمی و ملی شدن

نفت

این نامه را جناب آقای دکتر مصدق در باره حسین فاطمی شهید راه ملی شدن صناعت نفت مرفوم فرموده اند.

«اگر ملی شدن صناعت نفت خدمت بزرگی است که بمملکت شده باید از آن کسی که»  
 «اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد»  
 «و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی»  
 «است که روزی در خانه جناب آقای نریمان»  
 «پیشنهاد خود را داد وعده نمایندگان چیه»  
 «ملی حاضر در جلسه آنرا با اتفاق آراء»  
 «تصویب نمودند رحمت اله علیه که در تمام»  
 «مدت همکاری با اینجناب حتی يك ترك اولی»  
 «هم از آن بزرگوار دیده نشد»

«دکتر محمد مصدق»

در طول این ۱۳ ماه یعنی از ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری تا ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ملت ایران مردان ارزنده ای چون قاضی ارداقی صوراسرافیل ملک المتکلمین را از دست داد ولی در قبال آن حاکمیت ملت را بجای حکومت فردی مستقر نمود.

حالا آقای امینی روی سخن ما با شما صدراعظم حکومت قانون شکن و مستبد کنونی است. شما مانند خلف صدقتان عین الدوله مدعی هستید که ملت ایران مشروطیت و مجلس لازم ندارد و مستبدان هم بی ترتیبی ها و خلافکاریها و تقلبها نیست که در انتخاب نمایندگان آن صورت میگیرد ما هم خوب میدانیم که مجالس ملی کمتر داشته ایم اما برخلاف شما با علت آن هم بخوبی آشنا هستیم این دستگناه حاکمه و نماینده آن دولتها هستند که نمی خواهند نمایندگان واقعی ملت بمجلس بروند این دهقانان کشورمان هستند که بارضا و رغبت فتوادالها این زالوهای خونشان را به مجلس می فرستند این سرنیزه ژاندارمهای شماس است که بکمک فتوادالها می شتابد شماسر نیزه ژاندارم را از پشت دهقانان ما بردارید خواهید دید که بخوبی بوظیفه خود آشنا هستند حتی خواهید دید که برای احقاق حق مسلمشان احتیاجی هم به لایحه باصطلاح ارضی شما نخواهند داشت.

این روشنفکران مان بودند که رای دادند و مجلسی ساختند که پیروزیهایشان را بر باد دهد بلکه این دولت بود که مجلس ساخت و شمامه وزیر دارائی آن بودید و از همین مجلس هم تقاضای تصویب قرارداد ننگین کنسرسیوم را کردید و در آنروز بهیچوجه هم بعلاحت آن پارلمان ایراد نکرد قنید چرا؟ زیرا آن روز منافعتان ایجاب می کرد و برخلاف اتهاماتی که بدیگران می زدید می خواستید بهر قیمتی شده بر مسند وزارت تکبیه زنید اگر چنین نیست بما پاسخ دهید چرا در آنروز شما که باستناد اطلاعات گذشته تان امروز همه مجالس را فرمایشی قلمداد می کنید و بس شک مجلسی را که قرارداد کنسرسیوم را تصویب نمود جزء آن بشمار می آورید و در شهادت هم زبان زد حتی روزنامه های خارجی هستند اعلام نمودند که این مجلس قلابی است و صلاحیت رسیدگی با امر خطیری را که ملت در

باره آن تصمیم نهائی گرفته است ندارد. اما چرا اکنون دلتان بحال ملت سوخته و نمی خواهید مجلس داشته باشد زیرا نمی خواهید فتوادالها در آن راه داشته باشند علت هم برای شما و هم برای ملت کاملاً روشن است انگیزه شما در تعطیل مشروطیت بعنوان هراس از فتوادالیزم بهانه ایست که هر کودک نا آشنا با مسائل اجتماعی آنرا بخوبی درک می کند شما خوب می دانید هراس شما از فتوادالیزم نیست بلکه وحشت شما از جنبشی است که پس از هشت سال اختناق سال قبل آغاز شده و امسال تکامل یافته و می رود تا بآرمانهایش تحقق بخشد اگر چنین نیست چرا زندانهای شما بجای فتوادالهای مداخله جو از استادان باشرفر چون صدیقی ها سنجابی ها و آذرها و حبیبی ها پر شده است اگر چنین نیست چرا صدها تن از دلیرترین دانشجویان، این جوانترین و خلاقترین نیروهای کشور ما را بزندان گسیل داشته اید و عظیمترین سنگر ضد فتورالی کشور یعنی دانشکاه را تعطیل کرده اید؟

شما میدانید که شروع انتخابات با تجلسی نیروی ملت همراه خواهد بود و باز بهتر میدانید که هر گاه مجلس بدون حضور نمایندگان ملت افتتاح شود علاوه بر عدم امکان ادامه حیات رسوائی بزرگی بر طومار رسوائیهای هیات حاکمه خواهد افزود اما چنانچه نمایندگان از طرف ملت تحت فشار افکار عمومی بمجلس راه یابند فساد دوره ۸ ساله کودتا بر ملا خواهد شد و خیلی ها به بازخواست کشیده خواهند شد که یکی از آنها خود شما هستید این بن بست است که در آن گیر کرده اید و این آن واقعیتی است که هرگز بیان نمیکنید. بدین علت مجدداً استبداد محمدعلی شاهی را علم کرده اید ولی در اینکار همانقدر توفیق خواهید یافت که مستبدان «استبداد صغیر» یافتند و دوران آن همانقدر طولانی خواهد بود که دوران «استبداد صغیر» بود.

زیرا ملت ایران فریب ۵۰ سال قبل با استبداد پاسخ گفته است و با استقرار حکومت مشروطه رشد اجتماعی خود را بشیوت رسانیده همه کسانی که میخواهند یکبار دیگر بساط حکومت دیکتاتوری را بکسترانند بایدانند که مدتهاست تاریخ در جهت انهدام اراده های فردی متحرک است.

ملت ایران از دیرباز راه خود را انتخاب کرده و هرگز نمیخواهد کارگران ناسج اصفهانیس مانند دوران ۸ ساله کودتا و پارچه بافان دوران استبداد مغلوب و ستمکشیده باشند مردم ما میخواهند برخلاف امروز از دود کش کارخانها دود بر خیزد و این نشانه رونق صنایع داخلی شان باشد.

مردم ما میخواهند برخلاف امروز روشنفکرانشان ارجمند و عزیز باشند نه زندانها از استادان و دانشجویان پر شود.

مردم ما میخواهند فرهنگ کشورشان از قید اسارت استعمار نجات یافته و روز بروز بسط و گسترش یابند نه مانند امروز دانشگاهها و مدارسش بدست تعطیل سپرده شوند.

مردم ما میخواهند دهقانان نشان عملا صاحب زمین شوند نه مانند امروز بجای زمین حرف تحویل گیرند مردم ما میخواهند در امور مملکتی اظهار نظر کنند نه مانند امروز حق انتشار حتی يك روزنامه حقیقی را نداشته باشند.

خواستهای بالا با اصلد و خصوصیات حکومتهای استبدادی متضاد و متغایر است و بهمین دلیل تنها دولت هائی میتوانند بدانها جامه عمل بپوشانند که مبعوث ملت باشند آنچنانکه بسیاری از آنها در دوران اول مشروطه و در زمان حکومت ملی مصدق که نماینده ملت بود تحقق پذیرفت ولی در دوران استبداد و دوران ۸ ساله کودتا شکل نیافتند

**بقیه نسل جوان**

عظیم و تاریخی در مبارزات راه آزادی بهمه روشنفکران مخصوصا دانشجویان که گروه بزرگ متشکلی از روشنفکران را تشکیل می دهند گذارده شده ، دانشجویان ایران با این نقش تاریخی بخوبی واقفند و مبارزات پی گیر آنان تا کنون نشان دهنده این وقوف بوده است . و از پیش فراوان نهضت آزادی ملت ما بوده سرسختانه بادشمنان مردم ما جنگیده اند نه تنها روح سازش با هیئت حاکمه فاسد ایران در میان آنان رسوخ ندارد بلکه از همان اوان مبارزه تمام دستها را امیان خود و این ایادی استعمار بریده ، در صفی مقابل آنان قرار گرفته اند . از آنسوی پیوندهای خود را با ملتشان مستحکم کرده و اکنون در صفوف مقدم نهضت ملی ایران جای دارند ، از طرفی هیئت حاکمه فاسد ایران دشمنان پیگیر خود را بخوبی می شناسد . و می داند با وجود چنین دشمنانی اداء حیات مختصر من روز بروز غیر ممکن می گردد . و از آنجهت است که می کوشد تا این سدهای عظیم و استوار را حتی بغنیمت ریختن خون جوانان از میان بردارد . و راه را برای ادامه حیات ننگین خود هموار سازد . یورش و تاخت و تاز بدانسگاه نمونه این تلافی مذبحخانه می باشد . کشتار ، ضرب ، جرح ، و بزننجیر کشیدن مبارزان مانده تنها نتوانسته مبارزات آزاد بخوانه این رزمندگان را متوقف نماید بلکه اکنون بیش از همه وقت سفوف فترده و متشکل آنان سدی عظیم مقابل اعمال ضد ملی دیکتاتورها است .

هیئت حاکمه خائن ایران هموقت با نظر خصومت بدانسگاه این مرکز پرورش روح جوانان می نگرسته ، ولی عبت است اگر بیندیشد بایستند دانشکاه جلوی مبارزات حق طلبانه جوانان ما را خواهد گرفت . نسل جوان ما نقش تاریخی خود را در سخت ترین شرایط اختناق کنونی ادامه می دهد . پیروزی از آن کسانی است که در راه حق و حقیقت می جنگند . استبداد که تحت تسلطش هیچ نوع قانون و عرفی وجود ندارد می داند که باید برای ادامه حیات خود فریاد حق طلبانه مردم ما را خاموش سازد ، نسل جوان ما بخوبی می داند وقتی پیروزی ممکن است که ریشه های دیکتاتوریم و ایادی استعمار را قطع نماید . از آنروست دیکتاتورها تلافی می کنند تا همه جا مبارزات آزاد بخوانه ملت ما مخصوصا نسل جوان را درهم کوبند ؛ و از آنجهت است که نسل جوان ما می کوشد تا طومار زندگی دیکتاتوری را درهم پیچد . ملت ما به مبارزان جوان خود افتخار میکند و جوانان بآرمانهای ملت وفا دارند . و دوشا دوش مردم در راه سرنگون ساختن حکومت جابرو بر سر کار آمدن حکومت ملی دکتر مصدق نخست وزیر قانونی و تحقق بخشیدن به هدف های ملی کام بر می دارند . افق روشن نوید فردای تابناک را می دهد . نسل جوان نغمه آزادی را می سراید . بگذار جلالان دانشکاه بعبت بیندیشند که دانشجویان کرسرود آزادی را ساز نمی کند . بگذار قزاقان فاتح دانشکاه باشک مادران داغدار بخندند ، بگذار بر زمین از خون سرخ شده دانشکاه پایکوبانه برقصند و دمی به پیروزی ظاهری خود شاد باشند . ولی شعله های خشم نسل جوان تا خرمن هستیشان را نسوزاند خاموش نمی گردد ولی فریاد نفرت مردم ما تا بنیان را نلرزاند خاموش نمی شود و مبارزه ما دانشجویان تا پیروزی قطعی و نهائی متوقف نمی گردد .

حیات ننگین دیوانگانیکه تازیانه برتوسن فلک میزند ، زندگی سیاه فهرانی که از ریختن خون مبارزان جوان ابا نمیکنند برآمده . نسل ما نسل مبارزان جوان است قرن ما قرن پیروزی ملتها است زمان ما زمان واژگون شدن بنیان ظلم و بیداد است اگر زنجیر های استبداد از هم می گسلد . از آنروست که افق روشن نوید فردای تابناک را میدهد ، از آنروست که نسل جوان نغمه آزادی را می سراید که افق روشن نوید فردای تابناک را می دهد از آنروست که نسل جوان نغمه آزادی را می سراید .

**بقیه اصلاحات ارضی**

طرز تولید نوین کشاورزی نه تنها مانع حکومت تکاملی صنعت نیست بلکه بار شد هر چه بیشتر صنایع موافق و سازگار است و موقعیت تازه ای که از طرز تولید نوین ناشی می شود کمک بزرگی برای رشد صنعت محسوب میگردد

از لایحه ارضی ارسنجانی - امینی هیچ منظوری جز سرکرمی مردم و فریب دهقانان و خدمت بمالکان بزرگ و حفظ روابط مالک و زارع بچشم نیم خورده و الحاق که ارسنجانی هدف خود و امینی را از تدوین این لایحه خوب بیان کرده است (هدف این قانون نجات خود مالکین و سرمایه آنهاست)

ماده ششم: زمینهاییکه بنا به مقررات این قانون تقسیم و واگذار میشود عبارت است از:

الف- زمینهای دهاتی که در اجرای مواد ۲ و ۳ این قانون مازاد بر حسب نصاب باقی میماند اعم از اینکه از طرف مالک یا مالکین نسبت بآن تقاضای ثبت شده باشد یا نشده باشد .

ب- زمینهای موات

پ- زمینهای بایر

آقای ارسنجانی در تغییر لایحه ارضی میگوید (دهاتی در حدود ۲۰ هکتار باشد ولی در فاصله معینی از هم قرار گرفته باشد و از ۳۰۰ هکتار تجاوز نکند بعنوان ده شش دانگ در تملک مالک خواهیم گذاشت)

این آن چیزی است که بیشتر شامل بندهای ماده ششم می شود و آنچه ارسنجانی - امینی از مالک میخرند و نازشست میدهند زمینهای موات و بایر است

آقای ارسنجانی زمینهای موات و بایر را میخرد و با سود صدی ده ۱۰٪ بزارعین واگذار میکند چنین است خدمت بزرگ ارسنجانی - امینی بزارعین ایران .

**ماده پانزدهم:** وزارت کشاورزی موظف است املاک انتقالی را بلافاصله به کسانی که مشمول دریافت زمین هستند ببهای خریداری شده باضافه حداکثر تا میزان ده درصد واگذار و بهای آن را در ظرف مدت ۱۵ سال با قسط مساوی و سالیانه بوسیله بانک کشاورزی دریافت نماید .

و اما زمینها را بین چه کسانی و چگونه تقسیم میکنند .

**ماده شانزدهم:** زمینهایی که بنا بمقررات این قانون تقسیم می شود بر رئیس خانوار انتقال داده می شود و در واگذاری اراضی از لحاظ تقدم بترتیب زیر رعایت می شود .

الف- زارعین هر ده که از همان زمین بزراعت مشغولند و مقیم در آن باشند .

ب- بزرگترانی که در آن ده بامر زراعت مشغول می باشند .

ت- کارگران کشاورزی مقیم منطقه تقسیم .

ث- افرادی که داوطلب کار کشاورزی باشند .

اسم کارگر دهقان و بزرگتر برای خالی نبودن عریضه و فریب مردم آمده است و الا زارعی که برای نیم سیر کردن شکم خود و خانواده اش در طول زندگی محصول ۳ تا ۵ سال بعد اربالک و سایر مفتخوران ده و شهر پیش فروش کرده است و پول را باریج ۵۰٪ و گاه بیشتر از بایخوار و مالک و پیشه ورده و طرف شهری تفزیل می کند با کدام پول می تواند زمین را از مالک بخرد

شاید آقای ارسنجانی میگوید وقتی زمین را از مالک خریدیم و با سود ۱۰٪ بزارع فروختیم او و خانواده اش از شدت حوشحالی چند برابر کار می کند و در برابر کمتر می خورد تا پول زمین پرداخت شود .

بسیار خوب ولی بزرگرو کارگر دهقان پول چگونه و از کجا فراهم کند بقیه در صفحه ۴

**بقیه کنگره دانشجو**

این کوشش است . اول ژانویه ۱۹۶۲ برای همه دانشجویان ایرانی میتواند روز بزرگ و نسیان ناپذیر باشد

هیئت های نمایندگی فدراسیون های دانشجویی از همه جای اروپا و نیز امریکا در پاریس گرد آمدند و با خود نمایندگان سازمانهای دانشجویی کشورهای خارجی به بحث و مشورت درباره امور صنفی و مبارزات ملی ایران پرداختند و مخصوصا صاعلی رغم تحریک و اخلال جمع معدودی که بدون تردید جز عوامل و ایادی دشمنان آزادی ملی و وحدت دانشجویی نامی نخواهند داشت بکوشش خلاق و ثمر بخش خود ادامه دادند و کنگره راه پیروزی کامل رساندند .

ملت ایران و مخصوصا دانشجویان دانشکاه های ایران بهترین ، دلگرم ترین سلامهای خود را نثار کنگره کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و امریکا می کنند .

دانشجویان دانشکاه تهران و شهرستانها از اینکه کنگره خویشتن را مظهر تمایلات و خواستهای صنفی و ملی آنان شناخته است عالیتترین سپاسهای خود را تقدیم میدارد ، و با قطعیت و خلاص هر چه بیشتر آنرا تأیید می کند ، دانشجویان دانشکاه خونین تهران و دانشجویان مبارز شهرستانها توطئه عوامل انگشت شمار پیش راعلیه وحدت صنفی دانشجویان محکوم میکنند . دانشجویان ایران جمع مصوبات کنگره و تمام پیامها و قطعنامه های آنرا مورد تصویب کامل قرار می دهد و پیروزی مجاهدات دانشجویان ایرانی را که در راه منافع صنفی و ملی آرزو میکند .

.. بگذار جوانان ایران در کوششهای مقدس خود پیروز باشند .

.. بگذار ملت ایران بفرزندان دانشجوی خود در داخل و خارج کشور سلام کند .

**(پیام اولین کنگره کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی و سومین کنگره کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا به جناب آقای دکتر محمد مصدق رهبر ارجمند جنبه ملی ایران**

سردار پیر . سر از زانوی اندیشه بردار و خروش فرزندان را بشنو که با سینه هائی مالا مال از اعیان و بفرمای پیروزی نام ترا می برند . ای دهقان سالخورده تاریخ ما . کاش می توانستی دیواره های قلعه ابراکه در آن بزننجیرت کشیده اند بشکافی و بیرون آئی تا بچشم خویش ببینی از بذری که در مزرعه اندیشه ها کاشته ای نسلی روئیده است که جز بجهاد نمیاندیشد و جز برای تو کام نمی گذارد . و تو آنکاه میدیدی نهضتی را که تو رهبری کردی و او ترا پرورش داد امروز دارای فرهنگی غنی است . فرهنگی که صفحاش با خون نکاشته شده است و داستانش داستان شکنجه ها ، زندانها ، اسارتها و محرومیتها و ست امروز نسلی که پس از هشت سال پیکارش ولوله در جهان انداخته از این فرهنگ الهام می گیرد . مائیز هزاران فرسنگ دور از دیار عزیز و یاران دلیر خویش راه مقدس همین نسل را دنبال می کنیم و بی آنکه لحظه ای بمنافع خویش و حتی بحیات خود بیندیشیم دست اندر کار نبرد با پلیدی و تاریکی هستیم و امروز در برابر همان دشمنانی که از چپ و راست بر تو می تاختند ایستاده ایم و می خواهیم در کوشش ملت خود بسوی روشنائی سهم شایسته خویش را داشته باشیم . نام تو امروز نه تنها فضای وطن ما را گرم میدارد بلکه انسان های بیگانه ای را که امروز مادر زیر آن بر سر می بریم با روح و دل ما آشنا ساخته است زیرا هر کجا که می گذریم سخن از تو است و پیکار مقدس تو . ما بتو اعلام می کنیم که براهی که رفته ای وفاداریم . نام تو محک آزادی و شرف ماست و شیرازه اتحاد و پیوند ما . ما بتو اعلام می کنیم که دوش بدوش یاران تو می جنگیم و از شکنجه و کشتار خصم نمی هراسیم .

ما بتو اعلام می کنیم بنائی را که پی ریخته ای می سازیم . جهادی را که آغاز کردی پیمان می بریم و بقیه در صفحه ۴

### بقیه اصلاحات ارضی

برزگرو کارگر وضعشان درده بخوبی روشن است و هر کس کمترین اطلاعی از ده و برزگرو کارگر داشته باشد بخوبی می داند که فروش زمین به برزگرو کارگر دهقان از آن حرفهای مفت و بی سر و تهی است که در هیچ قوطی عطاری جز نزد آرسنجانان - امینی یافت نمیشود.

در حالیکه همین آقای آرسنجانان برای فریب مردم و دهقانان میگوید

(زمینی را که زارع روی آن کار میکند زمینی را که زارع آباد کرده بموجب شریعت اسلامی و بموجب احکام فقهای اسلام متعلق بزارع است)

ولی دهقانان و مردم بخوبی آگاهند که آرسنجانان امینی نمایندگان مالکان بزرگ ایران رسالتشان نجات حیات و سرمایه مالکین است نه آزادی زارع - برزگرو - کارگر.

جالب توجه این جاست که دولت برای پر کردن جیب مالکان جز خزینه خالی و بدهکاری چیز دیگری ندارد و در چنین شرایط بحرانی بطرز موزیانه ای تامین اعتبار اجرای لایحه را مربوط به بودجه کل کشور می سازد

**ماده ۲۶ -** اعتبار لازم برای اجرای این قانون و هزینه های مربوط به سازمان و عملیات اصلاحات ارضی در بودجه کل کشور منظور و در اختیار سازمان مزبور قرار میگیرد

باینصورت تامین اعتبار در بودجه کل کشور منظور میگردد و میدانیم که امور مالی مخصوص مجلس شورای ملی است و حال معلوم نیست که کی مجلس می آید و از کجا و چگونه تامین اعتبار میشود و کی این حرفهای مفت را قبول میکند مهمترین قسمت رسوا کننده لایحه روابط مالک و زارع است

چطور ممکن است بز انداختن فتوای اسیم و تقسیم اراضی و ایجاد خرده مسالک و تشکیل شرکتهای تعاونی همراه با حفظ روابط مالک و زارع باشد.

تقسیم اراضی یعنی مالک شدن زارع یعنی خراب کردن ساختمان بزرگ مالکی و روابط ارباب - رعیتی، یعنی ایجاد سازمان نوین تولیدی و غیره - لایحه روابط نوینی که متناسب با سازمان نوین تولید است.

واقعا جای تعجب است که چطور آرسنجانان می خواهد هم زمین هارا تقسیم کند هم بزرگ مالکی را براندازد و هم روابط مالک و زارع را حفظ نماید

این لایحه مثل همه هدفهایشان دروغ و حیله گرانه است و جر سرگرمی مردم و فریب دهقانان و پر کردن جیب مالکان و حراست حیات و سرمایه آنان هیچ منظور دیگری در کار نیست

تولید کشاورزی ایران و روابط مالک و زارع بر ۵ عامل زمین - آب - گاو آهن - بذر - کار استوار است از بعضی استثناها و فشارهای وحشیانه مالکان جهت دریافت محصول بیشتر که بگذریم طریقه تقسیم محصول در ایران طبق ۵ عامل فوق است.

هر عاملی یک سهم از ۵ سهم محصول را می برد و زارع یا گاو بند یا مالک هر چند عاملی که در اختیار داشته باشد بهمان نسبت محصول میبرد.

در باره کارگر دهقان صحبتی نداریم چون او در این لایحه محلی از اعداد نیست زیرا کارگر کسی است که نیروی کار خود را در قبال پول یا جنس می فروشد کارگر به مراتب از یک زارع و برزگرو دریافت کمتری از محصول کار خود دارد.

مالکان و گاو بندها او را مورد استثمار بسی رحمانه قرار می دهند.

برزگرو از ۵ عامل فقط عامل نیروی کار را دارد و از حاصل کار و زحمت توان فرسای خود یک پنجم آنرا آنهم بعد

از انواع آفتها آن که از طرف ارباب و دولت و ژاندارم و دیگر مفتخواران وارد میشود دریافت مینماید.

او مجبور است که برای همیشه با خانوادهاش کار کند، جان بکند و دودستی چهار پنجم محصول کار خود را به صاحبان و سائل تولید بپردازد.

زارع کسی است که غیر از عامل کار اغلب بذر را هم با هزار بدهی و قرض و پیش فروش کردن محصول فراهم می کند تا بتواند دو پنجم از محصول را داشته باشد.

زارع ظاهر ادو پنجم محصول را می برد ولی مالک، گاو بند، ربا خوار، پیشه ور ده همیشه چند برابر این یک پنجم او را بدهکار و اسیر خود دارند.

در مورد نقش گاو بند و مالک و ربا خوار و پیشه - ور ده و دیگر انگلهای بستی نیست فقط باید بگوئیم این ها میخورند. آنها کار میکنند

اصلاحات ارضی: تقسیم اراضی، ایجاد خرده مالک و تشکیل کثورتیوها به معنی تولید نوین کشاورزی و روابط تازه و بر انداختن روابط غلط مالک و زارع است.

وقتی آرسنجانان میگوید این کاممتر از ملی شدن صنعت نفت است جز دروغ و بیهوده گوئی و گول زدن مردم چیز دیگری نگفته است.

لایحه آرسنجانان - امینی سازمان پوسیده بزرگ مالکی و روابط مالک و زارع را بجای خود محکم حفظ کرده است.

**تبصره ماده ۱۷ -** زمینهای آبی طبق مقررات این قانون با حقیقه مربوط از قنات یا رودخانه و غیر بزارع منتقل خواهد شد و میزان حقیقه هر زمین آبی از کل منبع آب مربوط با در نظر گرفتن آبش طبق معمول محل خواهد بود.

فصل هفتم - روابط زارع و مالک

الف - وظایف مالک

۱ - پرداخت مخارج مرمت و نگهداری قنات و ...

پرداخت هزینه آب رودخانه و انهار و احداث و تغییر طبق معمول محل

۳ - تهیه بذر مناسب در نقاطی که بذر بعهده مالک است.

وظایف زارع

۱ - انجام عملیات زارعی از قبیل شخم - آماده نمودن زمین - کشت - مواظبتهای زراعتی - برداشت و غیره طبق هدف محل

۲ - تهیه بذر مناسب در نقاطیکه تهیه بذر بعهده زارع است.

وظایف مشترک مالک و زارع

۱ - مراقبت و حفظ و نگهداری قنات - چاه - استخر - جدول نهر و ...

۲ - اخذ هزینه کود شیمیائی و مخارج دفع آفات

۳ - پرداخت حقوق کدخدا و دشتبان و میراب و امثال آنها طبق عرف و معمول محل. آقایان آرسنجانان

امینی بفرمائید بنام اصلاحات ارضی چه روی کاغذ آورده آید آیا جز فروش زمینهای موات و بایر مالکان و حفظ و حراست آنها و سرمایه شان کار دیگری کرده آید؟

آیا فشارها، گرسنگی ها، حق کشی ها، بیکاری ها و انواع مسائب دیگر زارع - برزگرو کارگر را که بصورت عرف و ناشی از طرز تولید و شکل روابط مالک و زارع است شما بصورت قانون تثبیت نکرده آید؟

بنظر شما آقای آرسنجانان تقسیم محصول بصورت ۵ عامل خاص شکل تولیدی کهنه و روابط مالک و زارع نیست؟

آیا سیستم فتوای جزاینست که مالک صاحب و شامل تولید است؟

و مطابق این لایحه مالک صاحب زمین - آب

بذر - گاو و زارع و برزگرو فقط دارای نیروی کار هست یا نیست.

بفرمائید باینصورت شما جز حفظ موقعیت فتوای لایحه برای زارع - برزگرو - کارگر کرده آید؟

شما آقای آرسنجانان بما بگوئید نظرتان از عرف معمول محل چیست

بنظر شما عرف معمول محل همان خصوصیات روابط مالک و زارع نیست

آیا عرف معمول محل که امکان داشت با بیداری دهقانان صورت دیگری بگیرد باینطریق شما شکل قانونی بآن نداده آید

بما بگوئید عرف معمول محل چیزی جز تقسیم محصول بشکل ۵ عامل - مراقبت و حفظ و نگهداری قنات، چاه، باغ مرتفع و حیوانات مالک و آنچه بنام

بیکاری محسوب میشود و پرداخت حقوق کدخدا و دشتبان و میراب و امثال آنها .. و پرداخت دوغن، تخم مرغ، لبنیات، پوست، پشم، مرغ و خروس و .. چیز دیگری هست.

بما بگوئید شرکت تعاونی در این لایحه شما چه می خواهد بکند؟

آقای آرسنجانان شرکت تعاونی روستائی وقتی تشکیل میشود که بزرگ مالکی بدل بخورده مالکی شود و دهقانان بعلت ضعف مالی و عدم آشنائی بوسائل تولید نوین و بمنظور همکاری وسیع در تمام زمینه ها تولید توزیع - فروش ضرورت آن خوب واقف شده همه نیرو را در شرکت و تعاون و مساعدت یکدیگر بکار میبرند.

آقای آرسنجانان: شما کدامیک از ۵ عامل را از مالک گرفته آید که میخواهید بشرکت تعاونی یا بدهقانان بدهید. در مسائل تولید - توزیع - فروش چه تغییری حاصل می شود وجه کسانی وظایف تازه ای پیدای می کنند

آقای آرسنجانان - امینی، اهمه ای وفاحتی که دارید و حرفهای بی سروتهی که می زنید و سروصداهای احمقانه ای که راه می اندازید بواقع از ماده ۲۴ لایحه (سهم زارع و مالک از محصول هر نوع زراعتی طبق عرف و عادت معمول هر محل تقسیم خواهد شد ..) شرمنده نمیشوید

بما بگوئید سهم زارع و مالک از محصول طبق عرف و عادت معمول محل از خصوصیات ساختمان بزرگ مالکی و روابط ارباب رعیتی هست یا نیست؟

و شما آقای آرسنجانان - امینی چطور خجالت نمی کشید و تا این اندازه برای فریب دهقانان و سرگرمی مردم سروصدا راه انداخته آید

آیا این وظایفی را که برای مالک و زارع هر یک جداگانه طبق عرف معمول محل قانون کرده آید از خودتان متنفر نیستید در واقع شرمنده نیستید که این لاطائلات را بنام مبارزه با فتوایها و جامعه نیمه فتوایی و نیمه مستعمراتی بخورد مردم ایران میدهید.

زمان و عمل برده از چهره دروغین اصلاح طلب شما بر خواهد گرفت و مشتتانی پیش زارعین باز خواهد شد و یکبار دیگر ملت ما و مخصوصا دهقانان باین نتیجه میرسند که دولت هیئت حاکمه و نماینده مالکان بزرگ نمیتواند حقوق زحمتکشان ایران را تامین کند

### بقیه کنگره دانشجو

دیوارهای استبدادی را که شکافتی فرو می ریزیم، ما بتوانیم اعلام می کنیم که همگام با ملت خویش بیاخته ایم تا شب سیاه ملک خویش را بصبح کشانیم. استعمار را که تومجروح کردی بمیرانیم و در راه تو در پی تو شرف و آزادی ملت خویش را از چنگال دژخیمان مردم خوار و غلامان جان نثار رهائی بخشیم و زنجیرهای گران را از پای تاریخ وطن خود را برداریم.

دوردهای گرم و آتشین فرزندان وفادار خویش را بپذیر.

## هجوم قشون چنگیزی بدانشگاه تهران

شیخون زد بدانشگاه تهران  
گروه لشکری چون دیو غضبان!  
ز راه کین و عدوان حمله ور گشت  
بجولانگاه علم و فضل و ایمان!  
بفرمان حکومت کام بنهاد  
در آن قدسی سرای پاک ایوان!  
بجائی کاندر آن جوشند و کوشند  
جوانان وطن، در راه ایران!  
کجا کز هر کنارشی رادمردی  
بفرد همچو شیر اندر نیستان!  
همه یزدان شناسی و اهرمن کوب  
همه آزاد مرد و مرد میدان!  
همه دانش پزوه و حکمت اندوز  
همه پاکباز جوی و پاکدامان!  
بتهدیب روان وارسته از تن  
بتحصیل هنر دلپسته از حان!  
همه بیدار مغز و روشن اندیش  
همه آزاد فکر و سخت پیمان!  
بدین خرم سرای نغز، کش باد  
درود از جانب ملت فراوان!  
هجوم آورد چون غولان رهزن  
گروهی چتر باز از راه عدوان!  
گروهی خورده نان از خون ملت  
بجای حقگزاری، شکر احسان!  
بفرزندان ملت حمله بردند  
چو گرگان بر چراگاه غزالان!  
بسان لشکر تاتار کز چین  
هجوم آورد زی ملک خراسان!  
بدست اندر سلاح و بر سر او  
عنان سرنیزه بران و رخشان!  
به رغم رادمردان سپاهسی  
که در لشکر فزون یابی از ایشان!  
بدانشگاه تهران رو نهادند  
چون بر شهر سپاهان جیش افغان  
نه در آئینشان رحمی بخواهر  
نه در وجدانشان مهری به اخوان!  
دوان چون خوک وحشی از چپ و راست  
فتاده که بجان این و گه آن!  
یکی را سینه بشکستند و بازو  
یکی را دنده کوبیدند و ستخوان  
یکی را چاک کرده جیب و دامن  
یکی را سخت بگرفته گریبان  
فراوان سینه و سر کرده مجروح  
ز جمعی بی سلاح از نوع انسان  
بسا دختر که گشت از ضربت تیغ  
خروشان، خونفشان، کیسویریشان  
بسا پور دایر از جور سرباز  
بود بشکسته سر ببریده شریان  
بجرم آنکه هشیارند و خواهند  
که گردد کار این کشور بسامان  
بدیوار و در و اسباب تعلیم  
نبخشوند نیز آن قوم نادان  
کنون آزادگان خواهند یکسر  
زوال دور خود کامی ز یزدان  
فدیحت های این دولت رقم گشت  
بدفترها بنام «ننگ دوران»  
حکومت چون ندارد تکیه بر خلق  
نباشد جز بنائی سست بنیان  
دو صد نفرین بر آن مامور و آمر  
دو صد لعنت بر این دستور و فرمان

## آوای انتقام

دست رشید ملت ایران  
همراه باخروش دلیران  
از آستین دوباره در آید  
یک نوکر سیه دل مزدور  
یک دشمن سبک سرمغفور  
دنبال نو کردگر آید  
یک سرزیننه های خروشان  
همچون صدای غرشی طوفان  
آوای انتقام بر آید  
فریاد زنده باد مصدق  
پاینده باد رهبر صادق  
از سینه های پر شرر آید  
وانکه بگوشی مادر میهن  
دیگر بگوشی دشمن  
همواره نغمه ظفر آید  
«جاوید باد جبهه ملی  
این آزموده سنگر ایران  
پیروز باد ملت جاوید  
پاینده باد کشور ایران  
پرافتخار باد نام مصدق  
یکتا زعیم و رهبر ایران»

## بقیه خطابه آزادی

اینست که بدون شک و تردید میگوییم بدون وصول  
بمقام منبع آزادی و جلوس در جایگاه رفیع آزادی و  
مستی از باده جان پرور آزادی و برخوردار شدن از  
تجلیات آزادی بشر بگسترانیدن بساط حکمت و عدل و  
صعود به مرحله کمال و انسانیت نائل نخواهد شد  
آزادی کمال مطلوب انسانی است و مظهر  
نکویی و زیبایی است و کاخ عدالت و انسانیت جز در روی پایه  
آزادی استوار نخواهد گشت و درخت تمدن جز در  
پرتو آزادی پرورش نخواهد یافت و علم و دانش جز  
در مهد آزادی پرورش نخواهد یافت و پیشه ظلم و  
ستمگری جز با تیشه آزادی کهنه نخواهد شد و بنجم  
حکمت و فلسفه جز در زمین آزادی نخواهد روئید و  
مردان باشهامت و تفوی جز در هوای آزادی نشو  
نما نخواهند کرد و اصل حقوق ملل جز در سایه آزادی  
محفوظ نخواهد ماند و حفظ شئون ملی و کسانون  
خانوادگی جز با رعایت آزادی مستقر نخواهد گردید  
و پایه قومیت و ملیت فردی و اجتماعی و حفظ حیثیت  
سیاسی و اجتماعی و مصونیت از تجاوز و تعدی و  
زیستن با تقوای و سربلندی جز در پناه حسن حسین  
آزادی میسر نخواهد شد  
«از تاریخ مشروطیت ایران تالیف دکتر  
ملک زاده جلد اول ص ۱۸۷» صدائی که این  
خطابه را بگوشی مردم می رساند و الهام بخش مشروطه  
خواهان بود بدست محمدعلیشاه مستبد خفه شد ولی  
فریاد آزاد پیخواهر، ملت آنقدر اوج گرفت که بساط  
استبداد را درهم پیچید.

## بقیه ادعاهای پوچ

میکنند، غوغای میهن پرستی، جنجال آزادی، هیاهوی  
مبارزه با فساد، ازدحام مبارزه با بیسوادی، یکبار دیگر  
بازی رنگها و تیرنگای دیرینه هیات حاکمه را  
بفرمانفرمائی سیمای ننگین دکتر علی امینی، بصفحه  
آورد

ولی امروز بدنبال گذشت یک حکومت چندماهه  
و ننگ آلود، هیات حاکمه، نقش بازیهای گذشته را بنقش  
جدید اصلاحات ارضی تبدیل ساخت.

دولت دکتر علی امینی، بدنبال یک مانور سیاسی  
امیر بایسم انگلیس، و همراه گونیهای پوسیده سخنرانی  
های تبلیغاتی بر جایگاه کثیف دکتر اقبال و شریف  
امامی تکیه زد. پس در پی دم از اصلاحات، مبارزه با فساد،  
مبارزه با بیسوادی زد. از بیچارگیهای دولت، از خالی  
بودن خزانه، از اغتشاشات اداری، از آلودگیهای  
دستگاهها، و بالاخره از صداقت انقلابی خویش و هیات  
دولت، سخنهای گفت. ولی چه شد؟ همین دولت که از  
صافی آینه مانند خزانه دولت، افسوس ریا میخوردم متجاوز  
از ده میلیون ۱۰۰۰۰۰۰ ریال بودجه برای  
آگهیها، اعلامیهها، نقش و نگارها، و تابلوهای جنجال  
مبارزه با بیسوادی خرج نمود. برای چه؟ برای اینکه  
بدنیات ثابت کند، نودون درصد مردم ایران بیسوادی  
ده میلیون ریال برای اثبات بیسوادی مردم کشور!!! چرا؟  
فقط بیک دلیل، بدلیل اینکه چهره ننگین خود را فریبنده  
تر جلوه دهد.

برای اینکه بدنیای بگوید: ما که انتخابات نمیکنیم  
ما که میگوئیم آزادی انتخابات در ایران غیرممکنست.  
برای اینکه نودون درصد مردم آن بیسوادی. آخر  
مردم بیسواد چگونه میتوانند بر سر نوشت خویش حاکم  
باشند؟! آخر چگونه میتوان مجلس ملی بایک مشت مردم  
بیسواد و جاهل ترتیب داد؟!!

دانشگاه تهران، سنگر روشنفکر و آزاداندیشان  
برای نشان دادن چهره حقیقی هیات حاکمه، در همان  
روزهای نخست هیاهوی مبارزه با بیسوادی با نهایت  
صداقت و پاکبازی حاضر شرکت در این امر اصیل و  
ملی گردید. اکثر دانشجویان بخاطر نجات هم میهنان  
خویش از باتلاق بیسوادی و آشنا کردن آنان با صل  
زندگی متمدن و حقوق انسانها، برای تدریس در این  
کلاسها اسم نویسی کردند، معذالک برنامه کذائی  
هیات حاکمه هرگز به مرحله عمل در نیامد. زیرا غرض  
از این برنامه تنها آشفته کردن افکار جهانی و سرگرم  
نمودن مردم بود. نه مبارزه با بیسوادی. هیات حاکمه  
میخواست خود را در برابر عدم اجرای انتخابات در  
مقابل افکار خارجی جهان، ذی حق نشان دهد. علی امینی  
جلاد دانشگاه، و سلاخ روشنفکران سراسر ایران  
میخواست مشروطیت بدون مجلس ایران را بیای جهل  
و بیسوادی خود مردم گذاشته و پایه های دیکتاتوری  
ظالمانه خود را محکم سازد.

و امروز نیز وزیر کشاورزی او یعنی حسن نفتی  
فریاد میزند: بدون اصلاحات ارضی اجرای انتخابات  
آزاد غیرممکنست!! و بدین ترتیب باز هم میکوشد تا  
با مانورهای تبلیغاتی مبارزه با فساد لیزم فاجعه تعطیل  
مشروطیت و کشتار و وحشیانه دانشگاه را تا استقرار  
کامل استبداد سیاه ادامه دهند. غافل از اینکه ملت  
ایران دیگر گول این صحنه سازها را نخواهد خورد.  
بازی رنگها را پایان خواهد داد. بتهای ارتجاع را  
خواهد شکست. و تا برقراری کامل مشروطیت، علی رغم  
دروغ بردازیهای هیات حاکمه بیکار خواهد کرد. و  
وبالاخره مشتتهای گره کرده مات بردهان یاوه گوینان  
هیات حاکمه فرود خواهد آمد.

گرفتن هر نوع قرضه بدون تصویب مجلس تجاوز بقانون و خیانت به ملت ایران است

## بقیه مسئله کودتا

خارجی تا عوامل و مهره های داخلی و تا مردم کوچک و خیابان همه می دانند که در این مملکت دو گروه زندگی میکنند. يك اقلیت حاکم و يك اکثریت محکوم و نیز همه می دانند اقلیت حاکم گروهی از مردمانند که بواسطه تبعیت از سیاستهای استعماری و تقبل ماموریت اجرای برنامه های آنها از حاکمیت برخوردارند.

چنین وضعی بوجود آمده است تا استعمار بتواند منافع حقه مردم این سرزمین را - از منابع و امکانات طبیعی تا محصول کار و دسترنج نیروهای انسانی - منفع خود ضبط کند.

طبیعی است که گروه محکوم در مقابل دستبرد و تجاوز دیگران بحقوق او در برابر مقاومت برمیخیزد و سپس بمبارزه می پردازد و عاقبت بواسطه آنکه اول اکثریت دارد و ثانيا حق میگوید پیروز می شود و بدیهی است که استعمار خارجی و گروه حاکم داخلی همیشه با تمام قدرت در طرف دیگر مبارزه ایستاده است و هیچگاه خود در راه اعاده حقوق اکثریت اقدامی نمی کند زیرا که هدفش کاملا در خلاف این جهت است و جمع شدن ممکن نیست.

در وضع حاضر مملکت ما که استعمار قوی و تمام مراکز قدرت حاکم را در دست دارد دولت اکثر امینی هم بی چون و چرا متعلق باوست زیرا بعین می بینیم که این دولت بین مردم هیچگونه پایه ای ندارد سهلست، همه یکپارچه برای پایان دادن به عملیات غیر قانونی و جابرانه اش بپا خاسته اند بعبارت دیگر چون این دولت نه نماینده گروه محکوم و نه متکی بآنست مطابق اصول کلی و بدیهیات فوق الذکر از آن جهت جزو اقلیت حاکم آمده است که متعلق با استعمار و مامور اجرای برنامه های آنست و بموجب همین امر است که هر لحظه با تمام نیروهای جنگی و بوق کزنای دروغ پردازان و وحشیانه و ناجوانمردی یورش می آورد

پس در این میان موضوع کودتا چیست؟  
عامل کودتا کیست و هدف کودتا کدامست؟  
آنچه مسلم است کودتا چنان جدید هم مانند کودتا چنان سابق در ۲۸ مرداد عامل استعمار و مامور اجرای برنامه های آنند. چیزیکه باقی میماند یافتن هدف کودتا است که بسیار دقیق و حساس است زیرا اکنون که تمام قدرتهای حاکمه در دست استعمار است موضوع اقدام گروهی یا مراکزی از این دستکاه به عمل کودتا چندان ساده نیست پرواضح است که هدف کودتا دستکاه حکومتی نیست چرا که مدتهاست این دستکاه بدست کودتا چنان عامل استعمار اداره میشود یعنی برخلاف آنچه آقای دکتر امینی بانقشه قبلی نتیجه گیری می کند هدف کودتا حلق آویز کردن ایشان و امثال و اقران ایشان نیست زیرا دولت ایشان و قدرت های دیگر دستکاه حاکمه چنانکه گفته شد به آن علت جزو اقلیت حاکمند که تبعیت از سیاست خارجی و ماموریت اجرای نقشه های آنرا پذیرفته اند و باین ترتیب اولاد لیلی برای زمین چینی اربابان بمنظور ظرد اینان موجود نیست و ثانيا اگر هم روزی برسبیل هوی و هوس قصد کوبیدن نوکران صدیق و مطیع خود را بنمایند از آنجا که تنها نیروی پشتیبان ایشان همان استعمار است نیاز چندانی بزمینه چینی نیست.

آری، کودتای دستکاه کودتا دارای مفهوم دقیق و حساسی است.

یکپار در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه ملت کودتا کردند و در آن موقع کودتا مفهوم عادی داشت باین معنی که پایگاههای داخلی ارتجاع بهدایت و پیشستیاسانی اربابان خارجی علیه دولت ملی د کتر مصدق. یعنی علیه پایگاه حکومتی مردمی که دیگر نمیخواستند محکوم باشند دست بکودتا زدند و حکومت را بدست گرفتند و بدینال آن بر مردمیکه چنان نظامی را بجان پشتیبان بودند تا ختنند تا مغزها را خورد کنند و دستها را ببندند و دهانها را بدوزند. و امروز پس از هشت سال دستکاه کودتا قصد کودتای تازه ای دارد آقای دکتر امینی با معرفی خود و دیگر «مامورین نجات هیئت حاکمه» بعنوان هدف کودتا بجای کسب اهمیت بر مسخرگی و ایتذال خود خواهد افزود. درست است که ارتجاعی ترین پایگاههای استعمار و کثیف ترین عناصر هیئت حاکمه قصد کودتای تازه ای داشته اند و در اندویشند دولت دکتر امینی و اعوان و انصارش ارتجاعی تر و کثیف تر از آنند که اربابان یا همکاران خود را بزحمت کودتا بیندازند.

آروز کودتا نمیکنند تا حکومت را در دست گیرند زیرا حکومت قبلا در دست گرفته شده است. امروز کودتا میکنند تا چنانا تیکه پس از هشت سال کهنه و عادی شده زنده تر، مدرن تر و کاملتر شود. امروز کودتا میکنند تا بعنوان استفاده از آخرین حربه و اعمال تمام قدرت بتوانند منافع حقه مردم ما را که بمقاومت دلیرانه برخاسته اند باز هم بنفع استعمار بیغما برند، تا بتوانند باز هم بقیمت فقر و کسرتگی مردم ما جیبهای خود و اربابان خود را انباشته تر سازند. امروز کودتا میکنند تا مقاومت و عصیان و مبارزه مردمی را که از این جنایات بتنگ آمده اند با نیروهای مسلح جنگی که فقط برای چنین روزهایی آماده ساخته اند هر چه و حشیانه تر در هم بکوبند تا کورستان بسازند و فارغ البال از هر تعرضی امروز کودتا میکنند تا مردمیکه در این هشت سال بسیام چالهای قزل قلعه و باشاه و شلاق و شکنجه های قرون وسطائی و مدرن و خارک و فلك الافلاك و بالاخره چوبه های تیر عادت کرده اند و اهمیت نمی میدهند بمبارزه برخاسته اند. چنگ و دندان تازه ای نشان دهند.

امروز کودتا میکنند تا بمحیط مقدس دانشگاه همچون يك منطقه اشغالی. قشون پیاده کنند و چشون لشکریان جنگی بکشند و بسوزند و بچینند. استعمار تنبیر نکرده و دستکاه کودتا از عمر خود سیر نشده است.

هشت سال پیش علیه ملت کودتا کردند و امروز هم علیه ملت کودتا میکنند.

هدف کودتا ملت قهرمانیست که علیرغم همه فشارهای دستکاه کودتا بپا خاسته است و حقوق اساسی خویش را طلب می کند. کودتاهای دستکاه کودتا بخاطر اینست که برای دولتهائی مثل دولت امینی و یا برای قدرتهای دیگر دستکاه کودتا و اسلحه و زمین هائی فراهم کند تا بهتر و آسانتر بتوانند بکشند، ویران کنند و زندان سازند.

طبیعی است آنچه از اشکال مختلف مقاومت و مبارزه مردم که اصیل، متشکل، حساب شده و با رهبری صحیح ملی باشد برای هیئت حاکمه خطرناکتر است و بخاطر این خطریکه موجودیتش را تهدید می کند در آخرین تلسانی دست باعمال روشهای وحشیانه میزند که مجموعه آن بکودتا تعبیر میشود بنابراین همانطور که هدف کودتای هشت سال پیش بطور اعم ملت ایران و بطور قدرت اخص قدرت حکومتی مردم یعنی دولت دکتر مصدق بود امروز هم هدف کودتا بطور اخص

قدرت اصیل و متشکل مردم یعنی جبهه ملی است کودتا میخواهد بطور ناگهانی بر جبهه ملی بتازد و علاوه بر آن - همچنانکه در هشت سال پیش - در مراکز کاری مانند دانشگاه و بازار و کارخانه و مدرسه که بواسطه جمع بودن افراد بدور هم خود بخود مشکلی ایجاد می کند دست بیورشهای وحشیانه بزند تا دیگر مغزی برای فکر کردن و دستی برای کوشیدن باقی نماند بطوریکه پس از ۲۸ مرداد نیز همین برنامه را اجرا کردند و در ۱۶ مهر بیابازار تاختند در ۲۱ آبان حمله سرباز و پلیس بمدارس شروع شد در ۱۶ آذر صحن دانشگاه و کلاسهای درس ستون سه تن دانشجوی شهید نهضت ملی رنگین گشت و اکنون هم اعمالی که در این یکی دو ماهه از طرف دستکاه کودتا نسبت بجبهه ملی و در دانشگاه و مدارس تهران و شهرستانها انجام شده قیافه و مشخصات کودتا را نشان میدهد

ولی همه چیز دلالت بر آن دارد که دیگر در بر شده است -

با وجود تمام قدرت استعمار و همه قدرت و میهنهائی، عمق نهضت ملی و سرسختی جبهه ملی و استقامت مردم از یکطرف و انحطاط و زبونیت دستکاه متزلزل حاکمه و شرایط خاص بین المللی از طرف دیگر اجازه نخواهد داد حاکمان جبار بتوانند سرزمین ما را همچنان بصورت کورستان پر نعمتی خراب و بیغما بی معارض خویش سازند. بیداری و تشکر روز افزون نیروی کوبنده ملت بحدی رسید، است که دیگر اجازه نمیدهد هیچ عامل یا گروهی با هر رنگ و نقشی ای بتواند سیستم حکومت استبدادی و استعماری را ادامه دهد. همه عوامل هیئت حاکمه باید بدانند که نه تنها موش و گربه بازی ظاهری و متری نمائی يك گروه نسبت بگروه دیگر، بلکه حتی قربانی کردن واقعی يك گروه هم نخواهد توانست از مرگ دستکاه عامل استعمار و پایان رسیدن عمر چنین سیستم حکومتی - بهر رنگ و مشکلی که باشد - جلوگیری کند. دیگر نه «نظامیها» میتوانند با دست زدن بکودتای تازه ای قدرت حیات بدستکاه فرعون کودتا ببخشند و نه «مامورین نجات هیئت حاکمه» خواهند توانست با دروغ و نیرنگ و اعمال همان روشهای کودتائی مبارزه مردم را موقوف و ماموریت خود را بانجام رسانند.

## بقیه گنگره دانشجویی

ایرانی نقش حساسی است که پیروزی کوشش ها و تلاشهای يك ملت در کبر و پیروزی آن است همزمان با دلاوری و رشادت کم نظیر دانشجویان دانشگاه های ایران که بادرک کامل مسئولیت و وقوف همه جانبه بشرائط کنونی مبارزه ملی همراه است، هزار دانشجوی ایرانی که در سراسر اروپا و آمریکا پراکنده اند دست اندر کار نبرد دلیرانه و کوشش خستگی ناپذیری برای حمایت از مبارزات هموطنانشان هستند و فریاد هائی را که بدست عوامل جور و ظلمت در داخل مرز های ایران در حلقوم مجاهدان راه آزادی شکسته می شود با صدای رسای هزارها هزار جوان میهن پرست ایرانی در افطار کیتی بلند آوازه می کنند و غیر از آن صنف دانشجویان منظور تقویت و تحکیم همبستگی بیشتر از این دانشجویان از کار و مجاهدت در زمینه های صنفی غافل نمانده اند و کنگره کسندراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا محصول نتیجه بقیه در صفحه ۳

افتخار بر هبران زندانی جبهه ملی ایران